فصلنامه علمی
سال سیزدهم/ شماره ۳۹/ تابستان ۱۴۰۴

ISSN: ۲۵۳۸-۶۱۹۰
EISSN: ۲۷۱۷-۴۰۸۵

صاحب امتیاز: جامعه المصطفی ﷺ العالمیه
محل انتشار: مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

مدیر مسئول: سید امیر رضا طاهایی فرد

سردبیر: علی نقی فقیهی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

حمید پارسانیا/ دانشیار فلسفه، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
مسعود جان بزرگی/ استاد روان شناسی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
فرح رامین/ استاد فلسفه و کلام اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم
عادل ساریخانی/ استاد حقوق جزا و جرم شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم
محمد مهدی صفورایی پاریزی/ دانشیار روان شناسی تربیتی، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی ﷺ العالمیه
جمیله علم الهدی/ دانشیار علوم تربیتی و روان شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
محمد فاکر میبدی/ استاد تفسیر و علوم قرآن، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی ﷺ العالمیه
علی نقی فقیهی/ دانشیار روان شناسی تربیتی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم
حسین قمری گیوی/ استاد مشاوره، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی
محمد مهدی گرجیان عربی/ استاد عرفان اسلامی و علوم قرآن، عضو هیئت علمی دانشگاه باقر العلوم
محسن ملک افضلی/ استاد فقه و مبانی حقوق، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی ﷺ العالمیه
محمد نریمانی/ استاد روان شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

مدیر داخلی: سارا شفیعی

کارشناس نشریه: عطیه مرادی

مترجم چکیده: کمال برزگربفرویی

صفحه بندی: خانه چاپ و گرافیک سحر

فصلنامه علمی «پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده» در پایگاه های اطلاع رسانی ذیل به صورت تمام متن قابل دسترسی است.

۱. پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) **www.isc.gov.ir**
۲. پایگاه مجلات تخصصی نور **www.noormags.ir**
۳. بانک اطلاعات نشریات کشور **www.magiran.com**
۴. پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی **www.sid.ir**

پایگاه نشریه **http://pzk.journals.miu.ac.ir**
پست الکترونیکی **pzk.journals@miu.ac.ir**

این نشریه حاصل فعالیت مشترک جامعه المصطفی ﷺ العالمیه با انجمن علمی فقه و حقوق خانواده ایران است.

نشانی مجله: قم، پردیسان، ابتدای بلوار امامت، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی.
امور تحریریه: ۳۷۱۸۳۱۸۴-۰۲۵ کدپستی: ۳۷۱۶۶-۶۴۴۶۲

قیمت:۹۰۰،۰۰۰ ریال

این نشریه، براساس نامه مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۱۶ به شماره ۳/۱۸/۱۹۴۹۷۷/
کمسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)، از
شماره ۲ حائز رتبه «علمی-پژوهشی» گردید.

رویکرد: موضوع «زن و خانواده» از دیرباز مورد بررسی، پرسش و ژرف نگری اندیشمندان دینی و غیردینی بوده است و طرفداران هر اندیشه، با توجه به شالوده معرفتی خود، نظام فکری مبتنی بر آن شالوده را ارائه می نمایند. فصلنامه علمی «پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده» در پی آن است که اندیشه های علمی دانش پژوهان و فرهیختگان را در حوزه زنان و خانواده، مبتنی بر مبانی اسلامی و نقد شناسه های غیر دینی منتشر نماید و به نشر مؤلفه های بنیان های فکری دین اسلام بپردازد.

داوران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفبا)

رضا احمدی، رقیه ابراهیمی شهرآباد، رضا احمدی فاطمه حاجی رحیمی، شهره روشنی، راضیه زارعی، مرضیه سادات سجادی، سید علی سید موسوی، سارا شفیعی، حسن شکوری، داوود صفا، خالد غفوری الحسنی، محمد رضا قائمی نیک، محمد فلاحی قمی، شهناز کریم زاده، عباس علی هراتیان

دبیران تخصصی نشریه (به ترتیب حروف الفبا)

سارا شفیعی، حسن شکوری، داوود صفا

راهنمای تدوین و نگارش مقالات فصلنامه علمی «پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده»

۱. مقاله دست‌آورد پژوهش علمی نگارنده بوده و مختصات روش‌شناختی و سامان یافته در ارائه موضوع مورد تحقیق بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.

۲. پذیرش مقاله برای چاپ به عهده هیئت تحریریه فصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن، اعلام خواهد شد. بدیهی است که فصلنامه هیچ‌گونه تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت و کلیه مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده و یا نویسندگان آن خواهد بود.

۳. مقالات ارسالی حداقل در ۱۵ صفحه و حداکثر ۲۰ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) و با قلم لوتوس شماره ۱۲در محیط word حروف چینی شده باشد و به پایگاه نشریه ارسال گردد.

۴. مقاله ارسالی باید دارای ساختار مقالات علمی و با رعایت شرایط ذیل باشد:

۴-۱. دارای عنوان، چکیده، (حداکثر ده سطر یا ۱۵۰ کلمه)، کلید واژگان (حداکثر ۷ کلید واژه)، مقدمه، روش پژوهش، نتایج، بحث و نتیجه‌گیری و فهرست منابع باشد.

۴-۲. عنوان مقاله دقیق، علمی، متناسب با متن مقاله و با محتوایی رسا و مختصر باشد.

۴-۳. مقدمه مقاله محل طرح موضوع مقاله، اهمیت و ابعاد و پیشینه موضوع مورد پژوهش و بیان منظور نویسنده از طرح پژوهش باشد.

۴-۴. روش پژوهش شامل روش تحقیق، طرح تحقیق، جامعه و نمونه آماری و ابزار جمع‌آوری اطلاعات است.

۴-۵. دربخش نتایج، نتایج حاصل از تحقیق و آزمون فرضیه ارائه شود.

۴-۶. در بخش بحث و نتیجه‌گیری، مقایسه دستاورد پژوهش با دیگر مطالعات ارائه شود و پیشنهادات کاربردی و محدودیت‌های مربوط به پژوهش نیز بیان گردد.

۴-۷. استناد دهی و تنظیم فهرست منابع به شیوه APA باشد:

رفرنس دهی به شیوه APA

الف) ارجاع به متون در داخل متن با یک نویسنده و یک کتاب

۱. اگر نام نویسنده داخل متن ذکر شود: فقط (سال انتشار) کنار نام نویسنده داخل پرانتز بیان می‌شود؛

۲. اگر نام نویسنده و سال انتشار داخل متن ذکر شود در انتهای متن رفرنس آورده نمی‌شود.

۳. اگر نام نویسنده و سال انتشار در متن ذکر نشود، ارجاع داخل پرانتز و انتهای متن بیان می‌شود. (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار)

اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می‌شود: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه). اگر کتاب داری چند جلد باشد: (نام نویسنده، سال انتشار، ج/ ص)

ب) ارجاع به متون با نویسنده نامشخص

۱. چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله داخل پرانتز همراه با سال انتشار نوشته می‌شود: (چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله، سال انتشار).

ج) تنظیمات فهرست منابع

۱. مقاله

- نام خانودگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان مجله، شماره نشریه (دوره انتشار)، شماره صفحه ابتدای مقاله - شماره صفحه انتهای مقاله.

۲. کتاب

- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). نام کتاب. نام کامل مصحح یا مترجم. محل انتشار: انتشاراتی.

اگر نویسنده شرکتی باشد نوبت چاپ بعد از عنوان کتاب در پرانتز ذکر می‌شود:

- نام خانوادگی،نام نویسنده (سال انتشار). نام کتاب (نوبت چاپ). محل انتشار: انتشاراتی.

۳. ارجاع به کتبی که نویسنده مشخص ندارد مثل فرهنگ لغت:

عنوان کتاب (نوبت چاپ). (سال انتشار). محل انتشار: انتشاراتی.

در این شماره می‌خوانیم

عوامل مؤثر بر حل تعارض نومتأهلین؛ یک مطالعه کیفی پدیدارشناسی / زینب غفوریان،یاسر رضاپور میرصالح، زهرا احمدی، فاطمه دافعیان ۷
مقایسه تعارضات زناشویی همسران رشدیافته در خانواده های کم‌جمعیت و پرجمعیت / مسعود نورعلیزاده میانجی، زهیر احمدی ..۲۷
مسائل اجتماعی معاصر زن و خانواده مسلمان در اندیشه امام موسی صدر/ محمدصادق کربلایی زاده استبرق، یحیی بوذری نژاد، محسن صبوریان ۴۵
نقش معنوی زن و تحلیل آن در ارتقای ارزش‌های شهیدپروری در خانواده: مطالعه موردی اسماء بنت‌عمیس / محمدجواد یعقوبی، ناصر باقری بیدهندی ۶۵
بررسی و نقد آرای تفسیری مفسران اهل‌سنت از قرن دوم تا چهارم هجری درباره آیه ازدواج موقت/ زینب بابایی چاپلقی، محمد مرادی ۸۹
واکاوی فقهی زیست مجردانه در فقه امامیه با تأکید بر روایت «حلت العزوبه»/ علیرضا احمدآبادی، حسن شکوری، محمدجواد بحرینی ۱۰۹
جایگاه اسطورهای تربیتی داستان سیاوش و سودابه در شاهنامه فردوسی و همانندهای جهانی آن / محمد فولادی، عاطفه سلطان مرادی ۱۲۷

The Islamic Journal of Women and the Family
Print ISSN: 2538-6190 Online ISSN: 2717-4085
Homepage: https://pzk.journals.miu.ac.ir

Factors Affecting Conflict Resolution among Newly Married Individuals: A Qualitative Phenomenological Study

Zeinab Ghafourian[1], Yasser Rezapour Mirsaleh[2]✉, Zahra Ahmadi[3] , and **Fatemeh Dafeian[4]**

1. M.A. Student in Family Counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran.
Email: zeinab.ghafourian@gmail.com 0009-0004-1466-4542

2. Corresponding author, Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran.
Email: y.rezapour@ardakan.ac.ir 0000-0002-7308-6912

3. Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran.
Email: ahmadi@ardakan.ac.ir 0009-0008-7308-4666

4.M.A. Student in Psychology, Department of Psychology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran.
Email: fatemehdafeian1377@gmail.com 0000-0002-3369-2731

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 18 March 2025
Received in revised form 22 April 2025
Accepted 26 May 2025
Available online 30 May 2025

Keywords:
couples' conflict resolution,
relationship improvement,
newly married individuals,
marital problem-solving skills,
effective marital communication,
family and social support,
couples' emotional well-being.

ABSTRACT

Objective: The ability to resolve couples' conflict refers to the attitudes and skills that enable an individual to choose an effective and adaptive solution to life's problems and play a role in marital satisfaction. Accordingly, the present study was conducted with the aim of qualitatively investigating the factors affecting conflict resolution among newly married individuals.

Method: This qualitative and descriptive phenomenological research was conducted using the seven-stage Collaizi's method. Newly married individuals were selected by the judgmental sampling and the sampling continued until saturation in semi-structured interviews. Data collection was conducted through semi-structured interviews with 11 people.

Results: The findings showed that eleven categories including appropriate negotiation styles; use of specialized help, namely, counselor/psychologist; restoring couples' positive emotional systems after conflict; couples' coping strategies when faced with family control; family efforts to resolve couples' conflict; economic issues and the ability to resolve them; lack of control; trust; encouragement; emotional well-being and effective communication skills are among the factors affecting conflict resolution among newly married individuals that play a role in improving their relationships

Conclusions: The results show that enhancing the conflict resolution ability of couples can increase the readiness of newly married individuals to face similar crises in the future. Providing information, training to couples and counseling interventions to increase the ability to resolve conflict can greatly help newly married individuals in improving their relationships.

Cite this article: Ghafourian, Z., Rezapour Mirsaleh, Y., Ahmadi, z., & Dafeian, F. (2025). Factors Affecting Conflict Resolution among Newly Married Individuals: A Qualitative Phenomenological Study. *The Islamic Journal of Women and the Family,* 13 (2), 7 - 26. https://doi.org/10.22034/ijwf.2025.19351.2317

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.
Publisher: Al-Mustafa International University.
DOI:https://doi.org/10.22034/ijwf.2025.19351.2317

Introduction

Marriage is the most important and sacred bond between two people and is the beginning of a lasting relationship between them, who intend to establish a lasting and comprehensive connection in psychological, social, emotional and physical terms, and provide the basis for the formation of an emotional-supportive center. Despite its emotional and sexual attractions, married life is sometimes the gradual beginning of problems and disagreements in various areas. The failure of newly married individuals to resolve marital disputes and problems is due to countless factors, and failure to properly identify these factors can exacerbate the occurrence of disputes. The lack of adequate knowledge of newly married individuals at the beginning of life can play a role in the occurrence of conflicts. Although marriage and the continuation of the family are considered sacred, various factors can threaten this fundamental social base. One of these factors is the inability to effectively resolve conflict when marital conflicts arise. Therefore, the ability to recognize and resolve conflict can play a role in improving couples' relationships. In order to improve couples' relationships and improve the quality of life of family members, cognitive-behavioral approaches are used, including improving the ability to resolve conflict. Conflict resolution skills are a type of active learning aimed at adapting to internal and external challenges.

D'Zurilla and Nezu (2010) consider the five-stage model of problem solving to include approaching the problem, defining the problem and setting goals, generating alternative solutions, making decisions and taking action, and evaluating. Positive conflict resolution methods such as compromise and negotiation are associated with increased communication skills through cognitive-social maturity and higher interpersonal understanding in married life. Research has shown that family-centered conflict resolution skills training increases differentiation, improves optimism in life orientation, increases positive affect, and reduces learned helplessness in dysfunctional couples (Dehrouyeh and Tavakoli, 2024). Also, conflict resolution methods have a strong predictive role in marital adjustment (Atashpour and Delforouzni, 2024). The existence of conflict between couples has a negative impact on marital relationships, and violence between newly married individuals is three times more than in couples who have been married for a long time (Odrow, 2019). Conflict resolution skills are a cognitive skill that an individual can take steps to improve based on their experiences. Therefore, it is essential to identify factors that can lead to the growth and development of conflict resolution skills and the enrichment of newly married individuals' relationships (De la Fuente et al., 2019). The present study aimed to qualitatively investigate the factors affecting conflict resolution to improve the newly married individuals' relationships.

Method

This study was conducted by a qualitative descriptive phenomenological method using the

seven-stage Collaizi's method. Interview data were analyzed through coding. For validation, interview transcripts were reviewed by participants and the research report was evaluated by experts. The researcher also reviewed the implementation process in consultation with knowledgeable professors to confirm the reliability of the study. To collect data, first, the marital satisfaction questionnaire by Hudson (1992) was administered, and those who scored higher than the average were entered into a semi-structured interview. Interviews were conducted with 11 newly married individuals in the province of Yazd and continued until theoretical saturation was reached. The criteria for entering the interview included a marriage period of between six months and two years, no children, and a score higher than the average on the marital satisfaction questionnaire. The interviews lasted between 50 and 100 minutes for each individual and included questions about characteristics that contribute to effective communication, internal and external factors in conflict resolution, the role of families, and negotiation skills. The data were analyzed according to the Collaizi's method in seven stages, including rereading the interviews, extracting main codes, explaining meanings, organizing codes, clustering concepts, describing findings, and explaining the structure of the phenomenon. The main research instrument was the Hudson's marital satisfaction questionnaire (25 questions on a 7-point Likert scale), whose reliability in the present study was obtained with a Cronbach's alpha of 0.87.

Results

The findings showed that eleven categories and 34 main concepts play a role in resolving newly married individuals' conflicts. These categories include:

1. Appropriate negotiation styles (win-win negotiation, compromise, and adaptation): Couples negotiate in a way that takes into account both parties' perspectives.

2. Using specialized help from a counselor/psychologist (individual counseling and couple therapy): Individual counseling and couple therapy help to better understand themselves and their spouses and reduce disagreements.

3. Restoring the positive emotional system after conflict (compensatory efforts, boosting optimism, gray vision): Couples repair their relationships with compensatory efforts and a realistic outlook.

4. Couples' coping strategies with controlling families (managing other people's opinions, logical persuasion, spatial independence, skill-building entertainment): Couples reduce controllingness with communication skills and independence from families.

5. Family efforts to resolve couples' conflicts (encouraging counseling, neutrality, delegation of agency): Families are effective in reducing conflict by being neutral and encouraging couples to solve problems themselves.

6. Economic issues and their ability to resolve them (financial independence, financial planning): Financial independence and economic planning reduce marital tensions.

7. Lack of control: Respect for differences and the spouse's freedom to make decisions are

factors that calm married life.

8. Trust (confidentiality, commitment, honesty, confidence, responsibility): Trust is the basis for the stability of the emotional and marital relationship.

9. Encouragement (encouragement, appreciation, admiration): Positive behaviors and mutual appreciation strengthen the emotional bond between couples.

10. Emotional well-being (lack of negative mood, anger control): Managing negative emotions stabilizes the relationship.

11. Effective communication skills (expressing feelings and expectations, active listening, caring about the spouse's discomfort, knowing why they are behaving, open communication): Honest communication leads to mutual understanding and better conflict resolution.

Overall, factors that affect conflict resolution among newly married individuals include constructive interaction, family and social support, financial independence, mutual trust, encouragement, emotional well-being, and effective communication skills

Conclusions

The findings of the study showed that enriching couples' conflict resolution skills can increase newly married individuals' readiness to face future crises. Appropriate negotiation styles, the use of specialized counseling, restoring the positive emotion system, coping strategies with controlling families, family support, economic empowerment, lack of control, trust, encouragement, emotional well-being, and effective communication are among the most important factors affecting couples' conflict resolution. These results showed that appropriate negotiation styles promote marital adjustment and that using specialized help from counselors is effective in recognizing couples' psychological characteristics and reducing conflicts. Restoring positive emotions after a conflict prevents future conflicts. Appropriate coping strategies when families are controlling help couples maintain their boundaries. Financial empowerment and economic planning reduce marital pressures. Lack of control and respect for individual differences improve relationships. Trust, mutual encouragement, and emotional well-being increase couples' emotional security and resilience. Effective communication skills also lead to constructive expression of feelings and expectations and increase mutual understanding. Finally, conflict resolution skills training and counseling interventions to increase conflict resolution ability can greatly help newly married individuals improve their marital relationships and provide a foundation for marriage sustainability and family mental health.

Author Contributions

All authors participated equally in the design of the study, writing the article, and editing the final versions.

Data Availability Statement

Data available on request from the authors.

Acknowledgements

The authors would like to express their gratitude for the cooperation and participation of the research participants and the advisory group of the Faculty of Humanities and Social Sciences of Ardakan University, with whose scientific support this research was conducted.

Ethical Considerations

Cases such as falsification of data, distortion of results, plagiarism, and any other unethical behavior have been strictly avoided in this research.

Funding

This study was conducted without receiving any financial support from government, commercial, or non-profit organizations.

Conflict of Interest

The authors declare that there are no conflicts of interest in connection with this study. In other words, there were no financial or personal interests that could affect the results of the study.

پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده
شاپا چاپی: ۶۱۹۰-۲۵۳۸ شاپا الکترونیکی: ۴۰۸۵-۲۷۱۷
Homepage: https://pzk.journals.miu.ac.ir

عوامل مؤثر بر حل تعارض نومتأهلین؛ یک‌مطالعه کیفی پدیدارشناسی

زینب غفوریان[۱]، یاسر رضاپور میرصالح[۲]✉، زهرا احمدی[۳] و فاطمه دافعیان[۴]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. رایانامه: emadrahimi@gmail. com
۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. رایانامه: y.rezapour@ardakan.ac.ir
۳. استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. رایانامه: ahmadi@ardakan.ac.ir
۴. دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.
رایانامه: fatemehdafeian1377@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

کلیدواژه‌ها:
حل تعارض زوجین، بهبود روابط، نومتأهلین، مهارت‌های حل مسئله زناشویی، ارتباط زناشویی مؤثر، خانواده و حمایت اجتماعی، بهزیستی هیجانی زوجین.

چکیده

هدف: توانایی حل تعارض زوجین به نگرش‌ها و مهارت‌هایی اشاره دارد که فرد را قادر می‌کند در برابر مشکلات زندگی راه حل مؤثر و سازگارانه را انتخاب کند و در رضایت زناشویی نقش داشته باشد. براین‌اساس، پژوهش حاضر باهدف بررسی کیفی عوامل مؤثر بر حل تعارض در نومتأهلین انجام شد.
روش پژوهش: این پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی توصیفی با استفاده از روش هفت مرحله‌ای کلایزی انجام شد. نومتأهلین به‌روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و نمونه‌گیری تا مرحله اشباع در مصاحبه نیمه‌ساختار یافته ادامه یافت. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با ۱۱ نفر انجام شد.
یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که یازده مقوله شامل سبک‌های مناسب مذاکره؛ استفاده از کمک متخصصین یعنی، مشاور/روان‌شناس؛ بازگردانی سیستم عواطف مثبت زوجین بعد از تعارض و درگیری؛ راهبردهای مقابله‌ای زوجین هنگام مواجهه با کنترل‌گری خانواده‌ها؛ تلاش خانواده برای حل تعارض زوجین؛ مسائل اقتصادی و توانمندی حل آن؛ عدم کنترل‌گری؛ اعتماد؛ تشویق؛ بهزیستی هیجانی و مهارت گفت‌وگوی مؤثر، از عوامل مؤثر بر حل تعارض نومتأهلین است که در بهبود روابط آنها نقش دارد
نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد که غنی‌سازی توانایی حل تعارض زوجین می‌تواند آمادگی نومتأهلین را برای مواجهه با بحران‌های مشابه در آینده افزایش دهد. ارائه اطلاعات، آموزش به زوجین و مداخلات مشاوره‌ای برای افزایش توانایی حل تعارض، به نومتأهلین در بهبود روابط آنها کمک شایانی می‌کند.

استناد: غفوریان، زینب؛ رضاپور میرصالح، یاسر؛ احمدی، زهرا؛ و فاطمه دافعیان (۱۴۰۴). عوامل مؤثر بر حل تعارض نومتأهلین؛ یک‌مطالعه کیفی پدیدارشناسی. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۱۳ (۲)، ۷-۲۶. https://doi.org/10.22034/ijwf.2025.19351.2317

ناشر: جامعه المصطفی العالمیه.
© نویسندگان.

مقدمه

ازدواج مهم‌ترین و مقدس‌ترین پیوندی است که بین دو نفر ایجاد می‌شود و آغاز برقراری رابطه‌ای پایدار بین آنهاست که قصد دارند یک‌ارتباط ماندگار و همه‌جانبه را از نظر روان‌شناختی، اجتماعی، عاطفی و جسمانی با یکدیگر آغاز کنند و زمینه شکل‌گیری یک‌کانون حمایتی- عاطفی را فراهم کنند. (سارفو.، و همکاران،[1] ۲۰۲۰) ازدواج، اتحاد بین دو نفر است که با مجموعه‌ای از تعهدات قانونی و فرهنگی الزام‌آور آنها تعریف می‌شود. از جمله دلایل اصلی ازدواج می‌توان به تجربه عشق و محبت، داشتن شریک و همراه در زندگی، ارضای نیازهای عاطفی و روانی، افزایش شادی و خشنودی و تجربه رشد و کمال اشاره کرد (بازرگان.، و همکاران، ۱۴۰۰).

داشتن زندگی زناشویی موفق برای هر فرد هدفی عمده و آرمانی به‌شمار می‌آید، اما زندگی زناشویی به‌رغم جاذبه‌های عاطفی و جنسی‌اش، گاه آغاز تدریجی مشکلات و اختلافات در زمینه‌های مختلف است. ناکامی نومتأهلین در حل اختلافات و مشکلات زناشویی، معلول عوامل بی‌شماری است و عدم شناسایی درست این عوامل و به‌کارگیری راه‌حل مناسب می‌تواند بروز اختلافات را تشدید کند. ازسوی دیگر، عدم شناخت کافی نومتأهلین از یکدیگر در آغاز زندگی مشترک می‌تواند در بروز تعارضات نقش داشته باشد (نورفاچریا و یوسیاکا،[2] ۲۰۲۲). با اینکه ازدواج و دوام و ثبات خانواده امری مقدس تلقی می‌شود، عوامل گوناگون می‌توانند این پایگاه اجتماعی بنیادین را تهدید کنند. یکی از این عوامل، عدم توانایی حل تعارض مؤثر هنگام بروز تعارضات زناشویی است. ازاین‌رو، توانایی شناخت حل تعارض[3] می‌تواند در بهبود روابط زوجین نقش داشته باشد (برون[4]، ۲۰۱۹).

امروزه در راستای بهبود روابط زوجین و ارتقای کیفیت زندگی اعضای خانواده، به‌ویژه نومتأهلین، از رویکردهای شناختی- رفتاری از جمله ارتقای توانایی حل تعارض استفاده می‌شود (بورگنوی و گرایف،[5] ۲۰۲۰). مهارت حل تعارض نوعی یادگیری فعال با هدف سازگاری با چالش‌های درونی و بیرونی تعریف می‌شود (یارنیواتی[6]، ۲۰۲۰). دزوریلا و نزو[7] (۲۰۱۰) مدل پنج مرحله‌ای حل مسئله یا تعارض را چنین توصیف نموده‌اند:

- **روی‌آوردن به مسئله:** در این مرحله افراد ذهنیت حل مسئله پیدا می‌کنند و قادرند موقعیت پیش‌آمده را تشخیص دهند و مشکلات اجتماعی را به‌عنوان بخشی از زندگی روزمره درک کنند.
- **تعریف مسئله و هدف‌گزینی:** افراد تشویق می‌شوند تا درباره موقعیت مسئله اطلاعاتی به‌دست آورند و مسائل را بر حسب فراوانی، طول مدت، پیچیدگی و بزرگی و کوچکی بررسی کنند.
- **تولید راه‌حل‌های جایگزین:** در این مرحله دامنه‌ای از راه‌حل‌های اجتماعی ابداع می‌شود و افراد تشویق می‌شوند خلاق باشند و پاسخ‌های خود را بیان کنند.
- **تصمیم‌گیری و اقدام:** در این مرحله، افراد پیامدها را پیش‌بینی کرده و با تحلیل سود و زیان راه‌حل‌های پیشنهادی، مناسب‌ترین آنها را انتخاب می‌کنند.
- **ارزیابی:** راهبرد حل مسئله پس از اجرا مورد بازنگری قرار می‌گیرد؛ اگر اهداف محقق شده باشند، حل مسئله موفقیت‌آمیز بوده و در غیر این صورت، فرایند حل مسئله با اطلاعات نوین تکرار می‌شود. (شین.، و همکاران،[8] ۲۰۲۰)

1. Sarfo, E. A., & et al
2. Nurfachriyah, H., & Yusiyaka, R.
3. Problem Solving
4. Brown, C.
5. Borgonovi, F., & Greiff, S.
6. Yurniwati, Y.
7. Nezu, A. & Zurilla, D.
8. Shin, J., & et al

طبق نظر سیلمن[1] (۱۹۸۰)، شیوه‌های حل تعارض مثبت مانند سازش و مذاکره با مهارت‌های ارتباطی افزایش یافته توسط بلوغ شناختی- اجتماعی و درک بین‌فردی بالاتر، به‌ویژه در زندگی زناشویی همراه است. (سوروکو و ایلمن،[2] ۲۰۲۲) مطالعات نشان داده‌اند که آموزش مهارت حل تعارض خانواده‌محور می‌تواند در افزایش تمایز یافتگی زوجین نقش داشته باشد (زین‌العابدینی و کاکابرایی، ۱۴۰۳). در پژوهشی دیگر، خلیلی آلاتشی، دهرویه و توکلی (۱۴۰۳) نشان دادند که آموزش حل تعارض موجب بهبود خوش‌بینی در جهت‌گیری زندگی، افزایش عاطفه مثبت و کاهش درماندگی آموخته‌شده زوجین ناسازگار می‌شود. پژوهش آتش‌پور و دلفروزنی (۱۴۰۳) نیز نشان داد که شیوه‌های حل تعارض نقش پیش‌بینی‌کنندگی قوی در سازگاری زناشویی زنان متأهل دارد. در پژوهشی دیگر، کانزلر و همکاران[3] (۲۰۲۰) نشان دادند که وجود تعارض و اختلافات بین زوجین، بر روابط زناشویی تأثیر منفی گذاشته و فاصله عاطفی و ذهنی بین آنها ایجاد می‌کند. همچنین، اودرو[4] (۲۰۱۹) اظهار داشت خشونت بین نومتأهلین حدوداً سه‌برابر بیشتر از زوج‌هایی است که مدت طولانی از زندگی مشترک آنها می‌گذرد و در صورت حل نشدن مشکلات، احتمال ارتکاب مجدد تعارضات افزایش می‌یابد.

مهارت حل تعارض، مهارتی شناختی است که در درون ذهن یا دستگاه شناختی حل‌کننده روی می‌دهد. فرد، با توجه به یادگیری و تجاربی که در گذر زمان از موقعیت‌های پیرامونی خود به‌دست می‌آورد، می‌تواند در جهت بهبود این مهارت گام بردارد (دی‌لا فونته.، و همکاران،[5] ۲۰۱۹). بنابراین، می‌توان اظهار داشت که این مهارت برای حل تعارضات در آغاز زندگی زناشویی هنوز ناپخته است و می‌تواند به گسترش تعارضات و مشکلات زناشویی دامن بزند (ولدینا.، و همکاران،[6] ۲۰۱۹).

با توجه به اهمیت و ضرورت پژوهش، شناخت عواملی که می‌توانند به رشد و تکامل مهارت حل تعارض و غنای روابط نومتأهلین منجر شوند، حائز اهمیت است و لازم است به‌صورت کیفی عوامل مؤثر بر حل تعارض در نومتأهلین بررسی شود. از طرفی، در مطالعات کمّی انجام شده بررسی عمیق این عوامل کمتر بررسی شده است و مطالعات کیفی می‌تواند این فرایند را بهتر ترسیم کند. بنابراین، این پژوهش با هدف بررسی کیفی عوامل مؤثر بر حل تعارض برای بهبود روابط نومتأهلین انجام شد.

شیوه انجام پژوهش

۱. روش پژوهش

هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر حل تعارض در نومتأهلین بود. این پژوهش به‌روش کیفی از نوع پدیدارشناسی توصیفی با استفاده از روش هفت مرحله‌ای کلایزی انجام شد. براساس شیوه کدگذاری[7] هفت مرحله‌ای کلایزی[8]، داده‌های مصاحبه‌ها از طریق کدگذاری تحلیل شد. کدگذاری فرایندی پویا و سیال است که در طی آن از میان حجم وسیعی از اطلاعات جمع‌آوری‌شده، مرتبط‌ترین و مهم‌ترین مطالب با توجه به موضوع پژوهش استخراج، مفهوم‌گذاری و به‌صورت کد یا رمز ذخیره می‌شوند (اشتراس و کوربن،[9] ۱۳۹۶). برای اعتبارسنجی کدگذاری، رونوشت مصاحبه‌ها و گزارش پژوهش توسط شرکت‌کنندگان بررسی شد تا موافقت یا مخالفت آنها با یافته‌ها سنجیده شود و توسط متخصصان آگاه بازنگری و ارزیابی شد، که به نوعی قابلیت اعتبار پژوهش را به‌عنوان جایگزینی برای روایی درونی نشان می‌دهد. همچنین پژوهشگر با مشورت اساتید آگاه، فرایند اجرا شده را بازبینی کرده و صحت و قابل فهم بودن آن را بررسی نمود که به نحوی قابلیت

1. Silman, A.
2. Sürücü. A., & İlmen, Z.
3. Kunzler. A., & et al
4. Odero, M. E.
5. De la Fuente, A., & et al
6. Volodina, A., & et al
7. Coding
8. Seven- step Claysey
9. Eshtaras, A. & Korban, J.

اطمینان پژوهش را به‌مثابه جایگزینی برای پایایی نشان می‌دهد (اکبری، ۱۳۹۷).

برای جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا پرسش‌نامه رضایت زناشویی هودسن (۱۹۹۲) به افراد داده شد و کسانی که نمره بالاتر از میانگین کسب کردند، مورد مصاحبه قرار گرفتند. روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. پس از انتخاب شرکت‌کنندگان، هدف و ماهیت پژوهش برای آنها توضیح داده شد و پس از کسب رضایت، مصاحبه انجام گرفت. مدت زمان مصاحبه بین ۵۰ تا ۱۰۰ دقیقه بود. مصاحبه‌ها به‌صورت فردی انجام و به دقت ثبت و مرور شدند. نسبت روایی محتوایی برای حداقل مقدار قابل قبول با توجه به تعداد متخصصان ارزیابی شد. بدین منظور، نظر ۸ کارشناس متخصص و آگاه دریافت شد و مقدار به‌دست آمده بیش از ۰٫۷۵ بود که مطلوب تلقی می‌شود. همچنین مصاحبه اولیه بر روی ۳ نفر انجام شد و با توجه به بازخوردهای آنها ، برخی از سؤالات مصاحبه بازبینی شد. از آنجا که مصاحبه‌ها نیمه‌ساختاریافته بودند، مصاحبه‌گر پس از هر سؤال، با توجه به بافت پاسخ‌ها، سؤالات پیگیری[1] برای بررسی عمیق‌تر را مطرح می‌کرد.

نمونه‌ای از سؤالات مصاحبه شامل موارد زیر بود:

چه ویژگی‌هایی در شما باعث ایجاد ارتباطات مؤثرتر می‌شود؟

چه عوامل درونی و بیرونی در توانایی حل تعارض شما نقش داشته‌اند؟

در چه شرایطی احساس شایستگی بیشتری می‌کنید؟

همسر شما برای بهبود رابطه چه اقداماتی انجام می‌دهد؟

خانواده شما و همسر شما در بهبود روابط چه نقشی دارند؟

در مقابل کنترل‌گری خانواده‌ها چه واکنشی نشان می‌دهید؟

مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش توانایی حل تعارض خود را چه می‌دانید؟

تحلیل داده‌ها براساس روش هفت مرحله‌ای کلایزی انجام شد که شامل مراحل زیر بود:

بازخوانی مصاحبه‌ها: مصاحبه‌ها چندین بار برای درک فضای گفتگو و شرکت‌کنندگان بازخوانی شد. اطلاعات مکتوب و ضبط شده چند بار مرور شد تا محتوای کلی درک شود.

- **استخراج کدهای اصلی:** جملات و عبارت‌های مرتبط با سؤالات مصاحبه جدا شده و در فایل دیگری نگه‌داری شد تا اطلاعات کم‌اهمیت از دست نرود.

- **تبیین معانی:** معنای هر عبارت توضیح داده شد و با یک‌مفهوم کوتاه خلاصه گردید. این کار توسط سه نفر انجام شد و سپس معانی استخراج شده با هم ترکیب شد تا مفهوم مشترک حاصل شود.

- **سازماندهی کدها:** معانی به‌صورت دسته‌هایی از کدها سازماندهی شد.

- **خوشه‌بندی مفاهیم:** کدها در دسته‌های مرتبط با یکدیگر قرار گرفتند و سپس خوشه‌هایی شکل گرفت که از آن مفاهیم پدیدار شد.

- **بحث و توصیف یافته‌ها:** یافته‌ها مورد بررسی و توصیف قرار گرفت.

- **تبیین ساختار پدیده:** در انتها، تحلیل داده‌ها به شناسایی ساختار پدیده مورد مطالعه منجر شد.

۲. جامعه و نمونه پژوهش

با بهره‌گیری از نمونه‌گیری هدفمند و تمرکز بر نومتأهلین استان یزد، پس از برآورده ساختن ملاک‌های ورود، افراد وارد مصاحبه نیمه‌ساختار یافته شدند که این مصاحبه با رسیدن به اشباع نظری در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان ادامه داشت

1. follow- up

که در پژوهش حاضر با ۱۱ مصاحبه پاسخ‌ها به اشباع رسید. ملاک‌های ورود به مصاحبه عبارت بود از:

- انتخاب زوجینی که از ازدواج آنها حداکثر دو سال و حداقل شش ماه گذشته باشد تا با توجه به پژوهش قزلسفلو و همکاران (۱۴۰۱)، تجربه تعارضات زناشویی را داشته و راهکارهایی را در مواجهه با آن به‌کار گرفته باشند.
- نداشتن فرزند، تا با تمرکز بر کیفیت ارتباط زوجین، عوامل مداخله‌گر مانند اثر فرزند بر روابط نومتأهلین حذف شود.
- کسب نمره بالاتر از میانگین در پرسش‌نامه ۲۵ سؤالی رضایت زناشویی هودسن[1] (۱۹۹۲)، تا نومتأهلینی که رضایت زناشویی بالایی دارند، مورد مصاحبه قرار گیرند.
- ملاک‌های خروج از پژوهش عبارت بود از: عدم تمایل به ارائه اطلاعات حین مصاحبه. تعداد شرکت‌کنندگان از پیش مشخص نبود و ملاک تعیین تعداد افراد، دستیابی به حداکثر محتوای کیفی یا رسیدن اشباع نظری در پاسخ مصاحبه‌شوندگان بود. برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، به جای نام آنها از کدهای اختصاص داده شده به هر فرد استفاده شد.

۳. ابزار گردآوری داده‌ها

پرسش‌نامه رضایت زناشویی هودسن: این پرسش‌نامه ۲۵ سؤالی که توسط هودسن (۱۹۹۲) در طیف ۷ درجه‌ای لیکرت تدوین شده است و با کمک آن می‌توان دامنه مشکلات زناشویی را شناسایی و میزان رضایت زناشویی را سنجید. پایایی این ابزار از طریق ضریب آلفای کرونباخ در زنان ۰٫۹۶ و در مردان ۰٫۹۴ به‌دست آمده است و سازنده، ضریب آلفای کلی پرسش‌نامه را ۰٫۹۶ گزارش کرده است (ثنایی- ذاکر، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه ۰٫۸۷ محاسبه شد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نومتأهلین

شماره	جنس	سن	تحصیلات	شغل	مدت ازدواج
۱	مذکر	۳۵	کارشناسی ارشد مهندسی برق	مهندس	۱ سال
۲	مونث	۲۷	پزشکی عمومی	پزشک	۱ سال و ۱۱ ماه
۳	مونث	۲۳	کارشناسی حسابداری	حسابدار	۱سال
۴	مذکر	۲۹	کارشناسی تربیت بدنی	مربی ورزش	۱ سال
۵	مذکر	۳۳	کارشناسی مکانیک	مهندس	۱ سال و ۴ ماه
۶	مونث	۲۸	کارشناسی روانشناسی	مربی مهد کودک	۱ سال و ۴ ماه
۷	مونث	۳۲	کارشناسی ارشد صنایع غذایی	مدیر تولید شرکتی	۱ سال و ۲ ماه
۸	مونث	۲۹	کارشناسی مدیریت مالی	کارمند بانک	۱ سال و ۵ ماه
۹	مونث	۲۱	کارشناسی روانشناسی	عکاس	۱ سال و ۶ ماه
۱۰	مونث	۲۴	کارشناسی ارشد مشاوره تحصیلی	مشاور تحصیلی	۱۰ ماه
۱۱	مذکر	۲۹	کارشناسی تاریخ	فروشنده	۱۱ ماه

1. Hudson, W. W.

جدول ۲. مقوله های اصلی و فرعی عوامل مؤثر بر حل تعارض نومتأهلین

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی
سبک های مناسب مذاکره	مذاکره برد- برد در حل تعارض؛ مصالحه در حل تعارض؛ سازگاری در حل تعارض
استفاده از کمک تخصصی مشاور/ روان‌شناس	دریافت مشاوره فردی؛ دریافت زوج‌درمانی
بازگردانی سیستم عواطف مثبت زوجین بعد از تعارض و درگیری	تلاش‌های جبرانی زوجین؛ تقویت خوش‌بینی همسران نسبت به هم؛ دید خاکستری به ازدواج و همسر
راهبردهای مقابله‌ای زوجین با کنترل‌گری خانواده‌ها	مهارت مدیریت نظرات دیگران؛ متقاعد کردن دیگران با استدلال؛ استقلال مکانی از خانواده؛ سرگرمی مهارت‌افزا
تلاش خانواده برای حل تعارض زوجین	تشویق زوجین به دریافت مشاوره؛ بی‌طرفی در تعارض زوجین و تشویق به عاملیت خود در حل مسئله
مسائل اقتصادی و توانمندی حل آن	استقلال مالی زوجین؛ برنامه ریزی مالی
عدم کنترلگری	پذیرش تفاوت های فردی؛ دادن آزادی عمل به همسر
اعتماد	رازداری؛ تعهد به پیمان‌های زناشویی؛ رفتار متناسب با صحبت‌های قبل ازدواج؛ اطمینان خاطر از انتخاب همسر؛ مسئولیت پذیری
تشویق	دلگرمی دادن؛ قدردانی کردن؛ تحسین کردن
بهزیستی هیجانی	نداشتن خلق منفی؛ مهارت کنترل خشم
مهارت گفتگوی مؤثر	بیان مشکلات، احساسات و انتظارات؛ گوش دادن فعال؛ اهمیت دادن به ناراحتی همسر؛ اگاهی دادن از چرایی و پیامد رفتار؛ صحبت کردن همسران با هم

مطابق جدول ۲، براساس تحلیل داده‌های مصاحبه در مطالعه کیفی عوامل مؤثر بر حل تعارض نومتأهلین، یازده مقوله فرعی و ۳۴ مفهوم استخراج شد. با توجه به یافته‌های پژوهش، عوامل متعددی می‌توانند در مهارت حل تعارض نومتأهلین و بهبود روابط آنها تأثیرگذار باشند. مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها به شرح زیر است:

۱. مقوله سبک‌های مناسب مذاکره

زمانی که دو نفر ازدواج می‌کنند، به‌دلیل تفاوت‌های فردی دچار اختلاف نظر و تعارض می‌شوند که برای حل آن نیاز به مهارت حل مسئله دارند. این مقوله شامل سه مفهوم سبک مذاکره برد- برد، مصالحه و سازگاری است.

سبک مذاکره برد- برد: زوجین به‌گونه‌ای مذاکره می‌کنند که دیدگاه هر دو طرف مورد توجه قرار گیرد. برای مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۵ بیان کرد: «دو طرف اون‌قدر با هم حرف بزنن که هر دو طرف از ته دل راضی و قانع بشن نه اینکه یه نفر الکی برای اینکه بحث زود تموم بشه کوتاه بیاد و بگه قبوله هر چی تو بگی».

سبک مصالحه: دو طرف بخشی از خواسته‌های خود را کنار می‌گذارند تا به توافق برسند. برای مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۳ گفت: «وقتی همسرم مخالفت می‌کنه با جایی که می‌خوام برم؛ سعی می‌کنه که جبران کنه و میگه می‌برمت جایی که دوست داری».

سبک سازگاری: یکی از زوجین به خواسته طرف مقابل تن می‌دهد و از خواسته خود صرف نظر می‌کند. مصاحبه‌شونده شماره ۴ توضیح داد: «تو زندگی باید زن و شوهر دوتایی کنار بیاند. اینکه زن بخواد حرف خودشو بزنه و مرد هم حرف خودشو، این زندگی فایده نداره و آخرش به طلاق می‌رسه».

۲. مقوله استفاده از کمک تخصصی مشاور/ روان‌شناس

این مقوله شامل دو مفهوم مشاوره فردی و زوج‌درمانی است.

مشاوره فردی: مصاحبه‌شونده شماره ۱ بیان کرد: «من که می‌دونستم خانمم نمیاد مشاوره؛ خودم تنهایی می‌رفتم که حداقل من بدونم باید برای حل مشکلمون چی‌کار کنم و اشتباهاتمو تصحیحش کنم».

زوج‌درمانی: مصاحبه‌شونده شماره ۳ گفت: «همون ماه‌های اول سر یه مسئله‌ای بینمون اختلاف جدی پیش اومد که داشت منو نگرانم می‌کرد. برا همین از همسرم خواستم برای اینکه این مسئله کش پیدا نکنه بریم مشاوره که اونم موافقت کرد».

۳. مقوله بازگردانی سیستم عواطف مثبت زوجین بعد از تعارض و درگیری

این مقوله شامل سه مفهوم است:

تلاش‌های جبرانی زوجین: بازگرداندن وضعیت ناخوشایند به خوشایند. مصاحبه‌شونده شماره ۵ گفت: «من این توان رو دارم که بتونم زندگیمو اگه یه فضای نامناسبی داره، فضاشو عوض کنم و اگه یه حال خوبی نداریم حالمون رو عوض کنم».

تقویت خوش‌بینی همسران نسبت به هم: مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ بیان کرد: «خونوادم همیشه جنبه مثبت رو دیدن و هیچ وقت اگه ما به مشکل هم برمی‌خوردیم از سمت منفی به زندگیمون نگاه نکردن».

دید خاکستری به ازدواج و همسر: تعدیل خطای تفکر سیاه و سفید. مصاحبه‌شونده شماره ۴ گفت: «اینکه عشق و علاقه‌ای که تو این دوران شکل گرفته رو قرار باشه با یه اتفاق از بین بره؛ دیدم که نبوده و خیلی چنگ و دندون نمی‌زنه به اون اتفاق و سعی می‌کنه همون عشق و علاقه باشه».

۴. مقوله راهبردهای مقابله‌ای زوجین هنگام مواجهه با کنترل‌گری خانواده‌ها

مقوله راهبردهای مقابله‌ای زوجین بیانگر کوشش‌های رفتاری فرد برای غلبه بر فشار و خواسته‌های بیرونی است که انرژی‌بر و در تضاد با خواسته‌های درونی وی قرار دارند. این مقوله دارای چهار مفهوم است:

مهارت مدیریت نظرات دیگران: زوجین بدون مشاجره با دیگران و با علم به آنکه فرد کنترل‌گر از نظر خود کوتاه نمی‌آید، به خواسته خود جامه عمل می‌پوشانند. برای مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۹ گفت: «بهتره بحث نکنی و انرژی الکی نذاری و یه هان و نه بکنی که اون موقعیت بگذره و خیلی درگیرش نشی و واجب نیست نظرتو با جزئیات برا هر کسی بیان کنی».

متقاعد کردن دیگران با دلایل منطقی: برخی زوجین با شناخت طرف مقابل، تلاش می‌کنند او را با آوردن دلایل منطقی قانع کنند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ اظهار داشت: «اگه آدم نزدیکی باشه مثل پدر و مادر اول سعی می‌کنیم دلیل کارمونو بگیم و قانعشون کنیم».

استقلال مکانی زوجین: نومتأهلین با حفظ فاصله مناسب از خانواده‌ها و سکونت در مسکنی جدا از منزل پدری، می‌توانند استقلال خود را حفظ کرده و از تعارضات بکاهند. مصاحبه‌شونده شماره ۱ گفت: «قاعدتاً این حریم مشخص کردنه وقتی مسکن مستقل داشته باشی راحت‌تره یعنی یه جورایی عامل کمک کننده‌است اما نه اینکه به صرف جدا بودن مسکن، روابط مدیریت بشه».

سرگرمی مهارت‌افزا: مشغول شدن به فعالیتی خاص باعث می‌شود زوجین نسبت به فعالیت خود تعهد نشان دهند و دیگران مرزهای آنها را رعایت کنند. مصاحبه‌شونده شماره ۳ بیان کرد: «قبلاً که بی‌کار بودم بهونه‌ای نداشتم برای اینکه اگه مادرشوهرم می‌گفت با هم بریم فلان جا نرم، ولی حالا که میرم سر کار حداقل بهونشو دارم و واقعاً هم سرم شلوغ شده».

۵. مقوله تلاش خانواده برای حل تعارض زوجین

این مقوله شامل سه مفهوم است:

تشویق زوجین به مشاوره: خانواده می‌توانند در زمان تعارض زوجین آنها را به شرکت در جلسات مشاوره تشویق کنند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ گفت: «یه بار که سر یه مسئله‌ای دعوای شدیدی کرده بودیم، وسایلمو جمع کردم و رفتم خونه بابام اما اونا فقط دلداریم دادن و بدون اینکه وارد قضیه بشند، فقط گفتن برو پیش مشاور و منم همین کارو کردم و الان خیلی خوشحالم از انتخابم».

بی‌طرفی خانواده: خانواده باید بدون طرفداری از هیچ‌یک از زوجین، به حل مسئله کمک کنند. مصاحبه‌شونده شماره ۳ گفت: «وقتی یه بحث و دعوایی بین زن و شوهر پیش میاد به نظر من خونواده‌ها نباید دخالت کنن و طرف هیچ کدومو نگیرن تا خودشون برن مسئله رو بین خودشون حل کنن».

تشویق به عاملیت زوجین: خانواده‌ها باید حل تعارضات را به خود زوجین واگذار کنند. مصاحبه‌شونده شماره ۷ اظهار داشت: «به نظرم خونواده‌ها نباید از هیچ کدوم حمایت کنن و یه جوری بگن خودتون برید صحبت کنید و مشکلتونو خودتون برید حل کنید. چون قطعاً هر دوتون مقصرید و قطعاً هر دوتون حق دارین به یه اندازه».

۶. مقوله مسائل اقتصادی و توانمندی حل آن

این مقوله شامل دو مفهوم است:

استقلال مالی زوجین: زوجین از نظر مالی به خانواده وابسته نیستند و نیازهای خود را از طریق اشتغال تأمین می‌کنند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ بیان کرد: «دستمون جلوی پدر مادرمون دراز نبود و خودکفا بودیم یه جورایی. برا همین وقتی می‌خواستیم عروسی بگیریم شام و آتلیه‌ای که خودمون می‌خواستیم رفتیم و طبق میل خودمون همه چی برگزار شد».

برنامه‌ریزی مالی: مدیریت صحیح منابع مالی و تعیین اولویت مخارج. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ گفت: «دیدین بعضیا هستن که همین‌طور بی‌گدار به آب می‌زنن و پولاشونو خرج می‌کنن و بعدم توش می‌مونن، ما نه. ما برا پولمون برنامه داریم که دیگه بعدش گرفتار اون مشکلات نشیم و اون رفاه نسبی همیشه برقرار باشه».

۷. مقوله عدم کنترل‌گری

این مقوله به دست کشیدن از تلاش برای تغییر دیگری اشاره دارد. مصاحبه‌شونده شماره ۳ بیان کرد: «هر کدوم از ما یه عقاید و طرز فکری داریم که وقتی سعی کنیم از اول این عقاید و طرز فکرای همو بشنویم و احترام بذاریم بهشون بردیم». در مورد آزادی عمل همسر، مصاحبه‌شونده شماره ۷ گفت: «من فکر می‌کنم احترامی که می‌ذاره و پایه بودنش تو انجام کارا خیلی مهمه. اگه من علاقه دارم فلان کلاسی رو برم یا فلان سفری دوست دارم برم نه نمیاره».

۸. مقوله اعتماد

اعتماد برای پایداری رابطه عاطفی زوجین ضروری است و شامل پنج مفهوم است:

رازداری: مصاحبه‌شونده شماره ۹ گفت: « وقتی همسرت یه چیزی بهت میگه و میگه بین خودمون بمونه، اگه تو رازدار باشی و نری به بقیه بگی، هم اون بیشتر بهت اعتماد می‌کنه».

تعهد به پیمان‌های زناشویی: مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ بیان کرد: «اگه من یه حرفی می‌زنم و یه قولی به همسرم میدم باید پاش وایسم. اگه هم می‌بینم انتظار همسرم ازم درست نیست از همون اول نباید قبول کنم».

رفتار متناسب با صحبت‌های قبل ازدواج: مصاحبه‌شونده شماره ۱ گفت: «قبل ازدواج یه سری حرفا بین ما زده شد که بعد هر چی جلو اومدیم من دیدم همونا وجود داره. یعنی مثلاً این‌طور نبوده که خانمم قبل ازدواج بگه موقع ناراحتی‌ها من اهل حرف زدنم و بعد ازدواج ببینم که قهر می‌کنه».

اطمینان خاطر از انتخاب همسر: مصاحبه‌شونده شماره ۲ بیان کرد: «وقتی می‌خواستم تصمیم بگیرم که برا تخصص بخونم یا برم سر کار؛ شوهرم می‌گفت هر تصمیمی بگیری قبولت دارم».

مسئولیت‌پذیری: مصاحبه‌شونده شماره ۱ گفت: «وقتی زوجین میان بین خودشون کارا رو تقسیم می‌کنن باعث می‌شه فشار کار روی یک نفر کم بشه و هر کسی هم مسئولیت وظیفه‌ای که پذیرفته را به‌گردن بگیره».

۹. مقوله تشویق

این مقوله شامل سه مفهوم است:

دلگرمی دادن: مصاحبه‌شونده شماره ۳ بیان کرد: «یه روزایی هم هست که از بس زندگی بهت فشار میاره و دنیا برات رنگ عوض می‌کنه. تو این روزا من همسرمو داشتم که بهم امید بده و مرهم دردم باشه».

قدردانی کردن: مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ گفت: «هر وقت یه غذای خوشمزه درست کردم ازم تشکر کرده یا هر وقت بهم پول میده من ازش تشکر می‌کنم».

تحسین کردن: مصاحبه‌شونده شماره ۹ بیان کرد: «وقتی همسرم احساس رضایتشو نشون میده از کاری که درست انجامش میدم، احساس شایستگی می‌کنم و دفعه بعدی هم با علاقه بیشتری اون کارو انجام میدم».

۱۰. مقوله بهزیستی هیجانی

این مقوله بیانگر مدیریت هیجانات منفی و شکل‌دهی روابط باکیفیت است که شامل ۲ مفهوم است:

نداشتن خلق منفی: مصاحبه‌شونده شماره ۹ گفت: «بی‌حوصله بودنم مثل حالتی که تو افسردگی پیش میاد یک پوئن منفی برا حل مسائلمه و هرچند بد، فقط می‌خوای انجام بدی که تموم شه و ممکنه بعدش پشیمون بشی. درصورتی که اگه سرزنده وسرحال باشی می‌تونی بحث کنی و بگی نه و کوتاه نیای و به راه‌حل بهتری برسی».

مهارت کنترل خشم: مصاحبه‌شونده شماره ۴ گفت: «اگه در لحظه چیزی آدم رو عصبانی می‌کنه نباید سریع حرفی بزنه و سعی کنه اول خودشو آروم کنه».

۱۱. مقوله مهارت گفت‌وگوی مؤثر

این مقوله شامل پنج مفهوم است:

بیان مشکلات، احساسات و انتظارات: مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ گفت: «شوهرم خیلی خوب می‌تونه اگه یه مشکلی داره بیان کنه مثلاً بگه این‌جوری شده که ناراحت شدم و بعد با گفتگو و دلجویی تونستیم اون مسئله رو حل کنیم».

گوش کردن فعال: مصاحبه‌شونده شماره ۵ بیان کرد: «اینکه خیلی شنوندست خوبه. یه وقتایی که خیلی عصبی باشم ترجیح میده فقط بشنوه، قضاوت نکنه و صداشو بلند نکنه».

اهمیت دادن به ناراحتی همسر: مصاحبه‌شونده شماره ۷ گفت: «شوهرم میاد از دغدغه‌هاش برام میگه و منم تا جایی که تونستم کمکش کردم و نسبت بهش بی‌تفاوت نبودم».

آگاهی دادن از چرایی و پیامد رفتار: مصاحبه‌شونده شماره ۸ اظهار داشت: «خیلی جاها شده که نشستم با شوهرم حرف

زدم و روشنش کردم که چرا این‌جوری شده یا چه لزومی داره فلان کارو بکنیم و آن هم فکر کرده به حرفام و دیده راست میگه خانمم».

صحبت کردن همسران با هم: مصاحبه‌شونده شماره ۸ گفت: «می‌تونیم ساعت‌ها درباره یه قضیه صحبت کنیم و درباره هر چیزی حرف برای گفتن داریم تا آن مسئله را حل کنیم».

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی کیفی عوامل مؤثر بر حل تعارض برای بهبود روابط نومتأهلین با روش پدیدارشناسی انجام شد. حل تعارض زوجین به نگرش، مهارت و توانایی‌هایی اشاره دارد که فرد را قادر می‌سازد در برابر مشکلات زندگی، راه‌حل‌های مؤثر و سازگارانه انتخاب کند و مهارت شناسایی مشکل و طی مراحل حل آن، فرآیندی نظام‌مند برای تحلیل مشکل فراهم می‌کند (گلد.، و همکاران،[1] ۲۰۲۲). با استفاده از برداشت‌های حاصل از مصاحبه‌ها و تحلیل داده‌ها، مشخص شد که عوامل متعددی می‌توانند توانایی حل تعارض را در نومتأهلین افزایش دهند. مطابق یافته‌های پژوهش حاضر، یازده مقوله اثرگذار بر حل تعارض زوجین عبارت‌اند از: سبک‌های مناسب مذاکره؛ استفاده از کمک تخصصی مشاور/روان‌شناس؛ بازگردانی سیستم عواطف مثبت بعد از تعارض و درگیری؛ راهبردهای مقابله‌ای زوجین هنگام مواجهه با کنترل‌گری خانواده‌ها؛ تلاش خانواده برای حل تعارض زوجین؛ مسائل اقتصادی و توانمندی حل آن؛ عدم کنترل‌گری؛ اعتماد؛ تشویق؛ بهزیستی هیجانی؛ و مهارت گفت‌وگوی مؤثر. هر یک از این مقوله‌ها دارای مفاهیم خاص خود هستند که در بخش یافته‌های پژوهش توضیح داده شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک‌های مذاکره مناسب، از عوامل مهم حل تعارض در بهبود روابط نومتأهلین است. حتی زوجینی که بالاترین میزان تفاهم را دارند، به‌دلیل تفاوت‌های فردی، در مسائل مختلف اختلاف نظر پیدا می‌کنند (کارپنتر.، و همکاران،[2] ۲۰۱۹). همچنین، یافته‌های آی و همکاران[3] (۲۰۲۰) نشان داد نومتأهلین در سال‌های اول زندگی، تعارضات بیشتری تجربه می‌کنند؛ زیرا در حال تنظیم قوانین و انطباق با یکدیگر هستند. به همین ترتیب، دزوریلا و گلدفرید[4] (۲۰۰۱) براساس سبک‌های حل مسئله، تأکید می‌کنند که اتخاذ شیوه‌های مناسب مانند سبک‌های مذاکره برد-برد، مصاحبه و سازگاری، توانایی حل تعارض را در نومتأهلین ارتقا می‌دهد (موگای.، و همکاران،[5] ۲۰۲۳). این یافته با پژوهش ژیان و همکاران (۱۴۰۱) و روسو و همکاران[6] (۲۰۱۹) همسو است.

استفاده از کمک تخصصی مشاور/روان‌شناس نیز از عامل مؤثر دیگری شناسایی شد. مشاور آگاه با شناسایی دقیق مشکلات زناشویی، زوجین را به بهترین راه‌حل هدایت کرده و تعارضات آنان را کاهش می‌دهد (گلد.، و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، کمک مشاور موجب شناخت ویژگی‌های روانشناختی خود و همسر و نقاط قوت و ضعف در رابطه می‌شود (نل و آول،[7] ۲۰۲۰). این یافته با پژوهش رضاپور میرصالح و همکاران (۱۴۰۰) همسو می‌باشد.

در رابطه با بازگردانی سیستم عواطف مثبت بعد از درگیری، پژوهش لارسن و همکاران[8] (۲۰۱۷) نشان داد زوجینی که تعارض خود را به نحو مناسبی حل می‌کنند، از تعارضات بعدی جلوگیری کرده و روابط خود را بهبود می‌بخشند. این یافته با پژوهش خلیلی آلاشتی و همکاران (۱۴۰۲) و کوجپرز و همکاران[9] (۲۰۱۸) همسوست.

1. Gold, Z. S., & et al
2. Carpenter
3. AY, F., & at al
4. Desorilla & Goldfried
5. Moggia, D.
6. Rusu, V.
7. Nall. M. & Aull. M.
8. Larsen. J. T.
9. Cuijpers, P.

راهبردهای مقابله‌ای زوجین هنگام مواجهه با کنترل‌گری خانواده‌ها نیز بر توانایی حل تعارض اثرگذار است. زوجین با استفاده از این راهبردها مرزهای خود را حفظ کرده و جلوی ادامه‌دار شدن کنترل‌گری را می‌گیرند (بیلودو.، و همکاران،[1] ۲۰۲۰). یافته‌های مشابه در پژوهش نصیبی و همکاران (۱۴۰۲)، کلیک و رامون[2] (۲۰۲۲) و منتظری (۱۴۰۱) گزارش شده است.

توانمندی اقتصادی زوجین عامل دیگری است که بر حل تعارض اثر می‌گذارد. آغاز زندگی مشترک و مواجهه با هزینه‌ها، نیاز به توان مالی مستقل را برای نومتأهلین افزایش می‌دهد. پژوهش چراغیان و همکاران (۱۴۰۳) نشان داد مدیریت مالی زوجین با سازگاری زناشویی و بهبود روابط آنها مرتبط است.

عدم کنترل‌گری نیز توانایی حل تعارض را افزایش می‌دهد. زوجین با ایجاد قواعد و چارچوب‌های ارتباطی، بدون وادار کردن دیگری، اهداف زناشویی خود را دنبال می‌کنند (داویس.، و همکاران،[3] ۲۰۲۱). این یافته با پژوهش جرمزه و همکاران (۱۴۰۰) و روسا و تومایی[4] (۲۰۱۹) همسوست.

اعتماد، تشویق و بهزیستی هیجانی از دیگر عوامل مؤثر هستند. اعتماد زوجین موجب ایجاد رابطه امن و افزایش توانایی حل تعارض می‌شود (بابایی.، و همکاران، ۱۴۰۲). تشویق متقابل، رفتارهای مثبت و حمایت‌کننده را تقویت می‌کند (پاک‌خصال.، و همکاران، ۱۳۹۹). بهزیستی هیجانی، مدیریت هیجانات منفی و واکنش سنجیده را ممکن می‌سازد (لاتوره-کاسکالالا.، و همکاران،[5] ۲۰۲۲؛ عثمان.، و همکاران،[6] ۲۰۲۱؛ دهلانی.، و همکاران، ۱۴۰۰).

مهارت گفت‌وگوی مؤثر به زوجین کمک می‌کند دغدغه‌ها و مشکلات را بیان کنند و با درک نیازهای یکدیگر، شناخت متقابل را افزایش دهند (محمدی‌وند.، و همکاران، ۱۴۰۰).

پیشنهادات پژوهش

به‌طور کلی، نومتأهلین در آغاز زندگی مشترک با چالش‌هایی مواجه می‌شوند که پیش از ازدواج تجربه نکرده‌اند. فقدان مهارت حل تعارض می‌تواند تنش‌های زناشویی را تشدید کند. شناخت عوامل مؤثر بر رشد مهارت حل تعارض، برای کاهش تنش‌ها و ارتقای کیفیت رابطه ضروری است.برای دستیابی به این هدف پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- تدوین برنامه مداخله‌ای برای افزایش مهارت حل تعارض نومتأهلین؛
- آموزش عوامل مؤثر بر افزایش توانمندی حل تعارض در جلسات زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی؛
- استفاده از یافته‌ها در مشاوره پیش از ازدواج جهت آماده‌سازی مراجعین؛
- انجام پژوهش‌های مشابه در فرهنگ‌ها و جامعه‌های دیگر برای مقایسه نتایج؛
- تأکید بر توانایی مالی کافی قبل از ازدواج و ارتقای توان مالی نومتأهلین؛
- بررسی موانع توانایی حل تعارض و مقایسه با یافته‌های این پژوهش؛
- اعتبارسنجی یافته‌ها با روش‌های کمی نظیر تحقیقات آزمایشی و همبستگی.

محدودیت‌های پژوهش حاضر

- نمونه‌گیری محدود و عدم کنترل متغیرهایی مانند بافت خانوادگی، گرایشات مذهبی- فرهنگی، طبقه اجتماعی-اقتصادی و محله زندگی؛

1. Bilodeau, C.
2. Kulik & Ramon
3. Davies, K.
4. Rosa, V.
5. Latorre- Cosculluela, C.
6. Osmann, J.

- محدودیت ضبط مصاحبه‌ها در شرایط همه‌گیری کرونا و نیاز به مصاحبه مجدد؛
- خستگی مصاحبه‌شوندگان در روند جمع‌آوری داده‌ها و انصراف برخی از ادامه همکاری.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان تأکید می‌کنند که کلیه اصول اخلاقی در انجام و انتشار این پژوهش رعایت شده است. این موضوع توسط تمامی نویسندگان تأیید شده است.

عدم سوءرفتار علمی

مواردی مانند جعل داده‌ها، تحریف نتایج، سرقت ادبی (پلجیاریسم) و هرگونه رفتار غیراخلاقی دیگر در این پژوهش به‌طور جدی پرهیز شده است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان به‌صورت مساوی در طراحی پژوهش، نگارش مقاله، و ویرایش نسخه‌های نهایی مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

نویسندگان عدم وجود تعارض منافع (Conflict of Interest) را در ارتباط با این پژوهش اعلام می‌کنند. به عبارت دیگر، هیچگونه منافع مالی یا شخصی که بر نتایج تحقیق تأثیرگذار باشد، وجود نداشته است.

حامی مالی

این پژوهش بدون دریافت هرگونه حمایت مالی از سازمان‌های دولتی، تجاری یا غیرانتفاعی انجام شده است.

سپاسگزاری

نویسندگان از همکاری و مشارکت شرکت‌کنندگان پژوهش و گروه مشاوره دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه اردکان که این پژوهش با حمایت علمی ایشان انجام شد، تقدیر و تشکر می‌نمایند.

منابع

اشتراس، انسلم.، و کوربن، جولیت (۱۳۹۶). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه: افشار، ابراهیم. تهران: نشر نی.

آتش‌پور، سیدحمید.، و دلفروزی، فرزانه (۱۴۰۳). پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس شیوه‌های حل تعارض در زنان متأهل. *نشریه سلامت روان در مدرسه*، ۲(۶)، ۷۴- ۸۳. doi: 10.22034/JMHS.2024.461633.1063

اکبری، مرتضی (۱۳۹۷). اعتبارسنجی و سنجش کیفیت در پژوهش‌های کمّی، کیفی و آمیخته. *فصلنامه علمی- پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی*، ۲۴(۹۴)، ۲۳- ۴۵. http://dorl.net/dor/20.1001.1.17350293.1398.24.94.3.5

بازرگان، سمیه.، رمضانی، محمدآرش.، آتش‌پور، حمید.، و امیری، رومینا (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی بسته آموزشی ارتقای روابط بین‌فردی زوجین براساس رویکرد هیجان‌مدار و مشاوره زناشویی شناختی رفتاری بر دلبستگی و تعهد زناشویی. *نشریه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۲(۴۸)، ۲۵۹-۲۹۴. http://dorl.net/dor/20.1001.1.20085312.1400.12.48.8.6

بازرگان، عباس (۱۳۹۸). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری*. تهران: نشر دیدار.

بابایی، سارا.، دهقانی، محمود.، و زاهدی تجریشی، کمیل (۱۴۰۲). مدلیابی اعتماد بین فردی زوجین بر اساس ظرفیت ذهنی‌سازی. حل تعارض و الگوی کاری درونی. *نشریه روانپزشکی و روانشناسی بالینی*، ۲۹(۳)، ۳۰۴- ۳۱۹. http://dorl.net/dor/20.1001.1.27171054.1402.29.3.12.5

پاک خصال، اعظم.، سیف‌اللهی، سیف‌الله.، و میرزایی، خلیل (۱۳۹۹). بررسی رابطه احساس تنهایی، حمایت ادراک‌شده و رضایت زناشویی با استفاده از شبکه‌های مجازی در بین زوجین تهرانی. *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، ۲۲(۸۸)، ۱۵۱- ۱۷۳. http://dorl.net/dor/20.1001.1.10247213.1399.22.88.5.5

ثنایی‌ذاکر، باقر (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: انتشارات بعثت.

حریری، نجلا (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

خلیلی آلاشتی، فاطمه.، دهرویه، شهربانو.، و توکلی، نغمه (۱۴۰۳). اثربخشی آموزش حل مسئله برجهت گیری زندگی، عاطفه مثبت و منفی و درماندگی آموخته‌شده زوجین ناسازگار: طرح شبه آزمایشی. *نشریه دانشگاه علوم پزشکی اراک*، ۲۶ (۶). http://dorl.net/dor/20.1001.1.17350293.1403.26.6.16.4

دهلانی، راضیه.، حسین‌خانی، علی.، میرزایی فندخت، امید.، و مرادی سیرچی، زینب (۱۴۰۰). پیش بینی بهزیستی اجتماعی دانشجویان: نقش مؤلفه‌های سرسختی روان‌شناختی و عواطف (عاطفه مثبت و منفی). *نشریه تحقیقات سلامت در جامعه*، ۷(۲)، ۴۲- ۵۱. http://dorl.net/dor/20.1001.1.27170478.1400.7.2.6.4

رضاپور میرصالح، یاسر.، مصیبی اردکانی، ملیحه.، خندقی، زهرا.، و ناظمی، بتول (۱۴۰۰). شناسایی و سطح‌بندی عوامل مؤثر بر تعارضات اولیه زناشویی در زوجین تازه ازدواج کرده با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری(ISM). *نشریه خانواده‌پژوهی*، ۱۷(۶۸)، ۵۴۱- ۵۶۰. http://dorl.net/dor/20.1001.1.17350293.1400.17.68.13.4

زین العابدینی، محمدهادی.، و کاکابرایی، کیوان (۱۴۰۳). اثربخشی آموزش حل مسئله خانواده محور بر تمایزیافتگی زوجین. *نشریه علوم پزشکی صدرا*، ۱۲(۲)، ۱۹۳- ۲۰۱. https://doi.org/10.30476/smsj.2024.99039.1423

ژیان، فرشاد.، حاتمی، محمد.، و آگاه هریس، مژگان (۱۴۰۱). اثربخشی بسته روانشناختی آموزش پیش از ازدواج بر سبک های حل مسئله زوجین متقاضی ازدواج. *نشریه مطالعات اسلامی ایرانی خانواده*، ۲(۳)، ۱۸- ۲۹. http://dorl.net/dor/20.1001.1.28207343.1401.2.3.2.3

قزلسفو، مهدی.، رستمی، مهدی.، و سعادتی، نادره (۱۴۰۱). اثربخشی خودنظمبخشی هیجانی بر افزایش خودتنظیمی زوجین تازه ازدواج کرده، *نشریه خانواده درمانی کاربردی*، ۳(۲)، ۶۵۸- ۶۷۲. https://doi.org/10.22034/aftj.2021.284561.1083

منتظری، رویا (۱۴۰۱). نقش خانواده‌های زوجین در سازگاری، ثبات و رضایت زناشویی همسران: یک مطالعه مروری. *نشریه رویش روانشناسی*، ۱۱(۱)، ۱۹۹- ۲۱۰. http://dorl.net/dor/20.1001.1.20087184.1401.11.1.16.3

محمدی‌وند، محمدحسین.، بیرامی، منصور.، نظری، وکیل.، و غفاری، عذرا (۱۴۰۰). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر مؤلفه‌های رضایت زناشویی زنان متأهل. *نشریه مطالعات ناتوانی*، ۱۱(۱)، ۱۹۲- ۲۰۳. http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1400.11.1.15.3

References

AY, F., Polat, S., & Kashimi, T. (2020). Relationship between the problem- solving skills and empathy skills of operating room nurses. *Journal of Nursing Research,* 28(2), 1- 10. https://doi.org/10.1097/jnr.0000000000000384

Bilodeau, J., Marchand, A., & Demers, A. (2020). Work, family, work–family conflict and psychological distress: A revisited look at the gendered vulnerability pathways. *Stress and Health,* 36(1), 75- 87. https://doi.org/10.1002/smi.2918

Borgonovi, F., & Greiff, S. (2020). Societal level gender inequalities amplify gender gaps in problem solving more than in academic disciplines. *Intelligence*, 79, 101422. https://doi.org/10.1016/j.intell.2020.101422

Brown, C. (2019). *The influence of premarital counseling on marital satisfaction for African- American couples.* Master's thesis. University.

Cuijpers, P., Wit, L., Kleiboer, A., Karyotaki, E., & Ebert, D. (2019). Course. *Informatics in Education,* 18(2), 359- 373. https://doi.org/10.15388/infedu.2019.18

Davies, K., & Maharoni, A. (2021). The longitudinal relationship between loneliness, social isolation, and frailty in older adults in England: A prospective analysis. *Lancet Healthy Longer,* 2, 70- 77. https://doi.org/10.1016/s2666- 7568(20)30038- 6

De la Fuente, A., Chang, E. C., Cardeñoso, O., & Chang, O. D. (2019). The psychological impact of social problem solving under stress in adults: Debased life satisfaction, heightened depressed mood, or both? *Personality and Individual Differences,* 146, 46- 52. https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.04.029

Gold, Z. S., Perlman, J., Howe, N., Mishra, A. A., DeHart, G. B., Hertik, H., & Buckley, J. (2022). An observational study of children's problem- solving during play with friends. *Journal of Cognition and Development*, 1- 21. https://doi.org/10.108015248372.2022.2031087/

Hudson, W. W. (1992). *Index of marital satisfaction.* Walmyr: Publishing Co.

Juandi, D., & Tamur, M. (2021). Review of problem- based learning trends in 2010- 2020: A meta- analysis study of the effect of problem- based learning in enhancing mathematical problem- solving skills of Indonesian

students. *Journal of Physics: Conference Series*, 22(1). https://doi.org/10.1088012103/1/1722/6596 1742-/

Korteling, J., Paradies, G. L., & Sassen- van Meer, J. P. (2023). Cognitive bias and how to improve sustainable decision making. *Frontiers in Psychology,* 14. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1129835

Kulik, L., & Ramon, D. (2022). The relationship between family- work conflict and spousal aggression during the COVID- 19 pandemic. *Community, Work & Family,* 25(2), 240- 259. https://doi.org/10.108013668803.2021./1965390

Kunzler, A., Helmreich, I., König, J., Chmitorz, A., Wessa, M., Binder, H., Lieb, K. (2020). Psychological interventions to foster resilience in healthcare students. *The Cochrane database of systematic reviews,* 7(7). https://doi.org/10.100214651858/.CD01368 4

Larsen, J. T., Hershfield, H., Stastny, B. J., & Hester, N. (2017). On the relationship between positive and negative affect: Their correlation and their co- occurrence. *Emotion*, 17(2), 323- 331. https://doi.org/10.1037/emo0000235

Latorre- Cosculluela, C., Sierra- Sanchez, V., Rivera- Torres, P., & Liesa- Orus, M. (2022). Emotional well-being and social reinforcement as predictors of motivation and academic expectations. *International Journal of Educational Research,* 115, 1- 12. https://doi.org/10.1016/j.ijer.2022.102024

Levitt, H. M. (2021). Qualitative generalization, not to the population but to the phenomenon: Reconceptualizing variation in qualitative research. *Qualitative Psychology,* 8(1), 95–110. https://doi.org/10.1037/qup0000153

Moggia, D., Bennemann, Schwartz, B., Hehlmann, M., Driver, C., & Lutz, W. (2023). Process- based psychotherapy personalization: Considering causality with continuous- time dynamic modeling. *Journal Psychotherapy Research,* 4, 1- 10. https://doi.org/10.108010503307.2023.2222892/

Nall, M., Aull, M. (2020). *The Influence of personal characteristics: personality, culture and environment. Unpublished Dissertation.* University of Kentucky.

Nurfachriyah, H., & Yusiyaka, R. (2022). The effectiveness of pre- marriage education program toward the mental readiness of adolescent in Mekarwangi Residence. *Journal of Pendidikan Luar Sekolah* (Pls), 10(3), 396- 400. https://doi.org/10.23969/jpls.v10i3.5318

Odero, M. E. A. (2019). *Pre- marital counseling and its influence on marital quality among seventh- day Adventist members in Kibra Division of Nairobi County.* Kenya. Doctoral dissertation, University.

Osmann, J., Dvorkin, J., Inbar, Y., Page- Gould, E., & Feinstein, A. (2021). The emotional well- being of journalists exposed to traumatic events: A mapping review. *Media, War & Conflict*, 14(4), 476- 502. https://doi.org/10.11771750635221103792 6/

Rosa, V., & Tomai, M. (2019). Body mass index, personality traits, and body image in Italian pre- adolescents: An opportunity for overweight prevention. *Psihologija*, 52(4), 379- 393. https://doi.org/10.2298/PSI1904379R

Rusu, P. P., Bodenmann, G., & Kayser, K. (2019). Cognitive emotion regulation and positive dyadic outcomes in married couples. *Journal of Social and Personal Relationships*, 36(1), 359- 376. https://doi.org/10.11770265407517732782/

Sarfo, E. A., Salifu Yendork, J., & Naidoo, A. V. (2020). Examining the intersection between marriage, perceived maturity, and child marriage: Perspectives of community elders in the Northern region of Ghana. *Culture, Health & Sexuality,* 23(7), 991- 1005. https://doi.org/10.108013691058.2020.1776391/

Shin, J., Lee, S. J., & Steffe, L. P. (2020). Problem- solving activities of two middle school students with distinct levels of units coordination. *The Journal of Mathematical Behavior*, 59, 1007- 1010. https://doi.org/10.1016/j.jmathb.2020.100799

Sürücü. A., & İlmen, Z. (2022). The Predictive Relationship Between Marital Adjustment, Psychological Birth Order, and Psychological Resilience of Married Individuals. *The Family Journal,* 3(4), 1- 9. https://doi.org/10.11776 1066480722112425/

Volodina, A., Lindner, C., & Retelsdorf, J. (2019). Personality traits and basic psychological need satisfaction: Their relationship to apprentices' life satisfaction and their satisfaction with vocational education and training. *International Journal of Educational Research*, 93, 197- 209. https://doi.org/10.1016/j.ijer.2018.11.002

Yurniwati, Y. (2020). The effectiveness of computer- based problem solving to improve higher order thinking skills on prospective teachers. International *Journal of Instruction,* 13(2), 393- 406. https://doi.org/10.29333/iji.202

The Islamic Journal of Women and the Family
Print ISSN: 2538-6190 Online ISSN: 2717-4085
Homepage: https://pzk.journals.miu.ac.ir

Comparing Marital Conflicts between Spouses Raised in Small and Large Families

Masoud Nour Alizadeh Mianji [1]✉, and **Zohair Ahmadi** [2]

1. Corresponding author, Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran. Email: mnour@shahed.ac.ir 0000-0001-9078-2197
2. . M.A. Student in Psychology, Payam Nour University of Tehran, Eslamshahr Branch, Tehran, Iran. Emial: zohair.ahmadi@yahoo.com 0009-0007-5673-8564

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 15 March 2025
Received in revised form 25 April 2025
Accepted 25 May 2025
Available online 30 May 2025

Keywords:
family population,
childbearing,
number of children,
marital conflicts,
mature spouses.

ABSTRACT

Objective: The present research was conducted to compare the level of marital conflicts between spouses raised in small-population (fewer children) and large-population (more children) families.

Method: This study was conducted using a non-experimental quantitative causal-comparative method. The population included student couples living in residential complexes in Qom, of whom 626 (313 couples) were selected by the cluster sampling and responded to demographic and marital conflict questionnaires by Sanaei et al. (2008).

Results: The findings showed that there is a statistically significant difference between marital conflicts between spouses raised in small-population families and those raised in large-population families; that is, spouses who were from large-population families had fewer marital conflicts than spouses who were from small-population and small-population families.

Conclusions: In analyzing and explaining the factors of marital conflicts and planning to prevent and deal with them, it is necessary to pay more attention to the number of family members and the rate of childbearing, and long-term programs should be targeted to motivate and increase population growth.

Cite this article: Nour Alizadeh Mianji, M., & Ahmadi, Z. (2025). Comparing Marital Conflicts between Spouses Raised in Small and Large Families. *The Islamic Journal of Women and the Family,* 13 (2), 27-43. https://doi.org/10.22034/ijwf.2025.18771.2275

© Author(s). retain the copyright and full publishing rights
Publisher: Al-Mustafa International University.
DOI: https://doi.org/10.22034/ijwf.2025.18771.2275

Introduction

As time passes and the lifestyle of the Iranian people changes from traditional to modern, many of the concepts of the past have gradually changed and replaced with modern and contemporary concepts. One of these cases is the issue of few and single-child families, which families consider an important issue in achieving their personal goals. This phenomenon occurs for various reasons and justifications such as economic factors such as poverty and unemployment, social factors such as women's employment, women's education, marital conflicts, cultural factors such as idealism versus child rearing, individualism, consumerism, body management, lifestyle, leisure time, socio-economic base and social relationship network (Moradi and Dolatkhah, 2022) and physical and biological risks such as the effect of pregnancy on beauty and body, physical, mental and psychological health of the child and mother (Aghayarihir et al., 2016).

Negative economic, social, family, psychological, and educational consequences include the harms of having few children and having only one child. Only-child families consider the consequences of this issue undesirable for their children and believe that having only one child is not a suitable model for families (Razaghi Nasrabad et al., 2016). Nowadays, consequences such as filial piety, dependency, loneliness, weakening of family culture, divorce and separation, reduction of kinship ties, aging population (Moradi and Dolatkhah, 2022), low motivation for progress (Shaghaghi Shiri and Ahmadi, 2015), educational problems such as impatience, inability to solve problems, selfishness, lack of teamwork spirit, high expectations (Shojaei and Yazdkhasti, 2017; Alizadeh et al., 2021; Satourian et al., 2014; Aghayarihir et al., 2016) and poor social cognition (Karimian et al., 2015) have caused family health to be put at risk. Mothers of few and single children reported that their children are weak in problem-solving skills, resilience and independence (Razaghi Nasrabad et al., 2016; Aghayarihir et al., 2016). Other findings show that children from large families experience more social cognition than children from single-child families (Krimian et al., 2015).

Many psychologists believe that adult personality is formed in childhood (Schultz and Schultz, 2013). Therefore, the personality traits that spouses bring with them from childhood to adulthood have an effect on the quality of their married life (Stroud et al., 2010; Maloof et al., 2010). People who have emotional and behavioral problems in childhood may continue their problems until puberty and adulthood (Satourian et al., 2014). One of the problems that can challenge a person's life in the future is disagreement with their spouse in marital life, which is referred to as marital conflict. The concept of conflict refers to disagreement between spouses, meaning that the individual sees a mismatch between their own goals, expectations, needs, or personal desires and those of their partner (Houshmandi et al., 2019). Marital conflict may be described as a struggle, conflict, quarrel, or disagreement between husband and wife and sometimes between other family members over conflicting needs, ideas, beliefs, values, or goals (Tasso et al., 2021). This can be a precursor to couples separating (Bashkar et al.,

2012; Navabinejad et al., 2023). Glasser (2000) says: «Conflict in the family indicates that the qualitative world of the members of that family is incompatible with each other and at least one family member is trying to harmonize the other family members with his qualitative world. Therefore, it can affect the mental health of couples» (Navabinejad et al., 2023). The issue examined in the present study is how people who grew up in families with few children perform in their married life with their spouses. The hypothesis of this research is that having only one child or having few children can play a role in the emergence and intensification of marital conflicts in the future.

Method

The present study was conducted using a non-experimental ex-post facto causal-comparative method. In addition to descriptive statistics such as mean and standard deviation, inferential statistics such as independent t-test were used to compare two groups and obtain the difference in mean scores. The population consisted of student couples living in residential complexes in Pardisan in Qom Province, of whom 626 people (313 couples) were selected by the cluster sampling. Research data were collected by administering the demographic and marital conflict questionnaires revised by Sanaei et al. (MCQ-R). The demographic questionnaire included questions about the number of people in the main family and the spouse. The revised marital conflict questionnaire consists of 54 questions that measure eight dimensions of marital conflict. Sanaei et al.'s Marital Conflict Questionnaire (MCQ-R) has good content validity. The reliability coefficient of the test using Cronbach's alpha method for the entire questionnaire on a group of 270 people was 0.96. In the present study, the total Cronbach's alpha was 0.866.

Results

Descriptive findings showed that the highest percentage of respondents (42%) were in the age group of 25 to 35 years. Based on the results, the mean score in the marital conflicts variable was 101. To examine the normality of the distribution of variables, skewness and kurtosis statistics were used, which showed that the aforementioned variable was normal. Levine's statistic was used to test the homogeneity of variances, and the significance level was higher than 0.05, so the variance of the groups is equal. Based on the findings, the mean of marital conflicts in the first group, i.e., small-population families (less than 4 people) (mean = 105.686) were higher than the second group, i.e., large-population families (more than 4 people) (mean = 100.427). The results of the independent t-test showed that the significance level was lower than 0.05, so there is a significant difference between the marital conflicts of the two groups in terms of the demographic status of the individuals. The positive difference in means (5.256) indicates that the mean scores of marital conflicts in the low-population group are higher than the mean scores of marital conflicts in the high-population group.

Conclusions

The results show that there is a statistically significant difference between marital conflicts between the two groups based on the number of members of the paternal family. People who were raised in large families had fewer marital conflicts than those who were raised in small families. Although no study was found that examined the effects of being only one child or with few family members on people's adulthood lives, especially their marital conflicts, the results of the present study are consistent with the findings of Satourian (2014), Razaghi Nasrabad et al. (2016), and Shaghaghi Shiri and Ahmadi (2015), who believe that people who grew up in families with few children or only one child experience more problems, and the research of Karimian (2015) and Derakhshanpour et al. (2020), who believe that people who grew up as only one child experience less social cognition. In explaining the research hypothesis, it can be stated that children from small-sized families do not acquire many interpersonal and social skills, as well as adaptation and problem-solving skills. This shows the importance of having siblings in the development of interpersonal and social skills (Derakhshanpour et al., 2020). The presence of siblings in all areas of life can be influential in the process of individual development. Large-sized families in which siblings are seen behave positively in adaptive behaviors with the environment and others. Having many children increases the individual's social cognition and enables the individual to analyze and judge the behaviors of others more adaptively (Karimian et al., 2015). To prevent disputes and harmful interactions that lead to marital conflicts and divorce, it is necessary to pay more attention to the number of family members, the number of children, and parenting styles, and to design and implement long-term plans to increase population growth. Of course, we should not ignore the impact of parenting styles, economic status, parental education level, cultural and religious level, parental separation, and other factors on the formation of children's behavioral and psychological problems (Sardarpour Goudarzi et al., 2003; Hallahan and Kaufman, 2003, cited in Satourian et al., 2014).

Author Contributions

All authors participated equally in the design of the study, writing the article, and editing the final versions.

Data Availability Statement

Data available on request from the authors.

Acknowledgements

The authors would like to thank the Research Institute for Islamic Culture and Thought, which sponsored the research plan of this scientific project and assisted and supported the authors in carrying out this plan.

Ethical Considerations

Cases such as falsification of data, distortion of results, plagiarism, and any other unethical behavior have been strictly avoided in this study.

Funding

This study was conducted without receiving any financial support from government, commercial, or non-profit organizations.

Conflict of Interest

The authors declare that there are no conflicts of interest in connection with this study. In other words, there were no financial or personal interests that could affect the results of the study.

پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده

شاپا چاپی: ۶۱۹۰-۲۵۳۸ شاپا الکترونیکی: ۴۰۸۵-۲۷۱۷

Homepage: https://pzk.journals.miu.ac.ir

مقایسه تعارضات زناشویی همسران رشدیافته در خانواده‌های کم‌جمعیت و پرجمعیت

مسعود نورعلیزاده میانجی[1]✉، و زهیر احمدی[2]

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. رایانامه: mnour@shahed.ac.ir

۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور تهران، واحد اسلامشهر. رایانامه: zohair.ahmadi@yahoo.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

کلیدواژه‌ها:
جمعیت خانواده، فرزندآوری، تعداد فرزندان، تعارضات زناشویی، همسران رشدیافته.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر باهدف مقایسه میزان تعارضات زناشویی همسران رشدیافته در خانواده‌های کم‌جمعیت (فرزندان کمتر) و پرجمعیت (فرزندان بیشتر) انجام شد.

روش پژوهش: این پژوهش به‌روش کمی غیرآزمایشی از نوع علی-مقایسه‌ای انجام شد. جامعه آماری شامل زوج‌های طلبه ساکن مجتمع‌های مسکونی شهر قم بود که تعداد ۶۲۶ نفر (۳۱۳ زوج) از ایشان به‌روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌های جمعیت‌شناختی و تعارضات زناشویی ثنایی و همکاران (۱۳۸۷) پاسخ دادند.

یافته‌ها: یافته‌ها پژوهش نشان داد که بین تعارضات زناشویی افراد رشدیافته در خانواده‌های کم‌جمعیت و کسانی که در خانواده‌های پرجمعیت رشد یافته بودند تفاوت آماری معناداری وجود دارد؛ یعنی همسرانی که از خانواده‌های پرجمعیت بودند نسبت به همسرانی که از خانواده‌های کم‌فرزند و کم‌جمعیت بودند تعارضات زناشویی کمتری داشتند.

نتیجه‌گیری: در تحلیل و تبیین عوامل تعارضات زناشویی و برنامه‌ریزی برای پیشگیری و مقابله با آن، ضروری است به تعداد اعضای خانواده و میزان فرزندآوری، بیش ازپیش توجه شود و برنامه‌های بلندمدت برای انگیزه‌بخشی و افزایش رشد جمعیت مورد هدف قرار گیرد.

استناد: نورعلیزاده میانجی، مسعود؛ و احمدی، زهیر (۱۴۰۴). مقایسه تعارضات زناشویی همسران رشدیافته در خانواده‌های کم‌جمعیت و پرجمعیت. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۱۳ (۲)، ۲۷-۴۳. https://doi.org/10.22034/ijwf.2025.18771.2275

ناشر: جامعه المصطفی العالمیه.

© نویسندگان.

مقدمه

با گذشت زمان و تغییر سبک زندگی مردم ایران از سنتی به مدرنیته، کم‌کم بسیاری از مفاهیم گذشته تغییر و جای خود را با مفاهیم مدرن و امروزی عوض کرده است. برخی از ارزش‌های دیروز، امروز ضدارزش و یا حداقل بی‌ارزش تلقی می‌شوند. یکی از این موارد، موضوع کم‌فرزندی و تک‌فرزندی است که خانواده‌ها آن را مسئله مهمی در راهیابی به اهداف شخصی خود می‌دانند. این مورد در جامعه کنونی و شرایط فعلی کشور، معضلی اجتماعی تلقی می‌شود و شعار «فرزند کمتر زندگی بهتر» ظلم به خانواده، فرهنگ، تمدن و دین اسلام خوانده می‌شود.

پدیده تک‌فرزندی یا کم‌فرزندی اختیاری، امروزه به‌دلایل و توجیهات مختلفی مانند عوامل اقتصادی از جمله فقر و بیکاری، عوامل اجتماعی از جمله اشتغال زنان، تحصیل زنان، تعارضات زناشویی، عوامل فرهنگی از جمله ایده‌آل‌گرایی در مقابل تربیت فرزند، فردگرایی، مصرف‌گرایی، مدیریت بدن، سبک زندگی، اوقات فراغت، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و شبکه روابط اجتماعی (مرادی و دولتخواه، ۱۴۰۱) و مخاطره‌های جسمانی و زیست‌شناختی از جمله تأثیر بارداری بر زیبایی و اندام، سلامت جسمانی، ذهنی و روانی کودک و مادر (آقایاری‌هیر.، و همکاران، ۱۳۹۵) رخ می‌دهد. غافل از اینکه این معضل، آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره خانواده و جامعه وارد می‌کند. پیامدهای منفی اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، روان‌شناختی و تربیتی ازجمله آسیب‌های کم‌فرزندی و تک‌فرزندی است. خانواده‌های تک‌فرزند، پیامدهای این موضوع را برای فرزندان خود نامطلوب می‌دانند و معتقدند که تک‌فرزندی الگوی مناسبی برای خانواده‌های ایرانی نیست (رزاقی‌نصرآباد.، و همکاران، ۱۳۹۵).

تحقیقات نشان می‌دهد که میزان باروری کل از حدود ۷/۷ فرزند در سال ۱۳۴۵ به حدود ۷ فرزند در سال ۱۳۵۹ و سپس به ۱/۹ تولد در سال ۱۳۸۵ و ۱/۸ تولد در سال ۱۳۹۰ (رزاقی نصرآباد.، و همکاران ۱۳۹۵) و درنهایت به ۱/۶۷ تولد در سال ۱۴۰۱ کاهش یافته است (فروتن، ۱۴۰۱). به‌عبارتی، نرخ فرزندآوری از حدود ۸ فرزند برای یک‌زن بارور به حدود ۲ فرزند رسیده که زنگ خطری برای سلامت جامعه است. پیر شدن جمعیت کشور، نبود توان مناسب برای فعالیت و خلاقیت در سطح کلان، ناتوانی در مهارت‌های اجتماعی و خانوادگی، ضعف‌های شخصیتی و روانی از پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و روانی کم‌فرزندی است. با افزایش فرهنگ کم‌فرزندی و تک‌فرزندی در غرب و الگوگیری والدین ایرانی از آن، برخی گمان کردند که فرزند کمتر، سبب افزایش رضایت از زندگی و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده می‌شود و تلاش کردند بدان پایبند باشند. درحالی‌که تعداد فرزندان با رضایت از زندگی رابطه مثبت دارد و با افزایش فرزندان، رضایت از زندگی بیشتر می‌شود (عالمی نیسی، ۱۳۹۷).

در برخی پژوهش‌ها بین رضایت زناشویی والدین و تعداد فرزندان رابطه معناداری وجود ندارد. (کوال.، و همکاران،[1] ۲۰۲۱) بسیاری از افراد بابت هزینه‌های اقتصادی فرزندان نگران هستند و این موضوع، دغدغه اقتصادی را به‌دنبال دارد. پژوهش وارد و اسمیت[2] (۱۹۸۰) نشان داد که اضافه شدن فرزند در همه مقاطع زندگی زناشویی نه‌تنها هزینه‌ها را افزایش نمی‌دهد، بلکه مجموع آنها را کاهش می‌دهد. دراین‌صورت، کل تصور مربوط به افزایش فقر با اضافه شدن فرزندان زیر سؤال می‌رود (عالمی نیسی، ۱۳۹۷).

بدیهی است که مسائل اقتصادی و رفاهی در بحث فرزندآوری مهم و غیرقابل اغماض است و همه انسان‌ها نیازمند برخورداری از حداقل‌های رفاهی هستند. به‌نظر می‌رسد باتوجه به آمارهای بالای مشکلات روانی، جسمی و خانوادگی، توجه به مسائل روحی و روانی برای بهبود کیفیت زندگی باید بیشتر شود. (سعیدی.، و همکاران، ۱۳۹۹) این موضوع نشان می‌دهد که توجه به ابعاد فرهنگی-تربیتی (نه ابعاد اقتصادی و مادی)، مسئله‌ای مهم در فرزندآوری و فرزندپروری است.

1. Kowal, M., & et al
2. Ward & Smith

امروزه پیامدهایی مانند فرزندسالاری، وابستگی، احساس تنهایی، کم‌رنگ شدن فرهنگ خانواده، طلاق و جدایی، کاهش روابط خویشاوندی، پیری جمعیت (مرادی و دولتخواه، ۱۴۰۱)، انگیزه پایین پیشرفت (شقاقی‌شیری و احمدی، ۱۳۹۴)، مشکلات تربیتی مانند کم‌صبری، ناتوانی در حل مسئله، خودخواهی، نبود روحیه کار گروهی، پرتوقعی (شجاعی و یزدخواستی، ۱۳۹۶؛ علیزاده.، و همکاران، ۱۴۰۰؛ ساطوریان.، و همکاران، ۱۳۹۳؛ آقایاری‌هیر.، و همکاران، ۱۳۹۵) و شناخت اجتماعی ضعیف (کریمیان.، و همکاران، ۱۳۹۴) باعث شده است تا سلامت خانواده به خطر بیفتد.

مادران کم‌فرزند و تک‌فرزند گزارش دادند که فرزندان آنها در مهارت حل مسئله، تاب‌آوری و استقلال دچار ضعف هستند و با مشکلاتی مانند وابستگی افراطی، فردگرایی، خودخواهی، حسادت، کم‌رویی، منزوی بودن، تن‌پروری و نبود جدیت مواجه‌اند. (رزاقی نصرآباد.، و همکاران، ۱۳۹۵؛ آقایاری‌هیر.، و همکاران، ۱۳۹۵) یافته‌های دیگر نشان می‌دهد که فرزندان خانواده‌های پرفرزند نسبت به فرزندان خانواده‌های تک‌فرزند، شناخت اجتماعی بیشتری را تجربه می‌کنند (کریمیان.، و همکاران، ۱۳۹۴). آنها به‌دلیل اینکه در کودکی مدام در کانون توجه بوده‌اند، خودخواه بارمی‌آیند. چنین فرزندانی به‌دلیل نبود هم‌بازی و تنها بودن در مسیر زندگی، بسیاری از آداب اجتماعی را فرانمی‌گیرند. آنها در رویارویی با بحران، سختی یا شکست که زندگی مادی و دنیوی است مهارت‌های لازمه را کسب نکرده‌اند و در تاب‌آوری و مهارت حل مسئله مشکل دارند. همین باعث می‌شود که در آینده زندگی زناشویی خود سازگاری لازم را نداشته و در حل تعارضات زناشویی ناتوان باشند.

بسیاری از روان‌شناسان معتقدند که شخصیت بزرگسال از کودکی شکل می‌گیرد. (ر.ک.، شولتز و شولتز، ۱۳۹۲) ازاین‌رو، ویژگی‌های شخصیتی که همسران از دوران کودکی همراه خود به دنیای بزرگسالی می‌آورند در چگونگی زندگی زناشویی آنها اثر دارد (استرود.، و همکاران،[1] ۲۰۱۰؛ مالوف.، و همکاران،[2] ۲۰۱۰). افرادی که در کودکی مشکلات عاطفی و رفتاری دارند، ممکن است مشکلات آنها تا دوران بلوغ و بزرگسالی تداوم یابد (ساطوریان.، و همکاران، ۱۳۹۳) و مجبور باشند در این سنین نیز با آن مشکلات دست‌وپنجه نرم کنند. از مشکلاتی که می‌تواند زندگی فرد را در آینده با چالش روبه‌رو کند اختلاف با همسر در زندگی زناشویی است که از آن به تعارض زناشویی یاد می‌شود. مفهوم تعارض به عدم توافق بین همسران برمی‌گردد و بدین معناست که فرد بین اهداف، انتظارات و نیازها یا امیال شخصی خود و طرف مقابلش ناهمسازی و ناهمخوانی می‌بیند (هوشمندی.، و همکاران، ۱۳۹۸).

تعارض زناشویی ممکن است به‌صورت یک‌مبارزه، درگیری، نزاع یا اختلاف بین زن و شوهر و گاهی اوقات بین سایر اعضای خانواده بر سر نیازها، ایده‌ها، باورها، ارزش‌ها یا اهداف متضاد توصیف شود. (تاسو.، و همکاران،[3] ۲۰۲۱) همین موضوع می‌تواند پیش‌درآمدی برای جدایی زوج‌ها باشد که از بگومگوهای ساده شروع شده و تا درگیری‌های شدید لفظی، نزاع، کتک‌کاری و جدایی گسترش می‌یابد (بشکار.، و همکاران، ۱۳۹۱؛ نوابی‌نژاد.، و همکاران،[4] ۲۰۲۳). گلاسر[5](۲۰۰۰) می‌گوید: «تعارض در خانواده بیانگر آن است که دنیای کیفی اعضای آن خانواده با یکدیگر ناسازگار است و حداقل یکی از اعضای خانواده در تلاش است تا سایر اعضای خانواده را با دنیای کیفی خود هماهنگ کند. ازاین‌رو، می‌تواند بر سلامت روانی زوجین تأثیر بگذارد» (نوابی‌نژاد.، و همکاران، ۲۰۲۳).

بدیهی است که اختلاف در زندگی مشترک اجتناب‌ناپذیر است و نمی‌توان وجود آن را در روابط انسانی نفی یا نهی کرد. ازاین‌رو، در روابط سالم، زوج‌ها تمایل به پذیرش و حل تعارض دارند، اما در صورت روابط ناسالم، تعارضات زناشویی به‌دلایل متعددی ایجاد می‌شود (تاسو.، و همکاران ۲۰۲۱) و ادامه پیدا می‌کند تا زمانی‌که رابطه را به‌پایان برساند. ازاین‌رو،

1. Stroud, C. B., & et al
2. Malouff, J. M., & et al
3. Tasew, A. S., & et al
4. Navabinejad, S.
5. Glasser

تعارضات زناشویی عامل مهم خانوادگی و مرتبط با مشکلات در نظر گرفته می‌شود (خوانین‌زاده.، و همکاران، ۱۴۰۲) که می‌تواند موجب ازهم‌پاشیدگی نظام خانواده شود. بنابراین، ضروری است عوامل زیربنایی سبب‌ساز آن بررسی شود.

تاکنون پژوهش‌های زیادی درباره تأثیر تعداد جمعیت خانواده بر حیطه‌های مختلف زندگی انجام شده است. برخی تحقیقات، علل و عوامل و برخی دیگر، پیامدهای تعداد فرزندان در زندگی را بررسی کرده‌اند. برخی پژوهش‌ها نیز به پیامدهای جمعیت کم خانواده در آینده اشاره کرده‌اند. مرادی و دولتخواه (۱۴۰۱) در پژوهش خود پیامدهای تک‌فرزندی را در سه‌دسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بررسی نموده‌اند.

مسئله‌ای که در پژوهش‌های پیشین بررسی نشده است و در پژوهش حاضر بررسی شد این است که کم‌فرزندی یا تک‌فرزندی به‌صورت مشخص بر چه ابعادی از زندگی بزرگسالی افراد تأثیر می‌گذارد. عملکرد افرادی که در خانواده‌های کم‌فرزند رشد کرده‌اند در زندگی زناشویی با همسرشان چگونه است. همسران رشدیافته در خانواده‌های کم‌جمعیت نسبت به خانواده‌های پرجمعیت از چه کیفیتی از روابط زناشویی برخوردارند؟ تعارضات زناشویی در کدام دسته از این افراد بیشتر است؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که تک‌فرزندی یا کم‌فرزندی می‌تواند در بروز و تشدید تعارضات زناشویی در آینده نقش داشته باشد و این‌گونه افراد، تعارضات بیشتری در زندگی خواهند داشت. به‌عبارت‌دیگر، افرادی‌که در خانواده‌های پرجمعیت پرورش یافته‌اند در مقایسه با افرادی که در خانواده‌های کم‌جمعیت رشد یافته‌اند، تعارضات کمتری دارند.

شیوه انجام پژوهش

۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر به‌روش غیرآزمایشی پس‌رویدادی ازنوع علی-مقایسه‌ای انجام شد. در تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر، علاوه‌بر برخی شیوه‌های طبقه‌بندی اطلاعات مانند نمودارها، جدول‌ها و شاخص‌های آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف استاندارد، از شاخص‌های استنباط آماری ازجمله آزمون t مستقل برای مقایسه دو گروه و به‌دست آوردن میزان تفاوت میانگین نمرات در هریک از گروه‌ها و آزمون معناداری تفاوت میانگین‌های دو گروه استفاده شد.

۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری شامل زوج‌های طلبه ساکن مجتمع‌های مسکونی شهرک پردیسان در استان قم بود که تعداد ۶۲۶ نفر (۳۱۳ زوج) از ایشان به‌روش نمونه‌گیری خوشه‌ای جهت ورود به پژوهش انتخاب شدند. برای نمونه‌گیری، ابتدا مجتمع‌های مسکونی طلاب شهر قم از نظر فراوانی سکونت به دو منطقه (پردیسان و سطح شهر) تقسیم شدند و در مرحله بعد به چند محله تقسیم شدند. سپس در هر منطقه و محله براساس تعداد واحدهای مسکونی آن نسبت به کل واحدهای مسکونی ۵۰۰ جفت مجموعه پرسش‌نامه (۱۰۰۰ نفر) به‌صورت تصادفی (با واحد نمونه خوشه‌ای مجتمع مسکونی) توزیع شد. بعد از جمع‌آوری نمونه‌های توزیع شده و غربالگری پرسش‌نامه‌های بی‌اعتبار، تعداد ۶۲۶ نفر (۳۱۳ زوج) درقالب نمونه نهایی برای تحقیق به‌دست آمد.

۳. ابزار پژوهش

گردآوری داده‌های تحقیق با اجرای پرسش‌نامه‌های جمعیت‌شناختی و تعارضات زناشویی تجدیدنظرشده ثنایی و همکاران (MCQ-R) انجام شد. پرسش‌نامه جمعیت‌شناختی شامل پرسش‌هایی در زمینه تعداد جمعیت خانواده اصلی خود و همسر بود. بدین‌صورت که از فرد خواسته شد که اعلام کند خود و همسرش در چه خانواده‌ای، کم‌جمعیت (زیر ۴

نفر) یا پرجمعیت (بالای ۴ نفر) متولد و رشد یافته‌اند. در پژوهش حاضر، خانواده ۴ نفره دارای دو یا یک فرزند و خانواده پرجمعیت دارای سه فرزند و بیش از آن بود. پرسش‌نامه تعارضات زناشویی تجدیدنظر شده ۵۴ سؤال دارد که توسط ثنایی و همکاران (۱۳۸۷) برای سنجیدن تعارض‌های زن و شوهری ساخته شده است. گویه‌های این پرسش‌نامه که در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت است هشت بُعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که عبارتند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر.

پرسش‌نامه تعارضات زناشویی ثنایی و همکاران (MCQ-R) روایی محتوایی خوبی دارد. در مرحله تحلیل محتوای آزمون، پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر سؤال با کل پرسش‌نامه و مقیاس‌های آن به‌دلیل همبستگی مناسب تمام سؤالات، هیچ سؤالی حذف نشد. ضریب پایایی (اعتبار) آزمون با روش آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه روی یک‌گروه ۲۷۰ نفری برابر ۰/ ۹۶ به‌دست آمده است. در پژوهش یوسفی و کریم‌نژاد (۱۳۹۷) این ضریب برای کل پرسش‌نامه (α=۰/۸۸۴) و برای ابعاد کاهش همکاری (α=۰/۷۸۷)، کاهش رابطه جنسی (α=۰/۶۵۹)، افزایش واکنش‌های هیجانی (α=۰/۸۴۸)، افزایش جلب حمایت فرزند (α=۰/۶۳۰)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود (α=۰/۸۲۰)، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان، همسر و دوستان (α=۰/۷۶۵)، جدا کردن امور مالی از یکدیگر (α=۰/۵۶۴)، کاهش ارتباط مؤثر (α=۰/۵۵۳) به‌دست‌آمد. در پژوهش حاضر نیز آلفای کل کرونباخ ۰/۸۶۶ به‌دست آمد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی نشان داد که بیشترین درصد پاسخ‌گویان (۴۲٪) در رده سنی ۲۵ تا ۳۵ سال قرار داشتند. گروه سنی ۳۵ تا ۴۵ سال (۲۶/۵٪)، گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال (۷/۵٪) و گروه سنی بالای ۴۵ سال (۷٪) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از نظر مدت‌زمان ازدواج، ۲۹/۴٪ افراد بین ۵ تا ۱۰ سال، ۲۴/۹٪ بین۱۰ تا ۱۵ سال، ۲۰/۷٪ نیز ۱۵ سال و بالاتر و ۱۶/۸٪ بین ۱ تا ۵ سال دارای زندگی مشترک بودند.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد تعارضات زناشویی

	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد
تعارضات زناشویی	۶۲۶	۶۱،۰۰	۱۸۰،۰۰	۱۰۱،۰۳۵	۱۹،۹۳۷
Valid N	۶۲۶				

جدول ۲. آماره‌های تعارضات زناشویی برای نرمال بودن متغیرها

	تعداد	چولگی		کشیدگی	
		آماره	انحراف استاندارد	آماره	انحراف استاندارد
تعارضات زناشویی	۶۲۶	۱/۰۷۱	۰/۰۹۸	۱/۳۶۷	۰/۱۹۵

برای بررسی نرمال بودن توزیع متغییرها از آماره‌های چولگی، کشیدگی، مقدار واریانس و توزیع منحنی نرمال داده‌ها استفاده شد. باتوجه به اطلاعات جدول ۲، قدرمطلق مقدار چولگی و کشیدگی تعارضات زناشویی از قدرمطلق ۱/۹۶ کمتر است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که متغیر مذکور نرمال است.

جدول ۳. میزان آماره لوین برای آزمون همگنی واریانس‌ها

آزمون لوین	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	سطح معناداری
۱/۰۵۲	۲	۶۰۸	۰/۳۵۰

برای آزمون همگنی واریانس‌ها از آماره لوین استفاده شد که براساس نتیجه جدول ۳ این مفروضه برقرار است. باتوجه به نتایج آزمون لوین مشخص است که سطح معناداری بالاتر از مقدار ۰/۰۵ است بنابراین، واریانس گروه‌ها باهم برابر هستند.

۱. بررسی آماره‌ها و شاخص‌های استنباطی تعارضات زناشویی براساس وضعیت جمعیتی خانواده

جدول ۴. میزان تعارضات زناشویی گروه‌های جمعیتی خانواده

وضعیت جمعیتی خانواده		میزان تعارضات زناشویی		
گروه‌ها	تعداد	درصد فراوانی	میانگین‌ها	انحراف استاندارد
کم‌جمعیت (زیر ۴ نفر)	۶۷	۱۰/۷	۱۰۵/۶۸۶	۲۱/۵۴۸
پرجمعیت (بالای ۴ نفر)	۵۴۳	۸۶/۷	۱۰۰/۴۲۷	۱۹/۵۹۶
مجموع	۶۱۰	۹۷/۴		
بی‌پاسخ	۱۶	۲/۶		
کل	۶۲۶	۱۰۰	۱۰۱/۰۳۵	۱۹/۹۳۷

براساس جدول ۴ میانگین تعارضات زناشویی گروه اول یعنی، خانواده‌های کم‌جمعیت و با فرزندان کمتر نسبت به گروه دوم یعنی، خانواده‌های پرجمعیت (با فرزندان بیشتر)، بیشتر است. فراوانی تعارضات گروه کم‌جمعیت به دودلیل، کمتر از گروه پرجمعیت است: اول اینکه جامعه آماری، خانواده‌های مذهبی (طلاب) هستند و دوم اینکه باتوجه به میانگین سنی نمونه‌ها و سال انجام پژوهش، در دهه‌هایی که همسران کنونی به‌دنیا آمده و زندگی می‌کرده‌اند، هنوز فرهنگ فرزندآوری چندان دستخوش تغییر قرار نگرفته بوده است و اکثر خانواده‌ها در دسته پرجمعیت قرار می‌گرفتند.

جدول ۵. مقایسه تعارضات زناشویی براساس وضعیت جمعیتی خانواده

	آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		آزمون t برای برابری میانگین‌ها				
	F	سطح معناداری	T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	تفاوت انحراف استاندارد
واریانس‌های برابر فرض شده	۱/۰۴۰	۰/۳۰۸	۲/۰۴۹	۶۰۸	۰/۰۴۱	۵/۲۵۶	۲/۵۶۶
واریانس‌های برابر فرض نشده			۱/۹۰	۸۰/۰۵	۰/۰۶۱	۵/۲۵۶	۲/۷۶۳

همان‌طور که در جدول ۵ آمده است باتوجه به اینکه سطح معناداری آزمون t مستقل از ۰/۰۵ کمتر است، نتایج بیانگر این است که تفاوت معناداری بین تعارضات زناشویی دو گروه برحسب وضعیت جمعیتی افراد وجود دارد. مثبت بودن تفاوت میانگین‌ها و اینکه گروه اول، خانواده کم‌جمعیت (زیر ۴ نفر) و گروه دوم، خانواده پرجمعیت (بالای ۴ نفر) بوده‌اند، نشان می‌دهد که میانگین نمرات تعارضات زناشویی گروه اول، ۵/۲۵۶ از میانگین نمره تعارضات زناشویی گروه دوم بیشتر است.

نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، مطالعه مقایسه‌ای تعارضات زناشویی همسران رشدیافته در خانواده‌های کم‌جمعیت و پرجمعیت است. نتایج نشان می‌دهد که بین تعارضات زناشویی دو گروه براساس تعداد اعضای خانواده پدری، تفاوت آماری معناداری وجود دارد. افرادی که در خانواده پرجمعیت پرورش یافته بودند نسبت به افرادی که در خانواده کم‌جمعیت رشد یافته بودند تعارضات زناشویی کمتری داشتند. هرچند پژوهشی که تأثیرات کم‌فرزندی و تک‌فرزندی را در زندگی بزرگسالی افراد به‌ویژه تعارضات زناشویی آنها بررسی کند، یافت نشد، نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش ساطوریان (۱۳۹۳)، رزاقی (۱۳۹۵) و شقاقی شیری و احمدی (۱۳۹۴) که معتقدند کم‌فرزندان و تک‌فرزندان مشکلات بیشتری را تجربه می‌کنند و پژوهش کریمیان (۱۳۹۴) و درخشان‌پور و همکاران[1] (۲۰۲۰) که معتقدند تک‌فرزندان شناخت اجتماعی کمتری را تجربه می‌کنند، همسو می‌باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر همچنین با یافته‌های اسماعیل‌زاده‌مشکی و زینالی (۱۳۹۹)، شیدعنبرانی و همکاران (۱۳۹۸)، فرازمند و همکاران (۱۳۹۶)، نادری (۱۳۸۸) و لعلی و عابدی (۱۳۸۷) که معتقدند برخی حوادث، رفتارها و سبک‌های تربیتی می‌تواند در زندگی بزرگسالی افراد تأثیرگذار باشد، همسوست. ازآنجاکه تعارضات زناشویی کمتر نشانه‌ای از سازگاری بیشتر است، نتایج پژوهش حاضر همسو با یافته‌های سردارپور گودرزی (۱۳۸۲) و بیاتی (۱۳۸۳) است که میزان برخی مشکلات را در فرزندان پرجمعیت بیشتر گزارش داده‌اند، البته با بخشی از نتایج پژوهش درخشان‌پور و همکاران (۲۰۲۰) که نشان داد بین تک‌فرزندان و چندفرزندان در مشکلات رفتاری تفاوت معناداری وجود ندارد نیز همسو می‌باشد.

در پژوهش حاضر نقش تعداد فرزندان و بافت خانوادگی پرجمعیت و کم‌جمعیت بر زندگی زناشویی آنها در بزرگسالی بررسی شد. در تبیین فرضیه پژوهش می‌توان بیان کرد که فرزندان خانواده‌های کم‌جمعیت، بسیاری از مهارت‌های میان‌فردی و اجتماعی و مهارت‌های سازگاری و حل مسائل را فرانمی‌گیرند. این موضوع اهمیت وجود خواهر و برادر را در رشد مهارت‌های میان‌فردی و اجتماعی نشان می‌دهد. (درخشان‌پور.، و همکاران، ۲۰۲۰) هرچند ممکن است فرزندان خانواده‌های کم‌فرزند به‌دلیل توجه بیش از حد والدین به آنها و فراهم کردن تمامی امکانات خدماتی و رفاهی و داشتن وقت بیشتر برای رسیدگی و توجه به علایق و استعدادهای آنها، ویژگی‌های فردی مانند خودآگاهی، اعتمادبه‌نفس، یادگیری تحصیلی، هوش‌بهر، برخی توانایی‌های خاص فردی مانند مهارت نقاشی، کامپیوتر، خوش‌نویسی، فن بیان و بسیاری توانایی‌های دیگر نمره بالاتری را کسب کنند (رزاقی‌نصرآباد.، و همکاران، ۱۳۹۵)، اما ازآنجاکه در کودکی با بسیاری از مسائل و چالش‌های طبیعی و روزمره روبه‌رو نشده‌اند توانایی انطباق‌پذیری و حل آن را ندارند یا در حل آن ضعیف می‌باشند؛ برخلاف خانواده‌های پرجمعیت که زمینه فراگیری و تمرین نظم، همکاری، همبستگی، بردباری، قناعت و بسیاری فضایل اخلاقی در آنها فراهم است (علیزاده.، و همکاران، ۱۴۰۰).

والدین خانواده‌های کم‌جمعیت چون فرزندان کمی دارند توجه زیادی بر رفتارها و برنامه زندگی فردی آنها دارند. این توجه زیاد هم می‌تواند مثبت باشد و هم منفی؛ (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۰) می‌تواند مثبت باشد چون سبب کشف زودهنگام استعدادهای فردی، افزایش توانمندی‌های مختلف به‌دلیل شرکت در کلاس‌های متعدد، تأمین نیازهای مادی، دریافت توجه تمام و کمال از والدین و... را فراهم می‌آورد، اما پیامدهای منفی آن جدی‌تر و آسیب‌زننده‌تر است. می‌توان چنین برداشت کرد که ممکن است کودکان خانواده‌های کم‌جمعیت در مهارت‌های فردی موفق‌تر عمل کنند، اما باتوجه به پژوهش‌های انجام شده (ر.ک.، کریمیان.، و همکاران، ۱۳۹۴؛ درخشان‌پور.، و همکاران،۲۰۲۰؛ علیزاده.، و همکاران، ۱۴۰۰)، بی‌شک آنها در مهارت‌های بین‌فردی و اجتماعی با مشکلاتی مواجه خواهند شد.

1. Derakhshanpour, F., & et al

وجود برادر و خواهر در تمام عرصه های زندگی می تواند در فرآیند رشد فرد تأثیرگذار باشد. خواهر و برادرها در ساختار شخصیت، مهارت‌های اجتماعی و شناختی، اعتمادبه‌نفس و ارزش‌های یکدیگر تأثیر دارند. خانواده‌های پرجمعیت که در آن خواهر و برادر دیده می‌شود در رفتارهای سازگارانه با محیط و دیگران به‌گونه مثبت رفتار می‌کنند. چندفرزندی باعث رشد شناخت اجتماعی فرد شده و سبب می‌شود فرد بتواند رفتارهای دیگران را سازگارانه‌تر تحلیل و قضاوت کند (کریمیان.، و همکاران، ۱۳۹۴). وجود چالش‌های طبیعی دوران کودکی این آمادگی را در کودکان به‌وجود می‌آورد که زندگی همیشه براساس خواسته او نیست و لازم است با محیط سازگار باشد؛ این کشمکش‌ها و چالش‌ها تمرینی برای دوران بزرگسالی و زندگی زناشویی است.

وقتی فرد نظرات مخالف و تعارضات متعددی از همسر خود دریافت می‌کند اگر در کودکی رفتار و برخورد سازگارانه را آموزش دیده باشد در روابط با همسر نیز می‌تواند موفق‌تر عمل کند. درحالی‌که فرزندان خانواده‌های تک‌فرزند و کم‌فرزند چون تنها هستند و مخالف و رقیبی در زندگی با خود ندارند، تاب و تحمل شنیدن و پذیرفتن نظرات و دستورات مخالف خود را ندارند. چنین افرادی در بزرگسالی فقط نیازهای خود را در اولویت قرار می‌دهند و هرگاه تقابلی بین نیازهای خود و دیگران دریافت کنند براساس اولویت‌بندی خود رفتار می‌کنند. در خانواده‌های کم‌جمعیت، والدین به‌دلیل وابستگی عاطفی شدید به فرزند خود اجازه شکست و تحمل درک چالش و سختی را به آنها نمی‌دهند. این رفتار سبب ایجاد مشکلات رفتاری همچون کم‌صبری، خودخواهی، ناتوانی در حل مسئله، پرخاشگری و روابط منفعلانه در فرزندان می‌شود. چنین فردی در زندگی زناشویی، خود را ناتوان می‌بیند؛ ناتوان در حل مشکل، ناامید از وجود مشکل و افسرده از شیوع مشکل در تمام حیطه‌های زندگی.

در خانواده‌های کم‌جمعیت، فرزندان در کانون توجه والدین هستند و قوانین اخلاقی، ارزشی و تربیتی غیرواقع‌بینانه و افراطی توسط والدین وضع می‌شود. این دقت‌های ذره‌بینی در بسیاری از مواقع مسئولیت‌های سنگین اخلاقی را بر دوش فرزندان می‌گذارد و آنها مجبورند مدام به تذکرها و پرسش‌های منطقی و غیرمنطقی والدین پاسخ دهند. همین سبب شکل‌گیری شخصیت وسواسی، فرامن غیرمنعطف و سخت‌گیر، و گاه دیکتاتورمآب در فرزندان می‌شود. در خانواده‌های کم‌فرزند، کودکان باید تلاش و کوشش بیشتری در برآورده کردن انتظارات و خواسته‌های والدین داشته باشند. این ممکن است موجب زیاده‌روی کودکان در ارزشیابی و تخمین اهمیت خود شده و سبب کمال‌گرایی، وسواس، خودشیفتگی و... آنها شود (احدی و بنی‌جمالی، ۱۳۷۵). ازسوی‌دیگر، فشار زیاد و ناروای موجب بحران‌های خانوادگی و در نتیجه ایجاد تنش یا تشدید مشکلات و دشواری‌های عاطفی می‌شود که تأثیر نامطلوبی بر شخصیت کودک می‌گذارد (شجاعی و یزدخواستی، ۱۳۹۶). براین‌اساس، این افراد با چنین شخصیتی، در آینده و در ارتباط با همسر دچار مشکل خواهند شد؛ آنها در حل مشکلات زندگی زناشویی خود ناتوان و ناسازگار می‌شوند و با چالش‌های بیشتری مواجه خواهند شد.

خانواده‌های پرجمعیت به‌دلیل رویارویی با مشکلات، چالش‌ها، بحث‌های گروهی و جمعی، تفریحات دسته‌جمعی و... بسیاری از مهارت‌های موردنیاز زندگی بزرگسالی و اجتماعی را تمرین می‌کنند. انسان در بطن جامعه و فراز و نشیب‌هایی که در روابط اجتماعی پشت سر می‌گذارد، رشد می‌کند و توانایی حل مشکلات را پیدا می‌کند. بنابراین، در زندگی آینده خود می‌تواند بهتر و سازنده‌تر رفتار کرده و از بروز تعارضات عدیده با همسر خود جلوگیری کند. ازاین‌رو، برای جلوگیری از اختلافات و تعاملات آسیب‌زا که منجر به تعارضات زناشویی و طلاق همسران می‌شود ضروری است به تعداد اعضای خانواده، میزان فرزندآوری و شیوه‌های فرزندپروری بیش‌ازپیش توجه شود و برنامه‌های بلندمدت برای افزایش رشد جمعیت طراحی و اجرا گردد.

البته نباید از تأثیر سبک‌های فرزندپروی، وضعیت اقتصادی، سطح تحصیلات والدین، سطح فرهنگ و دین‌داری، جدایی والدین و دیگر عوامل در شکل‌گیری مشکلات رفتاری و روانی کودکان غافل بود (سردارپور گودرزی.، و همکاران، ۱۳۸۲؛ هالاهان و کافمن،[1] ۲۰۰۳، به‌نقل از ساطوریان.، و همکاران، ۱۳۹۳). نمونه‌گیری تصادفی و اجرای زوجی پرسش‌نامه‌ها

1. Hallahan & Kauffman

از نقاط قوت پژوهش حاضر بود، اما باتوجه به اینکه جامعه آماری پژوهش حاضر، خانواده‌های سنتی و مذهبی طلاب و دامنه‌سنی مربوط به دهه‌های گذشته بودند، تعداد گروه‌های مقایسه نامساوی و ناهمتراز بود.

پیشنهادات پژوهشی

- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی برای افزایش دقت آماری، این پژوهش در جامعه‌های آماری دیگر با زمینه‌های فرهنگی و مذهبی متفاوت نیز انجام شود.
- علاوه‌بر تعارضات زناشویی، در مورد متغیرهای دیگری مانند میزان سازگاری و کیفیت زندگی زناشویی و فراخانواده که ارتباط آنها با متغیر جمعیت و تعداد فرزندان سنجیده نشده است، پژوهش‌هایی انجام شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان تأکید می‌کنند که کلیه اصول اخلاقی در انجام و انتشار این پژوهش رعایت شده است. این موضوع توسط تمامی نویسندگان تأیید شده است.

عدم سوءرفتار علمی

مواردی مانند جعل داده‌ها، تحریف نتایج، سرقت ادبی (پلجیاریسم) و هرگونه رفتار غیراخلاقی دیگر در این پژوهش به‌طور جدی پرهیز شده است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان به‌صورت مساوی در طراحی پژوهش، نگارش مقاله، و ویرایش نسخه‌های نهایی مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

نویسندگان عدم وجود تعارض منافع (Conflict of Interest) را در ارتباط با این پژوهش اعلام می‌کنند. به عبارت دیگر، هیچگونه منافع مالی یا شخصی که بر نتایج تحقیق تأثیرگذار باشد، وجود نداشته است.

حامی مالی

این پژوهش بدون دریافت هرگونه حمایت مالی از سازمان‌های دولتی، تجاری یا غیرانتفاعی انجام شده است.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله از پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که حامی طرح پژوهشی این پروژه علمی بود و در انجام این طرح نویسندگان را یاری و حمایت کرد تشکر و قدردانی می‌نمایند.

منابع

احدی، حسن.، و بنی‌جمالی، شکوه‌السادات (۱۳۷۵). *مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی کودک و روان‌شناسی رشد*. تهران: انتشارات بنیاد.

اسماعیل‌زاده مشکی، پروانه.، و زینالی، علی (۱۳۹۹). نقش تجربه‌های سوءرفتار دوران کودکی در پیش‌بینی روان‌بنه‌های هیجانی در بزرگسالی. *نشریه سلامت روان کودک*، ۳(۷)، ۱۲۹- ۱۴۱.

آقایاری‌هیر، توکل.، فرخی نگارستان، مینا.، و لطیفی مجره، سیده صدیقه (۱۳۹۵). فرزندآوری به‌مثابه مخاطره؛ مطالعه کیفی زمینه‌های کم‌فرزندی در شهر تبریز. *نشریه شورای فرهنگی- اجتماعی زنان و خانواده*، ۷۳(۱۹)، ۷- ۳۳.

بشکار، سلطان علی.، سودانی، منصور.، و شهنی ییلاق، منیجه (۱۳۹۱). تأثیر آموزش مهارت‌های مدیریت خشم در کاهش تعارضات زناشویی. *نشریه دستاوردهای روان‌شناختی* (علوم تربیتی و روان‌شناسی)، ۱(۴)، ۱۹۹- ۲۲۶.

بیاتی، فاطمه (۱۳۸۳). *مقایسه سازگاری عاطفی، اجتماعی، آموزشی و همدلی مادران و دختران در بین دانش‌آموزان دختر تک‌فرزند و*

چندفرزند مقطع راهنمایی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی. دانشگاه الزهرا. تهران.
خوانین‌زاده، زهرا.، رسولی، رویا.، و رضاییان فرجی، حمیدرضا (۱۴۰۲). تجربه زیسته فرزندان نوجوان خانواده‌های دارای تعارض زناشویی در ایران. *نشریه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۵۴(۱۴)، ۸۵- ۱۱۴.
رزاقی نصرآباد، حجیبه بی‌بی.، حسینی، زینب.، و شیخی، محمدتقی (۱۳۹۵). تجربه زیسته زنان شهر شهریار از تک‌فرزندی با تأکید بر چرایی و پیامدهای آن. *نشریه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۵(۲۲)، ۴۲- ۸۲.
ساطوریان، سید عباس.، طهماسیان، کارینه.، و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۳). مقایسه مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و دوفرزند. *نشریه روان‌شناسی و دین*، ۷(۳)، ۶۵- ۸۰.
سردارپور گودرزی، شاهرخ.، درخشان‌پور، فیروزه.، صدر، سید سعید.، و یاسمی، محمدتقی (۱۳۸۲). اختلال‌های رفتاری در کودکان خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند شهر تهران. *نشریه روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*،۹(۱)،۲۰- ۲۶.
سعیدی، میلاد.، نعیمی، ابراهیم.، و کاظمیان، سمیه (۱۳۹۹). مقایسه ابعاد جسمانی و روان‌شناختی زوجین براساس تعداد فرزندان. *نشریه پویش در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان*، ۱(۱۸)، ۱۰۱- ۱۱۳
شجاعی، جواد.، و یزدخواستی، بهجت (۱۳۹۶). تجربه زیسته تک‌فرزندان از تک‌فرزندی: مطالعه دختران بالای ۱۸ سال. *نشریه زن در توسعه و سیاست*، ۴(۱۵)، ۴۴۷- ۴۷۶.
شقاقی شیری، ولی‌اله.، و احمدی، محمدسعید (۱۳۹۴). *مقایسه انگیزش پیشرفت و ابعاد آن در نوجوانان خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند*. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران.
شولتز، دوان‌پی.، و شولتز، سیدنی الن (۱۳۹۲). *نظریه‌های شخصیت*. تهران: نشر ویرایش.
شیدعنبرانی، بهناز.، نامور طباطبایی، سیدسجاد.، محدث اردبیلی، ابوالفضل.، و امین، طاهره (۱۳۹۸). بررسی نقش بدرفتاری عاطفی دوران کودکی و سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی صفات مرضی شخصیت در بزرگسالی. *نشریه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۵(۱)، ۱۹- ۳۳.
عالمی نیسی، مسعود (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی تأثیر تعداد فرزندان بر فقر اعضای نهاد خانواده در کشورهای مختلف. *نشریه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۶(۲)، ۳۹- ۷۸.
عالمی نیسی، مسعود (۱۳۹۷). فراتحلیل تحقیقات تجربی پیرامون رضایت از زندگی و تعداد فرزندان در کشورهای مختلف. *نشریه شورای فرهنگی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۷۹(۲۰)، ۷- ۴۴.
علیزاده، فاطمه.، کریمی‌نیا، محمدمهدی.، و انصاری مقدم، مجتبی (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی‌های تک‌فرزندی در جامعه (با نگاهی به دستورات اسلامی). *نشریه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۴(۴۰)، ۷۶- ۸۶.
فرازمند، شیرین.، محمدخانی، پروانه.، پورشهباز، عباس.، و دولتشاهی، بهروز (۱۳۹۶). نقش منابع بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی در پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار شرطی و غیرشرطی در بزرگسالی. *نشریه اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۱۲(۴۴)، ۴۰- ۵۰.
فروتن، کاظم (۱۴۰۱). *کاهش نرخ باروری ایرانیان به ۱.۶۷، فاصله کمی با سیاه‌چاله جمعیتی داریم*، مشاهده شده در خبرگزاری ایسنا: https://www.isna.ir/news/۱۴۰۱۱۲۰۹۰۶۶۱۵
کریمیان، زهرا.، شهبازی‌راد، افسانه.، و حقیقی کرمانشاهی، مارال (۱۳۹۴). مقایسه شناخت اجتماعی کودکان دختر خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند ۵ و ۷ ساله شهر اصفهان. *نشریه علمی-پژوهشی شناخت اجتماعی*، ۴(۲)، ۲۲- ۳۴.
لعلی، مرتضی.، و عابدی، احمد (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سابقه انواع بدرفتاری والدین در دوران کودکی با افسردگی دوران بزرگسالی در بیماران سرپایی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان. *نشریه مطالعات روان‌شناختی*، ۱۷(۴)، ۸۱- ۹۴.
مرادی، هادی.، و دولتخواه، محمد (۱۴۰۱). علل و پیامدهای تک‌فرزندی در ایران. *نشریه معرفت*، ۳۱(۱۲)، ۶۷- ۷۹.
نادری، خیرالنساء (۱۳۸۸). مرگ عزیزان در کودکی و خودبیمارانگاری در بزرگسالی با تأکید بر رویکرد روانکاوی. *نشریه تازه‌های روان‌درمانی*، ۶(۵۱ و ۵۲)، ۸۶- ۹۷.
وصال، محمد.، رحمتی، محمدحسین.، و فارغ‌بال خامنه، محمدامین (۱۳۹۶). رابطه میان تعداد فرزندان و عملکرد تحصیلی آنان. *نشریه مطالعات جمعیتی*، ۲(۳)، ۹۱- ۱۱۶.
هوشمندی، رودابه.، احمدی، خدابخش.، و کیامنش، علیرضا (۱۳۹۸). تحلیلی بر علل تعارضات زناشویی در دو دهه اخیر (یک مرور نظامند). *نشریه علوم روان‌شناختی*، ۷۹(۱۸)، ۸۱۹- ۸۲۸.
یوسف‌پور طالقانی، ثنا (۱۴۰۲). بررسی وجود و یا عدم وجود رابطه میان تعداد فرزندان خانواده بر وضعیت تحصیلی هریک از آنها. سومین همایش بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و فرهنگی. همدان. https://civilica.com/doc/1771060
یوسفی، زهرا.، و کریم‌نژاد، ریحانه (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش همسرداری مبتنی بر شفقت بر بهبود روابط خانوادگی، تعارضات زناشویی، بخشش و صمیمیت زوجین ناشنوا و کم‌شنوای شهر اصفهان. *نشریه مطالعات زن و خانواده*، ۶(۲)، ۱۱۹- ۱۲۳.

References

Alidosti, M., Dehghani, S. L., Babaei-Heydarabadi, A., & Tavassoli, E. (2016). Comparison of Parenting Style in Single Child and Multiple Children Families. *Iranian Journal of Health Sciences,* 4(2), 49- 54.

Derakhshanpour, F., Khosravi, A., khajavi, A., Shahini, N., Kashani, L., & Salimi, Z, (2020). Comparing social skills between children of single-child and multiple-children families. *Fundamentals of Mental Health,* 22(4),211-216.

Kowal, M., Groyecka-Bernard, A., Kochan-Wójcik, M., & Sorokowski, P. (2021). When and how does the number of children affect marital satisfaction? An international survey. *PLoS ONE*, 16(4), e0249516. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0249516

Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., Schutte, N. S., Bhullar, N., & Rooke, S. E. (2010). The Five-Factor Model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. *Journal of Research in Personality,* 44(1), 124- 127.

Navabinejad, S., Rostami, M., & Parsakia, K. (2023). The Mediating Role of Emotional Intelligence in the Relationship between Marital Conflicts and Tendency to Marital Infidelity in Couples. *Journal of Assessment and Research in Applied Counseling,* 5(1), 19-.

Stroud, C. B., Durbina, C. E., Saigal, S. D., & Knobloch-Fedders, L. M. (2010). Normal and abnormal personality traits are associated with marital satisfaction for both men and women: An Actor–Partner Interdependence Model analysis. *Journal of Research in Personality,* 44(4), 466- 477.

Tasew, A. S., Getahun, K. K., & Prete, G. (2021). Marital conflict among couples: The case of Durbete town, Amhara Region, Ethiopia. *Cogent Psychologys*, 8(1), https://doi.org/10.108023311908.2021.1903127/.

The Islamic Journal of Women and the Family
Print ISSN: 2538-6190 Online ISSN: 2717-4085
Homepage: https://pzk.journals.miu.ac.ir

Contemporary Social Issues of Muslim Women and Families from the Imam Musa Sadr's View

Mohammad Sadegh Karbalaeizadeh Estabragh[1], Yahya Bouzarinejad[2] ✉, and Mohsen Sabourian[3]

1. Ph.D. Student in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
   Email: m.karbalaeizadeh@ut.ac.ir 0000-0002-7830-830X
2. Corresponding author, Professor, Department of Islamic Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: y_bouzarinejad@ut.ac.ir 0000-0002-0931-3690
3. Assistant Professor, Department of Islamic Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
   Email: saboorian@ut.ac.ir 0000-0001-8694-005X

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 13 March 2025
Received in revised form 21 April 2025
Accepted 22 May 2025
Available online 30 May 2025

Keywords:
social issues of women and family,
marriage outside the framework,
polygamy,
gender inequality,
the Imam Musa Sadr's view.

ABSTRACT

Objective: This research aimed to investigate the perspective of Imam Musa Sadr as a Muslim scholar in dealing with social issues in the field of women and family in the modern era, and to analyze his proposed solutions based on an Islamic approach.

Method: This study was conducted using the thematic analysis method and a systematic review of the works of Imam Musa Sadr.

Results: The analysis of Imam Musa Sadr's works revealed three main issues, which are as follows: «marriage outside the framework», «polygamy», and «gender inequality and the denial of women's social status». From his point of view, the causes of the emergence of marriages outside the framework are the rapid changes in modern life, an anti-social attitude towards marriage, and stagnation in understanding religious rulings. His solution is to return to the easy-going and social approach of Islam to marriage and to use jurisprudential dynamics. He does not consider polygamy to be an absolute ruling, but rather considers it conditional on specific social conditions to which it must be subject. In the issue of gender inequality, he considers the oppression and exploitation of women as the cause of their real status being taken away, their lives being ruined, and society being deprived of their capacities.

Conclusions: This research shows that Imam Musa Sadr, with a social perspective and purposes in religious texts, offers Islamic-based solutions for women's issues that emphasize providing conditions for the dignified and chaste presence of women in various social arenas, with an emphasis on positive identity and freedom. The present research is a testament to the efforts of Muslim thinkers to utilize the capacities of the Islamic perspective in response to emerging challenges in the field of women and the family.

Cite this article: Karbalaeizadeh Estabragh, M., Bouzarinejad, Y.,& Sabourian, M. (2025). Contemporary Social Issues of Muslim Women and Families from the Imam Musa Sadr's View. *The Islamic Journal of Women and the Family,* 13(2), 45- 64. https://doi.org/10.22034/ijwf.2025.19463.2329

© The Author(s).
Publisher: Al-Mustafa International University.
DOI: https://doi.org/10.22034/ijwf.2025.19463.2329

Introduction

The process of modernization in the last two hundred years has brought about many changes in human culture and social life. However, these issues vary in intensity and degree depending on the culture of the societies (Giddens, 2004). The process of modernization in Islamic societies has also brought about extensive changes in the field of women and the family, following global changes. The most influential and controversial social and theoretical challenges of the last century in this field arose from the feminism movement. Although this movement helped women's activities in social fields, it itself became the source of some other problems by emphasizing social growth and ignoring other dimensions such as the individual and family dimensions of women. The failure of feminist approaches is evidence that this field requires a balanced, systematic approach that encompasses all dimensions of the problem. Therefore, reaching a perspective that stems from divine and innate thinking is essential for developing the status of women in today's world (Farahmand, 2007).

Imam Musa Sadr (1928) is one of the most prominent contemporary Muslim scholars and social reformers who, in addition to his theoretical thinking, has also left valuable experiences in the field of politics and institution-building in dealing with social issues. In the present study, social issues in the field of women and family were examined from an Islamic and Shiite perspective in the context of a Muslim society based on the thought and experience of Imam Musa Sadr, and by analyzing his speeches and writings, the causes, solutions, and consequences of these issues were analyzed.

Method

The main source of data for this research is the collection «Step by Step with the Imam» (Zaher, 2017), which includes daily reports of Imam Musa Sadr's activities, meetings, interviews, messages, speeches, and articles from 1960 to 1978. Thematic analysis was used to analyze the data. This method was chosen due to its flexibility and efficiency in summarizing, categorizing, and reconstructing textual data (Sheikhzadeh and Baniasad, 2020). In the present study, by following an inductive approach and at an explicit semantic level, themes related to each research question were identified and categorized into three categories: cause, solution, and consequence. The analysis process was carried out in six stages, including familiarization with the data, coding, creation of initial themes, review, definition of themes, and presentation of an analytical report.

Results

Through the thematic content of the data set, three social issues emphasized in the works of Imam Musa Sadr in the field of women and family were identified, which are as follows: marriage outside the framework, polygamy, gender inequality, and the denial of women's social status.

1. Marriage outside the framework

Causes: From the Imam Musa Sadr's view, the causes of marriage outside the framework are:

A) Rapid changes and developments in individual and social life that have destroyed the stability and peace that prevailed in past life and have made it more difficult to recognize individuals and find similar people (Zaher, 2017, 2/232; Zaher, 2017, 11/476).

B) Rigidity in religious rulings and an occult view of marriage that exists in Christianity and has affected Muslim societies, while Islam considers marriage a social matter. He warns: «Brothers, reach out to the youth. Now, the rigidity that exists in jurisprudential rulings has caused many Islamic countries to abandon the Islamic personal status law. [...] Isn't Islam a progressive religion? Why don't we provide the possibility of restrictions on polygamy and free and unrestricted divorce in our flexible and extensive jurisprudence? [...] Why don't we make our jurisprudence dynamic and compatible with the requirements of the time so that society does not take a stand against the Shariah rulings and does not set them aside? (Zaher, 2017, 3/291).

Consequences: From the perspective of Imam Musa Sadr, the consequences of marriage outside the framework include:

A) Risky decision-making; because marriage «is the entrance to the future society and this is what makes marriage very sensitive, important and precise» (Zaher, 2017, 2/232).

B) Adverse impact on family peace, childbearing and the future of children.

Solutions: From the Imam Musa Sadr's view, the solutions to marriage outside the framework include:

A) Considering marriage as a social matter in Islam.

B) Promoting simplicity in the matter of marriage.

C) Formalizing marriage registration in religious institutions.

D) Applying new solutions with religious restrictions such as the engagement period; According to Sadr: «This type of marriage allows men and women to establish relationships that are known in today's world as the engagement period. [...] Therefore, entering into married life requires testing and experience, which is permissible from a religious perspective only through temporary marriage for the required time during the engagement period» (Zaher, 2017, 3/237).

E) Applying the dynamics of jurisprudence through the conditions of the contract; «Both parties to the contract can change the form of transactions and contracts by adding conditions to make them compatible with the needs of an advanced society, and we all know that one of the factors that lead to the collapse of systems is their stagnation and inflexibility» (Zaher, 2017, 3/365).

2. Polygamy

Causes: According to Imam Musa Sadr, the main cause of polygamy is the abuse of specific social conditions. He believes that the verse related to polygamy in the Quran does not imply

its absolute permissibility, but rather sets two basic conditions for it: fear of not doing justice to orphans and doing justice between spouses (Zaher, 2017, 2/78; 3/236).

Solution: Limiting polygamy to social conditions; the ruling on polygamy is not an absolute ruling, but rather relates to specific situations that change depending on historical and social conditions (Zaher, 2017, 3/309; 3/330).

3. Gender inequality and the denial of women's social status

Causes: According to Imam Musa Sadr, the causes of gender inequality and the denial of women's social status include:

A) Differences in talents and abilities despite their completeness and equality in human status.

B) Dominance and exploitation of women; Sadr states: «Sisters! Men who made idols of themselves for you to worship [...] today force her to become an artistic painting so that men can enjoy her with their eyes and their sick hearts» (Zaher, 2017, 11/471).

C) The disappearance of the conditions for women's presence and social activity after the deviation of Muslim society from the standards of Islam.

Consequences: According to Imam Musa Sadr, the consequences of gender inequality and the denial of women's social status include: leading women to weakness and degradation, and the backwardness of society due to the deprivation of women's role.

Solutions: According to him, the solutions to eliminate gender inequality and the denial of women's social status include:

A) Providing conditions for women's presence and social activity.

B) Ensuring positive freedom for women; «Human ability does not develop except in a free space [...] Pressure leads to stagnation and distortion of abilities» (Zaher, 2017, 2/350).

C) The dignified presence of women in various fields.

D) Maintaining chastity to prevent the degradation of women's status.

E) Maintaining moderation in defending women's rights.

F) Dividing duties and balancing rights and duties.

G) Appreciating women and giving them an identity.

Conclusions

The purpose of this research was to investigate contemporary social issues of Muslim women and families from the Imam Musa Sadr's view. Influenced by the increasing changes in today's world, the family institution has also witnessed new forms or alternative forms, especially among young people. Imam Musa Sadr considers the reason to be the rapid changes and developments in individual and social life and the ineffectiveness of traditional forms of marriage in accordance with today's conditions of society, which, due to the rigidity in the rulings and the anti-social view of marriage, has led young people to marry outside the framework. Applying the dynamics existing in jurisprudence provides possibilities with which

one can achieve a form of marriage that, despite observing the conditions and standards of Islam, is also appropriate to today's social conditions.

Polygamy, from the perspective of Imam Musa Sadr, is not an absolute ruling, but rather refers to some specific social conditions, the determination of which is also the responsibility of the ruler of Islam. Regarding gender inequality, from the Sadr's perspective, women and men are complete and equal to each other as human beings. In addition to weakening and degrading women, the deprivation of women's true status has also deprived and left society backward. Therefore, the most important task to solve this problem is to prepare the conditions for women's social presence and activity based on Islam by moving away from the two attitudes of exploiting women by staying at home and commodifying them by marketing. The prerequisite for this is to provide positive freedom and the possibility of women's active participation and presence in various social, political, and economic fields while preserving their honor, chastity, and dignity.

Imam Musa Sadr, as an experienced jurist of social leadership, believes that in facing emerging issues in the field of women and the family, one should also pay attention to innate commonalities and gender differences by seeing and recognizing social changes with a religious perspective. A social perspective and attention to the historicity and purposes of rulings can, by moving beyond textualism in the context of the dynamics of jurisprudence, provide new possibilities for expanding the scope of rulings and their suitability with social conditions, and prevent the new generation from being led out of religious frameworks.

Author Contributions

All authors participated equally in the design of the study, writing the article, and editing the final versions.

Data Availability Statement

Data available on request from the authors.

Acknowledgements

The authors would like to thank and appreciate the cooperation of the respected professors and the Vice President of Education of the University of Tehran, who were instrumental in the success of this research and collaborated with the authors.

Ethical Considerations

Cases such as falsification of data, distortion of results, plagiarism, and any other unethical behavior have been strictly avoided in this study.

Funding

This study was conducted without receiving any financial support from government,

commercial, or non-profit organizations

Conflict of Interest

The authors declare that there are no conflicts of interest in connection with this study. In other words, there were no financial or personal interests that could affect the results of the study.

پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده
شاپا چاپی: ۶۱۹۰-۲۵۳۸ شاپا الکترونیکی: ۴۰۸۵-۲۷۱۷
Homepage: https://pzk.journals.miu.ac.ir

مسائل اجتماعی معاصر زن و خانواده مسلمان در اندیشه امام موسی صدر

محمدصادق کربلایی‌زاده استبرق[۱]، یحیی بوذری نژاد[۲]✉، و محسن صبوریان[۳]

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: m.karbalaeizadeh@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، استاد گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: y_bouzarinejad@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: saboorian@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

کلیدواژه‌ها:
مسائل اجتماعی زنان و خانواده،
ازدواج خارج از چارچوب،
چندهمسری،
نابرابری جنسیتی،
اندیشه امام موسی صدر.

چکیده

هدف: این پژوهش باهدف بررسی دیدگاه امام موسی صدر در جایگاه یکی از عالمان مسلمان، در مواجهه با مسائل اجتماعی حوزه زنان و خانواده در دوران تجدد، و واکاوی راهکارهای پیشنهادی وی مبتنی بر رویکرد اسلامی انجام شد.

روش پژوهش: این مطالعه با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و با بررسی نظام‌مند مجموعه آثار امام موسی صدر انجام شد.

یافته‌ها: تحلیل آثار امام موسی صدر سه مسئله اصلی را نمایان کرد که عبارتند از: «ازدواج خارج از چارچوب»، «چندهمسری» و «نابرابری جنسیتی و سلب جایگاه اجتماعی زنان». از نگاه وی، علل پیدایش ازدواج‌های خارج از چارچوب، تغییرات سریع زندگی مدرن، نگرش غیراجتماعی به ازدواج و جمود در فهم احکام دینی است. راهکار او بازگشت به نگرش آسان‌گیر و اجتماعی اسلام به ازدواج و استفاده از پویایی‌های فقهی است. وی چندهمسری را حکمی مطلق نمی‌داند، بلکه آن را مشروط به شرایط خاص اجتماعی می‌داند که باید بدان مقید شود. وی در مسئله نابرابری جنسیتی، استضعاف و بهره‌کشی از زنان را عامل سلب جایگاه حقیقی و تباهی عمر آنان و محرومیت جامعه از ظرفیت‌های آنان می‌شمارد.

نتیجه‌گیری: این پژوهش نشان می‌دهد که امام موسی صدر با نگاهی اجتماعی و مقاصدی به متون دینی، راهکارهایی مبتنی بر اسلام برای مسائل زنان ارائه می‌دهد که بر فراهم‌آوردن شرایط برای حضور عزتمندانه و عفیفانه زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، با تأکید بر هویت‌بخشی و آزادی مثبت، تأکید دارد. پژوهش حاضر گواهی است بر تلاش متفکران مسلمان برای به‌کارگیری ظرفیت‌های دیدگاه اسلامی در پاسخ به چالش‌های نوظهور در حوزه زنان و خانواده.

استناد: کربلایی‌زاده استبرق، محمد صادق؛ بوذری نژاد، یحیی؛ و صبوریان، محسن(۱۴۰۴). مسائل اجتماعی معاصر زن و خانواده مسلمان در اندیشه امام موسی صدر. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۱۳ (۲)، ۴۳-۶۴. https://doi.org/10.22034/ijwf.2025.19463.2329

ناشر: جامعه المصطفی العالمیه.

© نویسندگان.

مقدمه

روند تجدد در دویست سال اخیر تحولات زیادی را در فرهنگ و حیات اجتماعی انسان پدید آورده است. بااین‌حال این مسائل براساس فرهنگ جوامع از نظر شدت و درجه باهم متفاوت است. (گیدنز[1]، ۲۰۰۴) روند تجدد در جوامع اسلامی نیز به‌تبع تغییرات جهانی، تحولات گسترده‌ای را در حوزه زنان و خانواده به‌وجود آورده است. این تحولات، مسائلی درباره جایگاه زن، نقش خانواده و ارتباط این‌دو با تحولات اجتماعی به‌ویژه نقش سنتی زن در جوامع اسلامی مطرح کرده است. تأثیرگذارترین و بحث‌برانگیزترین چالش‌های اجتماعی و نظری سده اخیر در این حوزه برخاسته از جنبش فمینیسم است. این جنبش هرچند به فعالیت زنان در عرصه‌های اجتماعی کمک کرد، با تأکید بیش‌ازاندازه بر رشد اجتماعی و نادیده گرفتن ابعاد دیگری مانند بعد فردی و خانوادگی زن، خود منشأ برخی مشکلات دیگر شد. ناکامی رویکردهای فمنیستی گواه این است که این حوزه نیازمند نگرشی متعادل، نظام‌مند و دربرگیرنده همه ابعاد مسئله است. ازاین‌رو، رسیدن به دیدگاهی منبعث از تفکر الهی و فطری برای توسعه منزلت زن در جهان امروز ضروری است (فرهمند، ۱۳۸۶).

مسائل حوزه زنان و خانواده از آغاز ورود امواج تجدد به جوامع مسلمان از مهمترین مسائل مورد بحث بوده است. ازهمین‌رو، بسیاری از عالمان و روشن‌فکران مسلمان درصدد پاسخ‌گویی به مسائل این حوزه برآمدند و تلاش‌های متعددی برای برون‌رفت از آن انجام دادند. (زائری، ۱۳۹۱) امام موسی صدر (۱۳۰۷) از برجسته‌ترین عالمان و مصلحان اجتماعی مسلمان معاصر است که علاوه‌بر اندیشه‌ورزی در ساحت نظر در عرصه عمل نیز تجربه‌های ارزشمندی در ساحت سیاستی و نهادسازی در مواجه با مسائل اجتماعی برجای گذاشته است. شکوفایی و تکوین اندیشه و عمل او درقالب مصلح و مجتهدی مسلمان و شیعی در رویارویی با چالش‌های اجتماعی مسلمانان در جامعه چندفرهنگی لبنان آن را ارزشمند و منحصربه‌فرد می‌کند (هیئت رئیسه جنبش أمل، ۱۳۹۳؛ غریبه[2]، ۱۹۹۶؛ نعیم[3]، ۱۹۹۸). پژوهش حاضر برمبنای اندیشه و تجربه صدر، مسائل اجتماعی حوزه زنان و خانواده را از چشم‌انداز اسلامی و شیعی در بستر یک جامعه مسلمان بررسی می‌کند. ازاین‌رو، با تحلیل گفتارها و نوشتارهای برجای مانده از او، علت‌ها، راهکارها و پیامدهای مترتب بر این مسائل را بیان می‌کند.

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره موضوع زن و خانواده از دیدگاه اندیشمندان مسلمان انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها عبارتند از: تحلیل کیفی مبانی تحکیم خانواده از دیدگاه مفسره شیعی بانو امین (فقیهی مقدس و مؤمنی‌راد، ۱۳۹۷)، اندیشه شریعتی درباره زن و حقوق او در اسلام (شکوری‌راد، ۱۳۹۷)، دلالت‌های رسانه‌ای اندیشه مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در حوزه استحکام خانواده (عبدسرمدی، ۱۳۹۸)، عوامل تضعیف‌کننده خانواده از دیدگاه مقام معظم رهبری(دامت برکاته) (معینی‌فر و معینی‌فر، ۱۳۹۹) و جایگاه انسان‌شناختی واقع‌گرایانه زن در اسلام و تمدن غرب از دیدگاه امام موسی صدر (احمدپور و فتحی، ۱۴۰۳). جز یک‌مورد، پژوهشی که مسئله را از دیدگاه صدر بررسی کرده باشد، یافت نشد. کتاب زن و چالش‌های جامعه: جستارهایی درباره مسائل زن، خانواده و جوان (۱۳۹۷) نیز دربردارنده شانزده جستار از مهم‌ترین گفتارهای امام موسی صدر در این حوزه است، اما همه آثار او در این موضوع را دربرنمی‌گیرد. بیشتر این پژوهش‌ها در مورد جایگاه سیاسی، اجتماعی و تربیتی زنان، حقوق زنان و ویژگی‌های مطلوب آنهاست و مسئله را بیشتر به‌مثابه مناقشه‌ای نظری نگریسته است نه مسئله‌ای اجتماعی. در پژوهش حاضر سعی شد این مسئله از موضعی میانه در تلاقی وجه نظری و کاربردی در مواجه با مسائل اجتماعی بررسی شود.

1. Giddens
2. Gharbieh
3. Naim

روش پژوهش

منبع اصلی داده‌های این پژوهش، مجموعه گام‌به‌گام با امام (ضاهر، ۱۳۹۶) است که شامل گزارش‌های روزانه از فعالیت‌ها، دیدارها، مصاحبه‌ها، پیام‌ها، سخنرانی‌ها و مقالات امام موسی صدر طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۸ میلادی است.

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد. این روش به‌دلیل انعطاف و کارایی در خلاصه‌سازی، مقوله‌بندی و بازسازی داده‌های متنی انتخاب گردید (شیخ‌زاده و بنی‌اسد، ۱۳۹۹). تحلیل مضمون یک چارچوب کیفی است که بر استخراج مضامین و الگوهای معنایی از داده‌ها تمرکز دارد و می‌توان آن را در قالب‌های نظری مختلف به کار گرفت (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

در این پژوهش، با پیروی از رویکرد استقرایی و در سطح معنایی آشکار، مضامین مرتبط با هر پرسش پژوهش شناسایی و در سه‌مقوله علت، راهکار و پیامد دسته‌بندی شدند. با توجه به ماهیت داده‌محور و آشکار این تحلیل، تمرکز مضامین استخراج‌شده به محتوای موجود در منبع وابسته بود و تمامی جنبه‌های سه‌گانه را به‌صورت متوازن پوشش نمی‌داد.

فرایند تحلیل در شش مرحله شامل آشنایی با داده‌ها، کدگذاری، ایجاد مضامین اولیه، بازبینی و تعریف مضامین و در نهایت، ارائه گزارش تحلیلی انجام شد (براون و کلارک، ۲۰۰۶). این فرایند به صورت رفت‌وبرگشتی و با بهره‌گیری از ابزارهای تحلیلی متناسب با پرسش‌ها و داده‌های پژوهش صورت گرفت.

ادبیات موضوع و چارچوب نظری

امروزه متناسب با تغییر شرایط اجتماعی، مسائل گوناگونی در حیات اجتماعی انسان به‌وجود آمده است. از مسئله اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه شده است و دیدگاه‌های متفاوتی دراین‌باره وجود دارد. جامعه‌شناسان مسئله اجتماعی را وضعیت اظهارشده‌ای می‌دانند که با ارزش‌های شمار مهمی از مردم مغایرت دارد و معتقد هستند باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد. (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۲) در تعریف یک‌مسئله اجتماعی بر چند ویژگی تأکید می‌شود؛ مانند اظهار شدن وضعیت و مغایرت با ارزش‌ها برای شمار مهمی از مردم، به‌ویژه کسانی که در مقام رهبری یا در جایگاه اجتماعی بالایی قرار دارند؛ همچنین احساس نیاز به تغییر وضعیت که می‌تواند به شکل‌گیری حرکت‌های اجتماعی، تصویب و اجرای قوانین یا تأسیس برخی نهادها و مؤسسات منجر شود (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۲). تعریف یک‌مسئله اجتماعی با راه‌حلی که برای آن ارائه می‌شود درهم تنیده است. در اینجا است که سیاست اجتماعی شکل می‌گیرد؛ فرایندی که طی آن با تعریف مسئله اجتماعی، راه‌حل آن نیز ارائه می‌شود. سیاست اجتماعی مطلوب یک‌جامعه، برخاسته از فرهنگ آن و بازتابی از ارزش‌های مهم آن جامعه است و فرد را به راهکارهای مطلوب مقابله با مسائل اجتماعی در آن فرهنگ رهنمون می‌کند (مشونیس، ۱۳۹۵).

ازآنجاکه رویکردهای مختلفی به مسائل اجتماعی وجود دارد که بازتاب مجموعه خاصی از ایده‌ها و مفروضات نسبت به طبیعت، مردم و جامعه است، تعاریف و راه‌حل‌های متفاوتی نیز وجود دارد. (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۲) مسئله، ناشی از ناسازگاری درون یک‌مجموعه فرهنگی است. بنابراین، پرداختن به آن امری متأثر از باورها، ارزش‌ها و هنجارهای عمومی جامعه است و باید با فرهنگ جامعه متناسب باشد (پارسانیا، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر، مسائل اجتماعی حوزه زن و خانواده با رویکردی مأخوذ از اندیشه امام موسی صدر بررسی شده است.

یافته‌های پژوهش

با تحلیل مضمون مجموعه داده‌ها، سه مسئله اجتماعی مورد تأکید در آثار امام موسی صدر در حوزه زنان و خانواده احصا شد که عبارتند از: ازدواج خارج از چارچوب، چندهمسری، نابرابری جنسیتی و سلب جایگاه اجتماعی زنان.

۱. مسئله ازدواج خارج از چارچوب

امروزه شکل سنتی ازدواج به‌دلیل محدودیت‌هایش در مواجه با اقتضائات امروز ازسوی برخی جوانان کنار گذاشته شده است. (اکبرزاده و هاشمیان‌فر، ۱۳۹۸) آنها برای مواجه نشدن با موانع و محدودیت‌های ازدواج سنتی، گاه به اشکال دیگر ازدواج مانند ازدواج مدنی روی می‌آورند و به‌جای ثبت شرعی ازدواج در نهادهای دینی به نهادهای غیردینی مراجعه می‌کنند؛ زیرا در بسیاری از جوامع مسلمان به‌دلیل غیردینی بودن حکومت، نهادهای مدنی از نهادهای دینی که متکفل احوال شخصیه افراد هستند، مجزاست و امکان ثبت عقودی مانند ازدواج هم توسط نهادهای دینی و هم نهادهای مدنی غیردینی وجود دارد؛ هرچند ممکن است در قانون مدنی، این احکام به احوال شخصیه مذهب هر فرد واگذار شده باشد. درصورت ثبت ازدواج در هریک از این نهادها، هنگام بروز اختلاف، داوری نیز با رجوع به همان نهاد و براساس ضوابط آن انجام می‌شود. ازاین‌رو، ازدواج خارج از چارچوب دینی به امری مسئله‌ساز در جوامع مسلمان بدل شد.

۱-۱. علت ازدواج خارج از چارچوب

اول) تغییر و تحولات سریع زندگی فردی و اجتماعی: یکی از عوامل تغییر در شیوه ازدواج، تفاوت عمیق زندگی اجتماعی امروز با گذشته است. در گذشته، مرد و زن در محیطی همسان و پایدار زندگی می‌کردند و زندگی زوجین از آغاز تا پایان مشابه و عاری از تحولات سریع و اساسی بود. امروزه وقوع تحولات شتابان سبب شده است پایداری و آرامش حاکم بر زندگی گذشته دیگر وجود نداشته باشد. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۲۳۲/۲؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۷۶/۱۱) چه‌بسا زوجی با شرایط مشابه ازدواج کرده‌اند، اما پس‌ازآن، سطح زندگی و شرایط اجتماعی، اقتصادی یا فکری آنها دچار تغییر شده باشد. افزون بر شرایط زندگی فردی، امروزه ظهور تحولات اجتماعی، جنبش‌ها و انقلاب‌ها نیز زندگی انسان‌ها را متأثر می‌کند. همچنین، نیازهای فزاینده در امور مختلف زندگی و ناگزیر شدن انسان از تغییر در شغل، مهاجرت یا ورود زن به حیطه کار و فعالیت اقتصادی و تبعات آن بر زندگی و روابط خانوادگی تأثیر گذاشته است (ضاهر، ۱۳۹۶، ۲۳۲/۲؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۹۲/۳؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۷۶/۱۱).

شخصیت افراد در گذشته به‌طور مستقیم از تربیت والدین تأثیر می‌پذیرفت. بنابراین، خانواده معرف شخص بود، اما امروزه افراد بیشتر از محیط‌های اجتماعی خارج از خانواده تأثیر می‌پذیرند. این موضوع سبب ایجاد جامعه‌ای متکثر شده است که در آن هریک از اعضای خانواده نقش و حدومرز خود را دارند. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۷۶/۱۱) درنتیجه، شناخت افراد و یافتن اشخاص همسان دشوارتر شده است. این عدم تناسب شیوه سنتی ازدواج با تحولات سریع زندگی اجتماعی و آثار آن بر روابط خانوادگی و زناشویی از عواملی است که افراد را به ازدواج‌های خارج از چارچوب سوق داده است.

دوم) جمود در احکام دینی و نگاه غیبی به امر ازدواج: به باور امام موسی صدر، یکی از ریشه‌های روگردانی از ازدواج دینی در غرب که بر جوامع مسلمان نیز تأثیر گذاشته است، غیبی بودن امر ازدواج در مسیحیت است که آن را به امری بازگشت‌ناپذیر بدل می‌کند به‌گونه‌ای‌که به‌هیچ‌وجه امکان جدایی در آن وجود ندارد. در گذشته شاید به‌سبب همسانی و ثبات زندگی در خانواده، این‌نوع ازدواج با مشکل روبه‌رو نمی‌شد و کارایی داشت، اما امروزه انحصار و دوام این‌گونه ازدواج کلیسایی مسئله‌ساز شده است. رهایی از پیامدها و محدودیت‌های غیبی بودن ازدواج در مسیحیت برخلاف اسلام که ازواج را امری اجتماعی می‌داند و حق طلاق را برای آن به‌رسمیت می‌شناسد باعث روی‌گردانی از ازدواج دینی و گرایش به ازدواج مدنی شده است. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۲۳۱/۲؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۷۶/۱۱؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۱۵۷/۱۲) در فقه اسلامی برخلاف مسیحیت، احکام اجتماعی ازجمله ازدواج، ناظر به مقاصد شریعت در عرصه اجتماعی است و قابلیت پویایی، انعطاف و تطبیق با شرایط اجتماعی جدید را دارد. بااین‌حال، جمود در احکام دینی و غفلت از ظرفیت‌های فقهی برای روزآمدکردن آنها می‌تواند مسئله‌ساز شود که صدر نسبت به آن هشدار می‌دهد: «برادران، به‌داد جوانان برسید. اکنون جمودی که در

احکام فقهی وجود دارد باعث شده است بسیاری از کشورهای اسلامی قانون احوال شخصیه اسلام را کنار بگذارند. [...] مگر نه اینکه اسلام دینی مترقی است؟ چرا ما در فقه انعطاف‌پذیر و گسترده خود، امکان محدودیت برای چندهمسری و طلاق رها و بی‌قیدوبند را فراهم نمی‌آوریم؟ [...] چرا فقه خود را پویا و سازگار با مقتضیات زمان نسازیم تا جامعه در برابر احکام شرعی موضع نگیرد و آنها را کنار نگذارد؟» (ضاهر، ۱۳۹۶، ۲۹۱/۳).

۱- ۲. پیامد ازدواج خارج از چارچوب

اول) تصمیم‌گیری‌های پرمخاطره: شرایط موردنظر در ازدواج دینی، ناظر به مقاصدی صورت گرفته است که غفلت از آنها می‌تواند پیامدهای مخاطره‌آمیزی به‌همراه داشته باشد. چه‌بسا دختر و پسر در ابتدای ازدواج یا هنگام عاشق شدن و غلبه احساسات به بسیاری از عواقب و پیامدهای کار خود توجه نداشته باشند و پس از مدتی با مشکل روبه‌رو شوند، درحالی‌که بازگشت از آن دشوار یا ناممکن است و می‌تواند به آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر برای خانواده منجر شود. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۱۶۱/۱۲) بنابراین، ملاحظه شرایط دینی در عقد ازدواج امری لازم و ضروری است؛ زیرا ازدواج، «مدخل جامعه آینده است و همین مسئله سبب می‌شود که ازدواج بسیار حساس، مهم و دقیق باشد» (ضاهر، ۱۳۹۶، ۲۳۲/۲).

دوم) تأثیر سوء بر آرامش خانواده، فرزندآوری و آینده فرزندان: ازدواج، اتحادی کامل و همه‌جانبه میان زن و مرد است که با ژرفای وجود انسان ارتباط می‌یابد. تحقق این اتحاد مستلزم نوعی آرامش و ثبات روانی میان زن و مرد است که در سایه شرع میسّر می‌شود. اگر مشروعیت این رابطه ازسوی عرف، قانون یا شریعت، مورد تردید باشد با آن آرامش و اطمینان ناسازگار است. این بی‌ثباتی و ناآرامی علاوه‌بر برهم زدن آرامش زندگی زناشویی، هدف دیگر ازدواج یعنی، فرزندآوری را نیز با مشکل روبه‌رو می‌کند. فضای نگرانی و تردید ناشی از ازدواج خارج از چارچوب مانع از تحقق مناسب آرامش و فرزندآوری در فضای خانواده می‌شود. این امر جز با تحقق مشروعیت و ثبات کامل در ازدواج ممکن نیست. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۲۳۲/۲؛ ظاهر، ۱۳۹۶، ۴۷۵/۱۱)

۱- ۳. راهکار ازدواج خارج از چارچوب

اول) ازدواج به‌مثابه امری اجتماعی: ازنظر صدر، ازدواج در اسلام برخلاف مسیحیت امری غیبی نیست، بلکه امری مربوط به زندگی اجتماعی انسان و مانند توافق و قراردادی دوجانبه میان زوجین است که برخی شروط و مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف متقابل را دربرمی‌گیرد. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۷۹/۲، ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۷۷/۱۱؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۱۵۷/۱۲) بنابراین، به‌مثابه حکمی اجتماعی، امکان تطابق با شرایط اجتماعی را دارد و دلیلی برای عدول از آن نیست. درحالی‌که نگاه غیراجتماعی به ازدواج، به‌دلیل عدم انعطاف، گاه با واقعیت‌های زندگی اجتماعی انسان دچار تعارض می‌شود چنان‌که امکان طلاق در آن وجود ندارد.

دوم) ترویج ساده‌گیری در امر ازدواج: ازدواج در اسلام از ساده‌ترین عقدهاست و شرایط مشخص و ساده‌ای دارد. مهریه‌های سنگین و دیگر شروط دست‌وپاگیری که امروزه مانع ازدواج جوانان شده است ربطی به عقد ازدواج در اسلام ندارد، البته در اسلام، ازدواج شروط معینی دارد که حقوق و تکالیف را درمورد زن و مرد و تولد فرزند مشخص می‌کند و رابطه میان آنها را در خانواده سامان می‌دهد. بااین‌حال اگر دختر و پسری با رعایت شروط شرع برای ازدواج توافق کنند این عقد صحیح و شرعی است. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۸۰/۱۱؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۱۵۷/۱۲) اگر با عقد ازدواج به‌همان سادگی که در اسلام آمده است، برخورد شود امر دست‌وپاگیری در آن وجود ندارد که انسان را به خروج از آن چارچوب سوق دهد.

سوم) رسمیت دادن به ثبت ازدواج: ثبت ازدواج در دادگاه‌های شرعی نیز مانند ثبت دیگر عقود برای به‌رسمیت شناخته شدن، نظارت و پشتیبانی از آن صورت می‌گیرد. صدر این مسئولیت را برعهده نهادهای دینی، شامل کارشناسان احکام

و قوانین شرع می‌داند. در اسلام برای قضاوت، حاکم باید عادل و آگاه به مسائل شرعی باشد. بنابراین، ثبت ازدواج در نهادهای دینی موجب می‌شود درصورت بروز اختلاف، همواره مرجعی برای رسیدگی به آن وجود داشته باشد و اختلافات برمبنای احکام الهی داوری و به‌سوی حل رهنمون شود. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۸۶/۱۱، ضاهر، ۱۳۹۶، ۱۵۷/۱۲)

چهارم) به‌کارگیری راهکارهای نو با قیود شرعی (مانند دوران نامزدی): یکی از مشکلات جامعه امروز، دشواری شناخت پیش از ازدواج است؛ زیرا دیگر خانواده معرف شخصیت فرد نیست و هرکس شخصیت منحصربه‌فردی دارد که شناخت آن جز با تجربه شخصی میسر نمی‌شود. عدم ثبات و پایداری در شرایط زندگی اجتماعی نیز این شناخت را دشوارتر کرده است. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۷۶/۱۱) احکام ازدواج در اسلام امکان رهایی از این دشواری‌ها و سازگاری با شرایط امروز را با افزودن قیود و شرایطی در ضمن عقد مانند موقت بودن، فراهم کرده است که می‌توان از آن برای حل مشکل نامزدی، جلوگیری از انتخاب‌های نادرست و کاهش طلاق در ازدواج بهره برد. البته استفاده از این شرایط و امکان‌ها باید با درنظر گرفتن شرایط زوجین و وضعیت جامعه، به‌مقتضای صلاح‌دید نهادهای مسئول انجام گیرد (ضاهر، ۱۳۹۶، ۹۷/۳؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۰۷/۸).

امام موسی صدر می‌فرماید: «این نوع ازدواج به زن و مرد امکان می‌دهد روابطی را برقرار کنند که در جهان امروز به‌نام دوران نامزدی شناخته می‌شود. این روابط در اوضاع کنونی ضروری شده است؛ زیرا خانواده به‌تنهایی نمی‌تواند شخصیت کامل جوان (دختر یا پسر) را بشناسد و افزون بر آن نمی‌تواند استمرار رفتار مورد انتظار در دوطرف را تضمین کند. [...] ازاین‌رو، ورود به زندگی زناشویی به امتحان و تجربه نیازمند است که از نظر شرعی فقط با ازدواج موقت به زمان مورد نیاز در دوران نامزدی، جایز است». (ضاهر، ۱۳۹۶، ۲۳۷/۳)

پنجم) به‌کارگیری پویایی فقه؛ شرایط ضمن ازدواج: عقد ازدواج در اسلام، توافق و قراردادی میان زن و مرد است که در کنار شروط ثابت و تغییرناپذیر آن، شروط دیگری نیز می‌توان تعیین کرد که امکان تحول در ازدواج متناسب با شرایط زمانه را فراهم می‌کند. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۷۹/۲) «دوطرف عقد می‌توانند صورت معاملات و عقود را با افزودن شروطی تغییر دهند تا با نیازهای جامعه پیشرفته سازگار باشد و همه می‌دانیم که یکی از عوامل سقوط نظام‌ها، ایستایی و انعطاف‌ناپذیری آنهاست» (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۶۵/۳). درنتیجه، اگرچه اسلام شیوه اصلی ازدواج را ارائه کرده است، اما راه را برای شیوه‌های جدید با پیش‌بینی شروط ضمن عقد باز گذاشته است. برای مثال می‌توان ناظر به شرایط امروز، حدودی برای میزان آزادی مرد در طلاق و چگونگی آن مشخص کرد تا زن ازنظر معیشتی دچار آسیب نشود یا در حالاتی وکالت را ازجانب مرد به دادگاه سپرد تا درصورت لزوم، امکان ممانعت از طلاق ازسوی مرد وجود نداشته باشد. همین‌طور در مورد محل سکونت، دارایی به‌دست آمده از کار، اموال موجود در خانه و موارد مسئله‌ساز دیگر می‌توان از ابتدا شروط لازم را قرار داد (ضاهر، ۱۳۹۶، ۲۷۴/۳؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۷۷/۱۱).

جدول۱. مسئله ازدواج خارج از چارچوب سنتی و دینی

علت	تغییر و تحولات سریع زندگی فردی و اجتماعی
	جمود در احکام دینی و نگاه غیبی به امر ازدواج
پیامد	تصمیم‌گیری‌های پرمخاطره
	تأثیر سوء بر آرامش خانواده، فرزندآوری و آینده فرزندان
راهکار	ازدواج به‌مثابه امری اجتماعی
	ترویج ساده‌گیری در امر ازدواج
	رسمیت دادن به ثبت ازدواج
	به‌کارگیری راهکارهای نو با قیود شرعی مانند دوران نامزدی
	به‌کارگیری پویایی فقه (شرایط ضمن ازدواج)

۲. مسئله چندهمسری از نگاه امام موسی صدر

هرچند تک‌همسری همواره گونه معمول و مطلوب ازدواج است، پدیده چندهمسری از گذشته در بسیاری از جوامع وجود داشته و مسئله‌ساز بوده است. این عمل در بیشتر کشورهای غربی و فرق مسیحی ممنوع است، اما درمیان مردمان شرق از جمله مسلمانان از گذشته وجود داشته است. نمی‌توان ابتکار یا رواج این پدیده را به ادیان الهی مانند اسلام منتسب کرد یا نفی آن را از مسیحیت دانست؛ زیرا چندهمسری پیش از اسلام نیز وجود داشته و در مسیحیت نیز نصی بر منع چندهمسری نیست، بلکه این امر به خود ملت‌ها و نهادهای دینی مانند کلیسا برمی‌گردد. (رفیعی، ۱۳۸۶؛ جاوید، ۱۳۸۹؛ مطهری، ۱۳۸۹) درمیان متفکران مسلمان، عمده مطالب در مورد چندهمسری پیرامون آیه سوم سوره نساء مطرح شده است. دو رویکرد عمده نسبت به این مسئله وجود دارد. رویکرد مشهورتر قائل به حکم اباحه چندهمسری به‌صورت مطلق و درباره همه زنان، مشروط به رعایت عدالت و تا ازدواج با چهار زن است، اما رویکرد نواندیشانه‌تر بااستفاده از بحث تاریخ‌مندی آیات قرآن و ارائه خوانش دیگری از این آیه، چندهمسری را منوط به ضرورت‌های ناشی از شرایط تاریخی، اجتماعی و فردی می‌داند (توحیدی و محمدی، ۱۴۰۰؛ رفیعی، ۱۳۸۶).

۲-۱. علت چند همسری از نگاه امام موسی صدر

اول) سوءاستفاده از شرایط خاص اجتماعی: از نظر امام موسی صدر، رجوع به حکم چندهمسری بدون توجه به شرایط و مقاصد آن، گاه موجب شده است مانند بسیاری از احکام و قوانین دیگر مورد سوءاستفاده قرار گیرد، درحالی‌که آیه مربوط به چندهمسری در قرآن دلالت بر جواز مطلق آن ندارد، بلکه دو شرط اساسی برای آن قرار داده است: ترس از اجرا نشدن عدالت در مورد یتیمان و اجرای عدالت میان همسران؛ زیرا در شرایط تاریخی و اجتماعی صدر اسلام، جنگ‌های متعدد و شهادت مردان، موجب ازدیاد ایتام در جامعه و نگرانی از بی‌عدالتی در حق آنها شده بود. درنتیجه برای سرپرستی ایتام و مادران آنها و حفظ حقوق و کرامت ایتام، چندهمسری، راه‌حلی جایز شمره شد. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۷۸/۲؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۲۳۶/۳)

شرایط جواز چندهمسری منحصر به مورد مطرح شده در آیه مورد اشاره نیست، بلکه حاکم شرع بسته به شرایط اجتماعی می‌تواند حالت‌های خاصی را که چندهمسری در آن مجاز است اعلام و در غیر آن ممنوع کند. برای شرط دوم که رعایت عدالت است، می‌تواند با تعریف و مشخص کردن آن، ناظر به شرایط اجتماعی، جواز چندهمسری را تغییر دهد؛ زیرا عدالت، مفهومی عام است که مصداق آن بسته به شرایط اجتماعی مختلف و تغییر حقوق، نیازها، سطح آگاهی زنان و مواردی ازاین‌قبیل تغییر می‌کند. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۲۳۶/۳)

۲-۲. راهکار مسئله چند همسری از نگاه امام موسی صدر

اول) مقید کردن چندهمسری به شرایط اجتماعی: چندهمسری مشروط به ترس از اجرا نشدن عدالت در مورد یتیمان و مقید به اجرای عدالت درمیان همسران است. در احکام اجتماعی اسلام، موضوع، اجزا و شرایط آن به‌تناسب شرایط اجتماعی متغیر است مانند شرط رعایت عدالت در چندهمسری. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۷۸/۲؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۲۷۳/۳) حکم چندهمسری، حکمی مطلق نیست، بلکه مربوط به حالت‌های خاص است که ممکن است این حالت‌ها بسیار باشد، ولی درهرحال حکم مطلق نیست (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۰۹/۳) و بسته به شرایط تاریخی و اجتماعی تغییر می‌کند (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۳۰/۳). قرار دادن قیودی برای چندهمسری باتوجه به قابلیت پویایی فقه می‌تواند از افراط و تفریط در این مورد برحذر دارد؛ زیرا برخی از کشورهای اسلامی، چندهمسری را ممنوع و برخی مطلق و بی‌قیدوبند رها کرده‌اند، درحالی‌که این حکم مشروط و وابسته به شرایط اجتماعی است که شرایط و محدودیت‌هایش باید ازسوی حاکم شرع یا نهادهای دینی مشخص شود (ضاهر، ۱۳۹۶، ۷۸/۳؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۱۰/۳).

جدول۲. مسئله چندهمسری از نظر امام موسوی صدر

علت	سوءاستفاده از شرایط خاص اجتماعی
راهکار	مقید کردن چندهمسری به شرایط اجتماعی

۳. مسئله نابرابری جنسیتی و سلب جایگاه اجتماعی زنان از نگاه امام موسی صدر

در طول تاریخ، دیدگاه‌های متفاوتی درباره برابری زن و مرد وجود داشته است. بااین‌حال، زنان بیشتر در محرومیت به‌سر برده‌اند. در زمان جاهلیت، زن گونه‌ای پست و ضعیف شمرده می‌شد و از بسیاری از حقوق خود محروم بود، اما با ظهور اسلام و گسترش تعالیم آن مورد توجه قرار گرفت و جایگاه اجتماعی‌اش به برکت اسلام ارتقا یافت، هرچند انحراف جامعه مسلمانان پس از پیامبرﷺ موجب شد که این موضوع نیز دستخوش برخی انحرافات گردد. (حسنی، ۱۳۸۳؛ شریعتی و کلانتر معتمدی، ۱۳۹۶) امروزه نیز با ظهور جنبش‌های فمینیستی در اعتراض به مسئله نابرابری جنسیتی و سلب جایگاه اجتماعی زنان، این مسئله در جوامع مسلمان نیز مطرح و نیازمند پاسخ شد (آقاجانی، ۱۳۸۸). در ادامه این مسئله از دیدگاه صدر بررسی شده است.

۳-۱. علت نابرابری جنسیتی و سلب جایگاه اجتماعی زنان از نگاه امام موسی صدر

اول) تفاوت در استعدادها و توانایی‌ها باوجود کامل بودن و برابری در مقام انسان: اگرچه از گذشته باورهایی مبنی بر درجه دو و تبعی بودن آفرینش زن و کم‌اهمیتی او در خانواده وجود داشته است، اما از نگاه اسلام زن انسانی کامل است نه آنکه به‌خاطر مرد آفریده شده باشد. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۷۱/۱۱) اسلام زن را در جایگاه انسان همانند مرد و یگانه با او تعریف می‌کند و از این منظر با او برابر و هردو را در تداوم نسل، شکل‌گیری جامعه و بقای آن، همکار و شریک می‌داند (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۸۰/۱ ؛ ظاهر، ۱۳۹۶، ۳۵۰/۲؛ ظاهر، ۱۳۹۶، ۱۷۲/۱۱). مرد و زن هرچند در جایگاه انسان باهم برابر و درقالب مکلف در پیشگاه خدا و شهروند در پیشگاه قانون یکسان هستند، به‌تناسب تفاوت در ویژگی‌ها، توانایی‌ها و استعدادها در برخی احکام تفاوت دارند تا وظیفه هریک در ادای رسالتش تسهیل شود (ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۵۶/۱۱). این تفاوت‌ها میان زن و مرد دال بر برتری هیچ‌یک بر دیگری نیست، بلکه اساس تشکیل جوامع، تعامل، همکاری و درنتیجه تکامل و شکوفایی است مشروط بر اینکه به‌خوبی شناخته شود و هرکس در جایگاه خود نقشی که برعهده دارد را ایفا کند (ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۵۹/۱۱).

دوم) سلطه‌گری و بهره‌کشی از زن: امام موسی صدر بیان می‌کند: «خواهران! مردانی که از خودشان برای شما بت‌هایی برای عبادت کردن ساختند و شکل‌هایی از این عبادت به‌نام خدمت در خانه یا آوردن فرزند برای شما ترسیم کردند، همان‌ها در عصر جدید، بتی دیگر برای شما ساختند و شیوه‌ای دیگر از عبادت کردن را بر شما تحمیل کردند. آنها هنوز می‌خواهند شما را وادار کنند که آنها را قدس‌الاقداس بدانید. روزگاری مرد، زن را به کار کردن در خانه و بچه‌دار شدن وادار می‌کرد و امروز او را وادار می‌کند تا به تابلوی هنری تبدیل شود تا مرد با چشمانش و با قلب بیمارش از او لذت ببرد». (ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۷۱/۱۱) یکی از دلایل تضییع حقوق زنان در طول تاریخ، سلطه‌گری مردان و بهره‌کشی از زن برای مقاصد خود بوده است؛ زیرا از گذشته، مردان به‌سبب قدرت جسمی یا قدرت قانونی که خود وضع کردند بر زنان سلطه یافتند (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۵۰/۲؛ ظاهر، ۱۳۹۶، ۳۲۶/۵). ایشان در جای دیگر بیان می‌کند: «اگر همه‌چیز کنترل‌شده باشد، رشد هم در مسیری که حاکمان ازپیش آماده کرده‌اند، تحقق می‌یابد، اما چنین رشدی هیچ‌گاه به‌مرتبه کمال نمی‌رسد. مسئله زن نیز همین‌گونه است» (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۵۲/۲). سلطه مرد در طول تاریخ با سلب آزادی زن، انقیاد و تحمیل سمت‌وسویی معین بر او، همواره مانعی بر سر رشد و کمال او بوده است. زن امروزه نیز به‌واسطه رسانه، مُد و دیگر عرصه‌های زندگی اجتماعی جدید

با تحمیل اسارتی نو، شخصیت و هویت انسانی‌اش انکار و به نمادی برای بهره‌کشی بدل شده است. ظلم و استثمار زن در تمدن جدید همچنان ادامه دارد با این تفاوت که امروزه به‌صورت غیرمستقیم و با بزک کردن و تقلیل نقش او به بعد جنسی انجام می‌شود (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۵۱/۲؛ ظاهر، ۱۳۹۶، ۴۶۳/۱۱).

سوم) ازبین رفتن شرایط حضور و فعالیت اجتماعی زن: باوجود سلطه و ظلم‌هایی که در طول تاریخ بر زن روا داشته شده است اسلام و دیگر ادیان الهی همواره دربرابر این ظلم‌ها ایستاده و برای ارتقای جایگاه زنان در عصر خود تلاش کرده و بر حقوق، آزادی، استقلال و کرامت انسانی زن تأکید کرده‌اند. جوامع مسلمانان به‌تدریج از آن نگاه فاصله گرفتند و زن دوباره گرفتار برخی محرومیت‌ها و نگاه‌های متحجرانه شد. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۸۳/۱؛ ظاهر، ۱۳۹۶، ۶۶/۲؛ ظاهر، ۱۳۹۶، ۳۲۶/۵) انسان موجودی اجتماعی است که بسیار از جامعه و محیط اجتماعی خود تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، درمیان مسلمانان نیز مادامی که جامعه براساس موازین اسلام بود موجب برابری در فرصت‌ها و بازداشتن از انحراف‌ها می‌شد، اما با انحراف از این مسیر، جامعه‌ای که حافظ انسان‌ها و مناسبات میان آنها بود از میان رفت و مسبب خروج زن از عرصه حیات و فعالیت‌های اجتماعی شد (ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۶۲/۲).

۳- ۲. پیامد نابرابری جنسیتی و سلب جایگاه اجتماعی زنان از نگاه امام موسی صدر

اول) به استضعاف و تباهی کشاندن زنان: زن برای رسیدن به رشد و شکوفایی به حضور و مشارکت فعال در جامعه، توأم با حفظ عفت و آزادگی و رعایت شأن و جایگاه نیاز دارد، اما امروزه سلطه‌جویی، بهره‌کشی و استثمار زن درقالبی جدید با آشکار کردن و برجسته کردن جاذبه‌های جنسی و ظاهری به غلبه و طغیان بعد جنسی بر ابعاد دیگر منجر شده و پیامدهای سوئی از جمله تحقیر و سوءاستفاده از او را به‌دنبال داشته است. همچنین با معطوف کردن زندگی او به این قبیل امور، عمر او تضییع و از رشد و پیشرفت او جلوگیری شد. این مسئله با تقلیل جایگاه انسانی زن به بعد جنسی موجب نادیده گرفتن دیگر ابعاد و استعدادهای زن و نقش‌های انسانی او در خانواده و جامعه می‌شود. درحالی‌که زن نیز همچون مرد، توانایی‌ها و استعدادهای گوناگونی در جایگاه یک انسان دارد که برای شکوفایی نیازمند بستری مناسب و رشدی متعادل است. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۸۳/۱ ؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۵۱/۲؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۲۵/۱۱)

دوم) عقب‌ماندگی جامعه: همان‌طور که زن برای رشد و شکوفایی به حضور فعال در جامعه نیازمند است جامعه نیز برای رشد و شکوفایی نیازمند حضور فعال و مشارکت زن است. تحقیر و سوءاستفاده از زن و مشغول کردن او به اموری مانند خودآرایی و جلوه‌گری نه‌تنها عمر او را تضییع می‌کند و از رشد و پیشرفت بازمی‌دارد، بلکه با محروم کردن جامعه از نقش‌آفرینی زنان، به رشد و سازندگی جامعه نیز لطمه می‌زند. جامعه‌ای که در آن مرد و زن باهم به کار و فعالیت بپردازند تولیدات و دستاوردهای دوچندانی دارد. در صدر اسلام هم زن باوجود برخی تفاوت‌ها در حیات اجتماعی و محدودیت عرصه زندگی در آن زمان، درکنار مرد به کار و فعالیت می‌پرداخت. بااین‌حال به‌تدریج زن در جامعه مسلمانان به عنصری بی‌کارشده بدل گشت و آن نقش‌ها نیز از او سلب شد. برکنار نگه داشتن زن از حضور و فعالیت در جامعه، جامعه را از حضور نیمی از عوامل و نیروهای رشد و سازندگی‌اش محروم و گرفتار عقب‌ماندگی می‌کند. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۸۳/۱؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۴۸/۲؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۶۵/۱۱)

۳- ۳. راهکار رفع نابرابری جنسیتی و سلب جایگاه اجتماعی زنان از نگاه امام موسی صدر

اول) فراهم کردن شرایط حضور و فعالیت اجتماعی زن: یکی از عوامل محرومیت زنان، دور شدن از شرایط جامعه اسلامی بود. بنابراین، یکی از راهکارها نیز بازگشت به اسلام حقیقی و ساختن جامعه‌ای سالم است. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۶۶/۲)

شرایط اجتماعی فاسد با تبدیل زن به ابزاری برای تمتع جنسی مانع از رشد و پیشرفت او می‌شود و او را از عرصه حیات و فعالیت‌های اجتماعی بازمی‌دارد. درحالی‌که برای آزادی و رهایی زن از این عقب‌ماندگی‌ها باید امکانی برای مشارکت او در جامعه و ایفای تعهدات و مسئولیت‌هایش در همه عرصه‌ها فراهم کرد (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۵۲/۲).

دوم) آزادی مثبت برای زن: از نظر امام موسی صدر: «توانایی انسان جز در فضایی آزاد رشد نمی‌یابد [...] فشار توانایی‌ها را به جمود و تحریف می‌کشاند. ما وظیفه داریم که در فراهم آوردن فضای مناسب برای رشد توانایی‌های زنان مشارکت و همراهی کنیم و این کار خدمت به همگان است. به‌شرط آنکه درباره آزادی که به زن داده می‌شود کمی دقیق باشیم» (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۵۰/۲)؛ همچنین: «آزادی که تمدن جدید برای زن فراهم آورده یک آزادی تحریف شده است؛ زیرا با برجسته کردن بعد جنسی زن با ابزارهایی مانند تبلیغات، تجارت و خوش‌گذرانی، در عمل بیش‌ازپیش او را مقید ساخته است. رهایی اگرچه به‌معنای بیرون آمدن از هر سلطه و فشار خارجی است، اما زن در جایگاه خود تعهداتی ذاتی و اختیاری نیز دارد که ادای آنها منافاتی با آزادی ندارد. آزادی امری متعهدانه و مسئولانه است که به امکان مشارکت انسان در جامعه و تمدن برمی‌گردد» (ضاهر، ۱۳۹۶، ۷۹/۲).

سوم) حضور عزتمندانه زن در عرصه‌های مختلف: زنان نیمی از جامعه و زیربنای نیمه دیگر هستند و در تکوین جوامع پیشرفته نقشی ضروری و تمدن‌ساز دارند. کار و فعالیت زن ازنظر مادی و معنوی در اسلام محترم است. زنان نیز مانند مردان وظایف و مسئولیت‌هایی اجتماعی برعهده دارند که بدون مشارکت آنها قابل ادا نیست. تاریخ اسلام نیز نشان می‌دهد که زن علاوه‌بر نقش تربیتی در خانواده در عرصه سیاسی و اجتماعی و میدان جهاد و مقاومت نیز حضوری فعال داشته است. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۸۱/۱؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۲۴۸/۳؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۱۳۸/۵؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۲۶۹/۱۱) بنابراین، باید امکان حضور فعال و همراه با عفت و عزت زن در جامعه فراهم شود و با کنار گذاشتن محافظه‌کاری‌های بی‌مورد به جایگاه واقعی‌اش برگردد و امکان فعالیت او برای حضور در همه عرصه‌های اجتماعی فراهم شود (ضاهر، ۱۳۹۶، ۶۷/۲). زن مسلمان برای ورود فعالانه به عرصه اجتماعی و مشارکت در ساختن جامعه‌ای بهتر نیاز به اصالت در حرکت دارد. او در اینجا با دو توطئه روبه‌روست: یکی خانه‌نشین کردن زن به‌اسم محافظت از او و دیگری عدم رعایت حریم زن در عرصه اجتماعی. پشت این‌دو توطئه یکی تمایل به استثمار زن و دیگری تمایل به تجارت و بازاری کردن او وجود دارد. زن مسلمان باید این‌دو راه را به‌چالش بکشد و مسیر سومی پیش روی خود بگشاید (ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۷۲/۱۱).

چهارم) حفظ عفت: آشکار کردن مواضع زینت در زن موجب جلب توجه به جنبه جنسی، تقلیل جایگاه او و نادیده گرفته‌شدن بقیه ابعاد، قابلیت‌ها، نقش‌ها و فداکاری‌هایش می‌شود. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۶۷/۱۱) مقصود اسلام از رعایت حجاب، نه حبس و تحقیر زن و نه بزرگداشت و تمجید بیش‌ازحد او، بلکه جلوگیری از طغیان جنبه جنسی و غلبه آن بر دیگر ابعاد و توانایی‌های زن بوده است تا او نیز امکان حضور سالم و عزتمندانه و نقش‌آفرینی در عرصه اجتماعی را داشته باشد (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۸۳/۱). رعایت حجاب و عفاف موجب می‌شود زن در مقام یک‌انسان دیده شود و از تنزل شأن زن، نادیده گرفتن توانمندی‌های گسترده او، محدود شدن شایستگی‌هایش به جذابیت‌ها و امور جنسی و درنتیجه اتلاف عمر و فرصت‌هایش در اموری مانند خودآرایی جلوگیری شود. این‌گونه، مرد نیز زن را شریک خود در سازندگی جهان می‌بیند نه ابزاری برای تمتع جنسی که توجه به او مانع از سازندگی جهان است (ضاهر، ۱۳۹۶، ۴۲۵/۱۱؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۶۷/۲).

پنجم) رعایت اعتدال در دفاع از حقوق زن: هرچند حقوق زن در دنیا به انحای مختلف پایمال شده است، نباید در این زمینه دچار افراط و تفریط شد، بلکه باید منابع اصیل اسلامی را ملاک قرار داد. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۵۱/۲) از نظر امام موسی صدر: «مبارزه برای اصلاح این وضعیت باید با همکاری خود زن انجام شود. این همکاری و این مبارزه باید در جهاد دائمی زن برای فعالیت متعادل و به‌دور از تندروی و خالی از تأثیرات سخنان جنجالی و هیجانی، جایگاه خود را پیدا کند» (ضاهر،

۱۳۹۶، ۳۲۶/۵). باوجود برابری زن و مرد در جایگاه انسان، ممکن است به‌حسب تفاوت در برخی ویژگی‌ها و توانایی‌ها هریک در انجام برخی کارها بهتر از دیگری ظاهر شود، پس نباید زن را وادار به انجام برخی کارهای خاص یا ملزم به اشتغال در خارج از خانه دوشادوش مرد کرد، درحالی‌که ممکن است به‌دلیل سنگینی مسئولیت‌های زن در خانواده و توانمندی شوهر، لزومی بر کار خارج از خانه زن نباشد (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۵۸/۳).

ششم) تقسیم وظایف و تناسب بین حقوق و تکالیف: هرچند زن و مرد درمقام انسانی برابر هستند و با ازدواج در خانواده به‌وحدت می‌رسند، این به‌معنای یکسان بودن وظایفشان نیست، بلکه به‌سبب تفاوت در توانایی‌ها وظایف متفاوتی دارند. قائل شدن به این تفاوت‌ها میان زن و مرد ناظر به تحکیم مساوات ذاتی میان آن‌دو و مواجهه عادلانه با تفاوت‌های آنهاست. تفاوت در احکام، حقوق و تکالیف ناظر به تفاوت در روحیات، ویژگی‌ها و توانایی‌های مرد و زن، بدون کاستن از شأن یکی دربرابر دیگری است. (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۸۲/۱؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۵۰/۲) سامان‌دهی به جامعه مستلزم تقسیم وظایف است. زن و مرد نیز با ازدواج، عهده‌دار مسئولیت‌هایی می‌شوند. برای مثال زن درقالب نقش مادر، وظیفه پرورش کودک و انسان‌سازی را برعهده دارد. بنابراین، مسئولیت‌های معیشتی از دوش او برداشته و به مرد محول شده است. برای همین مسئولیت نیز برای مرد در مواردی مانند ارث، سهم بیشتری قرار داده شده است. امور دیگر نیز به‌همین تناسب بین مرد و زن تقسیم شده است (ضاهر، ۱۳۹۶، ۳۳۳/۳).

هفتم) نگاه ارزشی به زن و هویت بخشیدن به او: زن برای برعهده گرفتن رسالت خود نیاز به پرورش و آمادگی دارد. نباید برخورد تبعیض‌آمیز، ابزاری یا ظالمانه با زن داشت و او را تحقیر و تضعیف کرد. این کار با القای حس ناتوانی و انکار گوهر وجودی زن، روحیه او را برای انجام رسالتی که بردوش دارد از او می‌گیرد. اسلام و سیره پیامبرﷺ گواه بر بزرگداشت زن، تقویت روحیه و پرورش او برای ادای رسالت خویش است. بنابراین، زن باید از عامل سستی اراده و ضعف به عامل تقویت اراده و ایستادگی در جامعه تبدیل شود. (ضاهر، ۱۳۹۶، ص۱۴۰) نگاه به موضوع ناموس و غیرت نیز باید تغییر کند و بعد اجتماعی به خود بگیرد: «این واقعیت ما را دربرابر ضرورت اصلاح رفتارها و کنار گذاشتن غیرت نابه‌جا و غیرواقعی [...] قرار می‌دهد. ما باید دختران خود را به‌گونه‌ای تربیت کنیم که رسالت به‌دوش باشند، اهدافی بلند را دنبال کنند و همه نیروی خود را در راه خدمت به اهداف والای قومی و ملی به‌کار گیرند» (ضاهر، ۱۳۹۶، ۲۳۵/۳).

جدول ۳. مسئله نابرابری جنسیتی و سلب جایگاه اجتماعی زنان

علت	تفاوت در استعدادها و توانایی‌ها در عین کامل بودن و برابری در مقام انسان
	سلطه‌گری و بهره‌کشی از زن
	از بین رفتن شرایط حضور و فعالیت اجتماعی زن
پیامد	به استضعاف و تباهی کشاندن زنان
	عقب‌ماندگی جامعه
راهکار	فراهم کردن شرایط حضور و فعالیت اجتماعی زن
	آزادی مثبت برای زن
	حضور عزتمندانه زن در عرصه‌های مختلف
	حفظ عفت
	رعایت اعتدال در دفاع از حقوق زن
	تقسیم وظایف و تناسب بین حقوق و تکالیف
	نگاه ارزشی به زن و هویت بخشیدن به او

نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی مسائل اجتماعی معاصر زن و خانواده مسلمان در اندیشه امام موسی صدر بود تا از میان رویکردهای متفاوت با چشم‌اندازی اسلامی به این مسائل نگاه شود. براین‌اساس، سه‌مسئله اصلی یعنی، ازدواج خارج از چارچوب، چندهمسری، نابرابری جنسیتی و سلب جایگاه اجتماعی زنان بررسی شد. متأثر از تغییرات فزاینده جهان امروز، نهاد خانوده نیز شاهد اشکالی نو یا صورت‌هایی بدیل به‌ویژه درمیان جوانان شده است. امام موسی صدر علت را تغییر و تحولات سریع زندگی فردی و اجتماعی و ناکارآمدی اشکال سنتی ازدواج درتناسب با شرایط امروز جامعه می‌داند که به‌دلیل جمود در احکام و نگاه غیراجتماعی به ازدواج، جوانان را به‌سوی ازدواج‌های خارج از چارچوب سوق داده است. درحالی‌که دین رویکردی ساده و اجتماعی به ازدواج دارد. به‌کارگیری پویایی‌های موجود در فقه، امکان‌هایی در اختیار قرار می‌دهد که با آن می‌توان به‌شکلی از ازدواج دست یافت که باوجود رعایت شروط و موازین شرعی با شرایط اجتماعی امروز نیز تناسب داشته باشد و از آثار سوء ازدواج خارج از چارچوب جلوگیری کند. بدین‌منظور نهاد دین باید نقشی فعالانه و پویاتر برعهده گیرد و با گذار از نص‌گرایی صرف به فهم اجتماعی از دین، راه را برای به‌روزآوری احکام و اشکال ازدواج متناسب با شرایط بگشاید.

چندهمسری هرچند امروزه در جهان پدیده گسترده‌ای نیست، همچنان در بسیاری از کشورهای مسلمان رواج دارد، اما مسئله‌بودگی آن بیش از وجه عینی به جنبه ذهنی بحث‌برانگیز آن برمی‌گردد. از دیدگاه امام موسی صدر، حکم چندهمسری در اسلام نه حکمی مطلق، بلکه ناظر به برخی شرایط خاص اجتماعی است که تشخیص آن نیز برعهده حاکم شرع است. ازهمین‌رو، برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها باید آن را مانند دیگر احکام اجتماعی، ناظر به شرایط زمانی و مکانی مختلف بازخوانی کرد. در مورد نابرابری میان زن و مرد و جایگاه اجتماعی زنان از گذشته دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. از نگاه صدر، اگرچه ناظر به تفاوت در استعدادها و توانایی‌ها، تفاوت‌هایی در نقش و وظایف محول شده به زن و مرد وجود دارد، اما هردو در مقام انسان کامل و با یکدیگر برابر هستند. از طرفی امروزه نیز زن به‌سبب ضعیف‌تر بودن همچنان مورد سلطه و بهره‌کشی است. این موضوع همواره مانع رشد و شکوفایی زن و نقش‌آفرینی او در عرصه‌های اجتماعی بوده است. سلب جایگاه حقیقی زن و سوءاستفاده‌های امروزی از او علاوه‌بر استضعاف و تباهی او، جامعه را نیز از ظرفیت زنان محروم و ازاین‌رو دچار عقب‌ماندگی کرده است. ادیان الهی از جمله اسلام همواره درپی بازگرداندن زن به جایگاه حقیقی خود بوده‌اند اگرچه با انحراف تدریجی جامعه مسلمانان، جایگاه زن نیز در آن دچار تحریف شد. بنابراین، مهمترین کار برای این حل این مسئله آماده‌سازی شرایط حضور و فعالیت اجتماعی زن براساس اسلام با گذر از دو نگرش استثمار زن با خانه‌نشینی و کالاانگاری او با بازاری‌سازی است. لازمه این امر، فراهم کردن آزادی مثبت و امکان مشارکت و حضور فعال زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی با حفظ عزت، عفت و کرامت آنهاست. در یک‌جامعه ناگزیر باید وظایف خانوادگی و اجتماعی به‌حسب شرایط و توانایی‌ها و تناسب حقوق و تکالیف میان زن و مرد تقسیم شود. بنابراین، باید با پرهیز از نگرش‌های افراطی فمینیستی جانب اعتدال را در این موارد نگه داشت.

صدر در جایگاه فقیهی باتجربه زعامت اجتماعی معتقد است در مواجه با مسائل نوپدید حوزه زن و خانواده باید با دیدن و به‌رسمیت شناختن تغییرات اجتماعی با نگاهی دینی به اشتراکات فطری و تفاوت‌های جنسیتی نیز توجه داشت. نگرش اجتماعی و توجه به تاریخ‌مندی و مقاصد احکام می‌تواند با فرارفتن از نص‌گرایی در بستر پویایی فقه امکان‌هایی نو برای بسط دامنه احکام و تناسب آن با شرایط اجتماعی فراهم و از سوق دادن نسل جدید به خروج از چارچوب‌های دینی جلوگیری کند. محرومیت زنان از مشارکت اجتماعی فعال موجب محرومیت جامعه از این ظرفیت شده است که می‌طلبد

نهاد دین و سایر بازیگران با رفع موانع عینی و ذهنی این مسئله برمبنای راهکارهای اشاره شده، بستر را برای آن فراهم کنند. در پژوهش حاضر، موضوع فراتر از یک مناقشه نظری صرف بررسی و نشان داده شد که چگونه متفکران مسلمان تلاش کردند در مواجه با مسائل اجتماعی این حوزه در عمل از ظرفیت دیدگاه اسلامی برای احقاق حقوق و پاسخ‌گویی به مسائل حوزه زنان و خانواده استفاده کنند، البته در اینجا فقط اندیشه یک متفکر مطرح نبود، بلکه اندیشه و تجربه کسی مطمح نظر بود که در عرصه عمل نیز در موضع زعامت اجتماعی با این مسائل درگیر بود. هرچند بررسی اقدامات عملی ایشان و امتداد آن تا به‌امروز مجال مفصل دیگری می‌طلبد.

پیشنهادات پژوهشی

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده اقدامات عملی امام موسی صدر و امتداد آن تا به امروز، بررسی شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان تأکید می‌کنند که کلیه اصول اخلاقی در انجام و انتشار این پژوهش رعایت شده است. این موضوع توسط تمامی نویسندگان تأیید شده است.

عدم سوءرفتار علمی

مواردی مانند جعل داده‌ها، تحریف نتایج، سرقت ادبی (پلجیاریسم) و هرگونه رفتار غیراخلاقی دیگر در این پژوهش به‌طور جدی پرهیز شده است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان به‌صورت مساوی در طراحی پژوهش، نگارش مقاله و ویرایش نسخه‌های نهایی مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

نویسندگان عدم وجود تعارض منافع (Conflict of Interest) را در ارتباط با این پژوهش اعلام می‌کنند. به عبارت دیگر، هیچگونه منافع مالی یا شخصی که بر نتایج تحقیق تأثیرگذار باشد، وجود نداشته است.

حامی مالی

این پژوهش بدون دریافت هرگونه حمایت مالی از سازمان‌های دولتی، تجاری یا غیرانتفاعی انجام شده است.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله، از همکاری اساتید محترم و معاونت آموزش دانشگاه تهران که در به ثمر رسیدن پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای محمدصادق کربلایی‌زاده استبرق مؤثر بودند و با نویسندگان همکاری کردند، تشکر و قدردانی می‌کنند.

منابع

احمدپور، علی.، و فتحی، امین (۱۴۰۳). جایگاه انسان‌شناختی واقع‌گرایانه زن در اسلام و تمدن غرب از دیدگاه امام موسی صدر. *نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۱۲(۴۴)، ۶۶- ۹۶.

اکبرزاده، فاطمه.، و هاشمیان‌فر، سیدعلی (۱۳۹۸). از اخلاق متعارف تا اخلاق فراعرفی؛ گونه‌شناسی تجربه تعهد در ازدواج سفید. *نشریه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۶(۱۴)، ۱۷۷- ۲۰۶.

آقاجانی، نصراله (۱۳۸۸). چالش فمینیسم با عدالت جنسیتی. *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، ۱۲(۴۶)، ۷-۴۸.

پارسانیا، حمید (۱۳۹۲). نظریه و فرهنگ: روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی. *نشریه راهبرد فرهنگ*، ۶(۲۳)، ۷- ۲۸.

توحیدی، احمدرضا.، و محمدی، زهرا (۱۴۰۰). نقد و بررسی پدیده چندهمسری از نگاه محمد شحرور باتکیه بر تاریخ‌مندی آیات. *نشریه*

مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، ۷(۱۳)، ۳۲۷- ۳۵۴.
جاوید، محمدجواد (۱۳۸۹). از فرهنگ چندهمسری تا حقوق چندهمسری. *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، ۲(۱)، ۵۵- ۷۵.
حسنی، سیده معصومه (۱۳۸۳). تفاوت جنسیتی از دیدگاه اسلام و فمینیسم. *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، ۶(۲۳)، ۱۸۹- ۲۱۹.
رابینگتن، ارل.، و واینبرگ، مارتین (۱۳۸۲). *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*. مترجم: صدیق سروستانی، رحمت‌اله. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
رفیعی، محمدتقی (۱۳۸۶). بررسی جامعه‌شناختی- حقوقی تک‌همسری در ایران. *نشریه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۵(۳)، ۷- ۳۷.
زائری، قاسم (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای- تاریخی جایگاه خانواده در فکر فمینیستی و دیدگاه اسلام با تأکید بر مسئله قواعد. *نشریه زن در توسعه و سیاست*، ۱۰(۴)، ۵- ۳۶.
شریعتی، الهام.، و کلانتر معتمدی، هاجرسادات (۱۳۹۶). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی رحمه‌الله و آثار اجتماعی آن. *نشریه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ۷(۲)، ۱۳۱- ۱۵۳.
شکوری‌راد، صدیقه (۱۳۹۷). اندیشه شریعتی درباره زن و حقوق او در اسلام. *نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۴(۵۱)، ۷۵- ۱۰۰.
شیخ‌زاده، محمد.، و بنی‌اسد، رضا (۱۳۹۹). *تحلیل مضمون، مفاهیم، رویکردها و کاربردها*. تهران: نشر لوگوس.
ضاهر، یعقوب (۱۳۹۶). *گام‌به‌گام با امام*. مترجم: گروه مترجمان مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
عبدسرمدی، نرگس (۱۳۹۸). *دلالت‌های رسانه‌ای اندیشه مقام معظم رهبری در حوزه تحکیم خانواده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری. دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام.
فرهمند، مریم (۱۳۸۶). *فمینیسم و خانواده*. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده.
فقیهی مقدس، نفیسه.، و مؤمنی‌راد، فهیمه (۱۳۹۷). تحلیل کیفی مبانی تحکیم خانواده از دیدگاه مفسره شیعی؛ بانو امین. *نشریه مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ۵(۹)، ۵۴- ۷۱.
مشونیس، جان (۱۳۹۵). *مسائل اجتماعی*. مترجم: نایبی، هوشنگ. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: صدرا.
معینی‌فر، محدثه.، و معینی‌فر، مریم (۱۳۹۹). عوامل تضعیف‌کننده خانواده از دیدگاه مقام معظم رهبری. *نشریه پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۸(۴)، ۹- ۳۷.
هیئت‌رئیسه جنبش أمل (۱۳۹۳). *سیره و سرگذشت امام موسی صدر*. مترجم: سرحدی، مهدی. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

References

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
Gharbieh, H. M. (1996). *Political awareness of the Shi'ites in Lebanon، the role of Sayyid Abd al- Husain Sharaf al- Din and Sayyid Musa al- Sadr,* Doctoral dissertation. Centre for Middle Eastern and Islamic Studies. Durham University.
Giddens, A. (2004). *Sociology*. Cambridge: Polity Press
Naim, I. A. (1998). *Imam Musa al- Sadr، An analysis of his life, accomplishments and literary output.* Doctoral dissertation. Department of Near Eastern Studies. University of Arizona.

The Islamic Journal of Women and the Family
Print ISSN: 2538-6190 Online ISSN: 2717-4085
Homepage: https://pzk.journals.miu.ac.ir

The Spiritual Role of Women and Its Analysis in Promoting the Values of Martyrdom in the Family; Case Study: Asma Bent Omais

Mohammad Javad Yaghoubi[1]✉, and **Naser Bagheri Bidehendi**[2]

1. Corresponding author, Assistant Professor, Department of Islamic Thought and Fundamentals, Higher Education Complex of History, Tradition, and Islamic Civilization, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
Email: mjawadyaqubi@miu.ac.ir 0000-0001-7889-3185
2. Assistant Professor, Department of History of Ahl al-Bayt, Higher Education Complex of History, Tradition, and Islamic Civilization, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. Email: nbagri@gamil.com 0009-0000-1858-8787

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 19 March 2025
Received in revised form 26 April 2025
Accepted 24 May 2025
Available online 30 May 2025

Keywords:
wife of martyr,
mother of martyr,
Islamic spirituality,
Asma bent Omais,
Jafar Tayyar,
Abyssinia,
Migration.

ABSTRACT

Objective: In Islamic teachings, the fundamental role of women in the family is their position as wives and mothers, which are considered to be among the most vital responsibilities in making a healthy society. The present study was conducted with the aim of investigating the importance of women's role and their social status in preserving and transmitting the values of martyrdom to future generations. The research approach focuses on emphasizing the spiritual characteristics of women and their impact on promoting martyrdom. The case study in this study is Asma bent Omais; a lady of dignity and virtue and one of the companions of the Prophet Mohammad who, along with her husband Jafar Tayyar, was one of the pioneers of accepting Islam.

Method: This study was conducted using an analytical-documentary method and based on the study of historical and narrative sources related to the life and role of Asma bent Omais.

Results: The results show that in the Islamic spirituality model, women play a central role in promoting the spiritual status in the family. Asma bent Omais was the axis that drove the family towards spirituality; accompanying and participating in her husband's effortful activities, providing emotional and spiritual support for him, filling her husband's free time, educating and raising children, strengthening family ties, preserving and promoting the values of martyrdom, providing a role model and example of the martyr in the family, and strengthening faith and spiritual values in the family are among the most important components of this woman's role.

Conclusions: Asma bent Omais can be considered a successful example of a faithful and active Muslim woman in promoting family spirituality and promoting the culture of sacrifice and martyrdom. Explaining this model will pave the way for strengthening the role of women in transmitting spiritual values and martyrdom in today's society.

Cite this article: Yaghoubi, M., & Bagheri Bidehendi, N. (2025). The Spiritual Role of Women and Its Analysis in Promoting the Values of Martyrdom in the Family; Case Study: Asma Bent Omais. *The Islamic Journal of Women and the Family,* 13 (2), 65 - 87. https://doi.org/10.22034/ijwf.2024.19325.2315

© The Author(s).retain the copyright and full publishing rights **Publisher**: Al-Mustafa International University.
DOI: https://doi.org/10.22034/ijwf.2024.19325.2315

Introduction

Martyrdom in Islamic culture is considered the highest level of human sacrifice and excellence. By sacrificing his life, a martyr contributes to the dynamism of society and the eradication of corruption. Another perspective of this sacred event is the role of the wives and families of martyrs; women who are blessed by God and are the embodiment of patience, sacrifice, and resistance. These women patiently and selflessly spend for the glory and exaltation of Islam and, like a precious capital, play a role in safeguarding Islamic values in society. At the beginning of Islam, there was also a woman who is a clear example of this honor and greatness. It is through her companionship that a martyr like Jafar Tayyar gained an immortal name and received the golden medal of the commander of «Zoljanahain» from the Throne of Revelation (Ibn Kasir, 1407AH, 6/453). This noble lady raised children who watered the sturdy tree of Islam with her blood. This virtue, greatness, and high status were manifested in the existence of a pure lady named Asma bent Omais. The aim of the present study, in addition to honoring the outstanding and noble personality of this noble lady and reviving her name and memory, is to model her character for the families of martyrs in today's society. This research seeks to answer this central question: What role did Asma bent Omais, as the wife of Jafar ibn Abi Taleb and the mother of martyrs, play in promoting the values of martyrdom in the family?

Method

This study was conducted using an analytical-documentary method and based on library resources, and the duties and spiritual role of Asma bent Omais in creating and establishing the values of martyrdom in the context of a small faith community, namely the family, were examined. Based on the life of that dear lady, first the main axes of her role in this case were extracted and then by explaining and analyzing these axes, an attempt was made to present practical models appropriate to the conditions of today's society. In addition, relevant historical evidence from the life and existing historical analyses were presented as scientific documents.

Results

The results show that in the Islamic spirituality model, the woman plays a pivotal role in promoting the spiritual status of the family. Asma bent Omais was the axis that drove the family towards spirituality; accompanying and participating in her husband's effortful activities, supporting him emotionally and spiritually, filling his free time, educating and raising children, strengthening family ties, preserving and promoting the values of martyrdom, providing a role model and example of the martyr in the family, and strengthening faith and spiritual values in the family are among the most important components of this lady's role-playing.

1. Accompanying her husband in his effortful activities:

When Asma had just married Jafar ibn Abi Taleb, she set out with him on a dangerous and

difficult journey, namely, a journey to Abyssinia (Ibn Sad, 1360AH, 4/25). She knew that her husband's presence in this caravan was not an ordinary presence, but that Jafar ibn Abi Taleb had been chosen as the ambassador of the Prophet Mohammad and the commander of this caravan (Majlesi, 1403AH, 18/419). Fifteen years of living in a strange land (Abazari, 1376AH) were among Asma's greatest companions as a devoted wife and companion in her husband's efforts.

2. Emotional and spiritual support:

Asma bent Omais was able to strengthen her husband, Jafar ibn Abi Taleb, at various times and support him spiritually with her loving presence and spiritual and emotional support. This good and spiritual connection between Asma and Jafar turned them into successful and spiritual role models that would inspire others.

3. Filling the absence of the husband in life:

On the morning of the day when the Prophet Mohammad visited the Jafar Tayyar's family to convey the news of his martyrdom and express his condolences and sympathy to his family, Asma had been tanning since morning to earn a living, while also taking care of the household and her children. Asma quoted the events of that day as follows: «On the morning of Jafar's martyrdom, I tanned forty hides. In addition, I kneaded flour, washed and cleaned my children…» (Ibn Sad, 1360AH, 8/282). Seyed Mohsen Amin, after narrating this narrative, wrote: «This narrative expresses the good management of the home, the proper management of the family, the care of children, and the hard work of Arab women and the wives of martyrs in the home environment» (Amin, 1403AH, 3/306).

4. Divine politeness in raising and educating children:

Asma bent Omais, relying on her spiritual and faith-based strength, like a strong pillar in the family, tried to pass on to future generations the values and standards for which Jafar bin Abi Taleb had sacrificed his life. Relying on God, Asma took sole responsibility for raising her children, wiped the dust of orphanhood from their faces, and raised young men with faith, courage, and zeal, each of whom shone like their father in the city of Medina in a short period of time and became famous to everyone (A group of authors, 1999, p.487). Regarding Mohammad bin Abi Bakr, it is narrated in a Hadith by Ibn Sanan from Imam Sadegh: «The nobility of Mohammad bin Abi Bakr is from his mother, Asma bent Omais» (Ibn Hajar Asghalani, 1325AH, 12/389).

5. Strengthening family ties:

The upbringing of Jafar ibn Abi Taleb's wife, when her responsibility became prominent after her husband's martyrdom, shows that she used several methods to maintain and enhance family ties among her children and with her husband's family. Her most important behavior was to strengthen and solidify her relationship with the Imam Ali and Hazrat Zahra. Visiting Imam Ali (A group of authors, 1999, p.498) and serving Hazrat Zahra and Imam Hassan and Imam Hussein (Yaghoubi, 1343AH, 2/115) enabled her to raise her children in the light of the guardianship of Imam Ali.

6. Preserving and promoting the values of martyrdom:

After hearing the news of her husband's martyrdom and hearing his virtues and ranks from the mouth of the Prophet Mohammad, Asma bent Omais immediately asked the Prophet to publicly announce these virtues and high status of her husband among all Muslims, in order to honor his great Jihad and appreciate the sacrifices of the commander; the Prophet Mohammad also agreed to this request (Vaghedi, 1409AH, 2/767). The Prophet said: «God has given Jafar two wings with which he flies in Paradise» (Ibn Abi al-Hadid, 1385AH, 15/71).

7. Modeling and setting an example from the martyr in the family:

One of the most fundamental spiritual roles of Asma bent Omais in religious education was to provide a model from the father of martyr for her children. With Asma's intelligent request to the Prophet Mohammad to publicly announce Jafar's virtues and bravery to the people: «If you gathered the people and informed them of Jafar's virtue, they would never forget his virtue» (Barghi, 1371AH, 2/420), the fame of the martyred commander with the title of «Zoljanahain» became permanent in history and an honor for the family, especially his children (Ibn al-Asir, 1409AH, 1/541).

8. Strengthening faith and spiritual values in the family:

Asma bent Omais, aware of this serious duty of a woman to strengthen the family's religious faith and realize Islamic spirituality in life, did the best. In addition to providing spiritual support to his husband, she raised his children to be obedient and loving to the Imam, so that they were all considered companions and helpers of Imam Ali and of that Imam.

9. The unique myth of patience and perseverance:

Asma bent Omais was a symbol of patience and perseverance both in accompanying her husband on the dangerous migration to Abyssinia and living in a strange land with its hardships (Abazari, 1376AH, p.20), and after the martyrdom of Jafar Tayyar, she showed unique patience (Ibn Sad, 1360AH, 8/220). The Prophet Mohammad said to her: «Do you fear for them while I am their guardian in this world and the Hereafter?» (Ibn Anbah, 1417AH, p.36)..

Conclusions

Asma bent Omais' personality, as a humanizing element, has played a very effective role in strengthening spirituality in the family, promoting the spirit of sacrifice and martyrdom, and promoting the values of martyrdom in family life. Asma bent Omais, with her personality traits of pure faith and divine piety, obedience and guardianship, and sincere love for the Ahl al-Bayt, was able to raise martyred and witness children in her pure lap. Asma bent Omais' spiritual status infused the atmosphere of the house with spirituality, and by playing a pivotal role and continuously supporting her husband and children, she paved the way for promoting the values of martyrdom and spiritual growth in the environment of life. The life of this provincial lady

is full of passion, enthusiasm, and moral virtues. Considering the case study of Asma bent Omais, the wife of Jafar ibn Abi Taleb, and her unique role in strengthening spirituality and the values of martyrdom in the family, it can be concluded that the presence and activity of women in promoting religious and spiritual culture, especially in promoting the spirit of sacrifice and martyrdom, plays a pivotal and effective role. By cultivating these values in the family context, women can help to differentiate and strengthen the spiritual foundations of society and, as a humanizing element, contribute to the continuation and expansion of religious values.

Author Contributions

All authors participated equally in the design of the study, writing the article, and editing the final versions.

Data Availability Statement

Data available on request from the authors.

Acknowledgements

The authors of the research would like to thank all those who collaborated with them in conducting the research.

Ethical Considerations

Cases such as falsification of data, distortion of results, plagiarism, and any other unethical behavior have been strictly avoided in this study.

Funding

This study was conducted without receiving any financial support from government, commercial, or non-profit organizations.

Conflict of Interest

The authors declare that there are no conflicts of interest in connection with this study. In other words, there were no financial or personal interests that could affect the results of the study.

پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده
شاپا چاپی: ۶۱۹۰-۲۵۳۸ شاپا الکترونیکی: ۴۰۸۵-۲۷۱۷
Homepage: https://pzk.journals.miu.ac.ir

نقش معنوی زن و تحلیل آن در ارتقای ارزش‌های شهیدپروری در خانواده: مطالعه موردی اسماء بنت‌عمیس

محمدجواد یعقوبی[1]✉، و ناصر باقری بیدهندی[2]

۱. نویسنده مسئول، استادیار مجتمع آموزش عالی تاریخ سیره و تمدن اسلامی، گروه علمی اندیشه و مبانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.
رایانامه: mjawadyaqubi@miu.ac.ir

۲. استادیار مجتمع آموزش عالی تاریخ سیره و تمدن اسلامی، گروه علمی تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.
رایانامه: nbagri@gamil.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

کلیدواژه‌ها:
همسر شهید، مادر شهید، معنویت اسلامی، اسماء بنت‌عمیس، جعفر طیار، حبشه، هجرت.

چکیده

هدف: در تعالیم اسلامی نقش بسیار اساسی زن در خانواده، جایگاه همسری و مادری اوست که از حیاتی‌ترین مسئولیت‌ها در ایجاد سلامت در جامعه به‌شمار می‌آید. پژوهش حاضر با هدف بررسی اهمیت نقش زنان و جایگاه اجتماعی آنان در حفظ و انتقال ارزش‌های شهیدپروری به نسل‌های بعد انجام شد. رویکرد تحقیق بر تأکید بر ویژگی‌های معنوی زن و اثرگذاری آن بر ترویج و ارتقای شهیدپروری متمرکز است. مورد مطالعاتی در این پژوهش اسماء بنت‌عمیس می‌باشد؛ بانویی با کرامت و فضیلت و از اصحاب رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله که همراه همسر خود جعفر طیار از پیشگامان پذیرش اسلام بود.
روش پژوهش: این پژوهش به‌روش تحلیلی- اسنادی و بر پایه مطالعه منابع تاریخی و روایی مرتبط با زندگی و نقش اسماء بنت‌عمیس انجام شد.
یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد در الگوی معنویت اسلامی، زن ایفاکننده نقش محوری در ارتقای جایگاه معنوی در خانواده است. اسماء بنت‌عمیس، محور سوق‌دهنده خانواده به سوی معنویت بود؛ همراهی و مشارکت در فعالیت‌های مجاهدانه همسر، حمایت عاطفی و معنوی از وی، پرکردن فراغت زندگی همسر، تربیت و پرورش فرزندان، تقویت ارتباطات خانوادگی، حفظ و ترویج ارزش‌های شهید، ارائه الگو و اسوه‌سازی از شهید در خانواده، و تقویت ایمان و ارزش‌های معنوی در خانواده از مهم‌ترین مؤلفه‌های نقش‌آفرینی این بانو به‌شمار می‌رود
نتیجه‌گیری: اسماء بنت‌عمیس را می‌توان نمونه‌ای موفق از زن مسلمان مؤمن و فعال در ارتقای معنویت خانواده و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت دانست. تبیین این الگو، زمینه‌ساز تقویت نقش زنان در انتقال ارزش‌های معنوی و شهیدپروری در جامعه امروز خواهد بود.

استناد: یعقوبی، محمد جواد؛ و باقری بیدهندی، ناصر (۱۴۰۴). نقش معنوی زن و تحلیل آن در ارتقای ارزش‌های شهیدپروری در خانواده؛ مطالعه موردی اسماء بنت‌عمیس. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۱۳ (۲)، ۶۵-۸۷. https://doi.org/10.22034/ijwf.2024.19325.2315

ناشر: جامعه المصطفی العالمیه.
© نویسندگان.

مقدمه

شهادت در فرهنگ اسلامی، والاترین مرتبه ایثار و تعالی انسان به‌شمار می‌آید. شهید با فدا کردن جان خود، به پویایی جامعه و ریشه‌کن شدن فساد یاری می‌رساند، به آن روحیه و استحکام می‌بخشد، مقاومت و پویایی اجتماعی را تضمین می‌کند، ظرفیت روحی جامعه را ارتقا می‌دهد و مسیر رشد و سعادت آن را روشن و هموار می‌سازد. آیات متعددی در قرآن کریم درمورد مقام شهادت وجود دارد (ر.ک.، آل‌عمران: ۱۶۹؛ بقره: ۱۵۴؛ محمد: ۴-۶؛ نساء: ۷۴).

در چشم‌اندازی دیگر از این پیشامد مقدس، نقش همسران و خانواده‌های شهدا مطرح می‌شود؛ زنانی که مورد عنایت الهی قرار گرفته و تجلی صبر، ایثار و مقاومت‌اند. این بانوان صبورانه و با ازخودگذشتگی، برای سربلندی و اعتلای اسلام هزینه می‌کنند و چونان سرمایه‌ای گران‌سنگ، در پاسداری از ارزش‌های اسلامی در جامعه ایفای نقش می‌نمایند. آنان برای احیای دین و دفاع از اصول اسلامی، همه داشته‌های خود ازجمله خانواده، هویت (همسر) و ثمره زندگی‌شان (فرزندان) را به میدان ایثار می‌فرستند. همسران و مادران شهدا، اسوه‌هایی ماندگار، صبور و پایدارند که به اسلام اعتبار و عظمت می‌بخشند.

در صدر اسلام نیز بانویی حضور داشت که مصداق روشنی از این عزت و عظمت است. از همراهی اوست که شهیدی همچون جعفر طیار، نامی جاودانه یافت و مدال زرین فرماندهی «ذوالجناحین» را از آستان وحی دریافت نمود. (ابن کثیر، ۱۴۰۷هـ.ق، ۴۵۳/۶) این بانوی گرانقدر، فرزندانی را پرورش داد که با خون خویش درخت تنومند اسلام را آبیاری کردند. این فضیلت، عظمت و مقام والا، در وجود بانویی مطهر به نام اسماء بنت‌عمیس جلوه‌گر شد.

هدف پژوهش حاضر، علاوه‌بر ارج نهادن به شخصیت برجسته و گران‌قدر این بانوی گرامی و احیای نام و یاد او، الگوسازی از سیره ایشان برای خانواده‌های شهدا در جامعه امروز است. براین‌اساس، نقش بی‌بدیل اسماء بنت‌عمیس در شکل‌دهی و ارتقای ارزش‌های شهیدپروری در ساختار خانواده مورد تحلیل و تبیین قرار گرفت. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش محوری است که اسماء بنت‌عمیس در جایگاه همسر جعفربن ابی‌طالب و مادر شهیدان، چه نقشی در ارتقای ارزش‌های شهیدپروری در خانواده ایفا نموده است؟ صبوری و پایداری بی‌مانند ایشان، زندگی سراسر عشق به خاندان عصمت و طهارت و ولایت‌مداریشان برای همگان درس‌آموز است که بایسته است در جامعه نمود یابد و به بهترین شکل ممکن در ادوار باقی بماند.

پژوهش حاضر به‌روش تحلیلی- اسنادی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای انجام شد و وظایف و نقش معنوی اسماء بنت‌عمیس در خلق و تثبیت ارزش‌های شهادت‌طلبی در بستر یک جامعه ایمانی کوچک، یعنی خانواده مورد بررسی قرار گرفت. بر پایه سیره آن بانوی گرامی، ابتدا محورهای اصلی نقش‌آفرینی ایشان در این مورد استخراج شد و سپس با تبیین و تحلیل این محورها، تلاش شد تا الگوهای کاربردی متناسب با شرایط امروز جامعه ارائه شود. همچنین شواهد تاریخی مرتبط از سیره و تحلیل‌های تاریخی موجود، به‌عنوان مستندات علمی ارائه شد.

ادبیات موضوع و چارچوب نظری پژوهش

مطالعات انجام‌شده در حوزه سیره‌شناسی و تاریخ اسلام نشان می‌دهد که تبارشناسی شخصیت اسماء بنت‌عمیس، افزون بر منابع و متون روایی -تاریخی، در شماری از مقالات و آثار نیز مورد توجه قرار گرفته است که در این آثار حوزه کلان شخصیت ایشان بررسی شده است. از جمله مدخل «اسماء بنت‌عمیس» در آثار ریاحین الشریعه (محلاتی، ۱۳۶۹)، زنان دانشمند و راوی حدیث (صادقی اردستانی، ۱۳۷۷)، اعلام النساء المؤمنات (حسون و مشکور، ۱۳۷۹)، زنان دین‌گستر در تاریخ اسلام (روحانی، ۱۳۸۲)، نساء حول الرسول: تراجم و قصص (قطب.، و همکاران، ۱۳۸۴)، درس‌هایی از زندگانی زنان نامدار (بهشتی، ۱۳۸۶)، بانوان نمونه (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷) و... .

نقد کلی این آثار نشان می‌دهد که جایگاه و نقش‌آفرینی اسماء بنت‌عمیس در گسترش فرهنگ ایثار، شهادت و پاسداری از ولایت، مورد بررسی و تحلیل مستقل قرار نگرفته است. همچنین، غفلت از تمرکز بر موقعیت این بانوی گرامی در مقام همسر و مادرِ شهید، کاستی مشترک این آثار به‌شمار می‌آید؛ نوآوری مقاله حاضر در آن است که همین جنبه‌های مغفول‌شده تحلیل و بررسی شده است.

در حوزه مطالعات مربوط به ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، مقالات علمی متعددی تألیف و منتشر شده‌اند؛ از جمله مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت دانشگاه اصفهان (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات نشست علمی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت دانشگاه قم (۱۳۸۹)، و مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت دانشگاه شیراز (۱۴۰۱) و.... این آثار، بیشتر بر نقش همسران و مادران شهدا- به‌ویژه شهدای پس از انقلاب اسلامی و دوران هشت سال دفاع مقدس- تمرکز داشته و با تمجید از صبر، استقامت، حضور در جبهه‌ها، و پشتیبانی‌های مادی و معنوی آنان، بر اهمیت جایگاه اجتماعی و اخلاقی ایشان تأکید کرده‌اند. بااین‌حال، بررسی تحلیلی و تبیینی نقش یک‌زن در شکل‌دهی به ارزش‌های شهیدپروری در درون خانواده، با رویکرد معنوی، همچنان مغفول مانده است.

۱. مفهوم‌شناسی شهادت

شهادت، به‌معنای کشته‌شدن آگاهانه و با اخلاص نیت در راه خداوند تعریف شده است (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۵) و شهید کسی است که در راه خدا به قتل می‌رسد. در منابع فقهی، شهید به مسلمانی اطلاق می‌شود که در میدان جنگ، به‌دست کفار یا به‌دلیل جنگ با آنان کشته می‌شود (عبدالمنعم، ۱۴۱۹، ۷۴/۴). از منظر لغوی نیز، واژه «شهادت» به‌معنای «حضور» و «مشاهده» است (قرشی، ۱۴۱۲ه.ق، ۷۴/۴). با توجه به این معانی، درباره علت نام‌گذاری «شهید» وجوه مختلفی بیان شده است؛ از جمله اینکه: «فرشتگان رحمت الهی او را می‌بینند؛ خدا و فرشتگان گواهی می‌دهند که او اهل بهشت است؛ او نمرده و نزد پروردگارش حاضر است؛ او چیزهایی را مشاهده می‌کند که دیگران مشاهده نمی‌کنند» (طریحی، ۱۴۱۶ه.ق، ۸۱/۳) و «او در روز قیامت شاهد اعمال دیگران است» (قرشی، ۱۴۱۲ه.ق، ۷۷/۴).

۲. مفهوم‌شناسی معنویت

«معنویت» در لغت از ماده «عنی-یعنی» گرفته شده و به‌معنای امور غیرمادی است. این واژه با مفاهیمی مانند «روحانیات» و «حالات روحی انسان» مترادف است. (بستانی، ۱۳۷۵، ص۸۴۲؛ مصطفوی، ۱۳۸۵، ۱۴۸/۲) در زبان عربی معاصر نیز واژه «معنویات» به‌معنای «روحیه» به‌کار می‌رود و در مواردی مانند «روحیه لشکر؛ معنویات الجیش» به‌کار می‌رود (میرزایی، ۱۳۸۸، ص۵۵۳). معنویت از منظر دینی، برآیند نوعی زیستن مبتنی بر رابطه‌ای قلبی و پیوندی ایمانی با خداوند است که بر مبنای تعالیم وحیانی، به زندگی فرد معنا می‌بخشد و با التزام عملی و اخلاقی منطبق بر این تعالیم، فرد را در مسیر رستگاری (نجات) و فوز (سعادت) قرار می‌دهد (حاجی‌ابراهیم و یاوری، ۱۳۹۷، ص ۵۳- ۸۶).

۳. شهدای خانواده اسماء بنت‌عمیس

اسماء بنت‌عمیس، بانویی بود برخوردار از شجاعت و ایمان راسخ و تسلیم کامل در برابر اراده الهی. او خود را وقف خدمت به اهداف اسلام نمود و با عشق و ایمانی که در دل داشت، نه تنها خویش، بلکه خانواده‌اش را نیز در مسیر حق و اسلام قرار داد. تربیت و پرورش نسل توحیدی توسط ایشان، نشان داد که عشق و وفاداری او به اسلام با هیچ چیز دیگری قابل قیاس نیست. این بانوی شجاع و باایمان، با فداکردن همسر، فرزندان و نوادگان خود در راه اسلام، در جایگاه همسر شهید و مادر

شهید، الگویی موفق و برجسته برای جامعه اسلامی به‌شمار می‌آید. شهدای والامقام این خانواده، نمونه‌های بارز ایمان، ایثار و شجاعت‌اند که ارزش‌های اسلامی را با تمام وجود پاس داشتند و تا آخرین لحظه عمر خود، در راه حق و عدالت پایدار ماندند.

۳-۱. جعفربن ابی‌طالب

در سال هشتم هجری، در پی هجوم کفار به مبلغان و نمایندگان اعزامی پیامبر ﷺ به منطقه «موته» در شمال حجاز و مرز شام، رسول خدا ﷺ آماده‌باش داد و مسلمانان برای جهاد آماده شدند. پیامبر ﷺ، جعفربن ابی‌طالب را به‌عنوان فرمانده اول تعیین کرد و از همه خواست که تحت فرمان او باشند و از وی اطاعت کنند. مسلمانان مجاهد، با فرماندهی جعفر به منطقه نبرد اعزام شدند و نبرد سختی میان مسلمانان و دشمنان روی داد. جناب جعفر با تقدیم دو دست خود در جبهه نبرد، سرانجام با پیکری خونین و بیش از هفتاد زخم، به شهادت رسید. پس از شهادت جعفر، رسول خدا ﷺ به خانه وی رفت و به اسماء فرمود: «فرزندان جعفر کجایند؟». وی آنها را نزد پیامبر ﷺ آورد؛ رسول خدا ﷺ فرزندان را به سینه چسباند، بویید و نوازش کرد؛ آنگاه چشمان حضرت پر از اشک شد و گریست. اسماء پرسید: «آیا از جعفر خبری داری؟» پیامبر ﷺ فرمود: «آری، او به شهادت رسید». صدای گریه همسر جعفر و زنان هاشمی برخاست. پیامبر ﷺ فرزندان جعفر را نوازش کرد و دلداری داد و به زنان نیز فرمود که صبور باشند. سپس به همسر آن شهید بزرگوار فرمود: «ای اسماء! آیا می‌خواهی مژده‌ای به تو بدهم؟» گفت: «آری». پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند به‌جای آن دو دستی که از جعفر قطع شد، دو بال به او عطا کرد که با آنها در بهشت پرواز می‌کند». پس از آن، پیامبر ﷺ به مسجد رفت و بر فراز منبر، خبر شهادت جعفر و دو بال بهشتی او را به مردم رساند. (امین، ۱۴۰۳ه.ق، ۱۲۴/۴-۱۲۵)

۳-۲. عون‌بن جعفر

عون‌بن جعفر، فرزند جعفر طیار و اسماء بنت‌عمیس بود که در حبشه متولد شد. عون پس از شهادت پدر، همانند سایر برادرانش مورد توجه و علاقه عمویش، حضرت علی علیه‌السلام، بود. انتخاب او به دامادی و همسری ام‌کلثوم نمونه‌ای از علاقه فراوان امام علی علیه‌السلام به وی بود. (بلاذری، ۱۳۹۷، ۱۹۰/۲) در کتاب‌های رجال، عون در زمره یاران حضرت علی علیه‌السلام و در عداد راویان حدیث او ذکر شده است (خویی، ۱۴۰۹ه.ق، ۱۸۵/۱۴). عون‌بن جعفر در واقعه تستر (ابن قتیبه، ۱۹۹۲، ص۲۰۶) یا در جنگ صفین به‌شهادت رسید (بلاذری، ۱۳۹۷، ۴۵/۲). برخی نیز احتمال داده‌اند که وی در سال ۶۱ هجری قمری در کربلا شهید شده است (مامقانی، ۱۴۳۱ه.ق، ۲۰۹/۱۰).

۳-۳. محمدبن جعفر

محمدبن جعفر، فرزند دیگر اسماء و جعفر طیار بود. وی در جنگ صفین و در نبرد با مخالفان، یکی از سوارکاران و جنگ‌جویان سپاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود و در میدان نبرد به شهادت رسید. درباره کیفیت شهادت او نقل شده است که میان محمدبن جعفر و عبیدالله‌بن عمربن خطاب از سپاه معاویه و هم‌لشکریانش که حدود ده‌هزار نفر بودند، جنگ سختی در گرفت. سرانجام آن دو نفر به جنگ تن‌به‌تن روی آوردند و سپاهیانشان برای حمایت از آنان وارد جنگ شدند که در مدت کوتاهی تعداد زیادی کشته شدند. در این هنگام حضرت علی علیه‌السلام خود را به میدان جنگ رساند و دستور داد تا کشتگان را کنار زدند و جسد محمدبن جعفر و عبیدالله‌بن عمر را درحالی‌که دست در گردن یکدیگر داشتند، مشاهده کردند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام با دیدن این صحنه فرمود: «به خدا قسم! این دست به گردن انداختن شما از سر دوستی نبوده است». (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹ه.ق، ۳۷-۳۸)

در منابع تاریخی، احتمالات دیگری درباره شهادت محمدبن جعفر مطرح شده است؛ از جمله شهادتش در واقعه تستر در سال هفدهم هجری (ابن قتیبه، ۱۹۹۲، ص۲۰۶) یا در واقعه کربلا (مامقانی، ۱۴۳۱ه.ق، ۲۰۹/۱۰)، اما این احتمالات به‌دلایل متعدد رجحان ندارد (مهدویان، ۱۳۸۵، ص ۱۴-۱۵) و گزارش شهادت او در جنگ صفین صحیح‌تر به‌نظر می‌رسد (خویی، ۱۴۰۹ه.ق، ۱۶۶/۱۶).

درباره زمان درگذشت اسماء بنت‌عمیس ابهامات زیادی وجود دارد؛ برخی سال ۳۸ هجری (ابن کثیر، ۱۴۰۷ه.ق، ۳۱۸/۷)، برخی سال ۴۰ هجری (ذهبی، ۱۴۱۴ه.ق، ۲۸۷/۲) و در نقلی سال ۶۵ هجری (قائدان، ۱۳۸۰) را ذکر کرده‌اند. براساس نظر اخیر و شواهد و قرائنی مانند نقل مستقیم برخی روایات و حوادث تاریخی مهم توسط امام سوم و چهارم از این بانوی ارجمند و متعهد (اباذری، ۱۳۷۶، ص۹۹) و دیدگاه‌هایی که وفات ایشان را پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌داند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶ه.ق، ص ۷۴۳)، به نظر می‌رسد عمر طولانی (۹۰ سال) داشته و در نهایت در سال ۶۵ هجری درحالی‌که از امامت حضرت سجاد علیه‌السلام پنج سال می‌گذشت، چشم از جهان فروبسته است. نوشته سنگ قبر مطهرش در قبرستان باب الصغیر دمشق، با عبارت «المتوفیه عام ۶۵ هجری» نیز بیانگر همین مطلب است (اباذری، ۱۳۷۶، ص۱۰۳). براین‌اساس، ایشان در زمان شهادت نوادگانش یعنی، فرزندان عبدالله‌بن جعفر در حادثه کربلا و در رکاب حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، در قید حیات بوده است.

۳- ۴. عون‌بن عبدالله‌بن جعفر

عون‌بن عبدالله‌بن جعفر، نوه پسری جعفر طیار است. پدرش، عبدالله، فرزند ارشد جعفر و اسماء تولدیافته حبشه (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۳۵۹/۲) و مادرش حضرت زینب علیهاالسلام است (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹ه.ق، ص۱۲۴). عون‌بن عبدالله‌بن جعفر از یاران و اصحاب امام حسین علیه‌السلام است که در واقعه کربلا شهید شد (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱ه.ق، ۱۱۱/۵). در زیارت ناحیه درباره عون آمده است: «السَّلَامُ عَلَى عَوْنِ بْنِ عَبْدِاللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الطَّيارِ فِي الْجِنَانِ، حَلِيفِ الْإِيمَانِ وَ مَنَازِلِ الْأَقْرَانِ، النَّاصِحِ لِلرَّحْمٰنِ، التَّالِي لِلْمَثَانِي وَ الْقُرْآنِ» (ابن طاووس، ۱۳۶۷، ۷۵/۳- ۷۶). بعد از حادثه جانسوز کربلا پدرش، عبدالله‌بن جعفر طیار، شهادت فرزندانش در رکاب امام حسین علیه‌السلام را از منت‌های خدا بر خود می‌دانست و همواره خداوند را شکر می‌گفت که اگر خود نتوانست همراه امام باشد فرزندانش او را یاری کردند (مفید، ۱۴۱۳ه.ق، ۱۲۴/۲).

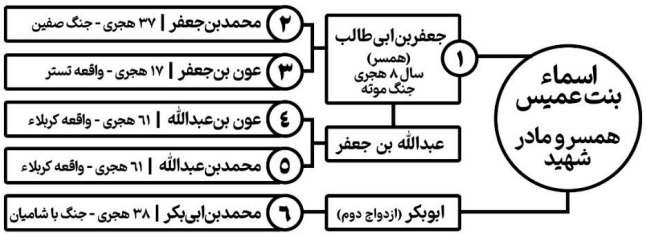
۳- ۵. محمدبن عبدالله‌بن جعفر

وقتی امام حسین علیه‌السلام از مکه به‌سوی کربلا حرکت کرد، عبدالله‌بن جعفر طیار دو پسرش، عون و محمد را نزد امام حسین علیه‌السلام فرستاد و به آنها سفارش کرد که با امام علیه‌السلام همراه باشند و از او دفاع کنند. (مفید، ۱۴۱۳ه.ق، ۶۹/۲) محمدبن عبدالله‌بن جعفر در معرکه کربلا و دفاع از امام مظلوم علیه‌السلام شهید شد (ابن‌شهرآشوب، ۱۴۱۲ه.ق، ۲۵۴/۳) و نام خود را میان شهدای کربلا جاودانه کرد. در زیارت الشهداء از محمدبن عبدالله چنین یاد شده است: «السّلامُ عَلی مُحمَّد بن عبدالله بن جعفر، الشاهد مکان ابیه، والتالی لأخیه، و واقیه ببدنه» (ابن طاووس، ۱۳۶۷، ۷۶/۳). در بین مورخین در مورد نام مادر وی که حضرت زینب علیهاالسلام (کاشفی، ۱۳۸۱) یا خوصاء بنت‌خصفة‌بن ثقیف است (طبری، ۱۴۱۳ه.ق، ۳۵۹/۴) اختلاف وجود دارد.

۳- ۶. محمدبن ابی‌بکر

محمدبن ابی‌بکر، هرچند فرزند مشترک اسماء و جعفر نبود، اما در دامان مادری چون اسماء و در کنار برادران خود از جعفربن ابی‌طالب پرورش یافت و یکی از فرماندهان و شهدای والامقام تاریخ اسلام به‌شمار می‌رود. وی در جنگ‌های

حضرت علی علیه‌السلام علیه مخالفان، ایشان را همراهی کرد؛ به‌ویژه در جنگ جمل که امیرالمؤمنین علیه‌السلام را بر خواهرش، عایشه، ترجیح داد و در سپاه ایشان جنگید. پس از آن، با عزل قیس‌بن سعد از حکومت مصر، به پیشنهاد برادرش، عبدالله‌بن جعفر، به حکومت مصر انتخاب شد (الثقفی، ۱۳۵۵، ۲۱۲/۱)، اما محمدبن ابی‌بکر در مصر از سپاه عمروبن عاص شکست خورد. دشمنان با نهایت قساوت او را به شهادت رساندند و جسدش را در پوست الاغ نهاده و آتش زدند (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰ه.ق، ۱۲۸۵/۴). خبر این واقعه برای مادرش، اسماء، چنان دردناک بود که به نمازخانه خود رفت و از شدت خشم، خون از سینه‌اش جاری شد (الثقفی، ۱۳۵۵، ۲۸۷/۱). امام علی علیه‌السلام درباره او فرمود: «محمد، پسر من از صلب ابوبکر است» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ۵۳/۶).



شکل ۱: اطلاع نگاشت از شمار شهدای خانواده جعفر (همسر، فرزندان و نوادگان اسماء بنت‌عمیس)

۴. نقش معنوی اسماء در شهیدپروری

همسران و مادران شهدا نقش بسیار مهمی در زندگی معنوی و پرورش شهید ایفا می‌کنند. آنان به‌حق، در فیض شهادت همسر و فرزندان خود سهیم هستند. این بانوان از سویی درجایگاه همسر و همراه زندگی شهید، در تمامی مراحل زندگی، مسئولانه و هم‌پای مجاهدان نقش‌آفرینی می‌کنند و از سوی دیگر پس از شهادت همسران خود، نقش برجسته‌تری در استمرار و تثبیت راه آنان بر عهده دارند؛ زیرا با نمایش اقتدار، قوت و استقامت، نماد زنده صبر و تقوا در جامعه‌اند و همواره با ارائه الگوی پایدار، فرزندان خود را ایثارگونه تربیت می‌کنند.

۴-۱. همراهی در فعالیت‌های مجاهدانه همسر

تفاوت عمده ازدواج با هر نوع شراکت دیگر در سرمایه‌ای است که زن و شوهر به مشارکت می‌گذارند. در این نوع مشارکت، سخن از اموال مادی نیست، بلکه عالی‌ترین سرمایه‌های انسانی یعنی قلب، روح، عواطف، احساسات و آمال‌ها و اهدافی است که به مشارکت گذاشته می‌شود. زمانی‌که زندگی در بستر طبیعی خود جریان می‌یابد، زوجین مسئولیت‌های عادلانه‌ای برعهده گرفته و در پی تحقق آرزوهای شیرین و مشترک خود برمی‌آیند، اما زمانی‌که شرایط سختی برای دین و رهبر جامعه پیش می‌آید، مسئولیت‌هایی فراتر از زندگی تازه شکل‌گرفته برای آنان ترسیم می‌شود.

زمانی‌که اسماء به‌تازگی با جعفربن ابی‌طالب ازدواج کرده بود، دوشادوش وی عازم سفری پرخطر و سخت یعنی، سفر به حبشه شد. (ابن سعد، ۱۹۶۰، ۲۵/۴) او می‌دانست که حضور شوهرش در این کاروان، حضوری عادی و معمولی نیست، بلکه جعفربن ابی‌طالب سفیر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و فرمانده این کاروان انتخاب شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۱۹/۱۸). این مسئولیت خطیر، دشواری‌های بزرگ و طاقت‌فرسایی به‌دنبال داشت، اما اسماء لحظه‌ای در این همراهی تردید نکرد و با این اندیشه در کنار شوهر، همراه کاروان شد و به‌سوی حبشه هجرت کرد و نقش سرنوشت‌ساز خود را در قالب مجاهد فی‌سبیل‌الله (ر.ک.، النحل: ۴۱) در تاریخ ثبت کرد.

احساس همیاری، بالاتر و عمیق‌تر از احساس مسئولیت است و جنبه عملی آن را تشکیل می‌دهد و نوعی خودگذشتگی

است. همیاری فقط کمک کردن نیست، بلکه بیشتر علاقه و هم‌فکری است. مفهوم همیاری در شرایط ویژه آن‌گاه بهتر درک می‌شود که انسان بداند بیشتر اختلافات در مواقعی بروز می‌کند که شرایط زندگی از حالت عادی خارج شده و حالت ویژه و بحرانی پیدا می‌کند. این سفر، سفری عادی از مکه به حبشه نبود، بلکه همانند دیگر رویدادهای مهم صدر اسلام جزو افتخارات به‌شمار می‌رود (القطب.، و همکاران، ۲۰۰۵، ص۲۱۲) و بانام «ذات الهجرتین» (مامقانی، ۱۴۳۱ه.ق، ۱۳/۱۵) باعث مباهات مهاجرین بود؛ زیرا سرتاسر این هجرت، سختی، ایثار، فداکاری، غربت، نگرانی و... و با هدف اطاعت از رهبری بود (ذهبی، ۱۴۱۴ه.ق، ۵۸/۲).

سفر به حبشه به‌شکل مخفیانه و در شدیدترین وضعیت امنیتی و به‌دور از چشم مشرکین، در قالب گروه‌های چندنفره از مکه آغاز شد. (عاملی، ۱۴۲۶ه.ق، ۲۴۵/۳) پس از رسیدن به حبشه، اضطراب بازگردانده شدن و تسلیم آنان به هیئت قریشی که در تعقیب مسلمانان تا حبشه نیز آمده بودند (ابن کثیر، ۱۴۰۷ه.ق، ۸۹/۳)، توطئه‌های متعدد عمروبن عاص و دادن نسبت‌های ناروایی مانند قتل، سرقت و اتهام ناپاکی به همسر اسماء (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ۳۱۲/۶)، نقشه قتل و اقدام به ترور جعفربن ابی‌طالب (ابن کثیر، ۱۳۹۵، ۱۷/۲) و از همه مهم‌تر پانزده‌سال زندگی در غربت (اباذری، ۱۳۷۶)، از والاترین همراهی‌های اسماء در جایگاه یک‌زن فداکار و همراهی در مجاهدت‌های همسرش بود. او با حضور در میدان، هم‌دوش همسر خود، سهم بزرگی در این همراهی داشت و باعث رشد معنوی جعفربن ابی‌طالب نیز بود.

۴- ۲. حمایت عاطفی و معنوی اسماء از جعفربن ابیطالب

مهرورزی و دریافت محبت از نیازهای بنیادین انسان است که در تمامی افراد به اشکال مختلف ظهور می‌یابد. تأمین این نیاز عاطفی یکی از وظایف اساسی زن در خانواده است که چه در نقش همسری و چه در جایگاه مادری، باید به‌طور مؤثر و شایسته آن را ایفا کند: « وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیها وَ جَعَلَ بَینَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحمَةً إِن فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یتَفَکَّرُونَ؛ و از آیات او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به‌واسطه آنها آرامش بیابید و میان شما دوستی و محبت قرار داد. همانا در این امر نشانه‌هایی برای گروهی که تفکر کنند، وجود دارد» (روم: ۲۱). امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «هرگاه به خانه می‌آمدم و به چهره فاطمه علیهاالسلام می‌نگریستم، تمام غم و اندوهم برطرف می‌شد» (اربلی، ۱۳۸۱، ۳۶۳/۱).

حمایت عاطفی و معنوی از همسر، نشانه توجه، احترام و مراقبت از اوست. این حمایت به هر دو طرف کمک می‌کند تا در مواقع دشوار، سختی‌ها را با پشتیبانی یکدیگر سپری کنند. این نوع حمایت نقش بسیار مهمی در تقویت ارتباط زوجین، افزایش اعتماد به یکدیگر، حل مشکلات و ساختن خانواده‌ای سالم و پایدار دارد. حمایت عاطفی از همسر، اکسیر باارزشی است که هم زندگی مشترک را پر از عشق و انرژی مثبت می‌کند و هم به مرد این اطمینان و آرامش را می‌دهد تا در راستای اعتلای خانواده بتواند گام‌های مهم و سخت زندگی را آسوده طی کند. حمایت عاطفی باعث ایجاد ارتباط معنوی سالم براساس ارزش‌های دینی می‌شود. مبتنی بر همین رابطه معنوی، محیط خانه به سمت همدلی و همراهی میان اعضای خانواده پیش می‌رود و باعث تشویق به اعمال نیکو، پشتیبانی در مواقع دشوار و بحرانی، و توجه به سلامت روحی و روانی می‌شود. این تجربه زندگی دینی مشترک می‌تواند به تقویت ارتباط معنوی بین همسران کمک کند.

در خانواده شهدا، نقش حمایتی زن از شوهر بسیار چشمگیرتر است. عامل این فزونی، عمل ارزشمندی است که مجاهد با جاودانه ساختن نام خود و با نثار جان در راه خدا بدان دست می‌یابد. به‌درستی که عروج آسمانی یک‌مرد زمینی به پشتوانه یک‌زن، حقیقت پیدا می‌کند. اسماء بنت‌عمیس، توانست با حضور محبت‌آمیز و حمایت معنوی و عاطفی، شوهر خود، جعفربن ابی‌طالب، را در مواقع مختلف تقویت و او را از نظر روحانی پشتیبانی کند. او توانست این احساس را در شوهر خود ایجاد کند که می‌تواند با اطمینان خاطر و مانند یک‌پشتیبان، انگیزه و اعتماد به نفس بیشتری برای دستیابی به اهداف

نیکو، رشد روحانی و رسیدن به فوز دنیوی داشته باشد. این ارتباط نیکو و معنوی بین اسماء و جعفر، آنها را به الگوهای موفق و معنوی تبدیل کرد که برای دیگران الهام‌بخش باشند.

۴- ۳. پر کردن خلأ و نبود همسر در زندگی

یکی دیگر از فداکاری‌های همسران شهدا، مواجهه با چالش‌ها و وظایفی است که در نبود شوهر بر عهده آنها قرار می‌گیرد. این زنان باید جای خالی همسر را در خانواده پر کنند و از عهده وظایف او برآیند. مرد زمانی می‌تواند در میدان نبرد و عرصه جهاد با خیالی آسوده و مؤثر به وظیفه الهی و شرعی خود عمل کند که همسرش بتواند وظایف مهم و سنگینی را که به‌طور طبیعی برعهده مرد است، بپذیرد و برای تداوم زندگی، جایگزینی شایسته برای او باشد. اگر مرد، شهید شود مسئولیت‌ها و اموری مانند مدیریت مالی، حفظ سلامت و رفاه خانواده، تحصیل و تربیت فرزند، حفظ حقوق و امنیت خانواده، و ارتقای معنویت و ارزش‌های روحی در خانواده به‌طور دائم بر عهده همسر شهید قرار می‌گیرد که باید با همکاری و همبستگی سایر اعضای خانواده انجام شود.

صبح روزی که پیامبر اسلام ﷺ برای ابلاغ خبر شهادت و اظهار تسلیت و همدردی با خانواده جعفر طیار در خانه‌اش حضور یافت، اسماء برای تأمین معیشت زندگی از صبح مشغول دباغی پوست بود و در همان حال، امور منزل و رسیدگی به فرزندان را نیز انجام داده بود. اسماء جریان آن روز را چنین نقل می‌کند: «در صبح روز شهادت جعفر، من چهل پوست دباغی کردم. علاوه‌بر آن، آرد خمیر کردم، بچه‌هایم را شست‌وشو دادم و نظیف کردم. رسول خدا ﷺ به خانه ما آمد و فرزندان جعفر را خواست. فرزندان را خدمت ایشان بردم. دیدم آنها را به سینه خود چسباند و بویید و اشک از دیدگانشان جاری شد. عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ! دست یتیمی بر سر آنها می‌کشی؛ مگر از جعفر خبری به شما رسیده است؟ پیامبر ﷺ که از عقل و فهم من متعجب شده بود، فرمود: «آری، امروز به‌شهادت رسید.» من گریان شدم... ». (ابن سعد، ۱۹۶۰، ۲۸۲/۸)

سید محسن امین پس از نقل این روایت می‌نویسد: «این روایت بیانگر حسن اداره منزل و مدیریت شایسته خانواده و مراقبت از فرزندان و تلاش و سخت‌کوشی زنان عرب و همسران شهدا در محیط خانه است. شوهر اسماء به سفر رفته بود و او باوجود داشتن سه‌فرزند، در صبح زود موفق شده بود چهل پوست را دباغی کند و علاوه‌بر آن، آرد آسیاب کرده و نان نیز تهیه کند». (امین، ۱۴۰۳، ۳۰۶/۳) بنابراین، مشارکت همسران شهدا در جهاد میدانی همسران خود، این‌گونه شکل می‌گیرد. آنها با فداکاری، صبر، شجاعت و ایثاری که در مواجهه با این وقایع نشان می‌دهند، نقش مهمی در حفظ ارزش‌ها، آرمان‌ها و حقوق شهید و خانواده‌های شهدا بر عهده دارند. این بانوان همواره تلاش می‌کنند تا نیازهای مادی و معنوی خانواده را به‌گونه‌ای تأمین کنند که فرزندان و بازماندگان شهید بتوانند دشواری‌های قبل و بعد از شهادت را با نهایت درایت و بردباری مدیریت کنند.

۴- ۴. ادب الهی در تربیت و پرورش فرزندان

از دیگر وظایف همسران شهدا، افتخار بزرگ تربیت و پرورش فرزندان شهید است. زمانی که یک‌شهید برای دفاع از اسلام و اطاعت از ولی زمان خود در جبهه‌های نبرد به‌شهادت می‌رسد، همسرش به نشانه ادای احترام به راه و اهداف شامخ او و قدردانی از جان‌نثاری‌اش، تمام همت و تلاش خود را برای تربیت فرزندانش به‌کار می‌گیرد. همسر شهید با تکیه بر توانایی‌های تربیتی و پرورشی برخاسته از قدرت معنویت، تلاش می‌کند فرزندان را طوری تربیت کند که ارزش‌ها و آرمان‌های پدرشان را در آنها جاودانه سازد.

اسماء بنت‌عمیس با اتکا بر قدرت روحی و ایمانی خود، مانند ستونی استوار در خانواده، کوشید تا ارزش‌ها و معیارهایی که جعفربن ابی‌طالب برای آنها جان خود را فدا کرده بود، به نسل‌های آینده منتقل کند. اسماء با توکل به پروردگار، به‌تنهایی

مسئولیت تربیت فرزندانش را بر عهده گرفت، غبار یتیمی را از چهره آنها زدود و جوانانی باایمان، شجاع و غیرتمند پرورش داد که هریک از آنها در مدت‌زمان کوتاهی مانند پدر در شهر مدینه درخشیدند و زبانزد همگان شدند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ص ۴۸۷) مؤمنان به حال فرزندان اسماء غبطه می‌خوردند و دشمنان و حسودان نیز همواره نسبت به آنها حسادت ورزیده و مورد چشم‌زخم قرار می‌دادند (ترمذی، ۱۴۱۹، ۳۹۵/۴). روایت شده است که روزی اسماء بنت‌عمیس خدمت پیامبر ﷺ شتافت و از این ماجرای خطرناک به رسول خدا ﷺ شکایت برد و عرض کرد: «ای رسول خدا! فرزندان جعفر همواره مورد چشم‌زخم حسودان و بداندیشان واقع می‌شوند. آیا اجازه می‌دهی دعایی نوشته و همراهشان باشد تا از گزند دیدگان تنگ‌نظر در امان باشند؟» حضرت در جواب اسماء فرمود: «آری، اشکالی ندارد. اگر قرار بود چیزی بر قضا و قدر الهی پیشی گیرد، همین چشم‌زخم افراد بددل است» (شعیری، ۱۴۱۳ه.ق، ص۴۴۳).

اسماء، در جایگاه همسر شهید، باوجود غم و اندوه بزرگ ناشی از فقدان همسر، با صبر، عشق و ایمان الگویی مقتدر برای فرزندانش شد و ادامه مسیر زندگی خود را تربیت نسل شهید قرار داد. وی با انعکاس ارزش‌های شهیدپروری در رفتار و اعمال خانواده، پایبندی و وفاداری خود را به مقام شهید و آرمان‌های او نشان داد و در حفظ میراث شهید بزرگوارش تلاش کرد. حاصل سیره تربیتی صحیح و اصولی ایشان، ارائه چهره‌های بزرگ ولایی به جامعه اسلام بود. برای نمونه، در مورد محمدبن ابی‌بکر در حدیثی از ابن‌سنان از امام صادق ؑ نقل شده است: «نجابت محمدبن ابی‌بکر از سوی مادرش اسماء بنت‌عمیس است» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵، ۳۸۹/۱۲).

۴- ۵. تقویت ارتباطات خانوادگی

به‌دنبال شهادت سرپرست خانواده، دوران دشوار و سختی ایجاد شده و اوضاع و احوال خانواده دگرگون می‌شود. در این مواقع، نقش و مسئولیت‌های همسر شهید به‌مثابه پایه اصلی در تقویت و حفظ ارتباطات خانوادگی، بسیار حیاتی و اساسی است. همسر شهید با برقراری ارتباط صحیح با اعضای خانواده و دوستان و همراهان شهید می‌تواند به ایجاد فضایی سرشار از اعتماد، احترام و صمیمیت در خانواده کمک کند و ارتباطات میان اعضای خانواده را تقویت نماید. همسر شهید با داشتن فهم و شناخت عمیق از ارزش‌ها و ایده‌های شهید، می‌تواند این ارزش‌ها را به فرزندان و اعضای خانواده منتقل کند و از آنها برای ساختاردهی و رشد سالم خانواده بهره ببرد. ایجاد فضایی امن و آسوده برای اعضای خانواده، تشویق به ابراز عشق و احترام متقابل بر مبنای دستورات دینی و الهی، و پشتیبانی از همدلی و همبستگی خانواده به‌منظور پرورش شخصیت اجتماعی و رشد معنوی از دیگر وظایف مهم همسر شهید در تقویت ارتباطات خانوادگی است.

سیره تربیتی همسر جعفربن ابی‌طالب در زمانی که مسئولیت وی پس از شهادت همسرش برجسته شد، نشان می‌دهد که وی از شیوه‌های متعددی برای حفظ و ارتقای ارتباطات خانوادگی میان فرزندان و با خانواده همسر خود بهره می‌برد. مهم‌ترین اقدام او استحکام و استوارسازی ارتباط با امیرالمؤمنین ؑ و حضرت زهرا ؑ بود. رفت‌وآمد به خانه آن حضرت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ص۴۹۸) و خدمت‌گزاری به حضرت زهرا ؑ و حسنین ؑ (یعقوبی، ۱۳۴۳، ۱۱۵/۲) سبب شد فرزندان خود را در پرتو ولایت امیرالمؤمنین ؑ پرورش دهد، شوق شهادت را در وجودشان شعله‌ور کند و به‌تبع همین عشق و ارادت به خاندان عصمت، پسران خود عبدالله را به ازدواج با حضرت زینب (النقدی، ۱۹۶۴، ص۷۶) و عون را به وصلت با ام‌کلثوم (بلاذری، ۱۳۹۷، ۱۹۰/۲) دختران پاکیزه و گرامی امام علی ؑ و حضرت زهرا ؑ درآورد. بنابراین، اسماء برای ساختاردهی و تقویت ارتباطات خانوادگی، با ترویج ارزش‌های شهید، ایجاد فضای صمیمی و اعتماد بین اعضای خانواده، حفظ ارتباط با خانواده شهید و بهره‌گیری از تجربیات آنان تلاش کرد تا در پرتو معنویت اسلامی، شیوه‌های تربیتی خاصی را به‌کار بندد و به نیازها و مسائل خانوادگی پاسخ دهد.

۴- ۶. حفظ و ترویج ارزش‌های شهید

خانواده شهدا، به‌ویژه همسران آنها، مروجان اصلی فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه به‌شمار می‌روند. همسر شهید با زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره او و تبیین مفاهیم شهید و شهادت، در استمرار جهاد نقش‌آفرینی می‌کند. وی از جایگاه و نام همسر شهید که ادامه‌دهنده اهداف و آرمان‌های مقدس اوست، پاسداری می‌نماید، برای حفظ و ترویج ارزش‌های شهید، از او برای فرزندان الگوبرداری می‌کند. سینه همسر شهید به‌دلیل یک‌عمر همراهی، گنجینه‌ای از خاطرات است که با نقل سخنان و یادآوری آنها، فضائل و مقام شهید را ارج می‌نهد. در عصر کنونی، همسران شهدا به شیوه‌های مختلفی همچون مصاحبه، انتشار کتاب، حضور در یادواره‌ها، برگزاری مراسم، بیان خاطرات و خصوصیات فردی شهید مانند شجاعت، ایثار، ازخودگذشتگی، صلابت، ایمان و معنویت، یاد و راه شهیدشان را زنده نگه می‌دارند و قدردان ایثار او هستند.

اسماء بنت‌عمیس پس از شنیدن خبر شهادت همسرش، در نخستین اقدام از رسول خدا ﷺ درخواست کرد تا به پاس ارج نهادن به جهاد عظیم او و تقدیر از جانفشانی‌های فرمانده، مراسمی برای گرامیداشت یاد شهید برگزار شود که پیامبر اکرم ﷺ با این درخواست موافقت کرد. (واقدی، ۱۴۰۹ه.ق، ۷۶۷/۲) در تاریخ آمده است که پیامبر ﷺ برای تسکین دل و تسلای خاطر اسماء به او فرمود: «ای اسماء! می‌خواهی تو را بشارت دهم؟» اسماء پاسخ داد: «بلی، پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول‌الله». پیامبر ﷺ فرمود: «خدا برای جعفر دو بال قرار داده است که در بهشت پرواز می‌کند». اسماء بی‌درنگ از پیامبر خواست که در عموم نیز اعلام کند که خداوند با چنین مرتبه‌ای او را عزت بخشیده است (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ۷۱/۱۵).

عبدالله‌بن جعفر اتفاق آن روز را چنین تعریف می‌کند: «پس از درخواست مادرم، حضرت [پیامبر اکرم ﷺ] برخاست و دست مرا گرفت و به سمت مسجد برد. بالای منبر رفت و در حالی که حزن و اندوه در چهره‌اش نمایان بود، رو به مردم فرمود: «پیوندهای خویشاوندی و دوستی به برادر و پسر عم بسیار نزدیک است، و به‌درستی که جعفر شهید شد و خدا او را دو بال داد که در بهشت با آن بال‌ها پرواز می‌کند»». (بیهقی، ۱۴۰۵، ۳۷۱/۴) اسماء همچنین در پاسداشت مقام معنوی شهید خود و در رثای جعفربن ابی‌طالب، ابیات زیر را سرود:

یا جعفر الطیار خیر مضرب	للخیل یوم تطاعن وتشاح
قد کنت لی جبلا ألوذ بظله	ترکتنی أمشی بأجرد ضاحی
قد کنت ذات حمیة ما عشت لی	أمشی البراز و أنت کنت جناحی
وإذا دعت قمریة شجنا لها	یوما علی فنن بکیت صباحی
فالیوم أخشع للذلیل و أتقی	منه و أدفع ظالمی بالراح

(قاضی نعمان، ۱۴۰۹ه.ق، ۲۰۷/۳؛ حافظ مزی، ۱۴۰۰ه.ق، ۶۳/۵)

۴- ۷. الگوپردازی و اسوه‌سازی از شهید در خانواده

انسان‌ها و جوامع با الگوها هویت خود را می‌یابند و به‌واسطه آنها ارزش‌های مختلف را در خود نهادینه می‌کنند. فرآیند الگوپذیری انسان، بیشتر با تقلید آگاهانه شکل می‌گیرد و حس قهرمان‌جویی این فرآیند را تقویت و اشباع می‌کند. در منابع اسلامی نیز بر بهره‌گیری از الگو و پیروی از اسوه‌های حسنه تأکید فراوان شده است؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «لَقَد کانَ لَکم فی رَسولِ اللَّهِ أُسوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱). ازاین‌رو، در تربیت اسلامی نقش روش الگویی به‌روشنی دیده می‌شود؛ روشی که بر محور الگودهی و ارائه نمونه‌های عینی و عملی استوار است. در این روش، مربی تلاش می‌کند نمونه رفتار و کردار مطلوب را در معرض دید متربی قرار دهد تا شرایط لازم برای الگوبرداری و تقلید فراهم شود (قائمی مقدم، ۱۳۸۲، ص۲۵-۳۷).

فرآیند همانندسازی از دوران کودکی آغاز می‌شود؛ زمانی که کودک به‌طور ناخودآگاه رفتارها و حرکات اطرافیان را تقلید

می‌کند. با رشد ذهنی و افزایش تجربه، این تقلید به‌صورت آگاهانه و ارادی صورت می‌گیرد و رفتارها به‌طور دقیق‌تری کنترل می‌شوند. به‌همین دلیل، خانواده در کنار سایر عوامل، نقش بسیار مهمی در الگوسازی دارد؛ زیرا خانواده کانونی مقدس، سرنوشت‌ساز و پایگاه انس و هدایت است؛ جایی که شخصیت انسانی شکل می‌گیرد و هویت فرد تکوین می‌یابد و محیطی مناسب برای تغییر اخلاق و رفتار فراهم می‌شود. پس از خانواده، جامعه نیز نقش قابل توجهی ایفا می‌کند (اسحاقی، ۱۳۸۷، ص۳۴-۳۵). کودکان و نوجوانان با الگوبرداری از والدین، مفاهیم ارزشی فرهنگ ایثار و شهادت را می‌آموزند.

از بنیادی‌ترین نقش‌های معنوی اسماء بنت‌عمیس در تربیت دینی، ارائه الگو و اسوه‌سازی از پدر شهید برای فرزندانش بود. هدف وی انتقال ارزش‌ها و فضایل جعفر به فرزندانش بود تا آنها بتوانند به همان درجات معنوی دست یابند و راه پدر شهید خود را ادامه دهند. با درخواست هوشمندانه اسماء از پیامبر ﷺ مبنی بر اعلام عمومی فضائل و رشادت‌های جعفر به مردم: «لَوْ جَمَعْتَ النَّاسَ وَ أَخْبَرْتَهُمْ بِفَضْلِ جَعْفَرٍ لَا يُنْسَى فَضْلُهُ» (برقی، ۱۳۷۱، ۴۲۰/۲)، شهرت فرمانده شهید با لقب «ذوالجناحین» در تاریخ ماندگار و افتخاری برای خانواده به‌ویژه فرزندانش شد. به‌گونه‌ای که هرگاه عمربن خطاب عبدالله‌بن جعفر را می‌دید، می‌گفت: «السلام علیك یا ابن ذی الجناحین» (ابن اثیر، ۱۴۰۹ه.ق، ۵۴۱/۱).

پس از وصلت اسماء با امیرالمؤمنین علیه‌السلام، فرزندانش در بحث و مفاخره درباره برتری عبدالله‌بن جعفر و محمدبن ابی‌بکر بر یکدیگر، عبدالله خود را به‌دلیل جایگاه پدرش برتر می‌دانست (ابن سعد، ۱۹۶۰، ۴۱/۴) و در دل به وجود پدر شهیدش افتخار می‌کرد: «أَنَا أَكْرَمُ مِنْكَ وَأَبِي خَيْرٌ مِنْ أَبِيكَ» (ذهبی، ۱۴۱۴ه.ق، ۵۱۹/۳). اسماء با الگوبرداری از همسر شهید خود توانست فرزندانش را در راه پدر، که همان راه رسیدن به سعادت و کسب رضای الهی است، هدایت کند. این مسئله نشان‌دهنده تأثیر عمیق الگوهای ارزشمند در تربیت نسل جدید و ادامه مسیر شهدا توسط اسماء است.

۴- ۸. تقویت ایمان و ارزش‌های معنوی در خانواده

مادر به‌مثابه مربی انسان‌ساز و پرورش‌دهنده جامعه شناخته می‌شود و سعادت یا شقاوت جامعه تا حد زیادی به محبت، تربیت و پرورش فرزندان توسط او بستگی دارد. زنان، در راستای همان رسالتی که خالق یکتا برایشان مقدر کرده است، نقش‌آفرینی می‌کنند. حضرت فاطمه علیهاالسلام می‌فرماید: «آن‌گاه که زن در منزل به امور خانه و تربیت فرزند می‌پردازد به خدا نزدیک‌تر است» (نوری، ۱۴۰۸ه.ق، ۱۸۲/۱۴).

زن محور توحید و ایمان و عامل تقویت دین‌باوری در خانواده است. مراقبت از روحیات توحیدی فرزندان و گسترش معنویت در فضای خانواده، رسالت اصلی مادری اوست؛ زیرا همان‌گونه‌که مسئولیت سلامت جسمی اعضای خانواده به‌طور طبیعی برعهده مادر است، سلامت معنوی نیز از او سرچشمه می‌گیرد. مادر با ایجاد فضایی سرشار از ایمان، توحید و معنویت می‌تواند به تقویت روحیات توحیدی فرزندان و سایر اعضای خانواده کمک کند. (شفیعی و جزایری، ۱۳۹۷، ص۴۰) زن در نقش مادری و همسری، با انعکاس ارزش‌های دینی و ایمانی، محیطی معنوی و رشددهنده فراهم می‌کند تا اعضای خانواده به‌سوی تعالی هدایت شوند. زن می‌تواند با رعایت فضائل اخلاقی و بهره‌گیری از کارکردهای معنویت اسلامی مانند خوش‌اخلاقی و خوش‌رفتاری نسبت به همسر و فرزندان، ایمان را تقویت و نهاد خانواده را استوار سازد (پرتوی.، و همکاران، ۱۳۹۶، ص۱۳۰- ۱۳۴). هنگامی که زن از ویژگی‌هایی چون صداقت، احترام، گذشت، نرم‌خویی و انصاف برخوردار باشد، خانواده از آسیب‌های ویرانگر بسیاری در امان خواهد بود (حسینی و ولایتی فاضل، ۱۴۰۱، ۲۵- ۳۲).

اسماء بنت‌عمیس، با آگاهی از این وظیفه خطیر زن برای تقویت دین‌باوری خانواده و تحقق معنویت اسلامی در زندگی، از هیچ تلاشی دریغ نکرد. او علاوه بر حمایت معنوی از همسرش، فرزندانش را مطیع و محب امام تربیت کرد، به گونه‌ای که همگی از اصحاب و یاران امام علی علیه‌السلام و از آن حضرت به‌شمار می‌رفتند.

۴-۹. اسطوره بی‌نظیر صبر و پایداری

صبر یکی از برترین فضائل اخلاقی است که به پشتوانه معرفتی نیاز دارد. انسان باید حقیقت و حکمت امور را به خوبی بشناسد تا بتواند در برابر سختی‌ها و ناملایمات صبر و شکیبایی پیشه کند. پایداری در راه حق، نتایج ارزشمندی به همراه دارد و قرآن جایگاه صابرین را چنین توصیف می‌کند: «إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيرِ حِسَابٍ» (الزمر: ۱۰). اگرچه عنوان شهید بر بلندای تمامی ارزش‌های انسانی می‌درخشد، نباید از یاد برد که این نورانیت و عظمت، مرهون صبر و ایستادگی بی‌بدیل مادران و همسران شهداست. اینان سرچشمه نورانی هستند که بدون نقش بی‌بدیلشان امکان به وجود آمدن چنین نورانیتی وجود نداشت. اهمیت توجه به همسران و مادران شهدا، نه فقط به‌دلیل جایگاه و مقام ایشان است، بلکه به‌دلیل اوج نیاز جامعه دینی به چنین الگوهایی است که همواره با حضور خود، جامعه‌ای را در مسیر تعالی و معنویت قرار می‌دهند. این بانوان، مصداق حقیقی کلام نورانی امام صادق علیه‌السلام هستند که با صبرپیشگی اجر هزار شهید را می‌برند (کلینی، ۱۳۸۷، ۲۳۷/۳).

اسماء بنت‌عمیس، هم در همراهی با همسرش در هجرت پرخطر به حبشه و زندگی در سختی غربت (اباذری، ۱۳۷۶، ص۲۰) نماد صبر و استقامت بود و هم پس از شهادت جعفر طیار، صبری کم‌نظیر از خود نشان داد (ابن سعد، ۱۳۶۰، ۲۲۰/۸). صبر بر ادامه زندگی بدون وجود همسری همچون جعفربن ابی‌طالب که تکیه‌گاه زندگی‌اش بود و پناه و سنگ‌صبور بودن فرزندان جعفر، نمایانگر عظمت صبر این بانوی گرامی است: «فقال رسول الله أتخافين عليهم وأنا وليهم فی الدنيا والآخرة» (ابن‌عنبه، ۱۴۱۷ه.ق، ص۳۶). اسماء، در مقام مادری که فرزند خود را در راه خدا قربانی کرد و در عزایش در عبادتگاه خود به ماتم می‌نشست، تبلور صبر بر مصیبت است: «و قامت الی مسجدها حتّی تشخّبت دما» (الثقفی، ۱۳۵۵، ۲۸۷/۱).

مادران و همسران شهدا، الگوی شکیبایی، مقاومت و ایستادگی‌اند و یادگاران گران‌بهایی هستند که همواره شایسته سپاس و قدردانی جامعه‌اند؛ زیرا شجاعت و ایثار شهید، میراث همسر فداکاری است که در تربیت و پرورش فرزندانی با معیارهای اسلامی و به بهترین نحو، نقش‌آفرینی کرده است. همسر شهید با صبر و تلاش‌های مخلصانه در سرپرستی و تربیت یادگاران شهید، سهمی بزرگ در دفاع از اسلام و استمرار راه شهداء دارد.

نتیجه‌گیری

شخصیت اسماء بنت‌عمیس در جایگاه عنصری انسان‌ساز، نقش بسیار مؤثری در تقویت معنویت در خانواده، ترویج روحیه ایثار و شهادت و ارتقای ارزش‌های شهیدپروری در زندگی خانوادگی ایفا نموده است. تحقق این رسالت عظیم فقط با محوریت زن در کانون خانواده میسر می‌شود. اسماء بنت‌عمیس، با برخورداری از ویژگی‌های شخصیتی ذیل، توانست در دامان پاک خویش، فرزندانی شهید و شاهد تربیت نماید و هرگز از شهادت همسرش جعفربن ابی‌طالب دچار تردید نشود، استوار قدم بردارد و در دشوارترین شرایط از مذهب و رهبر خویش با جان و دل حمایت کرد.

۱. ایمان خالص و تقوای الهی

از بارزترین ویژگی‌های این بانوی بزرگوار، ایمان راسخ و تقوای الهی وی است. (ر.ک.، شکل ۲، حلقه اول) از آنجا که ایمان، عامل اصلی تحولات درونی افراد جامعه است، هر میزان که ایمان و معنویت افزایش یابد، امکان تحولات معرفتی و اجتماعی بر مبنای ایمان نیز تقویت می‌شود. ایمانی که آثار مادی و معنوی آن در تمامی ابعاد و عرصه‌های زندگی نمایان و روشن است. درباره برتری ایمان اسماء (ابن اثیر، ۱۴۰۹ه.ق، ۱۲/۷) می‌توان اظهار داشت که وی همراه با همسرش، از نخستین اسلام‌آورندگان و بیعت‌کنندگان با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در دعوت عشیره خود در «یوم الدار» بود (ذهبی، ۱۴۱۴ه.ق، ۲۸۳/۲؛ ابن سعد، ۱۹۶۰، ۲۱۹/۸). در مرتبه معنوی و خلوص معرفتی ایشان همین بس که امام باقر علیه‌السلام از ایشان درجایگاه بانویی «من أهل الجنة» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۵/۲۲) یاد نموده است. همچنین، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله محبوبیت و کرامت ایشان را ناشی از

ایمان خالص او دانسته است: «أحبهنّ لإیمانهنّ» (بلاذری، ۱۳۹۷، ۴۴/۲).

۲. اطاعت و ولایت‌مداری

رکن و اساس توحید و ایمان، ولایت‌پذیری و ولایت‌مداری است. (ر.ک.، شکل ۲، حقله دوم) ولایت در مکتب اسلام دارای جایگاهی بس والا است، به‌گونه‌ای‌که تحقق و عینیت یافتن آموزه‌های اسلامی و پذیرش آنها منوط به ولایت و محور و مدار آن است: «لَایَقْبَلُ اللهُ الإِیمَانَ إِلَّا بِوَلَایَتِهِ وَ طَاعَتِهِ» (طبری آملی، ۱۳۸۳، ص۴۲). اسماء در مرتبه‌ای از ایمان قرار داشت که خود را همواره مطیع رسالت و ولی زمان می‌دانست. اطاعت از امام در تمام عرصه‌های زندگی ایشان جاری و ساری بود. پس از صدور فرمان هجرت به حبشه توسط پیامبر ﷺ (العینی، ۱۴۲۱ه.ق، ۲۶۸/۷؛ الصالحی، ۱۴۱۴ه.ق، ۳۶۳/۲)، وی بدون هیچ‌گونه تردید و تأمل، همراه همسرش، جعفربن ابی‌طالب، در این هجرت شرکت نمود و خطرات و دشواری‌های آن را تحمل کرد (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ۲۳۴/۴) و یاور همسر خود در سرپرستی مهاجران شد (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۳۲۳/۱).

ریشه ولایت‌مداری در محبت و عشق نهفته است؛ چراکه محبت، اساس و بنیاد هر نوع ولایت است. بدون وجود علاقه و گرایش قلبی، پیوند معنوی و روحی شکل نخواهد گرفت. محبت به خدا، پیامبر خدا ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام تنها احساسی درونی و علاقه صرف نیست، بلکه این محبت در رفتار و عملکرد فرد ظهور و بروز عینی می‌یابد. اسماء نیز در ولایت‌مداری به گونه‌ای تسلیم بود که هنگام دریافت خبر شهادت همسرش، با توصیه و تسلی پیامبر ﷺ که فرمود: «یَا أَسْمَاءُ لا تَقُولی هَجْرًا وَلا تَضْرِبِی صَدْرًا... عَلَی مِثْلِ جَعْفَرٍ فَلْتَبْكِ الْبَاكِيَةُ» (ابن سعد، ۱۹۶۰، ۲۲۰/۸) صبر پیشه نمود و هرگز نسبت به سختی‌های زندگی و یتیم شدن فرزندانش، اظهار نارضایتی نکرد و همواره شکرگزار خداوند بود.

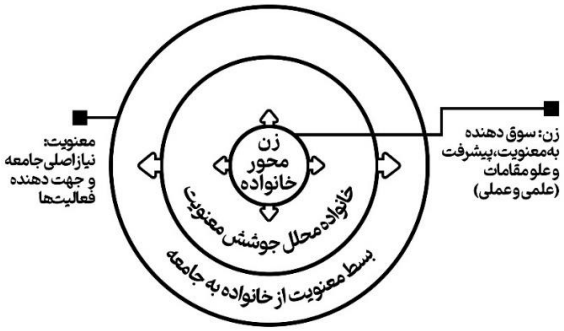
۳. محبت خالصانه به اهل‌بیت علیهم‌السلام

عشق به اهل‌بیت علیهم‌السلام زمینه‌ساز عشق به خداوند است و دوست داشتن آنان به معنای مهرورزی به ارزش‌های والای الهی است. رسیدن به کمالات معنوی و انسانی عالی بدون دوستی انوار الهی امکان‌پذیر نیست و حتی پذیرش اعمال نیز مشروط به محبت و ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام است. (ر.ک.، شکل ۲، حقله سوم) از آثار مهم محبت می‌توان به حرکت‌آفرینی، پویایی، اطاعت‌پذیری، انس با محبوب، کسب آرامش، اطمینان و امید به آینده اشاره کرد. تنها نقطه روشن و امیدبخش در زندگی پر از سختی اسماء، عشق به خاندان پیامبر ﷺ و به‌ویژه خدمت به حضرت زهرا علیهاالسلام بود. (یعقوبی، ۱۳۴۳، ۱۱۵/۲) نقل‌های تاریخی متعددی مبین ارادت و خدمت صادقانه این بانوی گرامی به حضرت زهرا علیهاالسلام و امیرالمؤمنین علیه‌السلام است، از جمله: حضور در جایگاه شاهد برای حضرت زهرا علیهاالسلام در جریان فدک (محلاتی، ۱۳۶۹، ۲۴/۲)، حضور بر بالین حضرت زهرا علیهاالسلام هنگام شهادت ایشان (یعقوبی، ۱۳۴۳، ۱۱۵/۲)، خوشحال نمودن حضرت زهرا علیهاالسلام با ساخت تابوت ویژه برای ایشان (امین، ۱۴۰۳، ۳۰۷/۳)، شرکت در غسل و تشییع حضرت زهرا علیهاالسلام براساس وصیت آن حضرت (اربلی، ۱۳۸۱، ۱۲۲/۲)، حفاظت از جان امیرالمؤمنین علیه‌السلام در برابر توطئه قتل آن امام (محلاتی، ۱۳۶۹، ۳۰۸/۲)، نقل احادیثی در مورد منزلت و فضیلت امیرالمؤمنین علیه‌السلام (الشیروانی، ۱۴۱۷) و...



شکل ۲: حلقه‌های معنویت در نقش‌آفرینی اسماء در شکل‌دهی ارزش‌های شهیدپروری

اوج دلدادگی اسماء، در پیوند دادن فرزندان خردسال خود با خاندان رسالت ﷺ و عجین کردن وجود آنان با محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام است. فراهم نمودن زمینه این محبت، نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت و وجود فرزندان ایشان داشت. بدین ترتیب، نسلی را به آینده هدیه داد که در زندگی خود با آل محمد ﷺ مرتبط و از محبین آن خاندان بودند. جوهره مباحث پیشین مؤید این نکته است که زن، مرکز و محور معنویت در خانواده است. در الگوی معنویت اسلامی، زن نقشی محوری در ارتقاء جایگاه معنوی خانواده ایفا می‌کند. جایگاه زن با لطافت، زیبایی و گرمای محبت به‌گونه‌ای ترسیم شده است که هم خود و هم محیط پیرامونش (چه در داخل خانه و چه در سایر محیط‌ها) را به‌سوی معنویت سوق می‌دهد. زن محور اصلی جوشش معنویت در خانواده است که آن را از کانون گرم خانواده به جامعه تسری و گسترش می‌دهد. (خامنه‌ای، ۲۵/۰۳/۱۳۸۴)



شکل ۳: الگوی بسط معنویت با محوریت زن

منزلت معنوی اسماء بنت‌عمیس، فضای خانه را با معنویت اشراب کرده و با ایفای نقش محوری و حمایت مستمر از همسر و فرزندان، زمینه‌ساز ارتقای ارزش‌های شهیدپروری و رشد معنوی در محیط زندگی شد. این همراهی صبورانه، امکان پرواز فرزندانش را به‌سوی آسمان رهایی فراهم نمود. زندگی این بانوی ولایی، سرشار از شور، شوق و فضایل اخلاقی است. بررسی سیر زندگی ایشان نه فقط برای زنان، بلکه برای مردان نیز آموزنده خواهد بود. مردانی که امروز در پی سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت هستند، لازم است از مکتب حماسه‌ساز این صحابی بزرگ درس گرفته و همانند ایشان، راهنمای نسل‌های آتی خود باشند.

با توجه به تحلیل موردی شخصیت اسماء بنت‌عمیس، همسر جعفربن ابی‌طالب، و نقش بی‌بدیل او در تقویت معنویت و ارزش‌های شهیدپروری در خانواده، می‌توان نتیجه گرفت که حضور و فعالیت زنان در ارتقای فرهنگ دینی و معنوی، به‌ویژه در ترویج روحیه ایثار و شهادت، نقش محوری و اثرگذاری دارد. زنان با پرورش این ارزش‌ها در بستر خانواده، می‌توانند به تقویت و استحکام پایه‌های معنوی جامعه کمک کنند و درجایگاه عنصری انسان‌ساز، باعث تداوم و گسترش ارزش‌های دینی شوند.

اسماء با ایجاد فضایی معنوی در خانه و تربیت فرزندانش، حمایت عاطفی و معنوی از همسرش و مشارکت در فعالیت‌های مجاهدانه وی، زمینه‌ساز تقویت ایمان و ارزش‌های اسلامی در خانواده و جامعه خود شد. زندگی اسماء، الگوی برجسته‌ای از عشق و وفاداری به ارزش‌های اسلام است. خلوص و تلاش‌های خانواده‌های معظم شهدا، به‌ویژه همسران شهدا، الگویی برای نسل آینده و سرمایه‌های معنوی گران‌بهایی‌اند که باید با تکریم و احترم به‌آنها، مسیر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت را گسترش داده و تقویت نمود.

پیشنهادات پژوهشی

پیشنهاد می‌شود در ادامه این پژوهش، ابعاد تطبیقی و کاربردی نقش معنوی زنان در خانواده با تمرکز بر الگوهای تاریخی دیگری همچون ام‌سلمه، حضرت خدیجه علیها السلام، اُم ایمن، فاطمه بنت اسد و حضرت زینب علیها السلام، بررسی شود تا سیر تحول این نقش در بسترهای تاریخی و اجتماعی گوناگون به‌صورت دقیق تبیین شود. همچنین، تحلیل کارکردهای تربیتی و فرهنگی این نقش در انتقال ارزش‌های ایثار و شهادت به نسل‌های جدید، با بهره‌گیری از رویکردی میان‌رشته‌ای (تاریخی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی)، می‌تواند به ارائه الگویی کارآمد برای تقویت نهاد خانواده در جوامع اسلامی معاصر بینجامد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان تأکید می‌کنند که کلیه اصول اخلاقی در انجام و انتشار این پژوهش رعایت شده است. این موضوع توسط تمامی نویسندگان تأیید شده است.

عدم سوءرفتار علمی

مواردی مانند جعل داده‌ها، تحریف نتایج، سرقت ادبی (پلجیاریسم) و هرگونه رفتار غیراخلاقی دیگر در این پژوهش به‌طور جدی پرهیز شده است.

تعارض منافع

نویسندگان عدم وجود تعارض منافع (Conflict of Interest) را در ارتباط با این پژوهش اعلام می‌کنند. به عبارت دیگر، هیچگونه منافع مالی یا شخصی که بر نتایج تحقیق تأثیرگذار باشد، وجود نداشته است.

حامی مالی

این پژوهش بدون دریافت هرگونه حمایت مالی از سازمان‌های دولتی، تجاری یا غیرانتفاعی انجام شده است.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله از همه کسانی که در انجام پژوهش با ایشان همکاری کردند، قدردانی می‌نمایند.

منابع

القرآن الکریم (۱۳۷۸). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: امیرالمؤمنین علیه السلام.

اباذری، عبدالرحیم (۱۳۷۶). *بانوان قبیله ابرار۲: اسماء بنت‌عمیس پاسدار ولایت*. قم: شاکر.

ابن ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن هبةالله (۱۳۸۵ه.ق). *شرح نهج‌البلاغة*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

ابن اثیر، علی‌بن محمد (۱۴۰۹ه.ق). *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*. بیروت: دارالفکر.

ابن اعثم کوفی، محمدبن علی (۱۴۱۱ه.ق). *الفتوح*. محقق: شیری، علی. بیروت: دار الأضواء.

ابن حجر العسقلانی، احمدبن علی (۱۳۲۵ه.ق). *تهذیب التهذیب*. بیروت: دارصادر.

ابن حجر العسقلانی، احمدبن علی (۱۴۰۶ه.ق). *تقریب التهذیب*. سوریه: دارالرشید.

ابن حیون، قاضی نعمان‌بن محمد (۱۴۰۹ه.ق). *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

ابن سعد، محمد (۱۹۶۰). *الطبقات الکبری*. بیروت: دارصادر.

ابن شبه نمیری، عمر (۱۴۱۰ه.ق). *تاریخ المدینة المنورة*. قم: دارالفکر.

ابن شهرآشوب، محمدبن علی (۱۴۱۲ه.ق). *مناقب آل أبی‌طالب*. بیروت: دارالأضواء.

ابن طاووس، علی‌بن موسی (۱۳۶۷). *إقبال الأعمال*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

ابن عنبة، احمدبن علی (۱۴۱۷ه.ق). *عمدة الطالب فی أنساب آل أبی طالب*. قم: انصاریان.

ابن قتیبه، عبدالله‌بن مسلم (۱۹۹۲). *المعارف*. مصر: الهیئة المصریة العامة للکتاب.
ابن کثیر، اسماعیل‌بن عمر (۱۳۹۵). *السیرة النبویة*. بیروت: دار المعرفة.
ابن کثیر، اسماعیل‌بن عمر (۱۴۰۷ه.ق). *البدایة والنهایة*. بیروت: دارالفکر.
ابن هشام، عبدالملک‌بن هشام (۱۳۷۵). *السیرة النبویة*. قاهره: مصطفی البابی الحلبی وأولاده
ابوالفرج اصفهانی، علی‌بن حسین (۱۴۱۹ه.ق). *مقاتل الطالبیین*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
اربلی، علی‌بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*. تبریز: بنی‌هاشمی.
اسحاقی، سیدحسین (۱۳۸۷). *سلوک علوی: راهبردهای امام علی علیه‌السلام در تربیت فرزندان*. قم: بوستان کتاب.
امین، سیدمحسن (۱۴۰۳ه.ق). *أعیان الشیعة*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
آقابخشی، علی‌اکبر.، و افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: مرکز اطلاعات و مدارك ملی ایران.
برقی، احمدبن محمد (۱۳۷۱). *المحاسن*. قم: دارالکتب الإسلامیة.
بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی*. تهران: انتشارات اسلامی.
بلاذری، احمدبن یحیی (۱۳۹۷). *جمل من أنساب الأشراف*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
بیهقی، ابوبکر احمدبن حسین (۱۴۰۵ه.ق). *دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
پرتوی، رعنا.، امیری ینگجه، معصومه.، و پرتوی، فرحروز (۱۳۹۶). *عوامل مؤثر در نقش زن برای تحکیم بنیان خانواده*. دومین کنگره بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه. تهران: دانشگاه الزهرا.
ترمذی، محمدبن عیسی (۱۴۱۹ه.ق). *سنن الترمذی*. قاهره: دارالحدیث.
الثقفی، ابراهیم‌بن محمد (۱۳۵۵). *الغارات*. به‌کوشش و تعلیقات سید جلال‌الدین محدث ارموی. تهران: انجمن آثار ملی.
جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷). *بانوان نمونه*. قم: نورالسجاد.
حاجی‌ابراهیم، رضا.، و یاوری، سهیلا (۱۳۹۷). هویت معنویت دینی ازمنظر آموزه‌های شیعی-مهدوی. *نشریه مشرق موعود*، ۱۲(۴۸)، ۵۳- ۸۶.
حافظ مزی، یوسف‌بن عبدالرحمن (۱۴۰۰ه.ق). *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*. بیروت: مؤسسة الرسالة.
حسینی، سیدباقر.، و ولایتی فاضل، ابراهیم (۱۴۰۱). نقش زن در تحکیم نهاد خانواده ازمنظر قرآن و حدیث. *نشریه پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، -(۴۶)، ۲۵- ۳۲.
خامنه‌ای، سیدعلی (۲۵/۰۳/۱۳۸۴). *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم*. مشاهده شده در پرتال: farsi. khamenei. ir
خویی، ابوالقاسم (۱۴۰۹ه.ق). *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*. قم: مدینة العلم.
ذهبی، محمدبن احمد (۱۴۱۴ه.ق). *سیر أعلام النبلاء*. بیروت: الرسالة.
شعیری سبزواری، تاج‌الدین محمد (۱۴۱۳ه.ق). *جامع الأخبار أو معارج الیقین و أصول الدین*. قم: آل‌البیت علیهم‌السلام.
شفیعی، زهرا.، و جزایری، رضوان السادات (۱۳۹۷). بررسی تأثیر آموزش معنویت با تأکید بر آموزه‌های اسلامی بر شادمانی زناشویی زنان متأهل. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۶(۱)، ۲۹- ۴۶.
الشیروانی، حیدرعلی (۱۴۱۷ه.ق). *مناقب أهل البیت علیهم‌السلام*. بیروت: مطبعه المنشورات الاسلامیه.
الصالحی الشامی، محمدبن یوسف (۱۴۱۴ه.ق). *سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
طبری آملی، عمادالدین محمدبن علی (۱۳۸۳ه.ق). *بشارة المصطفی لشیعة المرتضی*. نجف: المطبعة الحیدریة.
طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۳ه.ق). *تاریخ الطبری: تاریخ الأمم و الملوك*. بیروت: عزالدین.
طریحی، فخرالدین‌بن محمد (۱۴۱۶ه.ق). *مجمع البحرین و مطلع النیرین*. محقق: حسینی اشکوری، احمد. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۶ه.ق). *الصحیح من سیرة النبی الأعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله*. قم: دارالحدیث.
عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن (۱۴۱۹ه.ق). *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة*. قاهره: دارالفضیلة.
العینی، بدرالدین محمودبن احمد (۱۴۲۱ه.ق). *عمدة القاری شرح صحیح البخاری*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
قائدان، اصغر (۱۳۸۰). *تاریخ اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه*. تهران: مشعر.
قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۲). روش الگویی در تربیت اسلامی. *نشریه معرفت*، -(۶۹)، ۲۵- ۳۷.
قرشی، سید علی‌اکبر (۱۴۱۲ه.ق). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
القطب، محمدعلی.، الداعو، محمدعمر.، و عبدالجواد الدومی، احمد (۲۰۰۵). نساء حول الرسول تراجم و قصص. بیروت: المکتبة العصریة.
کاشفی، حسین (۱۳۸۱). *روضة الشهداء*. تهران: اسلامیه.
کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۷). *الکافی*. قم: دارالحدیث.
مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ه.ق). *تنقیح المقال فی علم الرجال*. قم: آل البیت علیهم‌السلام.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ه.ق). *بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار* علیهم‌السلام. بیروت: وفاء.
محلاتی، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). *ریاحین الشریعة در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ه.ق). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. قم: المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید.
مهدویان، محبوب (۱۳۸۵). اسماء بنت‌عمیس. *نشریه تاریخ اسلام*، ۷(۲۷)، ۵- ۳۰.
میرزایی، نجف‌علی (۱۳۸۸). *فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی-فارسی*. تهران: نشر مؤسسه فرهنگ معاصر.
النقدی، جعفر (۱۹۶۴). *زینب الکبری بنت الإمام أمیر المؤمنین علی ابن أبی طالب* علیهاالسلام. نجف: المکتبة الحیدریة.
نوری، حسین‌بن محمدتقی (۱۴۰۸ه.ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: آل البیت لإحیاء التراث.
واقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ه.ق). *المغازی*. محقق: مارزدن جونز. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
یعقوبی، احمدبن اسحاق (۱۳۴۳). *تاریخ یعقوبی*. مترجم: آیتی، محمد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

The Islamic Journal of Women and the Family
Print ISSN: 2538-6190 Online ISSN: 2717-4085
Homepage: https://pzk.journals.miu.ac.ir

A Review and Critique of the Interpretations of Sunni Commentators from the Second to Fourth Centuries AH Regarding the Verse of Temporary Marriage

Zeinab Babaei Chapelaghi[1] ✉ , and **Mohammad Moradi**[2]

1. Corresponding author, Ph.D. in Sciences of Quran and Hadith, University of Sciences of Quran and Hadith, Qom, Iran.
   Emial: mehrabkhoon@yahoo.com 0000-0003-1747-0941
2. Ph.D. in Comparative Interpretation, University of Sciences of Quran and Hadith, Qom, Iran.
   Email: moradi.m@qhu.ac.ir 0000-0003-1747-0941

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 10 March 2025
Received in revised form 21 April 2025
Accepted 20 May 2025
Available online 30 May 2025

Keywords:
temporary marriage,
sexual enjoyment,
criticism of Sunni interpretations,
interpretation of the verse of temporary marriage,
prohibition of temporary marriage.

ABSTRACT

Objective: The aim of the present study is to explain and criticize the public view on the verse of temporary marriage and analyze the emergence of the interpretative opinions of Sunni commentators in the second to fourth centuries AH, which are the basis of later views on this issue.

Method:This research was conducted using an analytical-documentary method and by examining religious texts with an Ijtihadi approach.

Results: The results of the studies showed that Sunni commentators, by denying temporary marriage, using the content of the narratives and analyzing verse 24 of Surah Nesa and providing reasons such as: expressing different meanings for the words of the verse, discussing the fact that Mut'ah is not a marriage, resolving the contradiction in the dates of prohibition, and claiming consensus on the prohibition of mut'ah, have tried to prove the meaning of permanent marriage from the provisions of the verse and deny temporary marriage from it.

Conclusions: In this study, attention was paid to theological, interpretative, and jurisprudential elements regarding the opinions of Sunnis and Shiites, and the internal inconsistencies and shortcomings of the public view were explained. The results showed that none of the reasons presented could confront and reject the evidence for the continued permissibility of Mut'ah.

Cite this article: Babaei Chapelaghi, Z., & Moradi, M. (2025). A Review and Critique of the Interpretations of Sunni Commentators from the Second to Fourth Centuries AH Regarding the Verse of Temporary Marriage. *The Islamic Journal of Women and the Family,* 13 (2), 89 - 107. https://doi.org/10.22034/ijwf.2024.14844.2277

© The Author(s). retain the copyright and full publishing rights.
Publisher: Al-Mustafa International University.
DOI: https://doi.org/10.22034/ijwf.2024.14844.2277

Introduction

Verse 24 of Surah Nesa: «For the enjoyment you have had from them thereby, give them their dowries, by way of settlement, and there is no sin upon you in what you may agree upon after the settlement. Indeed, Allah is all-knowing, all-wise», has long been a subject of interpretative disagreement between Shiites and Sunnis. Shiite commentators such as Tabarsi, Sheikh Tousi, and Alameh Tabatabaei consider this verse to refer to temporary marriage (cf., Tabarsi, 1372AH, 3/52; Tousi, 1407AH, 7/165; Tabatabaei, 1417AH, 4/271), while Sunni commentators such as Tabari and Jassas consider it to refer to permanent marriage (cf., Tabari, 1412AH, 5/10; Jassas, 1405AH, 3/94). In this research, the interpretative opinions of Sunni commentators in the second to fourth centuries AH, especially the views of Abu Bakr Jassas, on the mentioned issue were criticized and reviewed, because the views presented in these centuries have become the basis for interpretations in later periods. The goal is to determine the position and validity of their interpretative views through jurisprudential, basic, lexical, Rejali, and Delali research into the narratives related to the verse.

Method

In the present study, the views of prominent Sunni commentators from the second to fourth centuries AH were reviewed using a descriptive-analytical and critical approach, and with an Ijtihadi approach. They include Abd al-Razaq ibn Hamam al-Sanani (d.211), the author of Tafsir al-Quran, Abu Jafar Mohammad ibn Jarir Tabari (d.310), the author of Tafsir Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Abu Ishaq Zajaj (d.311), the author of Tafsir al-Tahzib ma'ani al-Quran va 'E'rabah, and Abu Bakr Ahmad ibn Ali Jassas (d.370), the author of Ahkam al-Quran; thus, the evidence and narratives presented by these commentators about verse 24 of Surah Nesa were extracted, categorized, and criticized. The criticisms were based on lexical studies (such as analyzing the words of sexual enjoyment, marriage, Mohsenin, and Mosafehin), Rejali (examining the documents of narratives), and Delali (analyzing the content of narratives and arguments). In addition, the aforementioned views were evaluated by citing interpretive, Hadith, and jurisprudential sources, as well as historical evidence.

Results

1. The evidence of Sunni commentators in denying the implication of verse 24 of Surah Nesa on Mut'ah

The Sunni commentators have interpreted the verse as referring to permanent marriage, citing a set of evidence, which include:

- Citing narratives: They have relied on narratives from Ibn Abbas, Hassan Basri, Mojahed and Ibn Zeid who interpreted «sexual enjoyment» as «marriage» (permanent marriage). Such as the narrative of Ali ibn Abi Talhah from Ibn Abbas: «Sexual enjoyment is also the same as marriage»

(Tabari, 1412AH, 5/9) and the narrative of Mo'mar from Hassan Basri who considers «For the enjoyment you have had from them» to marriage (Sanani, 1410AH, 1/154; Tabari, 1412AH, 5/9).

- Interpretation of the verse on permanent marriage: Zajaj believes that sexual enjoyment means taking advantage of a woman in a permanent marriage, and «enjoyment» refers to anything with profit, not specifically Mut'ah (Abu Ishaq, 1427AH, 2/28). Jassas also considers the content of the verse to be about permanent marriage and sexual intercourse, and he has placed the phrase «For the enjoyment you have had from them» as a reference to «And any woman other than those mentioned is Halal for you» (Al-Jassas, 1405AH, 3/97).

- Ibn Abbas' claim of returning to permissibility: Citing two narratives, Jassas claimed that Ibn Abbas referred to the permissibility of Mut'ah from a statement. One of these narratives says: «The abrogation of temporary marriage has occurred with the first verse of Surah Talaq» (Al-Jassas, 1405AH, 3/95).

- Mut'ah is not a marriage: Jassas argues that a divorced woman is not considered a wife and Mut'ah lacks rulings such as the ‹Iddah of divorce, the ‹Iddah of death, the establishment of lineage and inheritance; therefore, it cannot be a type of marriage. He cites a narrative from Ibn Abbas who said: «Mut'ah is neither a marriage nor a fornication» (Al-Jassas, 1405AH, 3/98).

- Resolving the contradiction of the dates of prohibition: Jassas, referring to the difference in the dates quoted for the prohibition of Mut'ah, concludes that the prohibition itself is established due to the consensus of the narrators and, ultimately, the prohibition has abrogated the permissibility (Al-Jassas, 1405AH, 3/75, 100).

- Invalidation of the term condition: Jassas compares temporary marriage with a sale contract and concludes that just as a sale is invalid with a term condition, the term condition in marriage is also invalid (Al-Jassas, 1405AH, 3/101).

- Criticism of those who say that it is permissible: Jassas rejects the claim of consensus on the permissibility due to the conflicting reports regarding prohibition (Al-Jassas, 1405AH, 3/103).

2. Criticism and review of the aforementioned evidence

The studies show that the above evidence does not have the necessary accuracy for the following reasons:

A) Criticism of the interpretation of the word «sexual enjoyment»: The use of the word «marriage» in narratives does not contradict its inclusion in Mut'ah, because in many Sunni Hadith books, the chapter related to Mut'ah is titled «Chapter of Marriage of al-Mut'ah» (cf., Neysabouri, no-date, 4/130; Bayhaqi, no-date, 7/200; Ibn Majah, no-date, 1/630). In addition, the narratives of Ibn Jorayj and others are in conflict with their own actions (such as having a large number of Mut'ah) (Zahabi, no-date, 1/170). On the other hand, the narratives of Ali ibn Abi Talhah and Ibn Zeid are documentarily weak and in some cases are Morsal. Ali ibn Abi Talhah is weak according to the Rejalians (Al-Aqili, 1418AH, 3/23; Khatib Baqdadi, 1417AH, 11/426) and Ibn Zeid (Usamah ibn Zeid) also lived in the second century and his statement is

just his own idea (Ameli, 1410AH, 5/255).

B) Rejection of the three arguments of Jassas:

- His argument on the proportionality of the beginning and end of the verse is imposed and there is no evidence for the exclusivity in permanent marriage.

- Limiting the meaning of «Mohsenin» to permanent marriage is not acceptable. Fakhr Razi says in refuting these arguments: «Jassas has not presented any evidence for the exclusion of Ihsan in the case of Mut'ah» (Razi, 1420AH, 10/44). The literal meaning of Ihsan is general (cf., Farahidi, 1409AH, 3/118; Ragheb Isfahani, 1412AH).

- The claim that «Mut'ah is the same as fornication» is in contradiction with the narrative of Jassas himself from Ibn Abbas who says «Mut'ah is neither marriage nor fornication» (Al-Jassas, 1405AH, 3/98). This statement of Ibn Abbas could indicate Taqieh or indicate that its rulings are different from permanent marriage.

- Ibn Abbas' failure to revert to permissibility: Both narratives that Jassas cited to prove Ibn Abbas' reverting are debatable. The first narrative is documentarily Morsal and contains Tadlis (cf., Ibn Asaker, 1415AH, 40/416; Zahabi, 1413AH, 6/140-141) and in terms of Delali, there is no connection between marriage and divorce (such as separation in case of apostasy, annulment of marriage, and maledict) (cf., Shafiei, 1403AH, 5/52; Shirazi, 1417AH, 4/472; Sheikh Mofid, 1424AH). The second narrative also refers to «group marriage» which has no similarity to Mut'ah and was prohibited by the Prophet Mohammad (Bokhari, 1401AH, 6/132).

- Rejecting the limitation of the meaning of marriage: The application of the word «marriage» to Mut'ah has been present in the same Sunni sources (such as Tabari, 1412AH, 5/9; Qurtubi, 1364AH, 5/132) and also during the time of the Prophet Mohammad. The reasons given by Jassas for excluding the meaning of marriage to permanent marriage are incorrect.

- Examining the rulings on the ‹Iddah, inheritance and separation: The Sunnis' denial of ‹Iddah and other rulings related to marriage from Mut'ah is due to the invalidity of Mut'ah itself, while from the Shiite point of view, Mut'ah has its own specific rulings, including the ‹Iddah of separation (two menstruations) (Ash'ari, 1408AH; Koleini, 1407AH, 5/447) and the ‹Iddah of death (four months and ten days) (Sheikh Sadough, 1413AH, 3/465). Also, the lack of inheritance in Mut'ah is not a proof that it is not a marriage, just as in cases such as marriage with a Zammi woman or a murderer, there is no inheritance, but the marriage contract is valid (Sheikh Mofid, 1424AH; Bayhaqi, no-date, 6/217).

- Proof of the validity of the news of permissibility: Jassas' argument on the priority of prohibition due to the punishment of abandoning a prohibition (Al-Jassas, 1405AH, 3/75, 100) has no place here; because the prohibition of a permissible matter itself requires a good reason so that there is no distortion in the religion. The narrative of Ibn Masoud, which clearly indicates the Prophet Mohammad's permission for Mut'ah (Koufi, 1409AH, 3/391; Neysabouri, no-date, 4/130), confirms its permissibility. The claim of the community of the companions on prohibition is also in conflict with explicit narratives that attribute the prohibition only to Umar

(such as «Mut'ah was practiced during the time of the Prophet Mohammad, and I forbid it and punish its perpetrators» (Al-Jassas, 1405AH, 3/102)).

- Rejecting the analogy with the sale contract: The analogy of marriage with the sale contract is not correct, and if it is comparable, temporary marriage is more like a lease contract (ownership of the benefit) than a sale contract (ownership of the thing).

- Proving consensus on permissibility: The numerous and explicit narratives that narrate the permissibility of Mut'ah during the time of the Prophet Mohammad and attribute its prohibition only to the time of the second caliph (such as the narratives of Ibn Masoud and Jaber (Al-Jassas, 1405AH, 3/96, 101; Azdi, no-date)) refutes the claim of consensus on prohibition.

Conclusions

A review and critique of the opinions of Sunni commentators from the second to fourth centuries AH, especially the Jassas' detailed evidence, shows that their evidence in denying the implication of verse 24 of Surah Nesa on temporary marriage and proving its prohibition is not sufficiently strong. These arguments face documentarily serious challenges (weakness of narrators), implication (internal inconsistency and conflict with other texts), and wording (incorrect restrictive interpretations). In contrast, historical, narrative, and interpretive evidence testify to the preservation of the ruling on the permissibility of temporary marriage and the correctness of the Shiite interpretation of verse 24 of Surah Nesa. Therefore, the view of Sunni commentators on this matter cannot reject the Shiite interpretive view and prohibit Mut'ah.

Author Contributions

All authors participated equally in the design of the study, writing the article, and editing the final versions.

Data Availability Statement

Data available on request from the authors.

Acknowledgements

The authors of the study would like to express their gratitude to Mohammad Javad Najafi, Ph.D., a member of professors at the University of Qom.

Ethical Considerations

Cases such as falsification of data, distortion of results, plagiarism, and any other unethical behavior have been strictly avoided in this study.

Funding

This study was conducted without receiving any financial support from government,

commercial, or non-profit organizations.

Conflict of Interest

The authors declare that there are no conflicts of interest in connection with this study. In other words, there were no financial or personal interests that could affect the results of the study.

پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده
شاپا چاپی: ۶۱۹۰-۲۵۳۸ شاپا الکترونیکی: ۴۰۸۵-۲۷۱۷
Homepage: https://pzk.journals.miu.ac.ir

بررسی و نقد آرای تفسیری مفسران اهل‌سنت از قرن دوم تا چهارم هجری درباره آیه ازدواج موقت

زینب بابایی چاپلقی[1]✉، و محمد مرادی[2]

۱. نویسنده مسئول، دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم قرآن و حدیث، قم، ایران. رایانامه: mehrabkhoon@yahoo.com

۲. دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم قرآن و حدیث، قم، ایران. رایانامه: moradi.m@qhu.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

کلیدواژه‌ها:
ازدواج موقت،
استمتاع،
نقد تفاسیر اهل‌سنت،
تفسیر آیه ازدواج موقت،
تحریم ازدواج موقت.

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر، تبیین و نقد دیدگاه عامه درباره آیه ازدواج موقت و تحلیل پیدایش آرای تفسیری مفسران اهل‌سنت در قرون دوم تا چهارم هجری که بن‌مایه دیدگاه‌های بعدی در این موضوع است، می‌باشد.

روش پژوهش: این پژوهش به‌روش تحلیلی-اسنادی و با بررسی متون دینی با رویکرد اجتهادی انجام شد.

یافته‌ها: نتایج بررسی‌ها نشان داد که مفسران اهل‌سنت با نفی ازدواج موقت، با استفاده از مضمون روایات و تحلیل آیه ۲۴ سوره نساء و ارائه دلایلی از جمله: بیان معنای متفاوت برای کلمات آیه، بحث در مورد نکاح نبودن متعه، حل تناقض در تاریخ‌های تحریم و ادعای اجماع بر تحریم متعه، سعی در اثبات معنای نکاح دائم از مفاد آیه و نفی نکاح موقت از آن داشته‌اند.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش به عناصر کلامی، تفسیری و فقهی ناظر بر آرای اهل‌سنت و شیعه توجه شد و ناسازگاری‌های درونی و کاستی‌های دیدگاه عامه تبیین گردید. نتایج نشان داد که هیچ‌یک از دلایل ارائه‌شده نتوانسته است با ادله تداوم اباحه متعه مقابله و آن را مردود نماید.

استناد: بابایی چاپلقی، زینب؛ و مرادی، محمد(۱۴۰۴). بررسی و نقد آرای تفسیری مفسران اهل‌سنت از قرن دوم تا چهارم هجری درباره آیه ازدواج موقت. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۱۳ (۲)، ۸۹-۱۰۷. https://doi.org/10.22034/ijwf.2024.14844.2277

ناشر: جامعه المصطفی العالمیه.

© نویسندگان.

مقدمه

آیه ۲۴ سوره نساء درباره بخشی از حقوق زنان سخن می‌گوید: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُم فِيمَا تَرَاضَيْتُم بِهِ مِن بَعْدِ الْفَرِيضَةِ؛ پس زنانی را که متعه کرده‌اید مهرشان را به‌عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید و در آنچه بعد از تعیین مهر توافق کنید بر شما گناهی نیست». در تفسیر این آیه بین شیعه و اهل‌سنت اختلاف‌نظر است؛ مفسران شیعه مانند طبرسی، شیخ طوسی و علامه طباطبایی معتقدند که این آیه در مورد ازدواج موقت است و احکام مربوط به آن را بیان می‌کند (ر.ک.، طبرسی، ۱۳۷۲، ۵۲/۳؛ طوسی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۱۶۵/۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷هـ.ق، ۲۷۱/۴) و مفسران اهل‌سنت مانند طبری و جصاص آن را در مورد ازدواج دائم می‌دانند (ر.ک.، طبری، ۱۴۱۲هـ.ق، ۱۰/۵؛ جصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۹۴/۳). مفسران اهل‌سنت حتی در میان خود نیز نظرات متعددی در مورد تفسیر این آیه و برای رد دیدگاه شیعه بیان کرده‌اند که با پاسخ‌هایی ازسوی مفسران و مؤلفان شیعه مانند مناظرات شیخ مفید مواجه شده است (ر.ک.، شیخ مفید، ۱۴۲۴هـ.ق). این پاسخ‌ها بیشتر برای دفاع از دیدگاه شیعه است و نقد و بررسی نظرات مفسران اهل‌سنت مغفول مانده است. بنابراین، باید دید که آیه یاد شده در قرن‌های ابتدایی در تفاسیر اهل‌سنت چگونه تفسیر شده و چه رویکردی درباره آن وجود داشته است. در این تفاسیر چه روایاتی دال بر تحریم متعه توسط پیامبرﷺ ارائه شده و مبانی و دلایل ارائه شده توسط این مفسران چه بوده است؟

هدف پژوهش حاضر، نقد و بررسی نظرات مفسران و تعیین جایگاه و میزان اعتبار دیدگاههای تفسیری آنها در مورد ازدواج موقت است؛ زیرا نظراتی که در قرون ابتدایی هجری- قمری درباره آیه مورد نظر بیان شده است، مبنای نظرات و تفاسیر قرون بعدی نیز قرار گرفته است. بنابراین، کاوش‌های فقهی و اصولی و بررسی لغوی، رجالی و دلالی احادیث وارده در مورد آیه ۲۴ سوره نساء و ازدواج موقت، در پژوهش حاضر مورد نیاز است.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر به‌روش توصیفی-تحلیلی و انتقادی، و با رویکری اجتهادی آرای مفسران شاخص اهل‌سنت در قرون دوم تا چهارم هجری، شامل عبدالرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱) صاحب تفسیر القرآن، ابوجعفر محمدبن جریر طبری (م ۳۱۰) صاحب تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن، ابواسحاق زجاج (م ۳۱۱) صاحب تفسیر تهذیب معانی القرآن و اعرابه و احمدبن علی جصاص (م ۳۷۰) نویسنده کتاب احکام القرآن بررسی شد. بدین‌منظور، ادله و روایات ارائه‌شده توسط این مفسران ذیل آیه ۲۴ سوره نساء استخراج، دسته‌بندی و نقد شد. نقدها براساس بررسی‌های لغوی (مانند تحلیل واژه‌های استمتاع، نکاح، محصنین و مسافحین)، رجالی (بررسی اسناد روایات) و دلالی (تحلیل محتوایی روایات و استدلال‌ها) انجام شد. همچنین، دیدگاه‌های مذکور با استناد به منابع تفسیری، حدیثی و فقهی و نیز شواهد تاریخی مورد ارزیابی قرار گرفت.

ادبیات موضوع و چارچوب نظری پژوهش

۱. معرفی مفسران قرن دوم تا چهارم هجری- قمری

برای بررسی دیدگاه‌های تفسیری قرن دوم تا چهارم هجری قمری، دیدگاه مفسرانی بررسی می‌شود که مطالب اساسی و مهم روایی و تفسیری را بررسی کرده‌اند. مفسرانی مانند عبدالرزاق‌بن همام صنعانی (م ۲۱۱) صاحب کتاب تفسیر القرآن که از قدیمی‌ترین این مفسران است. وی اگرچه مطالب محدودی بیان کرده است، اما تفسیرش بر دیدگاه‌های مفسران قرون بعد تأثیرگذار بوده است. ابی‌جعفر محمدبن جریر طبری (م ۳۱۰) صاحب تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن نیز

مفسر مشهوری است که روایات تفسیری را بررسی کرده است. نظرات او نیز در دیدگاه‌های مفسران قرون بعد بسیار اثرگذار بوده است. ابواسحاق ابراهیم السری معروف به زجاج (م ۳۱۱) صاحب تفسیر تهذیب معانی القرآن و اعرابه و احمدبن علی جصاص (م ۳۷۰) نویسنده کتاب احکام القرآن از مفسرانی هستند که نظرات مهم روایی و تفسیری ذیل آیه ۲۴ سوره نساء ارائه داده‌اند. جصاص، ازدواج موقت را از زوایای مختلف بررسی و استدلال‌های مهمی مطرح کرده است. بیشترین حجم مطالب قابل نقد و بررسی توسط جصاص بیان شده است.

۲. دلایل تفسیری مفسران اهل‌سنت در تفسیر آیه ازدواج موقت

مفسران اهل‌سنت معتقدند که آیه ۲۴ سوره نساء در مورد ازدواج موقت نازل نشده است. آنها با نفی ازدواج موقت از تفسیر این آیه، سعی در اثبات معنای نکاح دائم بر مفاد آیه داشته‌اند. از جمله دلایل آنها به قرار ذیل است:

۲-۱. استناد به روایات ذیل آیه ۲۴ سوره نساء بر نکاح دائم

برخی روایات ذکر شده در کتب مفسران اهل‌سنت نشان‌دهنده معنای نکاح در مورد کلمه استمتاع است و بدین منظور به‌کار برده شده است تا دلالت کند که آیه ۲۴ سوره نساء در مورد ازدواج دائم است. از جمله این روایات عبارتند از:

– علی‌بن ابی طلحه از ابن‌عباس چنین روایت می‌کند که او درباره آیه «فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (نساء: ۲۴) سخن می‌گوید: «هرگاه مردی، زنی را به ازدواج خود درآورد و با او یک‌بار نزدیکی کند پرداخت تمام مهریه بر او واجب می‌شود و استمتاع نیز همان نکاح است». (طبری، ۱۴۱۲هـ.ق، ۹/۵)

– معمر از حسن بصری چنین روایت کرده که او «فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنهُنَّ» در آیه ۲۴ سوره نساء را در معنای نکاح می‌داند. (صنعانی، ۱۴۱۰هـ.ق، ۱۵۴/۱؛ طبری، ۱۴۱۲هـ.ق، ۹/۵) ابن جریج از مجاهد نیز همین مضمون را روایت کرده است (طبری، ۱۴۱۲هـ.ق، ۹/۵).

– عبدالله‌بن وهب از ابن‌زید روایت کرده است که او در مورد آیه «فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (نساء: ۲۴) عبارت «هذا النکاح» را آورده است. وی در ادامه می‌گوید: «آنچه در قرآن درباره نکاح آمده این‌گونه است که هرگاه زن گرفتی، پاداش او را که مهریه‌اش است به او بده و اگر چیزی از آن را به تو بخشید آن قسمت بخشیده شده برای توست. خداوند برای زن، عده و میراث را واجب کرده است». در جای دیگر می‌گوید: «استمتاع در اینجا نکاحی است که به‌معنای آمیزش است» (طبری، ۱۴۱۲هـ.ق، ۹/۵).

۲-۲. تفسیر آیه ۲۴ سوره نساء به ازدواج دائم

یکی دیگر از دلایل اهل‌سنت بر اینکه آیه بر ازدواج دائم دلالت دارد، تفسیر آیه است. زجاج معنای ازدواج دائم را در مورد تفسیر کلمه استمتاع بیان کرده و بر این نظر است که اگر زوج با عقد استمتاع کند، نصف مهر و اگر با نزدیکی استمتاع کند، تمام مهر را باید پرداخت کند. او در نقد دلالت آیه مذکور بر ازدواج موقت نیز گفته است که متاع به هر چیزی گفته می‌شود که سودی داشته باشد. بنابراین، آیه دربردارنده مفهوم ازدواج موقت نیست، بلکه بدین معناست که هراندازه کام‌جویی شود در قبالش مهریه پرداخت می‌شود. او با همین استدلال، قول امامیه را بر تفسیر آیه در مورد ازدواج موقت، باطل دانسته است. (ابواسحاق، ۱۴۲۷هـ.ق، ۲۸/۲)

جصاص نیز محتوای آیه را در مورد نکاح و عمل نزدیکی می‌داند. بنابراین، تفسیر آیه بر ازدواج موقت را نفی کرده است. او عبارت «فَما استمتَعتُم» را در آیه فوق عطف بر «وَ أُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَاءَ ذلِكُم» قرار داده است؛ یعنی ازدواج بر غیر از محرمات مباح است. از نظر او آنچه بر آن عطف شده است باید بیانی باشد برای حکم زنی که با او نزدیکی صورت گرفته و مستحق

تمام مهر شده است، پس اگر در ابتدا در مورد ازدواج سخن گفته است در انتها نیز متناسب با آن، نزدیکی و استحقاق زوجه بر دریافت تمام مهر را متذکر شده است. جصاص پاکدامنی را فقط از راه ازدواج دائم قبول دارد. او معتقد است که کلمه «محصنین» بر کسانی‌که متعه کرده‌اند، دلالت نمی‌کند؛ زیرا متعه، ازدواج صحیحی نیست و محصن، کسی است که ازدواج صحیح کرده است. (الجصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۳/ ۹۷)

جصاص برای احصان یادشده در آیه ۲۴ سوره نساء، دو تفسیر بیان می‌کند: یکی احصانی که با ازدواج ایجاد می‌شود نه با زنا و دوم، پاکدامنی که شرط اباحه مذکور در «وَ أُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَاءَ ذلِكُم» است. او بر این نظر است که اگر وجه اول ملاک باشد اطلاق اباحه عمومیت دارد و اگر وجه دوم ملاک باشد، اطلاق اباحه مجمل است؛ زیرا اباحه، مشروط به احصان شده و احصان هم امر مجملی است و به توضیح نیاز دارد؛ زیرا معانی ازدواج صحیح (دائم)، اسلام و عفت حاصل از ازدواج را نیز دربرمی‌گیرد و مشخص نیست کدام‌یک مورد نظر است. بنابراین، آنچه توضیح نمی‌خواهد اولی است از آنچه به بیان و توضیح احتیاج دارد. به‌ویژه اینکه محتوای آیه خبر از ورود به دایره احصان با ازدواج می‌دهد؛ زیرا در آیه آمده است: «محصنین غیر مسافحین». سفاح همان زناست و آیه خبر از احصانی می‌دهد که ضد زناست و عفتی است که بدون اجمال به‌دست می‌آید؛ عفتی که با ازدواج، رجم درپی دارد و این یعنی، ازدواج دائم. جصاص برای اثبات سفاح بودن متعه این‌گونه استدلال کرده است که چون زنا همان سفاح است و احکام ازدواج مانند ثبوت نسب و وجوب عده در آن وجود ندارد، پس اصطلاح سفاح و زنا بر متعه نیز تعلق می‌گیرد. سفاح، همان انزال از راه باطل است و ازآنجاکه متعه نیز از احکام ازدواج خالی است، پس متعه همان زناست و «غَيرَ مُسافِحين» بر آن دلالت می‌کند (الجصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۹۲/۳، ۹۳ و۹۷).

۲- ۳. رجوع ابن‌عباس از اباحه

جصاص معتقد است که ابن‌عباس از اباحه متعه رجوع کرده و برای اثبات آن دو روایت ذیل را آورده است:

– جعفربن محمد از حجاج از ابن‌جریج و عثمان‌بن عطاء از عطاء خرسانی روایت کرده‌اند که ابن‌عباس گفته است: «نسخ ازدواج موقت با آیه اول سوره طلاق اتفاق افتاده است». (الجصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۹۵/۳) منظور این روایت این است که چون در ازدواج موقت طلاق وجود ندارد و جدایی بدون طلاق صورت می‌گیرد، پس با نزول آیه اول سوره طلاق منسوخ شده است.

– عبدالله‌بن وهب از عمروبن حرث از بکیربن اشج از ابا اسحاق مولی بنی‌هاشم روایت کرده است: «مردی از ابن‌عباس سؤال کرده که کنیزی دارد که [او را] در سفری برای دوستانش حلال کرده است. پس ابن‌عباس در جواب گفته است: این سفاح است». (الجصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۹۶/۳)

۲- ۴. همسر نبودن زن منقطعه و خالی بودن آن از احکام نکاح

از نظر جصاص زنی که به متعه کسی درآمده است، همسر به او اطلاق نمی‌شود؛ زیرا متعه، نوعی از نکاح نیست. دلیل آن هم این است که نکاح اسمی است که بر دو معناست: یکی وطی است و نکاح به‌طور حقیقی بر آن اطلاق می‌شود و دیگری به‌معنای مجازی عقد است. نکاح فقط به عقد دائم گفته می‌شود و شامل متعه نیست؛ زیرا این مسئله نه از عرب شنیده شده و نه در شرع بیان شده است. متعه، عده جدایی و عده وفات ندارد، ایجاد نسب و ایجاد توارث نمی‌کند و زنی که حائض است با تمام شدن مدت از همسرش جدا می‌شود. باوجود چنین احکامی، متعه نمی‌تواند نوعی از نکاح باشد. او در این زمینه روایتی از ابن‌عباس آورده که گفته است: «متعه نه نکاح است نه سفاح». وی نتیجه گرفته است که ازآنجاکه هیچ‌یک از احکام از نظر ابن‌عباس دور نمانده است بنابراین، متعه نمی‌تواند نوعی از نکاح باشد. (الجصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۹۸/۳)

۲- ۵. حل تناقض تواریخ تحریم ازدواج موقت

جصاص روایاتی متناقض برای تاریخ، تحریم آورده و نتیجه گرفته است که تاریخ به‌دلیل اختلاف اقوال، ساقط و تحریم به‌دلیل اتفاق راویان بر آن ثابت است. او وجه دیگری نیز برای تاریخ تحریم مطرح کرده است به این صورت که تحریم متعه در روز خیبر با اباحه آن در حجه‌الوداع یا روز فتح مکه نسخ شده و دوباره تحریم، اباحه را نیز نسخ کرده است. روایت ابن‌مسعود که ظهور در اباحه دارد نیز تاریخی برای تحریم ذکر نکرده است (ر.ک.، بیهقی، بی‌تا، ۲۰۱/۷). بنابراین، می‌تواند به این معنا باشد که متعه‌ای که در این روایت مباح شده توسط روایات دیگر نهی شده است. بنابراین، تحریم بعد از اباحه وارد شده و اباحه را از بین برده است. حتی اگر اخبار تاریخ تحریم و اباحه تعدادشان یکی باشد، باز تحریم اولی است؛ زیرا اگر امر مباحی مورد عمل واقع نشود مجازاتی درپی ندارد، اما اگر به نهی بی‌توجهی شود عامل آن مجازات خواهد شد. احتیاط در این مورد خودداری از چیزی است که به‌دور از مجازات نیست و عقل نیز بر آن حکم می‌کند. (الجصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۷۵/۳ و۱۰۰)

جصاص، روایتی توسط ابن‌مسعود ذکر کرده است که در آن مردم در غزوه‌ای از پیامبرﷺ اجازه استخصاء[۱] خواستند، ولی پیامبرﷺ اجازه چنین کاری را نداد و با رخصت در ازدواج موقت، آیه «لا تُحَرِّموا طَيِّبات» (مائده: ۸۷) را قرائت کرد. (کوفی، ۱۴۰۹هـ.ق، ۳۹۱/۳؛ نیسابوری، بی‌تا، ۱۳۰/۴) او این روایت را با تحریم ازدواج موقت قابل جمع دانست و گفت: «اگر قرار بود اباحه متعه باقی باشد باید خبر مستفیض متواتر بر آن وارد شده باشد؛ زیرا مردم به آن محتاج بودند و باید به آن، همان‌طور که در ابتدا مباح بود، می‌نگریستند، اما اجتماع صحابه بر تحریم آن، نشان‌دهنده تحریم ازدواج موقت بعد از اباحه آن است». او برهمین‌اساس، روایت عمر مبنی بر تحریم متعه را بررسی کرد و معتقد است که صحابه از نسخ آن آگاه بودند وگرنه اگر بر تحریم امری توافق کنند که پیامبرﷺ آن را مباح کرده است از دین خارج هستند، درحالی‌که آنها به فرموده خداوند تعالی بهترین امت هستند. بنابراین، آنها از نسخ اطلاع داشتند که با آنچه عمر تحریم کرده بود، موافقت کردند. امری که پیامبرﷺ مباح کرده است جز با نسخ، قابل تحریم نیست (الجصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۱۰۱/۳).

۲- ۶. بطلان شرط مدت در ازدواج موقت

جصاص، ازدواج موقت را با عقد بیع مقایسه کرده و نتیجه گرفته است که شرط مدت در ازدواج باطل است. اباحه منافع در ازدواج به‌منزله تملک عین در عقد بیع است. بنابراین، همان‌طور که بیع با شرط مدت صحیح نیست در ازدواج نیز نمی‌توان شرط مدت کرد. (الجصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۱۰۱/۳)

۲- ۷. نقد نظر قائلان بر اباحه متعه

جصاص، نظر قائلان بر اباحه متعه را آورده و سپس آن را نقد کرده است. قائلان بر اباحه متعه معتقدند که اتفاق‌نظر وجود دارد بر اینکه متعه تا زمانی مباح بود و سپس در تحریم آن اختلاف پدید آمد. آنها می‌گویند: «ما بر اتفاق‌نظر ثابت هستیم و اختلاف را در نظر نمی‌گیریم. به آنها گفته شده است اخباری که اباحه را ثابت می‌کنند تحریم را نیز ثابت می‌کنند و هرجا اختلاف‌نظر باشد اجماعی در کار نیست. بنابراین، قائلان به اباحه متعه باید این ادعا را طور دیگری ثابت کنند؛ زیرا چیزی‌که امکان نسخ در آن وجود دارد و تحریمی که بعد از اباحه آن از ظاهر کتاب و سنت و اجماع گذشتگان ثابت شده است، دیگر مباح نیست». (الجصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۱۰۳/۳)

---

۱. از مردی انداختن

۳. نقد و بررسی روایات و دلایل مذکور از مفسران اهل‌سنت به‌ویژه جصاص

۳-۱. بررسی تفسیر لفظ استمتاع

در متن روایات ارائه شده توسط مفسران اهل‌سنت، کلمه نکاح به‌مثابه تفسیر استمتاع آمده است. ذکر این کلمه مفسران اهل‌سنت را برآن داشته است تا استمتاع را در معنای آمیزش تفسیر کنند و معنای ازدواج کردن را از آن نفی کنند. این درحالی است که واژه نکاح برای ازدواج موقت نیز به‌کار می‌رود. این نکته را برخی روایات دال بر اباحه متعه نیز تأیید می‌کنند؛ زیرا در آنها از لفظ نکاح یا مشتقات آن برای اباحه متعه استفاده شده است. طبری از مفسران اهل‌سنت، اباحه ازدواج موقت را با دلایل دیگر از آیه نفی کرده است. وی از این دست روایات در تفسیر خود ذکر آورده، اما متعرض کاربرد لفظ نکاح بر متعه نشده است. (طبری، ۱۴۱۲هـ.ق، ۹/۵) در برخی از کتب حدیثی اهل‌سنت، عبارت مربوط به متعه با عبارت «باب نکاح المتعه» نام‌گذاری شده است (ر.ک.، نیسابوری، بی‌تا، ۱۳۰/۴؛ بیهقی، بی‌تا، ۲۰۰/۷؛ ابن‌ماجه، بی‌تا، ۶۳۰/۱). لفظ استمتاع نیز هرجا در شرع به‌صورت مطلق به‌کار رود عقد مدت‌دار مورد نظر است (ر.ک.، طوسی، بی‌تا، ۱۶۵/۳).

این مطلب در بسیاری از روایات مربوط به متعه مشخص است؛ زیرا در آنها از متعه و مشتقات آن استفاده شده و فقط معنای عقد مدت‌دار مورد نظر بوده است (ر.ک.، الشیبانی، بی‌تا، ۴۰۵/۳؛ نیشابوری، بی‌تا، ۱۳۲/۴، ۱۳۳؛ بیهقی، بی‌تا، ۲۰۰/۷؛ ابن‌ماجه، بی‌تا، ۶۳۱/۱).

در شرع، الفاظ در معانی دیگری استفاده می‌شوند مانند الفاظ صلاه، زکات، صیام. (رازی، ۱۴۱۲هـ.ق، ۲۹۸/۱) شارع این الفاظ را برای معانی موردنظر خود وضع نکرده است، اما به‌دلیل کثرت استعمال برای مخاطب، تبادر معانی در معانی شرعی صورت گرفته است (زرکشی، ۱۴۲۱هـ.ق، ۳۹۲/۱). برای نقد دیدگاه مفسران اهل‌سنت، بررسی روایات نیز ضروری است. روایت ابن‌جریج با عملکرد او متعارض است؛ زیرا او تعداد زیادی متعه داشته است (ذهبی، بی‌تا، ۱۷۰/۱). شاید منظور او از عبارت «فما استمتعتم» بر معنای نکاح، ذکر این معنا بوده که ازدواج موقت نوعی نکاح بوده و در شرع مورد تأیید است. ابن‌جریج مانند ابن‌ابی نجیح که او نیز از مجاهد روایت کرده و عبارت «فما استمتعتم» را در معنای نکاح متعه آورده است (طبری، ۱۴۱۲هـ.ق، ۹/۵)، تفسیر را از مجاهد نگرفته، بلکه آن را از کتاب قاسم ابن‌ابی بزه و به‌شیوه غیرسماع از مجاهد روایت کرده است (تمیمی، ۱۳۹۳هـ.ق، ۵/۷). درصورتی‌که کتاب قاسم ابن‌ابی بزه نمی‌تواند دربردارنده هردو دیدگاه یعنی، تفسیر «فما استمتعتم» بر اباحه متعه و تفسیر آن بر روابط زناشویی داخل در نکاح دائم باشد؛ یعنی این‌گونه نیست که ابن‌جریج از قاسم‌بن ابی بزه چنین روایت کرده باشد که «فما استمتعتم» به‌معنای روابط زناشویی داخل در عقد دائم است و ابن‌ابی نجیح از همین کتاب این عبارت را به‌معنای عقد متعه روایت کرده باشد. بنابراین، روایت ابن‌جریج نیز نمی‌تواند به‌معنای روابط زناشویی داخل در ازدواج دائم باشد.

این احتمال وجود دارد که روایات مورد بحث به‌ویژه روایت ابن‌زید و علی‌بن ابی طلحه که در مورد وجوب پرداخت مهر در صورت آمیزش صادر شده است، (طبری، ۱۴۱۲هـ.ق، ۹/۵) برای از بین بردن رد پای تفسیر کلمه استمتاع بر عقد متعه بیان شده باشند. ازجمله دلایل آن، بخشی از روایت ابن‌زید است که می‌گوید: «خداوند برای زن، عده و میراث را واجب کرده است»، اما این عبارت مرجعی در آیه ندارد تا بیانگر آن باشد و برای این بیان شده تا عقد متعه را از دایره اعتبار بیندازد، البته میراث در عقد موقت منتفی است (طوسی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۲۴۱/۷). نگه‌داشتن عده در عقد موقت نیز واجب است (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۴۵۱/۵). در اینجا به‌قرینه وجود میراث، منظور عده وفات است. این درحالی است که زن ذمی نیز باید عده وفات نگه دارد درحالی‌که ارث نمی‌برد (شیخ مفید، ۱۴۲۴هـ.ق)، ولی عبارت همسر بر او نیز اطلاق می‌شود. بنابراین، الزامی در ارث بردن و رابطه همسری وجود ندارد.

این‌دو روایت در بررسی رجالی نیز تضعیف شده و قابل استناد نیست. در روایت نخست، علی‌بن ابی طلحه از نظر

رجالیون ضعیف است. (العقیلی، ۱۴۱۸هـ.ق، ۲۳/۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷هـ.ق، ۴۲۶/۱۱؛ العسقلانی، ۱۴۱۵هـ.ق، ۶۹۷/۱) او از ابن‌عباس به‌صورت مرسل روایت کرده است؛ زیرا تاریخ وفاتش در سال ۱۴۳ هجری است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷هـ.ق، ۴۲۷/۱۱)، ولی ابن‌عباس در سال ۶۸ و یا ۷۰ هجری درگذشته است (بخاری، بی‌تا، ۳/۵؛ تمیمی، ۱۳۹۳هـ.ق، ۲۰۷/۳). نکته دیگر این است که او خود به این مسئله اذعان کرده که تفسیر را از هیچ‌کس نشنیده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷هـ.ق، ۴۲۶/۱۱؛ العقیلی، ۱۴۱۸هـ.ق، ۲۳/۳؛ العسقلانی، ۱۴۱۵هـ.ق، ۶۹۷/۱، المزی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۴۹۰/۲۰).

در روایت دیگر، ابن‌زید معرف سه نفر است؛ زیرا زیدبن اسلم سه پسر داشت به‌نام‌های اسامه، عبدالله و عبدالرحمن که هر سه نیز راویان ضعیفی هستند. (ذهبی، بی‌تا، ۴۲۵/۲و ۵۶۴) از بین این سه برادر، عبدالله‌بن وهب فقط از دو تن از آنها یعنی، اسامه و عبدالرحمن روایت کرده است (رازی، ۱۳۷۱هـ.ق، ۲۸۵/۲، مزی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۱۲۸/۹ و ۱۱۴/۱۷). در اینجا منظور از ابن‌زید، اسامه‌بن زید است. نظری که او بیان کرده، نوعی تفسیر به رأی است؛ زیرا او در اواسط قرن دوم زندگی می‌کرد به‌طوری‌که نه پیامبرﷺ را درک کرده و نه با صحابه دیدار داشته است (عاملی، ۱۴۱۰هـ.ق، ۲۵۵/۵). درواقع هیچ‌یک از این روایات ازسوی پیامبرﷺ صادر نشده است و می‌توان همه را تفسیر به رأی دانست. در اینجا مسئله دیگری که مطرح می‌شود تاریخ ورود چنین دیدگاهی به تفاسیر اهل‌سنت است. ازآنجاکه حسن بصری در سال ۱۱۰ هجری وفات یافت و قدیمی‌ترین فرد در میان این راویان است (ر.ک.، بخاری، بی‌تا، ۲۸۹/۲) تاریخ ورود این دیدگاه را به تفاسیر اهل‌سنت می‌توان قبل از تاریخ وفات او دانست.

مفاد روایات تفسیری وارده تا قبل از این تفسیر نیز بیانگر این مطلب است. مفاد آنها یا ناظر بر تفسیر آیه مورد بحث بر ازدواج موقت بوده و یا از تحریم و نسخ آن سخن به‌میان آورده است. (بخاری، ۱۴۰۱هـ.ق، ۱۲۹/۶؛ نیسابوری، بی‌تا، ۶۳۰/۱ و ۶۳۱؛ بیهقی، بی‌تا، ۲۰/۷) با بررسی‌های دلالی و رجالی صورت گرفته، روایات مذکور درصورتی‌که قابل انطباق با معنای ازدواج موقت در آیه ۲۴ سوره نساء نباشند، قابل پذیرش نیستند.

۳- ۲. رد دلایل سه‌گانه جصاص

جصاص در دلیل اول از تناسب ابتدا و انتهای کلام خداوند سخن گفته و می‌گوید که اگر در ابتدا در مورد ازدواج سخن گفته است در انتها نیز باید از نزدیکی و پرداخت مهر سخن گفته باشد. باید گفت که این استدلال صحیح نیست؛ زیرا قرار نیست بشر برای خداوند تناسب سیاق کلام را تعیین کند و بر آیه تحمیل کند، بلکه وظیفه بشر تنها کشف این تناسب است. چنین به‌نظر می‌رسد که اگر ابتدای کلام، طلب زناشویی به‌شیوه حلال با پرداخت مال است در انتها نیز در تناسب با آن از نوعی از طلب زناشویی حلال با پرداخت مال سخن گفته است. ذکر این نکته نیز لازم است که اگر در آیه ۲۳ سوره نساء از زنانی سخن گفته که ازدواج با آنها حرام است، پس در آیه ۲۴ با نزول عبارت «وَ أُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَاءَ ذلِكُم» از زنانی سخن گفته است که ازدواج با آنها حلال است. این مسئله اشکالی در مورد ازدواج موقت ایجاد نمی‌کند (رازی، ۱۴۲۰هـ.ق، ۴۴/۱۰). در این تحریم و تحلیل، صحبت از نوع ازدواج نیست، بلکه تنها از کسانی سخن گفته که نمی‌توان با آنها ازدواج کرد.

جصاص در خلال دلیل دوم، معنای محصنین را محدود به نکاح دائم کرده است، اما معانی ذکر شده برای آن در کتب لغت عبارت است از: معنای عفاف یا ازدواج. (ر.ک.، فراهیدی، ۱۴۰۹هـ.ق، ۱۱۸/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲هـ.ق؛ بلخی، ۱۴۲۳هـ.ق، ۳۶۷/۱؛ طبری، ۱۴۱۲هـ.ق، ۸/۵) فخر رازی از مفسرین اهل‌سنت می‌گوید که او هیچ دلیلی برای عدم شمول احصان در مورد متعه ارائه نکرده است. بنابراین، دیدگاه جصاص را نپذیرفته است (رازی، ۱۴۲۰هـ.ق، ۴۴/۱۰). بنابراین، در رد دیدگاه جصاص میتوان چنین گفت که منظور از احصان در آیه مذکور این است که شیوه کام‌جویی را تشریح می‌کند و می‌گوید که شیوه ارتباط شما با زنان برای زناشویی باید حلال و با پاکدامنی باشد و درصدد بیان حکم فقهی برای کسی‌که

شیوه غیرحلالی را برگزیده، نیست. شاید این نکته نیز بتواند پاسخ دیگری بر استدلال جصاص باشد. آیات الاحکام یا در مقام کلی‌گویی است و اصل تشریع را بیان می‌کند که در این صورت، قیودی که در سنت برای آن احکام ذکر شده است فقط جنبه شرح و بیان دارد و یا آیات مذکور، عمومیت و اطلاق دارند که قیود سنت بر آنها تنها جنبه تخصیص و تقیید پیدا می‌کنند. در هر دو مورد، تناقضی صورت نپذیرفته و منافاتی در بین نیست. برهمین‌اساس، آیات ارث، طلاق و نفقه نیز مانند سایر احکام، تخصیص بردار است و ممکن است در سنت برای آنها تخصیصی درنظر گرفته شده باشد. همچنین الفاظ تزویج، نکاح و احصان از نظر حقیقت متشرعه، در معنای ازدواج دائم است و منافاتی ندارد که ازدواج در قرآن، دائم یا موقت باشد. برای مثال، وقتی فقیهی می‌گوید: «اگر مرد زناکار، محصن باشد یعنی، اگر با داشتن همسر، زنا کرده باشد باید سنگسار شود، ولی اگر ازدواج موقت کرده باشد سنگسار نمی‌شود؛ چون محصن نیست» چنین فقیهی کلمه محصن را در معنای ازدواج دائم به‌کار برده است. این حکم فقهی با این موضوع که احصان در عرف قرآن بر ازدواج دائم و موقت عمومیت داشته باشد، منافاتی ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ.ق، ۳۰۵/۴).

فخر رازی دلیل سوم جصاص را که می‌گوید: «متعه همان سفاح و زناست؛ چون در آنها فقط انزال ملاک است»، را رد کرده و معتقد است که انزال در ازدواج موقت به وجه صحیح است که با اذن خداوند در زمانی‌که مباح بوده انجام گرفته است. (طبری، ۱۴۲۰هـ.ق، ۴۴/۱۰) روابط زناشویی در عقد دائم نیز همیشه به نیت توالد نسل نیست و در بسیاری از موارد تنها ارضای نیاز جنسی مورد نظر است. جصاص اگرچه در اینجا متعه را سفاح می‌داند، اما روایتی از ابن‌عباس ذکر کرده که در تناقض با این دیدگاه است. ابن‌عباس در آن روایت می‌گوید که متعه نه نکاح است و نه سفاح. جصاص براساس این روایت نتیجه گرفته است که متعه نمی‌تواند نوعی از نکاح باشد. حال اگر ابن‌عباس متعه را سفاح نیز ندانسته است، پس منظور او این بوده که متعه امر حرامی نیست، ولی اینکه شرایط نکاح را نیز برای آن در نظر نگرفته است، بیانگر این مسئله است که انجام آن مانند نکاح دائم نیست. بنابراین، شروط نکاح دائم بر آن بار نمی‌شود. ممکن است ابن‌عباس در شرایطی این سخن را گفته که نمی‌خواسته نظر اصلی خود را بیان کند و قصد تقیه داشته است؛ زیرا وقتی متعه، سفاح نباشد، پس نوعی نکاح است که می‌توان به آن مبادرت ورزید و با نوع دائم آن نیز متفاوت است.

۳- ۳. عدم رجوع ابن‌عباس از اباحه متعه

جصاص دو روایت از ابن‌عباس ذکر کرده و آن‌دو را دلیلی بر رجوع او از اباحه متعه می‌داند. بررسی سندی روایت اول که مربوط به نسخ ازدواج موقت با آیه اول سوره طلاق است، نشان می‌دهد که عطاء یعنی، اولین راوی حدیث، این روایت را از ابن‌عباس نگرفته، بلکه به‌صورت مرسل از او نقل کرده است (ر.ک.، ابن‌عساکر، ۱۴۱۵هـ.ق، ۴۱۶/۴۰؛ رازی، ۱۳۷۱هـ.ق، ۳۳۴/۶؛ ذهبی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۱۴۰/۶)، پس مرتکب تدلیس شده (ذهبی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۱۴۱/۶) و روایت موردنظر را از دایره اعتبار انداخته است. بررسی متن روایت هم بیانگر وجود اشکالاتی در دلالت آن است. زن و مرد مرتد نیز بدون طلاق از هم جدا می‌شوند (ر.ک.، شافعی، ۱۴۰۳، ۵۲/۵؛ ابن‌قدامه، بی‌تا، ۵۶۴/۷). همچنین اگر یکی از زوجینی که مسلمان نیستند به اسلام مشرف شود، جدایی بدون طلاق صورت می‌پذیرد (ر.ک.، شافعی، ۱۴۲۲هـ.ق، ۴۸/۵). در فسخ نکاح (ر.ک.، شافعی، ۱۴۲۲هـ.ق، ۲۰۶/۵) و نیز در لعان[۱] (ر.ک.، شیرازی، ۱۴۱۷هـ.ق، ۴۷۲/۴) جدایی بدون طلاق است. بنابراین، ملازمه‌ای میان همسری و طلاق نیست (شیخ مفید، ۱۴۲۴هـ.ق).

عبارت «إِذا طَلَّقتُمُ النِّساء» (بقره: ۲۳۱) که در روایت ابن‌عباس، ناسخ ازدواج موقت در نظر گرفته شده است به‌معنای «هرگاه طلاق اتفاق بیفتد» است، اما این عبارت نمی‌تواند ناسخ متعه باشد؛ زیرا مانند این است که کسی بگوید «اگر به

۱. لعان به‌معنی، مباهله میان زن و شوهر برای برطرف کردن حد قذف یا نفی ولد با الفاظ مخصوص است که در نزد حاکم صورت می‌گیرد. (عاملی، ۱۴۱۰هـ.ق، ۱۸۱/۶)

شهری وارد شدی یک‌روز در آن بمان». در غیر این صورت اگر کسی به شهری وارد شد و در آن سکونت نکرد، نمی‌توان گفت که آنجا شهری نبوده است. این مسئله در مورد ازدواج موقت نیز صادق است و نمی‌توان گفت چون در آن طلاق اتفاق نمی‌افتد، پس شرایط همسری را ندارد. (شیخ مفید، ۱۴۲۴هـ.ق) نکته دیگر در مورد بررسی رجالی ابن‌عباس است. او ترجمان القرآن (ر.ک.، ابن‌سعد، بی‌تا، ۳۶۶/۲؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵هـ.ق، ۲۸۵/۲۹؛ ذهبی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۳۴۷/۳؛ عسقلانی، ۱۴۰۴هـ.ق، ۲۴۳/۵) و حبر الامه یعنی دانشمند امت است (ر.ک.، تمیمی، ۱۳۹۳هـ.ق، ۳۲۶/۷؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵هـ.ق، ۲۸۵/۲۹). پیامبرﷺ هم برای وی این‌گونه دعا کرده است: «خداوندا! او را عالم و فقیه در دین گردان و به او علم تأویل قرآن را بیاموز» (جرجانی، ۱۴۰۹هـ.ق، ۲۵۳/۴). براین‌اساس، از کسی مانند او بعید است که به قرآن آگاه نباشد و آیه‌ای را ناسخ متعه بداند که نمی‌تواند ناسخ آن باشد.

روایت دوم یعنی، روایت بهره‌جویی از کنیز توسط عده‌ای در سفر که ابن‌عباس آن را سفاح دانسته است، نمی‌تواند دلیلی بر رجوع وی از اباحه متعه باشد؛ زیرا اگر از شیعه نیز که اعتقاد به مباح بودن ازدواج موقت دارد چنین موضوعی سؤال شود فتوایش همان فتوای ابن‌عباس است؛ زیرا چنین ازدواجی مانند ازدواج رهط در قبل از اسلام است که توسط پیامبرﷺ تحریم شده است[1] و هیچ سنخیتی با ازدواج موقت ندارد. بنابراین، هردو روایت مذکور، براساس بررسی رجالی و دلالی صورت گرفته و قابل پذیرش نیستند و نمی‌توانند رجوع ابن‌عباس از اباحه متعه را ثابت کنند.

۳- ۴. رد محدودیت برای اطلاق معنای نکاح

جصاص، اطلاق کلمه نکاح را بر ازدواج دائم قلمداد کرده و شمول معنای آن را بر عقد موقت رد کرده است، اما اصل معنای نکاح در مورد عقد است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲هـ.ق) حتی اگر معنای اصلی نکاح همان‌طورکه جصاص بیان کرده است، نزدیکی باشد دلیلی بر اینکه ازدواج موقت از شمول آن خارج شود، وجود ندارد. جصاص برای آن، دو دلیل آورده است: یکی اینکه از عرب شنیده نشده و دیگر اینکه در شرع بیان نشده است. این دلایل قابل نقد و رد است؛ زیرا اعتقاد به اباحه متعه در مدت خاصی از زمان پیامبرﷺ چیزی است که اهل‌سنت نیز به آن قائل هستند و نمی‌توان گفت که متعه در آن زمان در حکم نکاح نبوده، پس مشروع نبوده است. در روایات وارده از اهل‌سنت و مباحثی که خود مطرح کرده‌اند نیز از لفظ نکاح برای متعه استفاده شده است (ر.ک.، طبری، ۱۴۱۲هـ.ق، ۹/۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۳۲/۵).

۳- ۵. بررسی احکام عده، ارث و جدایی در ازدواج موقت

جصاص عده جدایی و طلاق را در ازدواج موقت منتفی دانسته و از عدم توارث و امکان جدایی در عادت ماهانه در ازدواج موقت سخن گفته است. او وجود چنین شرایطی را دلیلی بر نکاح نبودن متعه می‌داند، اما این دیدگاه ناشی از باطل دانستن این نوع از ازدواج است؛ یعنی اهل‌سنت ازدواج موقت را حرام می‌دانند به‌همین‌دلیل برای آن عده‌ای قائل نیستند. متعه، احکام خاص خودش را دارد؛ عده جدایی در متعه، دو حیض (اشعری، ۱۴۰۸هـ.ق؛ کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۴۴۷/۵) و عده وفات، چهارماه و ده‌روز است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳هـ.ق، ۴۶۵/۳). اهل‌سنت معتقدند که متعه در مدت‌زمان محدودی توسط پیامبرﷺ مباح دانسته شده است. بنابراین، در همان زمان نیز شرایط مذکور را داشته است؛ یعنی متعه، نکاحی حلال بوده و عده داشته است وگرنه چطور ممکن است که پیامبرﷺ به امر حرامی فرمان داده باشد.

در مورد توارث نیز باید گفت که اگرچه توارث در ازدواج موقت وجود ندارد، اما زن ذمی و کنیز و زنی که شوهرش را کشته باشد هم از همسر خود ارث نمی‌برد، ولی از نام همسری خارج نمی‌شود. (شیخ مفید، ۱۴۲۴هـ.ق؛ بیهقی، بی‌تا، ۲۱۷/۶) این

۱. ازدواج رهط، نکاحی است که چندین مرد که کمتر از ده نفر باشند با یک‌زن به‌سر می‌برند و اگر فرزندی به‌دنیا بیاید آن زن هرکدام را که بخواهد برای پدر او معرفی می‌کند. این ازدواج توسط پیامبرﷺ تحریم شد. (بخاری، ۱۴۰۱هـ.ق، ۱۳۲/۶؛ سجستانی، ۱۴۱۰هـ.ق، ۵۰۷/۱)

استدلال که چون زن حائض در عقد متعه با تمام شدن مدت از همسرش جدا می‌شود، پس متعه ازدواج صحیحی نیست، بیانگر نکاح نبودن متعه نیست؛ زیرا هدف از چنین ازدواجی، علت درج شرط پاکی از حیض برای صحت طلاق در ازدواج دائم است که عبارت است از: شکل‌گیری یک زندگی بادوام، توالد نسل و تربیت فرزند (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ.ق، ۱۸۱/۴). بنابراین، هرچیزی غیر از عدم تفاهم قطعی که در زوجین مانع برقراری زناشویی و ایجاد علقه باشد مانند حائض بودن زن (بخاری، ۱۴۰۱هـ.ق، ۶۷/۶؛ نیسابوری، بی‌تا، ۱۷۹/۴) باعث عدم انعقاد صیغه طلاق در این نوع ازواج می‌شود، اما در ازدواج موقت که اصراری بر کنار یکدیگر بودن زوجین نیست و هدف از آن نیز تشکیل خانواده، توالد نسل و تداوم رابطه زناشویی نیست با تمام شدن مدت پایان می‌پذیرد، پس جدایی زوجین از یکدیگر به‌راحتی انجام می‌شود. به‌همین‌دلیل پیامبرﷺ در جنگ به انجام متعه اجازه داد (ر.ک.، جصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۱۰۲/۳).

نکته مهم در استدلال جصاص این است که او ازدواج دائم را اصل قرار داده و ازدواج موقت را با آن مقایسه کرده و نتیجه گرفته است که اگر ازدواج موقت، شرایط ازدواج دائم را نداشته باشد بر آن نکاح اطلاق نمی‌شود. درحالی‌که اگر قرار بود ازدواج موقت شرایط ازدواج دائم را داشته باشد، این نوع ازدواج به‌وجود نمی‌آمد. برای مثال حج سه نوع است: تمتع، قران و افراد (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۲۹۱/۴) که هریک نیز در جای خود استفاده می‌شوند، پس اگر قرار بود که هرسه یکسان بوده و تفاوتی با هم نداشته باشند جایی برای تقسیم حج نبود. نکاح نیز همین‌گونه است و هردو نوع آن برای اهداف متفاوتی به‌وجود آمده است.

۳- ۶. اثبات اعتبار و ابقای اخبار اباحه

جصاص در مورد اختلاف بین اخبار اباحه و تحریم در نهایت تحریم را اولی می‌داند؛ زیرا معتقد است که اگر به امر مباحی عمل نشود عامل آن مجازات نمی‌شود، ولی بی‌توجهی به نهی، مجازات به‌دنبال دارد. جصاص حکم متعه را تحریم قلمداد کرده و برای کسی‌که متعه کند مجازات درنظر گرفته است. (الجصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۷۵/۳ و۱۰۰) باید به این نکته توجه کرد که در مورد تحریم اباحه متعه نیز مجازات منتفی نیست؛ زیرا در آن، تحریم امری مباح و تحریف در دین صورت گرفته است نه اینکه به امری مباح عمل نشده باشد، پس موضوع مورد مجازات در این مورد تغییر دادن حکم خداوند و تحریف در دین است.

حکم اباحه در مورد موضوعی که مورد عمل واقع شده است تحریمی با سند محکم نیاز دارد که بااینکه کنار گذاشته می‌شود تحریفی صورت نپذیرد. روایتی که جصاص از ابن‌مسعود آورده است نیز این دیدگاه که حکم اباحه متعه را که به‌قوت خود باقی است، تأیید می‌کند. در آن روایت، پیامبرﷺ به‌صراحت از اباحه متعه سخن گفته و با منع از استخصاء بر انجام متعه اجازه داده است. (الجصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۱۰۱/۳) جصاص در همین رابطه اجتماع صحابه بر تحریم متعه را نشانه رسیدن حکم حرمت آن بعد از اباحه می‌داند. آنچه با این روایت ثابت است اباحه ازدواج موقت است، ولی تحریم آن ازسوی پیامبرﷺ احتیاج به ارائه دلیلی مقبول دارد. درحالی‌که جصاص فقط اجتماع صحابه را بر تحریم متعه یعنی، تحریم امری مباح کافی دانسته است (الجصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۱۰۱/۳و۱۰۲)

جصاص در مورد روایت عمر بر تحریم متعه نیز فقط به استناد به اینکه امت پیامبرﷺ بهترین امت هستند نتیجه گرفته که صحابه از نسخ متعه آگاه بوده‌اند وگرنه با امر پیامبرﷺ به‌صورت علنی مخالفت کرده‌اند و از دین خارج هستند. روایت عمر با نظر جصاص مبنی بر آگاهی صحابه بر نسخ و تحریم متعه معارض است؛ زیرا عمر در آن روایت نهی از متعه را به‌صراحت به خود اختصاص داده و گفته است: «متعه در زمان پیامبرﷺ انجام می‌شد و من آن را نهی کرده و مرتکبین آن را مجازات می‌کنم» (جصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۱۰۲/۳). قبول تحریم امری مباح آن هم با چنین استدلالی ازسوی جصاص که بیانگر نوعی مصلحت‌اندیشی برای حفظ جایگاه صحابه است خود بیانگر آن است که ممکن است صحابه نیز با همین دلیل یعنی،

براساس مصلحت‌اندیشی‌های غلط به‌دلیل عدم مخالفت با خلیفه در مقابل تحریم متعه ازسوی عمر سکوت کرده‌اند.

در زمان پیامبرﷺ، ازدواج موقت مانند ازدواج دائم بین مسلمانان رواج داشت و اگر منسوخ شده بود، لازم بود که پیامبرﷺ نسخ آن را مانند سایر احکامی که منسوخ شده‌اند به اطلاع همه مردم یا بیشتر آنها برساند تا دیگر کسی به آن عمل نکند؛ زیرا تأخیر بیان از وقت حاجت جایز نیست. بنابراین، اگر عمر از پیامبرﷺ در مورد نسخ متعه چیزی شنیده باشد، چنین متصور است که پیامبرﷺ نسخ متعه را باوجود شهرتش در میان مردم فقط به اطلاع عمر رسانده و مردم را در غفلت رها کرده است، درحالی‌که چنین امری محال است و کسی‌که به این مطلب اعتقاد داشته باشد، کافر است. (کاشانی، ۱۳۳۶، ۴۷۷/۲)

۳- ۷. رد استدلال جصاص در قیاس عقد موقت با عقد بیع

جصاص، ازدواج را با عقد بیع قیاس کرده و آن را مانند عقد بیع می‌داند که تملک عین در آن ایجاد می‌شود. براین‌اساس، تعیین زمان و درنتیجه عقد موقت را در آن باطل دانسته است. (الجصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۱۰۱/۳) قیاس ازدواج و روابط زن و مرد با عیون و اشیاء، قیاس درستی نیست، اما اگر چنین قیاسی قابل انجام باشد، می‌توان چنین گفت که هر عینی که با بیع به‌دست بیاید به‌طورقطع منافعی دارد. بنابراین، یا می‌توان بر عین آن، عقد بیع قرار داد و یا بر منافع آن، عقد اجاره منعقد کرد، پس ازدواج موقت نیز اگر هم قابل قیاس با عیون باشد، با عقد اجاره قابل قیاس است نه با عقد بیع.

۳- ۸. اثبات اجماع بر اباحه

جصاص نظر قائلین بر اباحه را که معتقدند اتفاق‌نظر بر اباحه متعه وجود دارد و اختلاف‌نظر در تحریم آن است، پس اختلاف را در نظر نمی‌گیرد و اتفاق‌نظر بر اباحه متعه را رد کرده و بر این نظر است که روایاتی که اباحه را تأیید می‌کند تحریم را نیز بیان کرده است، پس وقتی اختلاف باشد اجماعی در کار نیست. (الجصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۱۰۳/۳) برای بررسی این دیدگاه می‌توان به روایاتی اشاره کرد که اباحه متعه را بیان کرده‌اند، ولی مطلبی در مورد تحریم آن نیاورده و یا به‌صراحت از عدم تحریم متعه توسط پیامبرﷺ سخن گفته‌اند. ازجمله روایت ابن‌مسعود در اجازه بر متعه ازسوی پیامبرﷺ، روایت جابر در توضیح متعه و اینکه ازسوی عمر تحریم شده است و روایت اباحه متعه در زمان پیامبرﷺ و تحریم آن از سوی عمر. (الجصاص، ۱۴۰۵هـ.ق، ۹۶/۳ و ۱۰۱؛ أزدی، بی‌تا) این سه روایت به‌صراحت بیانگر عدم تحریم متعه ازسوی پیامبرﷺ است. بنابراین، این اهل‌سنت است که باید اثبات کند که امر مباحی که خلیفه دوم صراحت تحریم آن را به خود نسبت داده چگونه توسط پیامبرﷺ تحریم شده است.

نتیجه‌گیری

یکی از احکام فقهی مورد مناقشه درمیان مسلمانان مفاد آیه ۲۴ سوره نساء است که شیعیان آن را ناظر به ازدواج موقت دانسته و اهل‌سنت آن را در مورد نکاح دائم و یا عمل جنسی تفسیر کرده‌اند. بنابراین، یک‌بحث تاریخی درمیان مفسران اسلامی درباره آن شکل گرفته است که هریک براساس شواهد و قراین تاریخی و مبانی فقهی و تفسیری آن را بررسی کرده‌اند. مفسران اهل‌سنت همان‌طورکه در سیر تحقیق حاضر بیان شد، آیه فوق را براساس روایتی که نخست، عبدالرزاق از قول حسن بصری آورده و سپس طبری آن را بسط داده است و پس از آن جصاص با رویکرد اصولی و فقهی آن را به‌اوج خود رسانده است، برنکاح دائم تفسیر کرده‌اند. جصاص با تفسیر آیه ۲۴ سوره نساء دلایل بسیاری در رد متعه بیان کرده و در اثبات تحریم تلاش کرده است؛ دلایلی مانند تقسیم احصان بر دوگونه، بیان معنای متفاوت از مسافحین، تلاش برای اثبات

رجوع ابن‌عباس از اباحه متعه، بحث در مورد نکاح نبودن متعه، تلاش برای حل تناقض تواریخ تحریم، استدلال بر اجتماع صحابه بر تحریم متعه و تلاش برای اثبات اجماع بر تحریم متعه.

در پژوهش حاضر دلایل فوق بررسی و نقد شد و مشخص شد که هیچ‌یک از این دلایل نتوانسته است با دلایل اثبات ابقای اباحه متعه مقابله کرده و آن را مردود کند: دلایلی مانند عدم قابلیت تقسیم احصان ذکر شده در آیه ۲۴ سوره نساء بر دو معنا، بیان دلایلی بر رد اطلاق معنای مسافحین بر متعه، اثبات دیدگاه ابن‌عباس بر ابقای اباحه متعه، اثبات شمول معنای نکاح بر متعه، اثبات وجود تناقض در روایات تحریم متعه، اثبات عدم اجتماع صحابه بر تحریم متعه و نیز اثبات نکاح بودن متعه را می‌توان در اثبات ابقای اباحه متعه بیان کرد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان تأکید می‌کنند که کلیه اصول اخلاقی در انجام و انتشار این پژوهش رعایت شده است. این موضوع توسط تمامی نویسندگان تأیید شده است.

عدم سوءرفتار علمی

مواردی مانند جعل داده‌ها، تحریف نتایج، سرقت ادبی (پلجیاریسم) و هرگونه رفتار غیراخلاقی دیگر در این پژوهش به‌طور جدی پرهیز شده است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان در طراحی پژوهش، نگارش و ویرایش مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

نویسندگان عدم وجود تعارض منافع (Conflict of Interest) را در ارتباط با این پژوهش اعلام می‌کنند. به عبارت دیگر، هیچگونه منافع مالی یا شخصی که بر نتایج تحقیق تأثیرگذار باشد، وجود نداشته است.

حامی مالی

این پژوهش بدون دریافت هرگونه حمایت مالی از سازمان‌های دولتی، تجاری یا غیرانتفاعی انجام شده است.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله، از استاد گرامی جناب آقای دکتر محمد جواد نجفی که از اساتید دانشگاه قم هستند، قدردانی می‌کنند.

منابع

ابن‌سعد، محمد (بی‌تا). *الطبقات الکبری*. بیروت: دارصادر.

ابواسحاق، ابراهیم السری (الزجاج) (۱۴۲۷هـ.ق). *تهذیب معانی القرآن و اعرابه*. بیروت: مکتبه العصریه.

الأزدی، الفضل بن شاذان(بی‌تا) .*الإیضاح*. محقق: السید جلال الدین الحسینی الأرموی، بی‌جا: بی‌نا.

الاشعری، احمدبن محمد (۱۴۰۸هـ.ق). *النوادر*. قم: مدرسه الامام المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.

القمی، محمدبن علی (الشیخ الصدوق) (۱۴۱۳هـ.ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.

البخاری، اسماعیل‌بن ابراهیم (۱۴۰۱هـ.ق). *صحیح البخاری*. بیروت: دارالفکر.

البخاری، اسماعیل‌بن ابراهیم (بی‌تا). *التاریخ الکبیر*. دیار بکر: مکتبه الاسلامیه.

البلخی، مقاتل‌بن سلیمان (۱۴۲۳هـ.ق). *تفسیر مقاتل‌بن سلیمان*. محقق: عبدالله محمود شحاته. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

البیهقی، احمدبن الحسین (بی‌تا). *السنن الکبری*. بیروت: دارالفکر.

التمیمی، ابن‌حبان (۱۳۹۳هـ.ق). *کتاب الثقات*. بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.
الجرجانی، ابن‌العدی (۱۴۰۹هـ.ق). *الکامل فی ضعفاء الرجال*. بیروت: دارالفکر.
الجصاص، احمدبن علی (۱۴۰۵هـ.ق). *احکام القرآن*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
الخطیب البغدادی، احمدبن علی (۱۴۱۷هـ.ق). *تاریخ بغداد*. محقق: مصطفی عبدالقادر عطاء. بیروت: دارالکتب العلیمه.
الذهبی، شمس‌الدین (۱۴۱۳هـ.ق). *سیر اعلام النبلاء*. بیروت: مؤسسه الرساله.
الذهبی، شمس‌الدین (بی‌تا). *تذکره الحفاظ*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
الذهبی، شمس‌الدین (بی‌تا). *میزان الاعتدال*. بیروت: دارالمعرفه.
الرازی، ابن‌ابی حاتم (۱۳۷۱هـ.ق). *الجرح و التعدیل*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
الرازی، فخرالدین (۱۴۱۲هـ.ق). *المحصول فی علم اصول الفقه*. محقق: طه جابر فیاض العلوانی. بیروت: مؤسسه الرساله.
الرازی، فخرالدین (۱۴۲۰هـ.ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
راغب الاصفهانی، الحسین‌بن محمد (۱۴۱۲هـ.ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالعلم.
الزرکشی، بدرالدین (۱۴۲۱هـ.ق). *البحر المحیط فی اصول الفقه*. محقق: محمد محمدتامر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
السجستانی، ابن‌الاشعث (۱۴۱۰هـ.ق). *سنن ابی داود*. محقق: سعید محمد اللحام. بی‌جا: دارالفکر.
الشافعی، علی‌بن حسن (ابن عساکر) (۱۴۱۵هـ.ق). *تاریخ مدینه دمشق*. بیروت: دارالفکر.
الشافعی، محمدبن ادریس (۱۴۲۲هـ.ق). *کتاب الام*. بیروت: دارالفکر.
الشیبانی، احمدبن حنبل (بی‌تا). *مسند احمد*. بیروت: دارصادر.
الشیرازی، ابو اسحاق (۱۴۱۷هـ.ق) .*المهذب فی فقه الشافعی*. محقق: محمد الزحیلی. بیروت: دارالشامیه.
الصنعانی، عبدالرزاق (۱۴۱۰هـ.ق). *تفسیر القرآن*. محقق: مصطفی مسلم محمد. ریاض: مکتبه الرشد.
الصنعانی، عبدالرزاق (بی‌تا). *المصنف*. بی‌جا: المجلس العلمی.
الطباطبایی، السید محمدحسین (۱۴۱۷هـ.ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
الطبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی التفسیر القرآن*. تهران: نشر ناصرخسرو.
الطبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲هـ.ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
الطوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷هـ.ق). *تهذیب الاحکام*. محقق: خرسان، حسن الموسوی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
الطوسی، محمدبن حسن(بی‌تا) .*التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارإحیاء التراث العربی.
العاملی، زین‌الدین (الشهید الثانی) (۱۴۱۰هـ.ق). *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*. محقق: کلانتر، سید محمد. قم: نشر مکتبه الداوری.
العسقلانی، ابن‌حجر (۱۴۰۴هـ.ق). *تهذیب التهذیب*. بیروت: دارالفکر.
العسقلانی، ابن‌حجر (۱۴۱۵هـ.ق). *تقریب التهذیب*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
العقیلی، محمدبن عمرو (۱۴۱۸هـ.ق). *کتاب الضعفاء الکبیر*. محقق: عبدالمعطی امین قلعجی. بیروت: دارالکتب العلیمه.
العکبری، محمدبن محمد (الشیخ المفید) (۱۴۲۴هـ.ق). *تفسیر القرآن المجید*. محقق: ایازی، سید محمدعلی. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
فراهیدی، خلیل‌بن احمد (۱۴۰۹هـ.ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
القرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لاحکام القرآن*. تهران: نشر ناصرخسرو.
القزوینی، محمد یزید (ابن ماجه) (بی‌تا). *سنن ابن‌ماجه*. بیروت: دارالفکر.
الکلینی، محمدبن یعقوبی (۱۴۰۷هـ.ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
الکوفی، ابی‌شیبه (۱۴۰۹هـ.ق). *المصنف*. بیروت: دارالفکر.
کاشانی، فتح‌الله (۱۳۳۶). *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. تهران: کتابفروشی محمدحسن.
مدیرشانه‌چی، کاظم (۱۳۸۴). *درایه الحدیث*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
المزی، جمال‌الدین (۱۴۱۳هـ.ق). *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*. بیروت: مؤسسه الرساله.
المقدسی، عبدالله ابن قدامه (بی‌تا). *المغنی*. بیروت: دارالکتاب العربی.
النیسابوری، مسلم‌بن الحجاج (بی‌تا). *صحیح مسلم*. بیروت: دارالفکر.

The Islamic Journal of Women and the Family
Print ISSN: 2538-6190 Online ISSN: 2717-4085
Homepage: https://pzk.journals.miu.ac.ir

A Jurisprudential Analysis of a Celibate Life in Imamieh Jurisprudence with an Emphasis on the Narrative «Hallat al-Ozubah»

Alireza Ahmadabadi [1], Hassan Shakouri[2], and Mohammad Javad Bahrein[3]

1. Corresponding author, Third Level in Jurisprudence and Principles, Imam Hassan Askari Specialized Institute for Jurisprudence and Principles, Qom, Iran. Email: alireza.ahmadabadi.1376@gmail.com 0009-0000-9868-8808
2. Assistant Professor in Family Jurisprudence, Bint al-Huda Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. Email: mhshakoori11@gmail.com 0000-0003-4407-5779
3. Assistant Professor in Private Law, Faculty Member of Islamic Humanities Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. Email: mjbahreini@gmail.com 0009-0002-9902-0441

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 20 March 2025
Received in revised form 30 April 2025
Accepted 21 May 2025
Available online 30 May 2025

Keywords:
permissibility of a celibate life,
celibacy in Imamieh jurisprudence,
jurisprudential analysis of a celibate life,
narrative «Hallat al-Ozubah».

ABSTRACT

Objective: The decrease in the marriage rate, which has consequences such as social problems and a decrease in population growth, is one of the fundamental challenges of contemporary society and is of concern to jurists. The present study was conducted in the realm of Imamieh jurisprudence with the aim of critiquing and examining the narrative «Hallat al-Ozubah» which is stated in support of a celibate life.

Method: The present research was conducted in the realm of Imamieh jurisprudence using an analytical-documentary method based on jurisprudential arguments and with an Ijtihadi perspective.

Results: The results of the studies show that the aforementioned narrative was considered correct from the perspective of the ancients, but from the perspective of the later ones, it lacks documentary authority. The narrative literally implies that «celibacy is Halal» and not «obligatory celibacy». Even assuming the acceptance of the documentary validity of the narrative and the other party's interpretation of it, this interpretation conflicts with a set of narratives that introduce marriage as a recommended and emphasized matter. In addition, based on the context of the narrative, it is considered necessary to solve the problems of livelihood in the end times through wise measures, and the recommendation of marriage is removed in those circumstances, and only its permissibility remains. Moreover, according to the content of some narratives, humans are obliged to the previous rulings, and until a definitive abrogation is found, the same rulings are applied. Therefore, the previous validity of the recommendation of marriage will continue in the end times.

Conclusions: The narrative «Hallat al-Ozubah» neither indicates the necessity of celibacy, nor can it be a definitive document for promoting a celibate life. Even if the documentary validity of the narrative is accepted, due to the conflict with other narratives supporting marriage, the previous validity of the recommendation of marriage will still be continued. Therefore, the teachings of Imamieh jurisprudence generally emphasize the importance and recommendation of marriage, and a celibate life does not have a binding jurisprudential position.

Cite this article: Ahmadabadi, A., Shakouri, H., & Bahreini, M. (2025). A Jurisprudential Analysis of a Celibate Life in Imamieh Jurisprudence with an Emphasis on the Narrative «Hallat al-Ozubah». *The Islamic Journal of Women and the Family,* 13 (2), 109 - 125. https://doi.org/10.22034/ijwf.2025.18366.2249

© The Author(s).retain the copyright and full publishing rights
Publisher: Al-Mustafa International University.
DOI: https://doi.org/10.22034/ijwf.2025.18366.2249

Introduction

The low number of marriages and the spread of delayed marriages are important social and moral challenges of contemporary society, which have consequences such as a decrease in population growth, the emergence of social problems, and the trend of society towards an aging population. In addition to its economic and social dimensions, this issue has also gained special importance from a jurisprudential perspective, because some have argued for the permissibility and even the recommendation of a celibate life in the end times, citing a narrative attributed to the Prophet Mohammad that Ibn Fahd Helli has narrated in his book «Al-Tahsin fi Sefat al-Arefin». According to this narrative, it is permissible to abandon marriage in the end times due to the difficulty of earning a living through the Halal means. The group interpretation of the narrative «Hallat al-Ozubah» is such that marriage is considered forbidden in the end times.

The present research was conducted with the aim of examining the documentary and content of the mentioned narrative and reviewing the issue of a celibate life in the light of the principles of Imamieh jurisprudence. In jurisprudential books, there is no deep and focused discussion on the subject of celibacy, and only a few lines were found in these books (cf., Naraqi, 1415AH, 16/13; Shobeiri Zanjani, 1419AH, 1/44; Nasiri Vatan and Imani, 2020). The main question of the research is to what extent the narrative «Hallat al-Ozubah» can indicate the necessity of celibacy and the sanctity of marriage in the end times.

Method

The present study was conducted in the field of Imamieh jurisprudence using an analytical-documentary method based on jurisprudential arguments and with an Ijtihadi perspective. In this research, in a scientific confrontation with the narrative «Hallat al-Ozubah», the principle of issuing the narrative (i.e., discussion of authenticity), the mode of issuance (i.e., the motive of the Infallible for speech, behavior, and narrative) were examined. In addition, the principle of the emergence of the narrative in the claim and how it appeared and the intention of emergence, i.e., whether in the primary understanding of the narrative, the intention of the holy lawgiver is consistent with other evidence or not, were analyzed.

Results

Examining the validity of authenticity of this narration shows that, according to the earlier scholars, an authentic narrative is a narrative that requires trust; that is, it is consistent with the general principles and narratives of that subject, is accompanied by evidence that makes it trustworthy and reliable, and its focus is more on the text of the narrative and evidence, even though there is a kind of weakness in the authenticity of the narrative (Sheikh Bahaei, 1414AH). Based on this basis, although the narrative «Hallat al-Ozubah» is not mentioned in the famous narrative books, given that the correct meaning can be stated for it and it does not contradict the

general principles, it requires trust and is considered authentic. On the other hand, according to the well-known later scholars of Rejal, who consider an authentic narrative to be one whose authenticity is connected to the Infallible in all categories by just and Imamieh narrators, the narrative «Hallat al-Ozubah» does not have a valid authenticity (cf., Sheikh Bahaei, 1414AH). This narrative is authentic, because the late Ibn Fahd Helli, who lived in the 7th and 8th centuries, directly narrated the narrative without mentioning the chain of transmission between himself and Ibn Masoud (from Ibn Masoud), and he also narrated from the Prophet Mohammad.

In terms of implication, the narrative literally implies that celibacy is Halal and not obligatory celibacy. The argument of those who believe that the narrative implies the prohibition of marriage is based on two main arguments. The first argument, the appearance of Halal in a general sense, and the second argument, the prohibition of a prelude that leads to a forbidden act. In criticizing this view, the mere claim that «the creation of a religious ruling of Halal for celibacy in the end times is void and will not be issued by a wise person» alone cannot be a clue that what is meant is Halal in the general sense that is consistent with the obligatory ruling of the obligation of celibacy; because the statement that marriage is permissible in the early days of Islam is not a proven statement, but there are many narratives (cf., Hor Ameli, 1409AH, 20/13) that prove that marriage is recommended in general and at any time.

Assuming the correctness of the authenticity and the presence of evidence in the claim of the necessity of a celibate life, this narrative conflicts with many narratives about marriage that speak of strict recommendation and in some cases indicate the necessity of marriage. Among these narratives is the one in which Imam Sadegh said: «Whoever abandons marriage out of fear of need and poverty has indeed offended Allah with an evil thought» (Koleini, 1407AH, 5/330) and «Whoever abandons marriage out of fear of poverty has indeed offended Allah with an evil thought». God says: «If you were poor and needy, God would enrich you from his bounty» (Ibn Babewayh, 1413AH, 3/385). Allameh Tabatabaei in the book Masabih (quoted by Mohaghegh Najafi, 1404AH, 29/13) stated in order to prove the Kefaei obligation of marriage: «But the Kefaei obligation means the obligation of marriage through which the human race is preserved, is definitive. Even if the people of a city refuse to marry, the Sharia ruler can force them to marry so that the human race does not disappear».

Considering the context of the narrative and other narratives about the end times, the meaning is «Be careful that marriage does not lead you to depart from religion and lose the signs of the Sharia». The context of the narratives about the end times indicates that these narratives do not prevent or discourage marriage, but rather refer to an external matter in the external reality that increases the attention and care of Muslims. It is stated in the science of principles: «If a command comes after a prohibition, or conversely, a prohibition comes after a command, the implication of their correspondence, that is, an implication of obligation in the command and an implication of sanctity in the prohibition, is not intended, but rather an ironic meaning is intended; that is, the sanctity has been removed and in the latter, the obligation has been removed» (Rouhani,

1413AH, 5/301). Since the initial ruling of marriage is its recommendation, after the advent of this narrative and assuming that it implies the sanctity of marriage, it can be said that since this prohibition comes after a command that implies recommendation, therefore in the end times the recommendation of marriage is removed and its permissibility remains; as a result, it is still not possible to rule on the prohibition of marriage.

The practice of the previous validity is accepted by all jurists. The story of the previous validity in this issue is that marriage in the early days of Islam was a certain and recommended thing and there is no room for any doubt about it, as many narratives indicate it. If in the end times its ruling is doubted by such narratives, since it is not definitive and there is no valid evidence that is specific to the end times, the duty of the ignorant to rule is to refer to the practical principles that have been laid down for him/her. The principle that is appropriate for the ruling on this issue is the previous validity, because there is a certain precedent that is recommended, and its survival in the end times is doubtful. As a result, by implementing this previous validity, the recommendation of marriage will also be established in the end times. According to the content of some narratives, an individual is obligated to follow the previous and established rulings until a definitive abrogation is found (cf., Ibn Babewayh, 1395AH, 2/348; Ibn Babewayh, 1395AH, 2/348). It is also stated in narratives that what the Prophet Mohammad has made Halal will remain Halal until the Day of Judgment, and what he has made Haram will remain Haram until the Day of Judgment (cf., Saffar, 1404AH, 1/148).

Conclusions

The results of the studies show that the aforementioned narrative was considered authentic from the perspective of the ancients, but from the perspective of the later ones, it lacks documentary authority. The narrative literally implies that «celibacy is Halal» and not «obligatory celibacy». Even assuming the acceptance of the documentary validity of the narrative and the interpretation of the other party from it, this interpretation conflicts with a set of narratives that introduce marriage as a recommended and emphasized matter. Moreover, based on the context of the narrative, resolving the problems of earning a living in the end times is considered necessary through wise measures, and the recommendation of marriage in those circumstances is removed, and only its permissibility remains. In addition, according to the content of some narratives, humans are obligated to the previous rulings, and until a definitive abrogation is found, the same rulings are applied. Therefore, the previous validity of the recommendation of marriage in the end times will also continue. Accordingly, the narrative «Hallat al-Ozubah» neither implies the necessity of celibacy nor can it be a definitive document for promoting a celibate life. Even if the documentary validity of the narrative is accepted, due to the conflict with other narratives supporting marriage, the previous validity of the recommendation of marriage is still continued. Therefore, the teachings of Imamieh jurisprudence generally emphasize the importance and

recommendation of marriage, and celibacy does not have a binding jurisprudential position

Author Contributions

All authors participated equally in the design of the study, writing the article, and editing the final versions.

Data Availability Statement

Data available on request from the authors.

Acknowledgements

The authors of the research would like to express their gratitude to the Imam Hassan Askari Specialized Institute, especially Hojjat al-Islam va al-Moslemin, Mr. Ebrahimi, who was the spiritual supporter of this study.

Ethical Considerations

Cases such as falsification of data, distortion of results, plagiarism, and any other unethical behavior have been strictly avoided in this study.

Funding

This study was conducted without receiving any financial support from government, commercial, or non-profit organizations.

Conflict of Interest

The authors declare that there are no conflicts of interest in connection with this study. In other words, there were no financial or personal interests that could affect the results of the study.

پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده
شاپا چاپی: ۶۱۹۰-۲۵۳۸ شاپا الکترونیکی: ۴۰۸۵-۲۷۱۷
Homepage: https://pzk.journals.miu.ac.ir

واکاوی فقهی زیست مجردانه در فقه امامیه با تأکید بر روایت «حلت العزوبه»

علیرضا احمدآبادی[۱]✉، حسن شکوری[۲]، و محمدجواد بحرینی[۳]

۱. نویسنده مسئول، سطح ۳ رشته فقه و اصول، مؤسسه تخصصی فقه و اصول امام حسن عسکری علیه‌السلام، قم، ایران. رایانامه: alireza.ahmadabadi.1376@gmail.com
۲. استادیار فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. رایانامه: mhshakoori11@gmail.com
۳. استادیار حقوق خصوصی، عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. رایانامه: mjbahreini@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

کلیدواژه‌ها:
جواز زیست مجردانه، تجرد در فقه امامیه، تحلیل فقهی زیست مجردانه، حدیث «حلت العزوبه».

چکیده

هدف: کاهش نرخ ازدواج که پیامدهایی همچون معضلات اجتماعی و کاهش رشد جمعیت را در پی دارد، یکی از چالش‌های اساسی جامعه معاصر و مورد توجه فقهاست. پژوهش حاضر با هدف نقد و بررسی روایت «حلت‌العزوبه» که در تأیید زیست مجردانه بیان شده است، در قلمرو فقه امامیه انجام شد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر به‌روش تحلیلی- اسنادی مبتنی بر استدلال‌های فقهی و با نگاه اجتهادی، در قلمرو فقه امامیه انجام شد.

یافته‌ها: نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که روایت مذکور از دیدگاه قدما صحیح دانسته شده، اما از منظر متأخرین فاقد حجیت سندی است. لفظ روایت دلالت بر «حلیت عزوبت» دارد و نه «وجوب عزوبت». حتی در فرض پذیرش اعتبار سندی روایت و برداشت طرف مقابل از آن، این برداشت با مجموعه‌ای از روایات که ازدواج را امری مستحب و مورد تأکید معرفی می‌کنند، در تعارض قرار می‌گیرد. همچنین بر اساس قرینه سیاقیه روایت، رفع مشکلات امرار معاش در آخرالزمان با تدابیر عاقلانه ضروری دانسته شده و استحباب ازدواج در آن شرایط مرتفع می‌گردد و تنها اباحه آن باقی می‌ماند. افزون بر این، طبق مضمون برخی روایات، انسان‌ها به احکام قبلی مکلف‌اند و تا زمانی که ناقض قطعی به دست نیاید، همان احکام جاری است. از این رو، استصحاب استحباب ازدواج در آخرالزمان نیز جریان خواهد داشت.

نتیجه‌گیری: روایت «حلت‌العزوبه» نه دلالت بر وجوب عزوبت دارد و نه می‌تواند مستند قطعی برای ترویج زندگی مجردانه باشد. حتی در صورت پذیرش اعتبار سندی روایت، به دلیل تعارض با دیگر روایات مؤید ازدواج، استصحاب استحباب ازدواج همچنان معتبر خواهد بود. بنابراین، آموزه‌های فقه امامیه در مجموع بر اهمیت و استحباب ازدواج تأکید دارند و زیست مجردانه جایگاه فقهی الزام‌آوری نمی‌یابد.

استناد: احمد آبادی، علیرضا.، شکوری، حسن.، و بحرینی، محمد جواد(۱۴۰۴). واکاوی فقهی زیست مجردانه در فقه امامیه با تأکید بر روایت «حلت العزوبه». *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۱۳ (۲)، ۱۰۷-۱۲۵. https://doi.org/10.22034/ijwf.2025.18366.2249

ناشر: جامعه المصطفی العالمیه.
© نویسندگان.

مقدمه

از جمله چالش‌های اساسی در جامعه تأخیر در ازدواج است که به‌طور گسترده‌ای رواج یافته است. این تأخیر تبعاتی همچون بروز معضلات اجتماعی، مفاسد اخلاقی و کاهش رشد جمعیت که کشور را به‌سمت پیری سوق می‌دهد به‌همراه دارد. این معضل اجتماعی ریشه‌های مانند مشکلات اقتصادی و حس رقابت اجتماعی دارد. یکی از علل مهم این موضوع، برداشت نادرست از برخی متون دینی است مانند روایتی که ابن فهد حلی در کتاب التحصین فی صفات العارفین آورده است. این روایت بیان می‌کند که در آخرالزمان به‌دلیل مشکلات معیشتی و سخت‌گیری‌های اجتماعی، تأمین معیشت از راه حلال دشوار و عزوبت و عدم ازدواج مجاز خواهد بود که برخی به این روایت استناد کرده و از ازدواج جلوگیری کرده‌اند. برداشت این افراد از روایت فوق این است که ازدواج در آخرالزمان ممنوع است. براین‌اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی و نقد روایت فوق و بازبینی فقهی مسئله زیست مجردانه انجام شد.

در کتب فقهی، بحث عمیق و متمرکزی در مورد موضوع زیست مجردانه بیان نشده است و فقط درحد چند سطر در این کتب مطالبی یافت شد که عبارتند از: «اگر ازدواج به معصیت ختم شود، ازدواج کردن واجب‌الترک است» (محقق اردبیلی، بی‌تا)؛ «اگر فرد به‌واسطه ازدواج کردن در تنگی معیشت بیفتد رجحان ازدواج کم می‌شود» (نراقی، ۱۴۱۵هـ.ق، ۱۳/۱۶). «از این روایت[۱]، چنین برمی‌آید که عزوبت در غیر آخرالزمان جایز نیست که البته مراد کراهت شدیده است» (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹هـ.ق، ۴۴/۱). همچنین مقاله‌ای در موضوع مورد بحث منتشر شده است که مطابق آن برفرض صحت سندی، روایت [مورد بحث] درصدد هشدار به جوانان است که در انتخاب همسر آینده توجه کافی داشته باشند و دلالتی بر رهبانیت ندارد (نصیری‌وطن و ایمانی، ۱۳۹۹).

وجه تمایز پژوهش حاضر از آثار پیشین این است که در پژوهش حاضر، این روایت از نظر سندی بنا بر مبنای فقهای متقدم و متأخر بررسی و چگونگی دلالت روایت بر حرمت ازدواج به دو بیان و استدلال مطرح شد. در نقد روایت «حلت‌العزوبه»، اصل صدور، اصل ظهور و اراده ظهور روایت بررسی شد که در آثار پیشین چنین تفصیلی یافت نشده است. پرسش بنیادین پژوهش حاضر ناظر به این است که روایت جواز مجردی تا چه اندازه می‌تواند بر حرمت ازدواج در آخرالزمان دلالت کند و چه نقدهایی بر این دلالت وارد است. پاسخ به این پرسش منوط به ارائه جواب درباره اصل صدور، اصل ظهور و اراده ظهور از روایت است.

ادبیات موضوع و چارچوب نظری

قائلین به جواز مجردی در آخرالزمان به روایت ابن مسعود استدلال کرده‌اند که آورده است: «قال رسول‌الله ﷺ: لیاتینّ علی الناس زمان لایسلم لذی دین دینه الّا من یفرّ من شاهق الی شاهق ومن جحر الی جحر کالثعلب باشباله. قالوا: ومتی ذلک الزّمان؟ قال اذا لم تنل المعیشه الّا بمعاصی الله فعند ذلک حلّت العزوبة قالوا: یا رسول‌الله امرتنا بالتزویج قال: بلی ولکن اذا کان ذلک الزمان فهلاک الرجل علی یدی أبویه فان لم یکن له أبوان فعلی یدی زوجته وولده فان لم تکن له زوجة ولاولد فعلی یدی قرابته وجیرانه. قالوا: و کیف ذلک یا رسول الله قال: یعیّرونه بضیق المعیشة و یکلّفونه ما لا یطیق حتی یوردوه موارد الهلکه؛ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: بر مردم روزگاری خواهد آمد که دین هیچ دین‌داری سالم نمی‌ماند مگر کسی‌که از سر کوهی به سر کوه دیگر و از سوراخی به سوراخ دیگر برود مانند آن روباهی که می‌خواهد بچه‌های خود را نجات دهد. گفتند: چنین زمانی کی خواهد آمد؟ حضرت فرمود: هنگامی‌که به معیشت و زندگی جز از راه حرام و معصیت نتوان رسید.

---

۱. منظور از این روایت، روایت مورد بحث پژوهش حاضر است.

چنین زمانی مجرد ماندن و ترک ازدواج حلال خواهد بود. اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا! همیشه ما را به ازدواج امر می‌فرمودید. حضرت فرمود: بله، اما وقتی چنین روزگاری فرا رسد، هلاکت فرد در دست پدر و مادر خویش است و اگر آنان نبودند، پس به‌دست همسر و اولاد خویش است، اگر آنها نبودند به‌دست خویشاوندان و همسایگان اوست. عرض کردند چگونه اینچنین می‌شود؟ فرمود: آنها شما را شماتت و سرزنش می‌کنند که زندگی وسیع نداری و او را به کارها و امور دشوار و خارج از طاقت او تکلیف می‌کنند تا آنکه به جایگاه‌های هلاکت وارد کنند». (ابن فهد حلی، ۱۴۰۶هـ.ق)

۱. مفهوم‌شناسی واژه آخرالزمان

کلمه آخرالزمان از نظر ادبی از دو جزء تشکیل شده و مضاف و مضاف‌الیه است. بنابراین، برای فهم معنای صحیح آن در مرحله اول باید مراد از کلمه الزمان بیان شود. با جست‌وجو در روایات چنین برداشت می‌شود که مراد از کلمه الزمان، زمان غلبه ظلم و فتنه‌هاست که از زمان کشته شدن هابیل به‌واسطه قابیل شروع شده و تا زمان ظهور حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ادامه خواهد داشت. در اصطلاح ادبی، الف و لام در الزمان، جایگزین از مضاف‌الیه است که در اصل این‌گونه بوده است: «آخرزمان الفتنه، آخر زمان غلبه الظلم». بنابراین، آخرالزمان یعنی، انتهای زمان غلبه ظلم. روشن است که بعد از تشکیل حکومت عادلانه امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف زمان غلبه ظلم و ستم پایان می‌یابد و صفحه دیگر زندگانی که عدالت در آن غلبه دارد، نمایان می‌شود.برخی از مستندات روایی در این مورد عبارتند از:

سلمان فارسی در روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام چنین نقل می‌کند: «از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که می‌فرمود: صندوقی از آتش در جهنم وجود دارد که در آن دوازده نفرند. شش‌نفر از اولین و شش‌نفر از آخرین. از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از اولین آنها سؤال کردم. ایشان فرمود: اولین آنها فرزند آدم که برادرش را کشت و اما آخرین از آنها عبارت است از: دجال و...». (هلالی، ۱۴۰۵هـ.ق، ۵۹۷/۲)

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در بیان معرفی اولین و آخرین از ظالمان از قابیل و دجال نام می‌برد و پرواضح است که وجود دجال در آخرالزمان و قبل از ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است. (هلالی، ۱۴۰۵هـ.ق، ۵۹۷/۲)

عمار از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین روایت می‌کند: «و از صلب امیرالمؤمنین علیه‌السلام خداوند خارج می‌کند ائمه راشدین را و از آنهاست مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف این امت. همانا! خداوند چنین عهد کرده است که از صلب حسین‌بن علی علیه‌السلام ائمه نه‌گانه را خارج کند، پس نهمین از آنها از چشم‌ها غایب می‌شود به غیبتی طولانی. پس هنگامی‌که آخرالزمان شد، خروج می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌کند بعد از آنکه پر از جور و ستم شده بود». (حر عاملی، ۱۴۲۵هـ.ق، ۱۶۵/۲)

این روایت بر بخش دوم مدعا دلالت دارد که در هنگامه ظهور، زمین پر از عدل و داد می‌شود. نتیجه اینکه مراد از آخرالزمان، زمانی است که ظلم رواج دارد و این زمان نزدیک به ظهور امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است، اگرچه نمی‌توان به‌صورت دقیق، زمان معینی برای آن ارائه داد، همان‌طور که نمی‌توان برای اصل ظهور زمان مشخصی ارائه کرد.

۲. مفهوم‌شناسی عزوبت

عزوبت به‌معنای عدم ازدواج و زندگی به‌تنهایی است. (سعید الخوری الشرتونی، ۱۴۲۷هـ.ق، ۵۳۶/۳) که می‌تواند به دلایل مختلفی مانند شرایط اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی به‌وجود آید. این وضعیت نه‌تنها بر زندگی شخصی افراد تأثیر می‌گذارد، بلکه پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای به‌همراه دارد. در بسیاری از جوامع، عزوبت ممکن است یک‌انتخاب شخصی یا به‌دلیل فشارهای اجتماعی و اقتصادی باشد.

۳. حلیت بالمعنی الأعم

«اباحه بالمعنی الاعم» به‌معنای مجاز بودن و اجازه دادن به انجام یک‌عمل یا رفتار در کلیت خود است. این مفهوم به‌طورکلی به‌معنای آزاد بودن از ممنوعیت شرعی در انجام اعمال مختلف در حوزه‌های فردی و اجتماعی است. در این معنا، اباحه شامل همه چیزهایی است که به‌طور مستقیم در متون دینی منع نشده‌اند و به افراد اجازه می‌دهد تا در چارچوب‌های مشخص، آزادی عمل داشته باشند. اباحه در این معنا شامل مصادیق چهارگانه استحباب، کراهت، خاص و حتی واجب است؛ زیرا در تمام این چهار مورد ممنوعیتی ازجانب شارع وضع نشده است. (شاهرودی،۱۴۲۶هـ.ق، ۲۰۵/۱)

۴. حلیت بالمعنی الاخص

اباحه به‌معنای خاص یعنی، برابری انجام و ترک یک‌عمل. این مفهوم از اباحه به‌نوعی محدودتر از اباحه به‌معنای عام است؛ زیرا در این حالت، فقط یک مصداق مشخص وجود دارد و آن اباحه در چارچوب احکام خمسه (وجوب، استحباب، کراهت، حرمت و اباحه) است. در این تقسیم‌بندی، اباحه درمقابل چهار حکم دیگر قرار می‌گیرد و درقالب حالتی از فعل یا ترک فعل، نشان‌دهنده این است که نه‌تنها انجام عمل مجاز، بلکه ترک آن نیز به همان اندازه مجاز و قابل قبول است. (شاهرودی، ۱۴۲۶هـ.ق، ۲۰۵/۱)

۵. نگرش و دلایل حامیان دلالت روایت «حلت‌العزوبه» بر حرمت ازدواج در آخرالزمان

اثبات حلال بودن عزوبت و حرمت ازدواج در آخرالزمان مبتنی بر دو استدلال مهم است که با بررسی دقیق روایت به‌دست می‌آید. این روایات با دقت و ظرافت خاصی بیانگر شرایط ویژه‌ای است که در آن ازدواج ممکن است نه‌تنها نامطلوب باشد، بلکه ترک آن، راهی مشروع و حلال شناخته شود. باتوجه به مفاد این روایات می‌توان گفت که در آخرالزمان، عزوبت جایز و حتی لازم است و به حرمت ازدواج به‌دلیل موانع و مشکلاتی که بر سر راه آن قرار می‌گیرد، تأکید می‌شود.

۵-۱. استدلال اول: ظهور حلال بودن در اباحه به‌معنای عام

عزوبت به‌خودی‌خود در صدر اسلام چنانچه منجر به فساد و گناه نمی‌شد، امری مباح بود. (رک: حرعاملی، ۱۴۰۹هـ.ق،۲۰/) اکنون که مضمون روایت به حلال بودن ازدواج نکردن و عزوبت در آخرالزمان اشاره دارد، می‌توان نتیجه گرفت که مقصود از حلیت، حلیت به‌معنای عام و وجوب عزوبت است که به‌طور طبیعی با حرمت ازدواج همراه است. به‌عبارت‌دیگر، تعیین حکم شرعی حلیت برای عزوبت در آخرالزمان باتوجه به اینکه در صدر اسلام نیز چنین حکمی وجود داشته است، بی‌معنا و لغو می‌باشد و از شخص حکیم صادر نمی‌شود. بنابراین، مقصود از حلیت در اینجا، حلیت به‌معنای عام است که با وجوب عزوبت تطابق دارد و نه حلیت به‌معنای خاص که فقط به اباحه شرعی اشاره دارد.

۵-۲. استدلال دوم: حرام بودن مقدمه‌ای که به عمل حرام منجر شود

«ما یتوقّف و یحصل به الحرام حرامٌ» یعنی، آنچه که به‌واسطه آن، امر حرامی به‌دست می‌آید و آن امر حرام متوقف بر اوست، حرام است. مانند قانونی که می‌گوید «ما یتوقف به الواجب واجبٌ»؛ یعنی آن چیز و امری که انجام یک‌واجب شرعی متوقف بر آن امر است، واجب است. (خراسانی، ۱۴۳۹هـ.ق، ۲۵۴/۱) براساس مبنایی که مقدمه حرام را حرام می‌داند باید ازدواج هم حرام باشد؛ زیرا براساس فرض مطرح شده در روایت «حلت‌العزوبه»، ازدواج به تأمین معیشت از راه غیرشرعی و حرام منجر می‌شود. ازآنجاکه کسب درآمد از راه‌های غیرشرعی حرام است، پس مقدمه آن یعنی، ازدواج نیز حرام است. درنتیجه، عزوبت به‌مثابه یک‌واجب شرعی مطرح می‌شود.

۶. تحلیل و ارزیابی اعتبار روایت «حلت‌العزوبه»

در مواجهه علمی با هر روایتی از احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و اینکه حجت است یا خیر و دلالت بر مدعا دارد یا خیر؟ باید اصل صدور روایت یعنی، بحث از سند، وجه صدور یعنی، انگیزه معصوم علیه‌السلام از سخن، رفتار و تقریر بررسی شود. گاه انگیزه، بیان حکم واقعی است و گاهی به‌انگیزه تقیه است به‌دلیل حفظ جان خود و یا شیعیان. همچنین اصل ظهور داشتن روایت در مدعا و چگونگی ظهور آن باید بررسی شود. اراده ظهور یعنی اینکه در برداشت اولیه و ابتدایی از روایت آیا مراد شارع مقدس هم‌خوان با سایر ادله است یا نه؟ بعد از بررسی این مراحل می‌توان به مضمون روایت عمل کرد و این مضمون را به شارع مقدس نسبت داد.

۶-۱. بررسی اعتبار سند روایت «حلت‌العزوبه»

این روایت را جمال‌الدین احمدبن محمدبن فهد الحلی در *کتاب التحصین فی صفات العارفین* در ضمن فایده سوم برای عزلت و مخفی بودن آورده است. این مسئله که آیا این روایت از معصوم صادر شده و از نظر سندی، صحیح و مورد اعتناست یا خیر؟ باید صحت و عدم صحت روایت براساس مبنای متأخرین و متقدمین بررسی شود. براساس مبنای متقدمین، حدیث صحیح، حدیثی است که اقتضای اعتماد را داشته باشد؛ یعنی با اصول کلی و روایات آن باب باشد، همراه قرائنی باشد که باعث اعتماد و اطمینان به آن شود و توجه آن بیشتر بر متن روایت و قرائن باشد، هرچند در سند روایت ضعفی وجود داشته باشد (شیخ بهایی، ۱۴۱۴هـ.ق). براساس این مبنا اگرچه روایت «حلت‌العزوبه» در کتب مشهور روایی نیامده است، اما باتوجه به اینکه می‌توان معنای درستی برای آن بیان کرد و با اصول کلیه مخالفتی ندارد، اقتضای اعتماد به آن وجود دارد و صحیح به‌شمار می‌رود. نقل ابن‌فهد نیز شاهد بر این است که این روایت اقتضای اعتماد و اطمینان به صدور را دارد؛ زیرا اگر اقتضای اعتماد را نداشت از نقل چنین روایتی پرهیز می‌کرد.

براساس مبنای مشهور متأخرین از علمای رجال که روایت صحیح را روایتی می‌دانند که سند آن توسط راویان عادل و امامی در تمام طبقات متصل به معصوم باشد، روایت «حلت‌العزوبه» صحت سندی ندارد (ر.ک.، شیخ بهایی، ۱۴۱۴هـ.ق). این حدیث ارسال سندی دارد؛ چون مرحوم ابن‌فهد حلی که در قرن ۷ و ۸ می‌زیست حدیث را مرسل و مستقیم بدون ذکر سند بین خود و ابن‌مسعود (از ابن مسعود) نقل می‌کند و او نیز از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند. این نشان می‌دهد که روایت از منابع اهل‌تسنن نقل شده است. همچنین خود ابن‌مسعود نیز مورد اتفاق‌نظر نیست و برخی مانند محقق خویی در *کتاب معجم الرجال* وثاقتش را غیرثابت می‌داند و به‌نقل از مرحوم کشی، عبارتی را از فضل‌بن شاذان نقل می‌کند که او ابن‌مسعود را خلط می‌داند؛ یعنی کسی‌که صحیح و ناصحیح را نقل می‌کند و این تعبیر دلالت بر ذم شخص دارد و وثاقت را از او سلب می‌کند (خویی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۳۴۴/۱۱). درمقابل، برخی مانند مرحوم مامقانی وی را توثیق کرده‌اند. وی در *کتاب تنقیح المقال فی علم الرجال* بعد از آنکه به‌طور تفصیلی ادله منکرین وثاقت را نقد می‌کند، می‌فرماید: «وبالجملة پس گفتار سید مرتضی به اینکه ابن‌مسعود بر حالت ممدوحه فوت کرده است و حاضر شدن ابن‌مسعود بر جنازه ابی‌ذر که مقتضی این است که او از افراد صالح امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است و همچنین حاضر شدن بر جنازه حضرت صدیقه کبری علیهاالسلام ، همچنین در روایت ازجمله افرادی است که مردم به‌خاطر آنها روزی داده می‌شوند و به‌خاطر آنها باران باریده می‌شود. اینها از روشن‌ترین دلایلی است که دلالت می‌کند او از ثقات است اگر در اعلا درجه وثاقه نباشد» (مامقانی، بی‌تا، ۲۱۶/۲).

برخی به‌این‌دلیل که مرحوم ابن قولویه در *کتاب کامل الزیارات* (۱۳۵۶) از او روایت نقل کرده است او را از ثقات می‌دانند، اما ازآنجاکه هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی سندی و رجالی این روایت نیست، بلکه هدف اصلی بررسی و نقد محتوی روایت است، پس به همین مقدار بسنده می‌شود؛ اگرچه نویسنده ازبین این‌دو مبنی، نظریه قدما را انتخاب می‌کند. همچنین یادآور می‌شود که احدی از محدثین و فقها اشاره‌ای به تقیه‌ای بودن این روایت نکرده‌اند. بنابراین، برای صدور روایت مشکلی ندارد و برای بیان واقع صادر شده است.

۶- ۲. ظهور یا عدم ظهور روایت در مورد وجوب عزوبت

به‌نظر می‌رسد لفظ روایت دلالت بر حلیت عزوبت دارد نه وجوب عزوبت و صرف این مدعا که «جعل حکم شرعی حلیت برای عزوبت در آخرالزمان لغو است و از حکیم صادر نمی‌شود». به‌تنهایی نمی‌تواند قرینه‌ای بر این باشد که مراد، حلیت به‌معنای اعم است که با حکم تکلیفی وجوب عزوبت تطبیق داشته باشد؛ زیرا اول اینکه، گزاره مباح بودن ازدواج در صدر اسلام گزاره ثابت شده‌ای نیست، بلکه روایات زیادی (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۹هـق، ۲۰/ ۱۳) موجود است که ثابت می‌کنند ازدواج به‌طورکلی و در هر زمانی مستحب است. دوم اینکه، تقسیم حکم حلیت به‌معنای اعم و اخص از اصطلاحات فقهی است که فقها بعد از صدور امثال این روایات وضع کرده‌اند و نمی‌توان روایت «حلت‌العزوبه» را بر آن حمل کرد. سوم اینکه نمی‌توان از لغو بودن حکم مشابه، حلیت به‌معنای اعم را استنباط و روایت فوق را بر وجوب عزوبت تطبیق کرد؛ زیرا لغویت درصورتی پیش می‌آید که شرایط معیشتی صدر اسلام و شرایط معیشتی آخرالزمان به‌طور یکسان باشد تا اگر حکم حلیت در آخرالزمان جعل شد، اشکال لغویت را بتوان مطرح کرد. ازآنجاکه شرایط معیشتی در زمان‌های قبل آسان‌تر بود، چنانچه در آخرالزمان حکم حلیت برای ازدواج جعل شود هیچ‌گونه لغویتی پیش نمی‌آید. چهارم اینکه، استدلال مورد ادعا از نظر منطقی اعم از مدعاست؛ زیرا برفرض، روایت ظهور در حلیت به‌معنای عام باشد، اما همان‌طور که گفته شد حلیت به‌معنای عام، چهار مصداق وجوب، استحباب، کراهت و اباحه به‌معنای خاص دارد و فقط یک‌مصداق آن می‌تواند وجوب عزوبت باشد. نتیجه اینکه هیچ دلیلی بیان نشده است که ظهور روایت، متعین در مصداق وجوب باشد.

۶- ۳. تحلیل اراده شارع مقدس در فرض ظهور روایت «حلت‌العزوبه» در وجوب عزوبت

فرضیه اول) برفرض صحت سند و ظهور داشتن در مدعای وجوب عزوبت، این روایت با روایات کثیره در مورد نکاح که ناطق بر استحباب اکید و در مواردی بر وجوب ازدواج دلالت دارند، تعارض دارد. ازآنجاکه شهرت روایی نزد مشهور فقها یکی از مرجحات سندی است (خویی، ۱۴۱۸هـ.ق، ۱۶۲/۴) این روایات مقدم می‌شوند.

«علی‌بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن ابان‌بن عثمان عن حریز عن ولیدبن صبیح عن ابی عبدالله قال علیه‌السلام: من ترک التزویج مخافه العیله فقد اساء بالله الظن؛ امام صادق علیه‌السلام فرمود: هرکس ترک کند ازدواج نمودن را به‌خاطر ترس از حاجت و فقر، پس همانا گمان بد به خداوند نموده است». (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۳۳۰/۵)

روی عن محمدبن ابی عمیر عن حریز عن الولید قال قال ابوعبدالله علیه‌السلام: «من ترک التزویج مخافة الفقر فقد اساء بالله عزوجل انّ الله عزوجل یقول: ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله؛ هر شخصی که ترک کند ازدواج نمودن را به‌خاطر ترس از فقر و تنگدستی پس همانا گمان بد به خداوند داشته است. خداوند متعال می‌فرماید: چنانچه تنگدست و فقیر بودید خداوند شما را بی‌نیاز می‌کند از فضل و بخشش خود» (ابن بابویه، ۱۴۱۳هـ.ق، ۳۸۵/۳).

همچنین در روایات زیاد دیگری (ر.ک.، مجلسی، ۱۳۹۵، ۱۰۳/-) این مطلب بیان شده است. توضیح اینکه در برخی از روایات امر به تزویج شده است و امر، ظهور در وجوب دارد. با چشم‌پوشی از دلالت عمومی این روایات بر وجوب تزویج در همه مصادیق، باز هم در مواردی مانند خوف از وقوع در حرام و یا اینکه در ترک آن مظنه ضرر باشد و یا موارد دیگر که در کتب فقهی مطرح است تزویج واجب خواهد بود. علامه طباطبایی در کتاب مصابیح (به‌نقل از محقق‌نجفی، ۱۴۰۴هـ.ق، ۱۳/۲۹) برای اثبات وجوب کفایی ازدواج فرمود: «اما وجوب کفایی یعنی، وجوب ازدواجی که نوع بشری به‌واسطه آن حفظ می‌شود مقطوع‌الثبوت است، حتی اگر اهل شهری از ازدواج امتناع کردند، حاکم شرع می‌تواند آنها را اجبار بر نکاح کند تا اینکه نوع بشری ازبین نرود». صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴هـ.ق، ۱۳/۲۹) وجوب نکاح را از داود الظاهری به‌طور مطلق و از برخی دیگر در مورد کسانی‌که اشتیاق داشته باشند، نقل کرده است. اگرچه مرحوم صاحب جواهر در وجوب، مناقشه کرده

است، اما به‌واسطه ضمیمه فتاوی فقهیه به روایات درصورت حداقلی، استحباب ازدواج امری ثابت و حتی در مواردی واجب است و یک‌روایت نمی‌تواند در مقابل روایاتی که شهرت روایی دارند، معارضه کند و از حجیت ساقط می‌شود.

اگر انتقادی با این بیان مطرح شود که ادله احکام غیرالزامی (مستحب، مباح، مکروه) در برابر احکام الزامی (حرام، واجب) به‌ویژه آن حکم غیرالزامی و مستحبی که خود از مقدمات حکم الزامی است، قدرت مقاومت ندارند (انصاری، ۱۴۳۸هـ.ق، ۳۰۸/۱) و اینکه ازدواج کردن بنفسه مستحب و مقدمه امر حرام یعنی، امرار معاش از راه حرام شده است، بحث مرجحات باب تعارض مطرح نمی‌شود. در این‌گونه موارد، حکم ذی‌المقدمه یعنی، حرمت، به مقدمه یعنی، استحباب سرایت می‌کند. بنابراین، وقتی مستحبی مقدمه حرام شد آن مستحب از استحباب خارج و حکم ذی‌المقدمه که حرمت است به مقدمه یعنی، ازدواج سرایت کرده و در نتیجه ازدواج حرام می‌شود. پاسخ به این اشکال بدین‌صورت است که اول، برخی از روایات با ضمیمه فتوای فقها ناطق به وجوب ازدواج است. درنتیجه تعارض بین دو حکم فعلی خواهد بود. دوم اینکه اگر مقدمه حرام هم حرام بوده باشد، اختلاف‌نظر بین فقهاست. برای مثال، مرحوم آخوند در کتاب کفایه الاصول در بحث مقدمه حرام می‌فرماید: «مقدمه حرام و مکروه متصف به حرمت و کراهت نمی‌شود؛ زیرا ممکن است برخی از این مقدمات را آورد، اما مرتکب حرام و مکروه هم نشود (خراسانی، ۱۳۸۹، ۲۵۴/۱)؛ همانند مانحن فیه که ممکن است به استحباب تزویج عمل کرد و از راه حلال تأمین معیشت کرد و مرتکب حرام هم نشد. ازآنجاکه این مقدمه هیچ دخلی در ارتکاب حرام و مکروه ندارد از طلب ترک ذی‌المقدمه یعنی، حرمت امرار معاش از راه حرام، طلب ترک مقدمه یعنی، ازدواج کردن ترشح نمی‌شود. اگر در فرضی مکلف نتواند با انجام مقدمه، حرام یا مکروه را ترک و امتثال نهی کند مقدمه نیز مطلوب‌الترک و مرجوح خواهد بود، اما در مانحن‌فیه چنین نیست؛ زیرا می‌توان ازدواج کرد، اما امرار معاش از راه حلال هم داشت. روشن است که اگر شخص بتواند امر استحبابی ازدواج را امتثال کند و مرتکب حرام هم نشود وجهی برای حرمت مقدمه یعنی، ازدواج کردن باقی نمی‌ماند.

فرض دوم) ممکن است گفته شود حرمت ازدواج یا وجوب تجرد، حکم ارشادی است نه مولوی؛ یعنی نسبت بین ازدواج و اکل مال حرام از میان نسب اربعه، عموم و خصوص من‌وجه است. وجه افتراق از ناحیه اکل مال حرام آن صورتی است که اکل حرام از اسباب دیگر غیر از ازدواج باشد. وجه افتراق از ناحیه ازدواج درصورتی است که ازدواج باشد و از راه حلال امرار معاش کند و اکل حرام حاصل نشود. مورد اجتماع هم جایی است که امرار معاش برای زندگانی و ازدواج از راه حرام باشد. حضرت در مورد اجتماع که اکل حرام از راه ازدواج باشد، فرمود: «ازدواج نکردن حلال است». باتوجه به روشن شدن نسبت بین اکل حرام و ازدواج می‌توان گفت، ممکن است حرمت ازدواج ارشادی بوده باشد که باتوجه به وجود مناط و مصلحت و مفسده در طرفین (مصلحت در ازدواج کردن و مفسده در اکل مال حرام) نوبت به قواعد باب تزاحم می‌رسد که قاعده در باب تزاحم اخذ به اقوی‌المناطین است و در تزاحم بین امر مستحب و حرام، مناط حرام اقوی است. درنتیجه، حکم شرع مستفاد از این روایت، حکم شرعی ارشادی و ناطق به اقوائیت مناط و مفسده در اکل مال حرام است نه اینکه حکم شرعی مولوی باشد، نیاز باشد تا به آن تمسک کرد و حرمت ازدواج و وجوب عزوبت را ثابت کرد.

فرض سوم) به‌نظر می‌رسد بیان حضرت رسول اکرم ﷺ در روایت مورد بحث، عمومیت داشته باشد؛ از باب العله تعمم و تخصص با این توضیح که هرچیزی موجب به‌خطر افتادن و نقصان در دین اشخاص شود باید از آن پرهیز شود. همان‌طور که ازدواج اگر موجب تهدید و به‌خطر افتادن دین انسان شود باید از آن اجتناب کرد این اصل در سایر امور مندرج در روایت نیز صادق است مانند پدر، مادر، فرزندان، فامیل و همسایگان که اگر ارتباط با این اشخاص موجب نقصان در دین شد باید از آنها پرهیز کرد. برای نمونه در مورد والدین چنانچه ارتباط با آنها موجب شود که شخص از راه غیرمشروع کسب درآمد کند آیا بااستناد به این روایت می‌توان حکم به قطع ارتباط با والدین کرد؟ روشن است که هرگز چنین فتوایی صحیح نیست و شرع مقدس اجازه قطع رحم را نمی‌دهد. برای عدم ارتکاب حرام و برقراری ارتباط با والدین راه‌حل‌هایی ارائه شده است.

نکته مهم این است که بادقت در روایات علائم آخرالزمان و سیاق این نوع احادیث مشخص می‌شود که این برداشت صحیح نیست؛ زیرا روایاتی مانند «یاتی علی الناس» و «زمان دنانیرهم دینهم» (شعیری، بی‌تا، ۱۲۹/۱) از نظر فقه‌الروایه مشتمل بر چند مطلب است: اول اینکه این دسته روایات از اخبار غیبیه هستند که جایگاه علمی معصومین علیهم‌السلام را تبیین می‌کنند؛ دوم اینکه، اهل‌بیت علیهم‌السلام اعلام هدایت هستند و در مقام هدایت مردم تحذیر می‌کنند که عموم مردم در آخرالزمان متوجه سختی حفظ دین خود باشند و به هیچ‌وجه در مقام منع از تجارت و کسب درآمد نیستند که چون «دنانیرهم دینهم» پس سراغ کسب درآمد نروید، بلکه می‌خواهد بگوید که دقت کنید تجارت موجب ازدست رفتن دین شما نشود، نه اینکه روایات رجحان و استحباب کسب حلال قید بخورد. در اینجا هم مقصود این است «دقت کنید که ازدواج، شما را به‌سمت خروج از دین و ازدست دادن معالم شریعت نبرد». سیاق روایات اشراط الساعه دلالت دارد که این روایات مانع و زاجر از ازدواج نیست، بلکه به امری خارجی در واقعیت بیرون اشاره دارد که توجه و التفات مسلمانان را زیاد کند.

فرض چهارم) در علم اصول آمده است: «چنانچه امری بعد از حظر بیاید و یا بالعکس صیغه نهی بعد از امر بیاید دلالت مطابقی آنها یعنی، دلالت بر وجوب در امر و دلالت بر حرمت در نهی مراد نیست، بلکه معنای کنایی از آنها اراده شده است؛ یعنی حرمت برداشته شده و در دومی وجوب مرتفع شده است». (روحانی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۳۰۱/۵) توضیح اینکه اگر صیغه امر بود و بعد از آن، صیغه نهی بیاید برای پی‌بردن به معنای نهی باید اول، مراد از صیغه امر دریافت شود. اگر امر دلالت بر وجوب داشته است بعد از آنکه نهی وارد شد، الزام آن برداشته می‌شود. اگر امر دلالت بر استحباب اکید داشت، تأکید آن برداشته می‌شود. چنانچه دلالت بر استحباب داشته است، استحباب آن مرتفع می‌شود و اباحه باقی می‌ماند. ازآنجاکه حکم اولیه ازدواج، استحباب است بعد از آمدن این روایت و فرض پذیرش دلالت آن بر حرمت ازدواج می‌توان گفت که چون این نهی بعد از امری آمده است که بر استحباب دلالت دارد، بنابراین در آخرالزمان استحباب ازدواج برداشته شده است و اباحه آن باقی می‌ماند؛ در نتیجه بازهم نمی‌توان حکم به حرمت ازدواج داد و اینکه در آخرالزمان، استحباب ازدواج برداشته شده است.

فرض پنجم) عمل به استصحاب مورد قبول تمام فقهاست. جریان استصحاب در این مسئله این است که ازدواج در صدر اسلام امری متیقن و مستحب است و هیچ‌گونه شکی در آن راه ندارد چنانچه روایات زیادی بر آن دلالت دارد. اگر در آخرالزمان به‌واسطه امثال این روایت حکم آن مورد شک واقع شود ازآنجاکه قطع به واقع نیست و اماره معتبری که مختص آخرالزمان باشد هم نیست، وظیفه جاهل به حکم این است که باید به اصول عملیه‌ای که برای جاهل به حکم قرار داده شده است، رجوع کند. اصل مناسب با حکم این موضوع استصحاب است؛ زیرا حالت سابقه متیقنه که استحباب است، وجود دارد و بقای آن در آخرالزمان مشکوک است. درنتیجه با اجرای این استصحاب، استحباب ازدواج در آخرالزمان هم ثابت خواهد بود. استصحاب در اینجا از نوع استصحاب حکم کلی است و جریان استصحاب در حکم کلی براساس نظر مشهور از علمای اصول است. برخی از علما ازجمله مرحوم نراقی و مرحوم خویی استصحاب را در احکام کلی جاری نمی‌دانند (نراقی، ۱۴۱۵هـ.ق، ۴۹۵/۲؛ خویی، ۱۴۳۴هـ.ق، ۴۰/۳).

التزام به استحباب ازدواج براساس اصل استصحاب درصورتی است که ادله اجتهادی در مورد عمل به احکام صادره در صدر اسلام وجود نداشته باشد درحالی‌که چنین احادیثی در دسترس است. (ر.ک.، ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۳۴۸/۲) روایاتی موجود است که به احکام قبلی و مسلم ارجاع می‌دهند. اگر در استحباب ازدواج که از صدر اسلام امری ثابت بوده است، شک شود و احتمال حرمت آن در آخرالزمان باشد باید تا زمانی‌که حکم ناقض قطعی آن به‌دست نرسیده همان حکم اولی را انتخاب و به آن عمل کرد، همانند روایات زیر که در کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه آمده است:

«حدثنا محمدبن موسی‌بن المتوکل: قال حدثنا عبداللَّهِ‌بن جَعفر الْحمیریّ عن أَحمدَبن محَمَّدِبن عیسی وَ محمَّدبن

عِیسی‌بن عبیدٍ عَنِ الحسنِ‌بن محبوبٍ عن یونس‌بن یعقوب عَمَّن أَثبتهُ عَن أَبِي عَبدِاللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: کَیف اَنتم إِذا بَقیتُم دَهراً مِن عُمُرِکُم لَا تعرفون إِمَامکُم قِیلَ لَهُ فَإِذَا کَانَ ذلك فکیف نصنع قَالَ تمسَّکُوا بِالأَمرِ الأَوَّلِ حَتَّی یستبین لَکُم؛ از امام صادق علیه‌السلام است که فرمود: در چه حالی خواهید بود آن زمان که زنده باشید و مقداری از عمر شما گذشته باشد و امام خود را نشناسید [اشاره به آخرالزمان]. به حضرت عرض شد که در آن زمان چگونه عمل کنیم؟ حضرت فرمود: چنگ بزنید و تمسک کنید به همان حکم اول تا اینکه حکم واقعی آن برای شما روشن شود». (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۳۴۸/۲)

وجه دلالت روایت بر مدعا: حضرت در جواب این سؤال که در آخرالزمان آن هنگام که امام و حجت خدا از دیدگان مخفی هست و به‌صورت عادی حکم الله حقیقی نامشخص است چگونه باید به وظایف شرعی عمل کرد، فرمود: «در این هنگام باید به همان حکمی که در صدر اسلام بیان شده است، تمسک شود». در بحث پژوهش حاضر نیز چنین است؛ زیرا امر ازدواج در صدر اسلام مستحب بوده است و در آخرالزمان هم چنانچه به‌واسطه امثال این روایت در حکم استحبابی ازدواج شک شود براساس این گروه از روایات باید به حکم اولیه آن یعنی، استحباب ازدواج ملتزم شد.

«حدثنا أَبِي وَ مُحَمَّدبن الحسن‌بن أَحمدبن الولِیدِ عَنهُمَا قَالا حدثنا مُحَمدُبن الحَسَن الصفار عَن العَبَّاسِ‌بن معروف عَن عَلِي‌بن مهزیار عَنِ الحسن‌بن مَحبُوبٍ عن حَمَّادبن عِیسی عن إِسحَاق‌بن جرِیر عَن عبدِاللَّهِ‌بن سِنَانٍ قَالَ: دخلت أَنَا وَ أَبِي علی أَبِي عبداللَّهِ فَقال: کَیف أَنتم إِذا صرتم فِي حالٍ لا ترونَ فیها إِمامَ هُدی وَلا علَماً یُرَی وَلا یَنجُو مِنها إِلا مَن دَعَا دُعاءَ الغَرِیقِ فقال له أَبِي إِذا وقع هذا لَیلًا فکیف نَصنعُ فقال أَمَّا أَنت فَلا تُدرِکهُ فَإِذا کَان ذلك فَتمسَّکُوا بِما فِي أَیدِیکُم حَتَّی یَتضِح لکم الامر؛ عبدالله‌بن سنان می‌گوید: من و پدرم داخل شدیم بر امام صادق علیه‌السلام. حضرت فرمود: در چه حالی خواهید بود زمانی‌که درحالی باشید که امام هدایتگری نبینید و از آن حال نجات پیدا نکند مگر شخصی که دعا غریق را بخواند؟ ابن سنان می‌گوید: پدرم از حضرت سؤال کرد که چنانچه در شبی این واقعه اتفاق افتاد، چگونه عمل کنیم؟ حضرت فرمود: تو آن زمان را درک نخواهی کرد. آن زمان که فرا رسد، پس تمسک کنید به آنچه از اخباری که نزد شماست تا اینکه واقع امر برای شما آشکار شود». (ابن‌بابویه، ۱۳۹۵، ۳۴۸/۲)

وجه دلالت روایت بر مدعا: امام صادق علیه‌السلام در مقام بیان قاعده برای اشخاصی است که در آخرالزمان زندگی می‌کنند و نمی‌توانند به حکم الله واقعی دسترسی داشته باشند که این موضوع را از تعبیر «ولا علما یری» می‌توان دریافت. حضرت، می‌فرماید: «در چنین مواقعی به اخبار و احکامی که تابه‌حال نزد شما بوده و مورد عمل بوده است، تمسک کنید». در موضوع مورد بحث پژوهش حاضر نیز چنین است؛ زیرا ازدواج کردن قبل از آخرالزمان مستحب بوده است و بر فرض اینکه در آن شکی پدید آید، باید به همان استحباب ملتزم بود و عمل کرد.

همچنین در روایات آمده است که امری را که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله حلال کرده باشد تا روز قیامت حلال باقی می‌ماند و امری را که حرام کرده باشد تا روز قیامت حرام باقی می‌ماند. (ر.ک.، صفار، ۱۴۰۴هـ.ق، ۱۴۸/۱) همچنین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سفارشات تأکیدی به ازدواج داشته است و چنانچه شکی هم در مورد حکم ازدواج در آخرالزمان پدید آمده باشد، به‌واسطه روایت فوق برطرف می‌شود. این روایت در کتاب بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد آمده است که عبارتند از:

«حدثنا إِبراهیم‌بن هاشمٍ عن یحیی‌بن أَبي عمرانَ عن یونس عن حمّادٍ قال سمعت أَبا عبدالله یقول: ما خلق الله حلالا ولا حراماً إِلا وله حدّ کحد الدّورِ وإِنَّ حلالَ محمَّدٍ حلالٌ إِلَی یوم القِیامة وحرامه حرامٌ إِلی یوم القیامةِ و الخ؛ حماد می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که فرمود: خداوند هیچ حلال و حرامی را خلق نکرده است مگر اینکه حد و اندازه‌ای دارد مانند دیوار خانه‌ها و همانا حلال محمد حلال است تا روز قیامت و حرام او حرام است تا روز قیامت». (صفار، ۱۴۰۴هـ.ق، ۱۴۸/۱)

نتیجه‌گیری

مراد از حلیت در روایت«حلت‌العزوبه...»، بالمعنی الاعم و تطبیق با وجوب عزوبت دارد که حرمت ازدواج را درپی خواهد داشت. این روایت از دیدگاه علمای متقدم صحیح است. در پژوهش حاضر نیز همین نظر برگزیده شد. از دیدگاه بسیاری از متأخرین مبنی بر اینکه حجیت روایت از راه وثوق مخبری ثابت باشد این روایت فاقد حجیت سندی است. لفظ روایت «حلت‌العزوبه...» دال بر حلیت عزوبت است نه وجوب عزوبت. همچنین برفرض صحت سندی و ظهور در مدعای حرمت ازدواج، روایت «حلت‌العزوبه...» با روایات کثیری که بر استحباب اکید ازدواج دلالت دارند، تعارض دارد.

می‌توان با نگاه دیگری این روایت «حلت‌العزوبه...» را بررسی کرد که در این صورت ازدواج با امرار معاش از راه حرام تزاحم دارد و قاعده مربوط به تزاحم، حکم به مقدم شدن جانب حرمت دارد. باتوجه به قرینه سیاق می‌توان نتیجه گرفت که باید با بهره‌گیری از تدابیر عاقلانه، مشکلات مربوط به امرار معاش به‌طور مؤثری حل و فصل شود. از حلال بودن ازدواج در آخرالزمان معنای کنایی اراده شده است؛ یعنی آن استحباب موکدی که در صدر اسلام ثابت بوده به‌دلیل مشکلات موجود در آخرالزمان دیگر آن تأکید وجود ندارد. با این‌حال، اگر در حکم استحبابی ازدواج شبهه‌ای باشد، می‌توان از اصل عملیه استصحاب کمک گرفت. براساس مضمون روایات «حلت‌العزوبه...»، اشخاص مکلف به احکام قبلی و مسلّم هستند تا زمانی‌که ناقض قطعی به‌دست آید و در مورد ازدواج، چنین ناقضی به‌دست نرسیده است.

ارتباط این نتایج با پرسش اصلی در این نکته نهفته است که پس از تأیید صحت آن از نظر قدما بررسی دلالت آغاز و روشن می‌شود که لفظ روایت دال بر حلیت است نه وجوب. اگر هم این لفظ در وجوب ظهور داشته باشد، این معنا با روایات دیگر تعارض می‌کند و یا اینکه ازدواج با امرار معاش از راه حرام تزاحم ایجاد می‌کند. همچنین، باوجود قرینه سیاق و عدم امکان استناد به ظهور، اطلاقی در سایر فقرات روایت نمی‌توان به‌صرف وجود مشکل در امرار معاش، حکم به حرمت ازدواج صادر کرد. بنابراین، ازدواج همچنان عملی مستحب باقی می‌ماند. درنهایت، درصورت باقی ماندن هرگونه شک از استصحاب، بهره‌برداری و حکم استحباب ازدواج جاری می‌شود. بدین‌صورت از برداشت اولیه روایت پاسخ علمی داده می‌شود.

پیشنهاد می‌شود موضوع ازدواج در آخر الزمان با نگاه به آیات و روایات دیگری که در ارتباط با این موضوع است، در پژوهشی مستقل بررسی شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان تأکید می‌کنند که کلیه اصول اخلاقی در انجام و انتشار این پژوهش رعایت شده است. این موضوع توسط تمامی نویسندگان تأیید شده است.

عدم سوءرفتار علمی

مواردی مانند جعل داده‌ها، تحریف نتایج، سرقت ادبی (پلجیاریسم) و هرگونه رفتار غیراخلاقی دیگر در این پژوهش به‌طور جدی پرهیز شده است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان به‌صورت مساوی در طراحی پژوهش، نگارش مقاله، و ویرایش نسخه‌های نهایی مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

نویسندگان عدم وجود تعارض منافع (Conflict of Interest) را در ارتباط با این پژوهش اعلام می‌کنند. به عبارت دیگر، هیچگونه منافع مالی یا شخصی که بر نتایج تحقیق تأثیرگذار باشد، وجود نداشته است.

حامی مالی

این پژوهش بدون دریافت هرگونه حمایت مالی از سازمان‌های دولتی، تجاری یا غیرانتفاعی انجام شده است.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله، از مؤسسه تخصصی امام حسن عسکری علیه‌السلام، به‌ویژه حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای ابراهیمی که حامی معنوی پژوهش حاضر بودند، قدردانی می‌کنند.

منابع

ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۹۵). *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*. محقق: غفاری، علی‌اکبر. تهران: اسلامیه.

ابن بابویه، محمدبن علی (۱۴۱۳هـ.ق). *من لا یحضره الفقیه*. محقق: غفاری، علی‌اکبر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن فهد الحلی، احمدبن محمد (۱۴۰۶هـ.ق). *التحصین فی صفات العارفین*. مصحح: مدرسه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف. قم: مدرسه الامام المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.

اردبیلی، احمدبن محمد (بی‌تا). *زبده البیان فی احکام القرآن*. محقق: بهبودی، محمدباقر. تهران: المکتبه الجعفریه لاحیاء الآثار الجعفریه.

انصاری، مرتضی (۱۴۳۸هـ.ق). *المکاسب*. محقق: لجنه تحقیق تراث الشیخ الاعظم. قم: مجمع الفکر الاسلامی.

انصاری، مرتضی (۱۴۳۸هـ.ق). *فرائد الاصول*. محقق: تراث الشیخ الاعظم. قم: مجمع الفکر الاسلامی.

جعفری هرندی، محمد (۱۳۹۳). ملاک و چگونگی بکارگیری تقیه در دوره حضور معصومان. *نشریه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۱۰(۳۵)، ۱۱- ۴۴.

حر عاملی، محمدبن الحسن (۱۴۲۵هـ.ق). *اثبات الهداه بانصوص و المعجزات*. بیروت: اعلمی.

حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹هـ.ق). *تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. محقق: مؤسسه آل‌البیت. قم. مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

حمیری، عبدالله‌بن جعفر (۱۴۱۳هـ.ق). *قرب الاسناد*. محقق: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام. قم: انتشارات کعبه.

خراسانی، محمدکاظم (۱۳۸۹). *کفایه الاصول*. محقق: زارعی سبزواری، علی. قم: انتشارات مجمع الفکر الاسلامی.

خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳هـ.ق). *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الروات*. بی‌جا: بی‌نا.

خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۸هـ.ق). *موسوعه الامام الخویی*. تهران: مؤسسه احیاء الاثار الامام خویی.

خویی، ابوالقاسم (۱۴۳۴هـ.ق). *مصباح الاصول*. محقق: مؤسسه نشر الفقاهه. تهران: مؤسسه النشر الاسلامی.

روحانی، سید محمد (۱۴۱۳هـ.ق). *منتقی الاصول*. تقریرات عبدالصاحب حکیم. قم: دفتر آیت‌الله حسینی.

شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۴۱۹هـ.ق). *کتاب نکاح*. قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز.

شعیری، محمدبن محمد (بی‌تا). *جامع الاخبار*. نجف: مطبعه حیدریه.

شیخ بهایی، محمدبن حسین عاملی (۱۴۱۴هـ.ق). *مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین*. محقق: رجایی، سید مهدی. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه

صفار، محمدبن حسن (۱۴۰۴هـ.ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد* علیهم‌السلام. محقق: کوچه‌باغی، محسن‌بن عباسعلی. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷هـ.ق). *الکافی*. مصحح: غفاری، علی‌اکبر.، و آخوندی، محمد. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مامقانی، عبدالله (بی‌تا). *تنقیح الرجال فی علم الرجال*. بی‌جا: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۵). *بحارالانوار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

موسوی تهرانی، سیدرسول (۱۳۹۲). *مجمع الفوائد فی شرح الفرائد*. محقق: مؤسسه آیت‌الله بروجردی. قم: مجد اسلام.

نایینی، محمدحسین (۱۳۷۶). *فواید الاصول*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴هـ.ق). *جواهرالکلام فی شرح شرایع‌الاسلام*. محقق: قوچانی، عباس.، و آخوندی، علی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

نراقی، مولی احمدبن محمدمهدی (۱۴۱۵هـ.ق). *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

نصیری وطن، جواد.، و ایمانی، هادی (۱۳۹۹). رمزگشایی حلال بودن مجردی در آخرالزمان. *نشریه حدیث و اندیشه*، ۱۵(۳۰)، ۱۴۹- ۱۷۲.

نوری، حسین‌بن محمدتقی (۱۴۰۸هـ.ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

هلالی، سلیم‌بن قیس (۱۴۰۵هـ.ق). *کتاب سلیم‌بن قیس الهلالی*. محقق: انصاری زنجانی خوییني، محمد. قم: الهادی.

Al-Mustafa International University

The Islamic Journal of Women and the Family

Print ISSN: 2538-6190 Online ISSN: 2717-4085

Homepage: https://pzk.journals.miu.ac.ir

The Mythological, Educational, and Psychological Position of the Story of Siavash and Sudabeh in Ferdowsi's Shahnameh and Its Global Similarities

Mohammad Fouladi ✉[1], and **Atefeh Soltan Moradi**[2]

1. Corresponding author, Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Qom, Qom, Iran.
Email: dr.mfolidi@gmail.com 0000-0003-3580-3975
2. Ph.D. in Persian Language and Literature, University of Qom, Qom, Iran.
Email: asoltanmoradi1394@gmail.com 0000-0001-9254-1098

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 18 February 2025
Received in revised form 25 April 2025
Accepted 18 May 2025
Available online 30 May 2025

Keywords:
Siavash,
Sudabeh,
Ferdowsi's Shahnameh,
myth of purity,
mythological similarities,
psychological analysis of myth,
comparative mythology.

ABSTRACT

Objective: The present research was conducted with the aim of recognizing and analyzing the mythological, educational, and psychological position of the story of Siavash and Sudabeh in Ferdowsi's Shahnameh, as well as identifying and examining the global similarities of this story.

Method: This study was conducted using the analytical-documentary method of written works related to the research topic.

Results: The findings showed that the character of Siavash in Shahnameh, as a symbol of purity and innate purity, has structural and semantic similarities with figures such as the Prophet Joseph and the Prophet Abraham; in such a way that despite unjust accusations, he accepts captivity and death in exile, but resists Sudabeh's sinful temptations and endures the difficult test of passing through fire to prove his innocence. This story also has parallels in the mythologies of other nations, including the story of «Rama and Sita» in Indian mythology, «Jo Wang and Sudagi» in Chinese mythology, and «Phaedra and Hippolytus» in Greek mythology. From a psychological perspective, the main characters of this story are compatible with the concepts of the id, ego, and superego in psychoanalytic theory. Siavash's upbringing is a manifestation of the archetype of the «wise old man» and his tests are an example of the «hero's test». In addition, the character of Sudabeh manifests the «negative anima»..

Conclusion: The story of Siavash and Sudabeh in Ferdowsi's Shahnameh is a narrative beyond a tragedy that contains hidden mythological, educational, and psychological layers. This story, while having common features with the mythologies of different nations, can be examined as a model for moral education and analysis of the archetypes of characters

Cite this article: Fouladi, M., & Soltan Moradi, A. (2025). The Mythological, Educational, and Psychological Position of Story of Siavash and Sudabeh in Ferdowsi's Shahnameh and Its Global Similarities. *The Islamic Journal of Women and the Family,* 13 (2), 127 -144. https://doi.org/10.22034/IJWF.2024.18818.2279

© The Author(s).retain the copyright and full publishing rights
Publisher: Al-Mustafa International University.
DOI: https://doi.org/10.22034/IJWF.2024.18818.2279

Introduction

One of the important factors influencing the culture and civilization of a people is the literary works and masterpieces and poems of the great poets and thinkers of that people. This important element plays a significant role in culture-building and culture-burning. Among these works is Ferdowsi's Shahnameh, which is considered a symbol and manifestation of the history and culture, customs, habits and beliefs of ancient Iran. Ferdowsi's eternal epic plays a significant role in the formation of Iranian culture and ethics. One of the important, instructive and influential stories in the individual, family and social ethics of Iranians is the story of Siavash and Sudabeh in Ferdowsi's Shahnameh, which in some ways is similar to the story of «Joseph and Zuleikha» in the Quran. For Iranians and Persian-speaking people, Siavash is considered a national Joseph and is a symbol of purity and innocence of the soul in contrast to Sudabeh's sensual, lustful and sinful desires. Examining this Iranian story and myth will help young people, Iran lovers, and Islamic-Iranian believers better understand myths (Eslami Nadoushan, 1997).

Method

This research was conducted using a documentary-analytical method and using library resources and written works related to the research topic. In this research, first, the importance of myth and symbols was examined and then the story of Siavash and Sudabeh in the Shahnameh was analyzed. This story was also studied in a comparative manner with its examples in other nations, such as the story of the Prophet Abraham, Ramayana, Hippolytus and Sudagi. The main sources used were the authoritative correction of the Shahnameh by Khaleghi Motlagh (2007) and related mythological and research texts.

Results

The findings showed that the character of Siavash in Shahnameh, as a symbol of purity and innate purity, has structural and semantic similarities with figures such as the Prophet Joseph and the Prophet Abraham; in such a way that Siavash accepts captivity and death in exile despite unjust accusations, but resists the sinful temptations of Sudabeh and endures the difficult test of passing through fire to prove his innocence. This story also has similarities in the mythologies of other nations, including the story of «Rama and Sita» in Indian mythology (Miki and Das, 2000), «Yin-Giao and Sudagi» in Chinese mythology (Koyaji, 1974), and «Phaedra and Hippolytus» in Greek mythology (Eslami Nadoushan, 1967).

From a psychological perspective, the main characters of this story are compatible with the concepts of the id, ego, and superego in psychoanalytic theory. Siavash's upbringing by Rostam is an example of the «wise old man» archetype, and his tests are an example of the «hero's test». Moreover, the character of Soudabeh is a manifestation of the «negative anima» (Jung, 2014). In this story, Soudabeh is the symbol of the «id» (the pleasure principle), Siavash is

the symbol of the «superego» (conscience and idealism), and Keykavus is the representative of the «ego» (the search for balance between the id and the superego) (Alavi Moghadam and Sadeghimanesh, 2015). Ferdowsi sings in expressing these symbolic concepts: «Do not know this (Shahnameh) as a lie and a fable / do not think of it as the same as the banal and entertaining stories of the day»; «Whatever is understandable and acceptable to reason from it (Shahnameh) / what goes beyond that has deeper meanings» (Firdowsi, 2009, 1/12).

In a comparative study, the story of «Rama and Sita» in the Ramayana has many similarities with the story of Siavash, including loyalty to the covenant, perseverance in the face of trials, and the role of intrigue in advancing the tragedy. In both works, the moral virtues, self-control, chastity, and respect for elders are emphasized. In Chinese mythology, the story of «Jo Wang and Sudagi» also has a striking similarity with the story of Siavash in terms of the theme of forbidden love, intrigue, and trial by fire. Koyaji (1974) points out the structural similarities and even the similarity of names between these two epics. In addition, the story of «Phaedra and Hippolytus» in Greek mythology, which was recreated by Euripides and then Racine, has a striking similarity with the story of Siavash and Sudabeh in terms of the theme of the unrequited and sinful love of a stepmother for her stepson and its tragic consequences (Eslami Nadoushan, 1967).

Conclusions

The story of Siavash and Sudabeh in Ferdowsi's Shahnameh is a narrative beyond a tragedy that contains hidden mythological, educational, and psychological layers. This story, while having common features with the mythologies of different nations, can be examined as a model for moral education and analyzing the archetypes of characters. Siavash as a symbol of purity and innocence of the soul and Sudabeh as a manifestation of filth and negative anima, along with an intermediary character like Keykavus, display the three main parts of the psyche (the id, ego, and superego). The educational role of the «wise old man» like Rostam in cultivating a moral hero like Siavash is important. As Hafez Shirazi points out: «Do not pass this stage without the guidance of Khezr (a helper) / it is darkness, be afraid of the danger of going astray» (Hafez Shirazi, 2020). This story and its global similarities can be considered as a model for the younger generation to persevere in moral virtues and avoid sin, in light of the guidance of knowledgeable educators.

Author Contributions

All authors participated equally in the design of the study, writing the article, and editing the final versions.

Data Availability Statement

Data available on request from the authors.

Acknowledgements

The authors of the research would like to thank all researchers in the fields of epic poetry, mythological poetry, and comparative literature who provided and paved the way for research on this topic

Ethical Considerations

Cases such as falsification of data, distortion of results, plagiarism, and any other unethical behavior have been strictly avoided in this study.

Funding

This study was conducted without receiving any financial support from government, commercial, or non-profit organizations

Conflict of Interest

The authors declare that there are no conflicts of interest in connection with this study. In other words, there were no financial or personal interests that could affect the results of the study.

پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده
شاپا چاپی: ۶۱۹۰-۲۵۳۸ شاپا الکترونیکی: ۴۰۸۵-۲۷۱۷
Homepage: https://pzk.journals.miu.ac.ir

جایگاه اسطوره‌های تربیت داستان سیاوش و سودابه در شاهنامه فردوسی و همانندهای جهانی آن

محمد فولادی[1] ✉، عاطفه سلطان مرادی[2]

۱. نویسنده مسئول، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: dr.mfoladi@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: asoltanmoradi1394@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

کلیدواژه‌ها:
سیاوش،
سودابه،
شاهنامه فردوسی،
اسطوره پاکی،
همانندهای اساطیری،
تحلیل روان‌شناختی اسطوره،
اسطوره‌شناسی تطبیقی.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف شناخت و تحلیل جایگاه اسطوره‌ای، تربیتی و روان‌شناختی داستان سیاوش و سودابه در شاهنامه فردوسی و همچنین شناسایی و بررسی همانندهای جهانی این داستان انجام شد.

روش پژوهش: این مطالعه به‌روش تحلیلی-اسنادی آثار مکتوب مرتبط با موضوع پژوهش انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد شخصیت سیاوش در شاهنامه، به‌مثابه نماد پاکی و طهارت ذاتی، مشابهت‌های ساختاری و معنایی‌بارگی با چهره‌هایی همچون حضرت یوسف علیه‌السلام و حضرت ابراهیم علیه‌السلام دارد؛ به‌گونه‌ای که با وجود تهمت‌های ناروا، اسارت و مرگ در غربت را می‌پذیرد، اما در برابر وسوسه‌های گناه‌آلود سودابه مقاومت می‌کند و برای اثبات بی‌گناهی، آزمون سخت گذر از آتش را متحمل می‌شود. این داستان در اساطیر ملل دیگر نیز همانندهایی دارد که از جمله می‌توان به سرگذشت «راما و سیتا» در اساطیر هند، «جو وانگ و سودا گی» در اساطیر چین و «فدر و هیپولیت» در اساطیر یونان اشاره کرد. از منظر روان‌شناسی نیز شخصیت‌های اصلی این داستان با مفاهیم نهاد، من و فرامن در نظریه روانکاوی قابل انطباق هستند. پرورش سیاوش، نمودی از کهن‌الگوی «پیر دانا» و آزمون‌های او، نمونه‌ای از «آزمون قهرمان» است. همچنین شخصیت سودابه تجلی‌گر «آنیمای منفی» است.

نتیجه‌گیری: داستان سیاوش و سودابه در شاهنامه فردوسی، روایتی فراتر از یک‌تراژدی است که دربردارنده لایه‌های پنهان اسطوره‌ای، تعلیمی و روان‌شناختی است. این داستان ضمن برخورداری از وجوه مشترک با اساطیر ملل مختلف، به‌مثابه الگویی برای تربیت اخلاقی و تحلیل کهن‌الگویی شخصیت‌ها قابل بررسی است.

استناد: فولادی، محمد؛ و سلطانمرادی، عاطفه (۱۴۰۴). جایگاه اسطوره‌های، تربیتی و روانشناسانه داستان سیاوش و سودابه در شاهنامه فردوسی و همانندهای جهانی آن. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۱۳ (۲)، ۱۲۷-۱۴۴. https://doi.org/10.22034/IJWF.2024.18818.2279

ناشر: جامعه المصطفی العالمیه.

© نویسندگان.

مقدمه

یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین آثار بر فرهنگ و تمدن یک قوم، که در فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌سوزی نقش مهمی دارد، آثار ادبی و اشعار شاعران بزرگ و اندیشمند آن در قالب شاهکارهای ادبی ملی، بین‌المللی و جهانی است. از جمله این آثار، شاهنامه فردوسی است که نماد و نمودی از تاریخ و فرهنگ، آداب و عادات و باورهای ایران باستان به‌شمار می‌رود؛ به‌ویژه که توسط شاعری مسلمان، باورمند و شیعه سروده شده و در آن، ایران پیش از اسلام با ایران پس از اسلام پیوند خورده است. حماسه جاودان فردوسی در شکل‌گیری فرهنگ و اخلاق ایرانیان نقش فراوانی دارد و از دیرزمان تاکنون به‌شکل نقالی و پرده‌خوانی در زندگی ایرانیان جریان داشته و دارد. این شاهکار، یکی از پنج‌حماسه برتر جهان بوده و حتی از نظر بیان اصول و مباحث اخلاقی و انسانیِ بازتاب‌یافته در آن - که بازتابی از باور ایرانیان است و در قهرمانان داستان جلوه می‌کند - بر چهار حماسه مهم جهان، یعنی ایلیاد، اودیسه، مهابهاراتا و رامایانا، برتری دارد.

یکی از داستان‌های مهم، آموزنده و تأثیرگذار در اخلاق فردی، خانوادگی و اجتماعی ایرانیان، داستان سیاوش و سودابه در شاهنامه فردوسی است که از جهاتی با داستان «یوسف و زلیخا» در قرآن همانندی دارد. در نزد ایرانیان و فارسی‌زبانان، سیاوش به‌منزله یوسف ملی به‌شمار می‌آید و نمادی از پاکی و طهارت نفس در مقابل خواسته‌های نفسانی، شهوانی و گناه‌آلود سودابه است. او همانند یوسف که در مقابل خواست‌ها و کامیابی‌های گناه‌آلود زلیخا ایستادگی می‌کند، در مقابل سودابه می‌ایستد و به یاری ایزد یکتا، پاک و پاکیزه از آزمون‌ها بیرون می‌آید و به مظهر و نماد پاکی تبدیل می‌شود. ایرانیان در سوگ او سرودها پرداخته‌اند و در برخی نقاط، هنوز هم در مرگ جوانان، سوگ سیاوشان می‌خوانند و گریه و مویه سر می‌دهند. نمود این داستان در رمان سووشون سیمین دانشور و در گیاه «پرسیاوشان» قابل بررسی است. به‌گفته اسلامی ندوشن: «سیاوش عزیزترین پهلوان شاهنامه است» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۶). البته این موضوع پس از اسلام و واقعه عاشورا شکل دیگری گرفته و نماد دیگری یافته است. بررسی این داستان و اسطوره ایرانی، جوانان، ایران‌دوستان و باورمندان اسلامی-ایرانی را در شناخت بهتر اسطوره‌ها یاری می‌کند.

ادبیات موضوع و چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر، یکی از داستان‌های مهم باستانی ایران پیش از اسلام را که در روزگار اسلامی توسط فردوسی به نظم کشیده شده است، از نظر جایگاه شخصیت‌های اصلی آن یعنی، سیاوش و سودابه بررسی می‌کند. با توجه به اهمیت الگو و الگوپذیری در نوجوانان و جوانان، سیاوش می‌تواند الگوی مناسبی برای برخورداری از ویژگی‌های مثبت اخلاقی، مبارزه با نفس و پایداری در برابر خواهش‌های نفسانی و گناه‌آلود باشد؛ به‌ویژه که در ملل دیگر نیز نمونه‌هایی دارد. در پژوهش حاضر، ابتدا اهمیت اسطوره و نمادها بررسی و سپس داستان سیاوش و سودابه در شاهنامه به‌روش تحلیلی- اسنادی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای بررسی شد. این داستان همچنین با نمونه‌های آن در ملل دیگر، مانند داستان حضرت ابراهیم علیه‌السلام، رامایانا، هیپولیت و سوداگی، به‌صورت تطبیقی بررسی شد.

با توجه به اهمیت و جایگاه والای این داستان و بن‌مایه‌های اساطیری و مشابهت‌های بین‌المللی آن، درباره این موضوع، جنبه‌های اسطوره‌ای، اجتماعی و روان‌شناسانه داستان و شخصیت‌های آن تحقیقاتی به‌شکل مستقل و تک‌جانبه انجام شده است، اما در مقاله حاضر، نگاهی چندجانبه به موضوع شده و جنبه‌هایی که تأثیر تربیتی بیشتری بر جامعه دارد، بررسی و تحلیل گردیده است. از جمله پژوهش‌های انجام‌شده در این موضوع عبارتند از: مقاله «فرضیه‌ای درباره مادر سیاوش» (آیدنلو، ۱۳۸۴)؛ مقاله «نظری درباره هویت مادر سیاوش» (خالقی مطلق، ۱۳۸۶) و مقاله «دو فرضیه درباره داستان

سیاوش» (بازیگر، ۱۳۹۴). در این سه پژوهش، شخصیت و نژاد مادر سیاوش و پرسش‌ها و ابهامات دراین‌باره بررسی شده است. درباره شخصیت سیاوش نیز پژوهش‌هایی انجام شده است، از جمله: مقاله «سیاوش، شخصیتی آیینی و رازناک در شاهنامه» (فاضلی و کنعانی، ۱۳۸۹) و مقاله «سیاوش در اسطوره و ادبیات» (فتاحی دولت‌آبادی، ۱۳۹۰) که شخصیت سیاوش را از نظر اسطوره و بازتاب آن در شاهنامه بررسی می‌کند. اگرچه برخی مباحث مطرح‌شده در این مقالات و موارد مشابه با پژوهش حاضر تناسب دارد، اما در نوشتار حاضر، که برگرفته از رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، با عنوان «بررسی اسطوره‌ای، حماسی و تطبیقی داستان سیاوش» است، بُعد تربیتی و تأثیر اخلاقی و اجتماعی این داستان بیشتر مورد توجه است.

برخی پژوهش‌ها نیز به بررسی تطبیقی با نمونه‌های دیگر در دنیا پرداخته‌اند که عبارتند از:

- مقاله تحلیل ساختار داستان سیاوش و دو داستان رام چندر و سدنوا در هند؛ (شیخ حسینی و خلیلی جهان‌تیغ، ۱۳۹۳)؛
- مقاله بررسی تطبیقی شخصیت‌ها و کارکردهای آنها در داستان‌های سیاوش و رامایانا»؛ (بیرانوند.، و همکاران، ۱۳۹۵)
- پایان‌نامه مقایسه تطبیقی حماسه رامایانا و داستان سیاوش از شاهنامه فردوسی؛ (قبادی فومشی، ۱۳۹۱)
- کتاب بررسی تطبیقی عناصر روایی قصه حضرت یوسف در قرآن و سیاوش در شاهنامه. (محمودیان راوی‌نژاد، ۱۳۹۲)

در پژوهش‌های فوق نیز موضوع تطبیقی داستان با موارد همانند آن بررسی شده، اما بررسی جنبه تربیتی و اخلاقی هدف اصلی آنها نبوده است. در پژوهش حاضر این موضوع هدف اصلی است و بر آن تأکید شده است.

۱. اسطوره و داستان‌های اساطیری

داستان سودابه و سیاوش در شاهنامه جزو داستان‌های اساطیری ایرانی است. اسطوره‌ها در هر ملت اهمیت و جایگاه شایانی دارند و در ضمیر ناخوداگاه فردی و جمعی و تمدن و فرهنگ جامعه تأثیرگذار هستند. ازاین‌رو، نباید اسطوره را با افسانه‌های تخیلی یکی دانست. از همین نگاه است که فردوسی نیز در شاهنامه تأکید می‌کند:

تو این را دروغ و فسانه مدان — به یک‌سان روشن زمانه مدان
ازو هرچه اندر خورد با خرد — دگر بر ره رمز معنی برد

(فردوسی، ۱۳۸۸، ۱/ ۱۲)

فردوسی داستان‌های شاهنامه را از گونه رمز و نماد می‌داند و مواردی مانند کاربرد دیو در شاهنامه را از همین نگاه تفسیر می‌کند:

تو مر دیو را مردم بد شناس — کسی کو ندارد ز یزدان سپاس
هر آن کو گذشت از ره مردمی — ز دیوان شمر، مشمرش زادمی

(فردوسی، ۱۳۸۸، ۲۹۶/۳)

با همین نگاه نمادین است که مارهای بررسته بر دوش ضحاک، نماد و نمودی از تجلی بیرونی نفس اماره به‌شمار می‌آیند. برای شناخت عمیق یک‌ملت و قوم نمی‌توان از اسطوره‌های آن بی‌خبر بود. در ادبیات حماسی و عرفانی، بسیاری از موضوعات با اساطیر پیوند دارند. عقاید، آداب و رسوم، جشن‌ها و سوگواری‌ها در زندگی یک‌ملت از نگاه اسطوره‌شناسی نقش فراوانی دارند. اسطوره‌ها نمادهایی هستند که می‌توانند توجیهی منطقی برای زندگی اجتماعی باشند. اسطوره‌ها همچنین می‌توانند نقش اندرزها را در یک‌مجموعه اخلاقی والا داشته باشند و سرمشق‌هایی در اختیار بشر بگذارند که براساس آنها زندگی خود را بسازد. (جواری، ۱۳۸۳) در این داستان نیز سیاوش مانند یوسف، نماد و اسطوره‌ای از پاکی، طهارت نفس و ایستادگی دربرابر خواهش‌های نفسانی سودابه است و با این نگاه می‌تواند الگویی ملی درکنار الگوهای

مذهبی برای جوانان و جهانیان باشد؛ طهارت نفسی که ریشه در تاریخ چندهزارساله دارد (فردوسی، ۱۳۹۱؛ فردوسی، ۱۳۸۸). میرچا الیاده، اسطوره‌شناس نامی می‌گوید: «اسطوره، نقل‌کننده سرگذشتی قدسی و مینوی است. راوی واقعه‌ای است که در زمان اولین، زمان شگرف بدایت همه‌چیز رخ داده است» (الیاده، ۱۳۶۲).

روایات اساطیری کم‌کم وارد حماسه می‌شوند و داستان‌های حماسی و ملی را شکل می‌دهند مانند داستان یوسف در تورات که یک بن‌اسطوره‌ای خدای شهیدشونده دارد و با گذشت زمان به‌صورت یک شخصیت انسانی درمی‌آید. به چاه افکندن و به زندان افتادن او درواقع مرگ خدای نباتی است که شکل نمادین پیدا کرده و از چاه درآمدن او و آزادی‌اش از زندان و به‌قدرت رسیدن او به‌ویژه نعمت به مصر بردن او حیات دوباره خدای شهیدشونده است که شکل سامی‌اش در شخصیت تموز دیده می‌شود، البته یک شخصیت تاریخی یوسف هم وجود دارد، ولی داستان‌هایی که پیرامونش ساخته می‌شود داستان‌های اسطوره‌ای هستند. (سرکاراتی، ۱۳۹۳؛ بهار، ۱۳۶۲) اسطوره باتوجه به وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی در هر ملتی با دیگر ملت‌ها متفاوت است، اما در نگاه کلی، اسطوره‌های تمام ملل سرچشمه مشترک و اشتراکات فراوان دارند. مسئولیت ادبیات تطبیقی، بررسی پی‌جویی تیپ‌ها و نمونه‌های نوعی در متن و زمینه مشترک جهانی است. این‌گونه ادبیات وظیفه دارد که بافت‌ها و زمینه‌های مشترک آنها را که از ادبی به ادب دیگر انتقال یافته است، بازیابد (غنیمی هلال، ۱۳۷۳).

داستان «سیاوش و سودابه»، با محوریت عشق ممنوعه سودابه به سیاوش، گذر سیاوش از آتش، مفهوم خدای شهیدشونده و ایزدباوری سیاوش، از مهم‌ترین داستان‌های شاهنامه فردوسی به‌شمار می‌رود که نمونه‌های مشابه آن در متون دینی مانند گذر حضرت ابراهیم علیه‌السلام از آتش و داستان یوسف و زلیخا و نیز در متون حماسی ملل مختلف دیده می‌شود. این موضوع، نشانه‌ای از اشتراکات فرهنگی و قومی هند و اروپایی‌ها و هند و ایرانی‌هاست. از سرزمین چین تا هند (در داستان رام و سیتا)، در بین‌النهرین (داستان‌های تموز و عشتار) و داستان سامسون و دلیله در تورات تا افسانه بالدر در اسکاندیناوی، همگی وجود عشق ممنوعه‌ای را نشان می‌دهند که با توطئه و دسیسه آغاز می‌شود و با آزمون «گذر از آتش»، سعی در رسوایی خیانتکار دارد. داستان سیاوش و سودابه از جمله اسطوره‌هایی است که همانندهای بسیاری در جهان دارد که در مقاله حاضر به برخی از آن‌ها اشاره شده است. (بهار، ۱۳۷۶؛ طالشی، ۱۳۹۵؛ روزبه و ایازی، ۱۳۹۲)

۲. داستان سیاوش و سودابه در شاهنامه فردوسی

داستان سیاوش و دلدادگی گناه‌آلود نامادریش سودابه به وی، در شاهنامه فردوسی در تصحیح معتبر خالقی‌مطلق در جلد دوم، ابیات۱ تا ۲۵۲۲ و صفحه ۲۰۱ تا ۳۷۵ بیان شده است. منابع کهن از مادر سیاوش و سپس خود سیاوش شخصیت‌های اسطوره‌ای و نمادینی ترسیم می‌کنند که در صورت و سیرت، زیبایی فراوانی داشتند. اگرچه در همان آغاز با اشاره کوتاه به مادر سیاوش و سپس تولد او، دیگر چندان به مادر پرداخته نمی‌شود و شخصیت و زندگی شاهزاده اصیل و نجیب ایرانی بیان می‌شود. (خالقی‌مطلق، ۱۳۸۶؛ آیدنلو، ۱۳۸۴) سیاوش، پس از تولد (و مرگ مادر)، به‌دست ابرقهرمان شاهنامه یعنی رستم، پرورش می‌یابد و پس از آموزش فنون رزم و بزم و آداب اجتماعی و اخلاقی، به دربار و خانواده بازمی‌گردد. سودابه، که مهین‌بانوی کاخ و همسر کاووس است، با دیدن سیاوش، زلیخاگونه و به‌شکل گناه‌آلودی، شیفته سیاوش - فرزند شاه از زن دیگرش- می‌شود و برای دستیابی به این عشق ممنوعه، به هر ترفندی متوسل می‌شود. سیاوش، در نهایت پاکی و طهارت نفس، تا پای جان و با تحمل سختی‌های فراوان - از جمله اسارت در سرزمین دشمن، تهمت‌های ناروا و درنهایت کشته شدن در غربت- بر پاکی و طهارت نفس خود پای می‌فشرد و آزمون‌های دشواری، مانند «ور» (آزمون) گرم و گذر از آتش را، همچون ابراهیم علیه‌السلام، به جان خرید. سرانجام، به یاری یزدان پاک، از آتش رهایی یافته و آتش بر او چون گلستان می‌شود.

۳. همانندهای داستان سودابه و سیاوش در جهان

موضوع پاکی و طهارت نفس به‌ویژه برای یک‌شاهزاده در بین اسطوره‌های کشورهای جهان همانندهایی دارد و همواره ستایش شده و در فرهنگ و اخلاق فردی و جمعی آنها تأثیر بسزایی داشته است. نمونه شناخته‌شده آن داستان یوسف و زلیخا در متون دینی است که به‌دلیل شهرت داستان و آشنایی مخاطب نیازی به بیان آن نیست.

۳-۱. داستان رامایانا و سیتا در هند

در کتاب رامایانا درباره سراینده داستان آمده است: «او در آغاز یک راهزن بود. راه بر کاروان‌ها می‌بست و هستی آنان را به یغما می‌برد. درعین‌حال، دلی مهربان داشت و اگر دلش به‌حال بینوایی می‌سوخت هر آنچه داشت به او می‌بخشید. او در دشت، کوهستان و بیشه‌زارها با اسب بادپای خود به این‌سو و آن‌سو می‌رفت. روزی بر دامنه مرغزاری در کنار چشمه‌ساری آرمیده بود و بازی دو کبوتر دلداده را تماشا می‌کرد. این‌دو گاهی سر به آغوش هم می‌بردند و زمانی به پهنه آسمان‌ها بال می‌گشودند. ناگهان پیکان صیادی چیره‌دست، یکی از آن‌دو را به خاک و خون غلتاند و دیگری را تنها و بی‌کس از آن چمن‌زار دلفریب گریزان ساخت. جوان راهزن از مرگ کبوتر بی‌گناه آن‌چنان اندوهگین شد که فریادی برکشید و سخنانی بر لب راند و زار بگریست. در آن دم، سروش غیبی از آسمان او را خطاب کرد و گفت: ای جوان! آنچه تو بر لب راندی شعر بود، شعری موزون و خوش‌آهنگ، شعری دل‌نواز و روح‌پرور. تو شاعری نه راهزن. این شیوه زندگی را رها کن و به‌دنبال شاعری برو؛ تو روزی بزرگ‌ترین شاعر سانسکریت خواهی شد. جوان یک‌لحظه به خود آمد. به اطراف نگریست و کسی را ندید، اما آن سخنان در گوشش طنین‌انداز بود: «تو شاعری و شاعر بزرگی خواهی شد». کلمه‌های خوش‌آهنگی را که چند لحظه پیش بر زبان رانده بود بار دیگر تکرار کرد و به‌دنبال آن، باز هم مضامینی بر مرگ پرنده بال‌وپر شکسته و بی‌جان بر زبان آورد. او بعد از این حادثه، راهزنی را رها کرد و به‌دنبال سرودن شعر رفت. این جوان که نامش وال‌میکی بود و حدود پانصد سال قبل از میلاد مسیح یعنی، مدت قریب به بیست‌وپنج قرن پیش در این جهان می‌زیست نامورترین و محبوب‌ترین شاعر حماسه‌سرای هند شد» (شهباز، ۱۳۸۸؛ شاتوک، ۱۳۸۸).

رامایانا به‌معنی گنجینه‌های راما، سرگذشت پرشور دو دلداده است: یکی راما و دیگری همسرش سیتا. راما و سیتا و حماسه پرشور زندگی آنها بر همه مظاهر فرهنگی، ذوقی و هنری مردم هند تأثیر گذاشته است. راما برای آنها نماد فرمانروا و جنگجویی دادگستر و شوهری مهربان و فداکار و سیتا، همسری پاکدامن، شوهردوست و فرزندپرور بوده است. وال‌میکی که گفته شده سراینده این رزم‌نامه است با این اثر، گنجینه‌ای ارزشمند باقی نهاده است. «راما، همسر سیتا، روزی هنگام عبادت، دختری زیبا و وسوسه‌انگیز برابر خود دید. دختر که سخت مجذوب راما شده بود آغاز دلبری و افسونگری کرد، اما راما که جز به محبوب راستین خود یعنی، سیتا به هیچ زنی توجه نداشت او را از خویش راند. دختر که عفریته‌ای بدنهاد بود به قلمرو برادر خود یعنی، راون، فرمانروای سیلان پناه برد و از او برای انتقام‌جویی از راما یاری خواست. راون برای فنای راما اندیشه‌ها کرد. سرانجام برآن شد که به هر ترتیب هست او را فریب دهد و به خاک خویش آورد. ازاین‌رو، یکی از عفریته‌های خود را به‌صورت آهویی زیبا درآورد و به گرد صومعه راما فرستاد. راما که سخت دلباخته آهو شده بود به‌دنبالش روان شد. راما راهی طولانی پیمود و از همسر و خانه خود جدا ماند. چون شب‌هنگام فرارسید و سیتا شوی مهربان را ندید از برادرشوهر خواست که به جست‌وجوی برادر برود و چون وی از صومعه دور شد و سیتا تنها ماند راون به صومعه آمد و با جور و عنف، سیتا را همراه خود برد. راما سرانجام پس از دربه‌دری و تلاش بسیار به صومعه بازگشت و چون با ریاضت از سرنوشت اندوه‌بار همسر خود آگاه شد، مصمم گشت به هر ترتیب هست آن ابلیس ستمگر را ازبین ببرد و سیتای مهربان را آزاد کند. راما یار دلبند و وفادار خود را به آغوش گرفت، اما قطره‌های زهر بدخواهی، سعایت و سیاه‌دلی برخی، اثر خود را بخشید و روح او را

مسموم کرد و وی را نسبت به همسر خویش بدگمان ساخت. راما سیتای بی‌گناه را از خویش راند و زن نیز که وضع را چنان دید ترک همسر و دیار کرد و به‌سوی صومعه وال‌میکی، راهب اندیشمند، روان شد» (شهباز، ۱۳۸۸).

در جلد اول کتاب تاریخ تمدن در این قسمت از داستان آمده است: «رام برای رفع شایعاتی که درباه ناپاکی سیتا در میان مردم بروز یافته است از سیتا می‌خواهد از میان آتش بگذرد. سیتا، سیاوش‌وار از آتش سربلند بیرون می‌آید، ولی غرور رام به‌دلیل برخی دیگر از بدگمانی‌های مردم باعث می‌شود سیتا را که آبستن است به جنگل بفرستد». (دورانت، ۱۳۸۴، ۶۴۳/۱) «سال‌ها از آن دوران می‌گذرد. سیتا دو پسر همزاد به‌دنیا می‌آورد که وال‌میکی آن‌دو را با نظارت و سرپرستی خود بزرگ کند. وقتی آن‌دو جوان دوران طفولیت را پشت سر نهادند راهب در معیت آن‌دو رهسپار سرزمین کوسالاس شد. راما در همان نخستین نگاه، فرزندان خود را که شباهت بسیار بدو داشتند، شناخت و افسرده و پشیمان به‌دنبال همسر فرستاد. وقتی سیتا برابرش آمد بازهم راما به‌آسانی حاضر نبود بپذیرد که زن پاکدامن و فداکار بدو خیانتی نکرده است. در این هنگام رب‌النوع زمین بر بینوایی سیتا رحمت آورد و از انتظارات شوهر آزرده‌خاطر شد. روی زمین برابر راما دهان باز کرد و الهه زمین درهمان‌حال که بر تخت فرمانروایی نشسته بود، برابرش ظاهر شد. بدو گفت که این زن مظهر صفا و پاکدامنی است و ازآنجاکه بیش از هر انسان دیگری در دوران عمر خویش رنج دیده، پس او می‌تواند در شمار خدایان درآید و از عرصه زمین که ساکنان آن قدرش را ندانسته‌اند به آسمان‌ها صعود کند و پیش از آنکه راما بتواند از داوری ناروای خویش پوزش بخواهد سیتا به آسمان پای می‌گذارد و همه آن بدخواهانی که موجب جدایی آن‌دو شده بودند اشک ندامت بر چهره می‌ریزند» (شهباز، ۱۳۸۸). این افسانه به‌شکل منظوم در کتاب رامایانا از پانی‌پتی آمده است. همچنین با اندکی تغییر در برخی وقایع و اسامی در صفحات ۶۴۴-۶۴۲ جلد اول کتاب تاریخ تمدن از ویل‌دورانت (۱۳۸۴) و نیز در صفحات ۶۵-۶۲ کتاب آیین هندو از سیبل شاتوک (۱۳۸۸) آمده است.

اول) مقایسه راما و سیتا با داستان سیاوش و سودابه

مهمترین ویژگی مشترک در اساطیر و روایات حماسی ایرانی و هندی و حتی در تمام روایات حماسی جهان، نبرد بین نیروهای خیر و شر و پهلوانان و دیوان و به‌تعبیر میرجلال‌الدین کزازی، ستیز ناسازهاست. (کزازی، ۱۳۶۶) در هر پدیده حماسی دو ناساز روبه‌روی یکدیگر است که اگر یکی از آن‌دو در کار نباشد هرگز رخدادی حماسی رخ نمی‌دهد؛ زیرا وجود هریک از دو ستیزنده در گرو وجود دیگری است. حماسه از جنس جنگ است، ولی از سنخ آن نیست؛ زیرا در جنگ، خود جنگ هدف است مانند الایام عرب (ابن اثیر، ۱۳۷۴). در حماسه، خود هدف وجود ندارد. با دریافت از متن اسطوره‌ها و ادیان به‌دست می‌آید که حماسه، راهی است برای رسیدن به شرایط حاکمیت سنت جاویدان آسمان یعنی، صلح و عدالت که آورنده خوبی و زیبایی است (داراشکوه، ۱۳۴۰). در هردو کتاب شاهنامه و رامایانا بر فضایل اخلاقی، خویشتن‌داری، بردباری، چشم‌پوشی از خطای دیگران، اخلاص در پندار و گفتار و کردار و احترام آمیخته با دلبستگی به بزرگ‌ترها تأکید شده است. معیارهای قضاوت اخلاقی در رامایانا عبارتند از: در اندیشه جهان بازپسین باش، به بزرگان قومت احترام بگذار، خلق‌وخوی انسانی را جایگزین رذایل پست حیوانی کن، به وجدان خویشتن خویش رجوع کن، از خودستایی و بدنهادی و بی‌شرمی بپرهیز، عفت و پاکدامنی را در همه‌حال رعایت کن، یار و مددکار همه حتی دشمنانت باش و کردارت را با گفتارت یکسان کن (میکی و داس، ۱۳۷۹). در شاهنامه نیز بر این فضیلت‌ها تأکید شده است.

دوم) وفاداری به عهد و پیمان

سیاوش و رام، هردو رفتاری مبتنی بر احساسات و شهود دارند. افرادی که به این روش رفتار می‌کنند بیشتر نگران ارزش‌ها

هستند. (بگلی، ۱۳۸۵) سیاوش متعهد و وفادار به پدر است و بی‌شک، این تعهد و اخلاق را وام‌دار تربیت رستم است. او که ناخواسته در فضای آزمایش می‌افتد به‌دلیل پاک‌نیتی و اخلاق‌مداری نه‌تنها به پدرش خیانت نمی‌کند، بلکه سرشت پاک و آزادگی و جوانمردی خود را دربرابر شیطانی انسان‌نما نشان می‌دهد. نوعی کمال‌طلبی در رفتار و واکنش‌های او به پدر و سودابه دیده می‌شود. سیاوش، یک کمال‌طلب است که حاضر نیست سر مویی از مبادی اخلاقی سرپیچی کند (خالقی‌مطلق، ۱۳۸۶). آنجا که پدر، غافل از وسوسه‌های سودابه بارها از سیاوش می‌خواهد به حرم‌سرای سودابه برود تا با خواهرانش دیدار کند و با وسوسه‌های عاشقانه سودابه روبه‌رو می‌شود. سیاوش، هم به‌دلیل راستی و درستی باطن و هم به‌دلیل اینکه فکر می‌کرد اگر به عشق سودابه جواب دهد به پدر خیانت کرده است از عشق ممنوع او رویگردان می‌شود. پذیرفتن عشق سودابه شکستن عهدی است که ناگفته میان پدر و فرزند بسته شده و شکستن آن بی‌وفایی و روی‌گرداندن از مردانگی و دانایی است (مسکوب، ۱۳۵۱).

من اینک به پیش تو استـــــــاده‌ام — تن و جان شـــــــیرین تو را داده‌ام
ز من هرچه خواهـــــــی همه کام تو — برآرم نپیچم ســـــــــر از دام تو
سرش تنگ بگرفت و یک پوشه چاک — بداد و نبود آگه از شـــــــرم و باک
رخان سیـــــــاوش چو گل شد ز شرم — بیاراست مـــــــژگان به خوناب گرم
چنیـــــــن گفت با دل که از کار دیو — مرا دور داراد گیهان خدیـــــــــو
ســـــــــیاوش بدو گفت هرگز مباد — که از بهر دل، سر[دین] دهم من بباد
چنیـــــــن با پدر بی‌وفایی کنم — ز مردی و دانـــــــش جدایی کنم
تو بانـــــــوی شاهی و خورشیدگاه — سزد کز تو ناید بدینســـــــان گناه
وزان تخت برخاست با خشم و جنگ — بدو اندر آویخت ســـــــودابه چنگ

(فردوسی، ۱۳۹۱؛ فردوسی، ۱۳۸۸، ۲۲۴/۲)

سوم) دسیسه و نیرنگ

در حماسه‌های ملی ایران، عاشقانه‌های کوتاه و بلندی وجود دارد که با روح حماسه عجین شده‌اند. دلیل وجود این عاشقانه‌ها ادامه نسل و حضور پهلوانان در داستان حماسی است. به‌نظر می‌رسد داستان‌هایی که رنگ حماسی دارند به‌دلیل بقای نسل قهرمان (عاشق) منجر به وصال می‌شود و با حسن عاقبت و توأم با شادی است. (سنچولی، ۱۳۹۴) این عشق، بخشی جدایی‌ناپذیر از حیات پهلوانانه و مایه شور و نشاط و روح سرزندگی است (حمیدیان، ۱۳۷۲). آن‌گونه که در شاهنامه و رامایانا آمده این عشق است که اوج گره‌خورگی جمال جسم و جلال روح (محبتی، ۱۳۷۹) را دربین سیاوش و جریره و فرنگیس و در داستان رام و سیتا به‌وجود می‌آورد. یکی از مهمترین موضوعات و بن‌مایه‌ها در این عاشقانه‌ها عامل دسیسه و نیرنگ است که با عباراتی مانند ترفند، فریب، جادو، دستان، بند، چاره، افسون و... بیان می‌شود. کاربرد این موضوع در عاشقانه‌های حماسی تأثیرگذارتر و زیباتر است. در عاشقانه‌های حماسی که عشق بدنه اصلی آن را تشکیل می‌دهد تعارض و تضاد میان خواست‌ها باعث دسیسه و نیرنگ می‌شود که افراد ناپاک را مقابل افراد پاک قرار داده و به طرح توطئه وامی‌دارد و درنهایت، این رویارویی به فاجعه می‌انجامد. تراژدی داستان سیاوش در شاهنامه، معلول دسیسه‌های بسیار و نیرنگ‌بازی فراوان سودابه، گرسیوز، افراسیاب و حتی کیکاووس است. در داستان رامایانا هم دسیسه‌های بسیار کای‌کئی، خواهر راون و حاسدان، سبب تبعید رام به جنگل، نبرد رام با راون و جدایی رام از سیتا و آسمانی شدن آنها می‌شود. پس از امتناع سیاوش از گام نهادن به شبستان سودابه، وی بارها نزد کیکاووس به نیرنگ‌بازی و دسیسه‌چینی علیه سیاوش می‌پردازد. شاه که شیفته سودابه است به سخنان سیاوش توجه نمی‌کند و تنها شاهزاده را پند می‌دهد و به آزمون

آتش (ورگرم) سوق می‌دهد.

سیاوش بدانست کان مهر چیست — چنان دوستی نز ره ایـــــــزدیست
به سودابه زین‌گونه گفتار نیـــست — مرا در شبستـــــــــان او کار نیست
ز گفت سیاوش بخندید شـــــاه — نه آگاه بد ز آب در زیـــــــــر کاه
گزیـــــــن تو باید بدو گفت، زن — ازو هیچ مندیش وز انجمـــــــــن
که گـفتار او مهـــــــــربانی بود — به جان تو بر پاسبـــــــــانی بود
چو ایشان برفتند، ســـودابه گفت — که چندین چه داری سخن در نهفت
نگویی مرا تا مـــــــراد تو چیست — که بر چهر تو فر چهر پـــــــریست
هر آن‌کـــــس که از دور بیند تو را — شود بیهش و برگزینـــــــــد تو را
ز من هرچه خـــواهی همه کام تو — برآرم نپیچم ســـــــــــر از دام تو
رخان سیـــاوش چو گل شد ز شرم — بیاراست مـــــــژگان به خوناب گرم
چنین گفت با دل که از کار دیـــو — مرا دور داراد گیهان خدیـــــــــو
نه من با پدر بی‌وفـــــــایی کنم — نه با امر من آشنـــــــــــایی کنم

(فردوسی، ۱۳۹۱)

در ادامه داستان به‌واسطه دسیسه و تهمت و توطئه سودابه، شاه از ترس ازدست دادن آبروی خود، سیاوش را مجبور به گذشتن از آتش می‌کند.

۳- ۲. همانندی جو وانگ و سو-دا-گی در اسطوره‌های چین با سیاوش و سودابه در شاهنامه

مطالعه تطبیقی حماسه‌های ایران و چین، نزدیکی و همانندی میان دنیای پهلوانی این دو قوم باستانی را نشان می‌دهد. پژوهشگران شعر پهلوانی باوجود پذیرش پاره‌ای همانندی‌ها میان آثار حماسی هومر و حماسه‌های اقوام شمالی عقیده دارند که این همانندی‌ها در برابر همانندی حماسه‌های ایران و چین ناچیز است. نکته مهم اینجاست که همانندی افسانه‌های پهلوانی ایران و چین جنبه اساسی و کلی دارد. گاه تمام افسانه و پهلوانان آن در هردو حماسه یکسان هستند و زمانی جابه‌جایی پاره‌ای از رویدادها و به‌کارگیری برخی هنرنمایی‌های شاعرانه به‌چشم می‌خورد. برای مثال، سرگذشت و منش شاهانی مانند کاوس و جووانگ و شهبانوهایی مانند سودابه و سو-دا و شاهزادگانی مانند سیاوش و یین.گیائو شبیه یکدیگر است و گزارش‌های مربوط به پهلوانان و جنگاورانی چون لی.جینگ، رستم، لی‌نو.جا و سهراب به‌طور شگفت‌انگیزی همانندی دارد. پی‌جویی این همانندی‌های نمایان، نقش قوم سکا[1] را مورد توجه قرار می‌دهد. مهمترین افسانه‌های همانند در حماسه‌های ایران و چین، افسانه‌های سکایی[2] هستند. برخی از این همانندی‌ها را می‌توان نتیجه مبادله خودآگاه یا ناخودآگاه داستان‌سرایان و نقالان دو کشور دانست. به‌گفته ویلهلم گروب[3]: «هنوز هم کسانی‌که هرگز کتاب نخوانده‌اند افسانه‌های فنگ. شن. ینی را نقل و پخش می‌کنند» (کویاجی، ۱۳۸۰).

همانندی سودابه و سو.دا.گی: همان‌گونه که منش و کردار جو. وانگ و کاووس در دو حماسه چینی و ایرانی همانندی دارد زندگی همسران این‌دو شاهنشاه نیز بسیار شبیه یکدیگر است؛ حتی شباهت نام‌های این‌دو قابل تأمل است. در هردو حماسه، شهبانو خِرَد اهریمنی شوهر خود شمرده شده و شاهزاده بی‌گناهی را شکنجه می‌دهد تا او را گمراه کند. در حماسه

1. saka
2 . Sakaian legends
3 . Wilhelm Grube

چین، اختراع کوره آتشین که برای نابود کردن دشمنان به‌کار می‌رفت به شهبانو سودا. گی نسبت داده است. در شاهنامه نیز به‌تحریک سودابه و به‌فرمان کاووس کوره‌ای با خرمن آتش برافروخته می‌شود و سیاوش که در برابر افسون شهبانو، سودابه، ایستادگی کرده و با کام‌جویی وی مخالفت کرده است محکوم به گذشتن از آن می‌شود. منش سودا.گی تیره‌تر و تبهکارانه‌تر از منش و خوی سودابه است؛ او فقط یک‌نامادری نیست که تلاش می‌کند ناپسری خود را از پاکدامنی منحرف کند، بلکه بر اثر ناکامی در این خواسته، او را تاحد مرگ شکنجه و آزار می‌دهد. این سیاه‌کاری در داستان سودابه نیز به‌چشم می‌خورد با این تفاوت که سودا.گی علاوه‌بر این کژراهی، مرتکب تباهکاری‌های بسیار دیگری هم می‌شود. وی به دستاویز یک ناسازگاری ناچیز به‌زیان گیانگ.شیه[1]، شهبانوی پیشین، دست به توطئه می‌زند و برای آنکه خودش جای او را بگیرد وی را به‌شیوه‌ای دلخراش می‌کشد. در روایت چینی، شهبانو سودا.گی که به شاهزاده بو.یی.گااو[2] عشق می‌ورزد به‌بهانه آنکه می‌خواهد نواختن عود را از وی بیاموزد او را نزد خویش می‌خواند. آنگاه همه نیرنگ‌های زنانه را برای برانگیختن عشق شاهزاده به‌کار می‌بندد و حتی برای رسیدن به مقصود، او را به باده‌گساری وامی‌دارد. (کویاجی، ۱۳۵۳؛ بهار، ۱۳۶۲)

۳- ۳. همانندی داستان سیاوش در شاهنامه و سودابه و فدر و هیپولیت یونانی

اصل داستان فدر و هیپولیت یونانی است که توسط اوریپید، نمایش‌نویس مشهور قبل از میلاد، نوشته شده است. روایت اوریپید در دست نیست، اما این داستان را ژان راسین، نمایش‌نامه‌نویس شهیر فرانسوی، بازآفرینی کرده است. اسلامی ندوشن، فشرده این داستان را در کتاب جام جهان‌بین (اسلامی ندوشن، ۱۳۴۶) و کتاب زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۶) آورده و درباره ارزش ادبی این داستان گفته است: «نمایشنامه فدر، مقام بسیار ارجمندی در ادبیات فرانسه و دنیا دارد و به‌نظر نقادان، بلندترین اثر راسین است. پاکیزگی و زیبایی شعرها و باریکی اندیشه آن را چه از نظر ادبی و چه ازنظر تحلیل روانی، شاهکاری جاودانی کرده است» (اسلامی ندوشن، ۱۳۴۶). ماجرای دلدادگی فدر،[3] زن تزه[4]، به ناپسری خود یعنی، هیپولیت[5] گذشته از اینکه از داستان‌های غم‌انگیز و دلکش یونان قدیم است این امتیاز خاص را دارد که از بسیاری جهات به ماجرای سیاوش و سودابه همانند می‌باشد. هردو داستان، سرگذشت عشقی نومیدانه، گناه‌آلود و نافرجام هستند. در این‌دو قصه، سبک‌سری و تیزخشمی شاهان پیر، دو شاهزاده نوجوان را به‌کام مرگ می‌فرستد در هردو قصه، زمانه به‌مثابه بازیگر و تیره‌کننده سرنوشت آدمی است. (اسلامی ندوشن، ۱۳۴۶؛ نحوی و امینی، ۱۳۹۲)

۴. داستان سیاوش از نگاه روانکاوانه

دانش روان‌شناسی دریچه‌های نویی را در نقد متون ادبی گشوده است. کارل گوستاو یونگ بر این باور است که شناخت کهن‌الگوها می‌تواند به شناخت کامل‌تر رفتارهای فردی و اجتماعی انسان منجر شود. شناخت کهن‌الگوهایی مانند سایه، آنیما (روان زنانه)، آنیموس (روان مردانه) به انسان کمک می‌کند که برخی از خواسته‌های آنها را برآورده و از برخی دیگر پرهیز کند. این کهن‌الگوها چه‌بسا همانند نهاد در ناخودآگاه قرار دارند و نباید آنها را سرکوب کرد. سرکوب، مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه باید با آنها کنار آمد. (یونگ، ۱۳۸۳) احساسات و غرایز پس از سرکوبی ازبین نمی‌روند، بلکه از ضمیر آگاه به ضمیر ناخودآگاه منتقل می‌شوند. این احساسات در موقعیت‌های بحرانی و خاص درقالب کهن‌الگوی سایه بروز می‌کند (اقبالی،. و همکاران، ۱۳۸۶). به‌باور یونگ، سایه به‌طور معمول ارزش‌های موردنیاز خودآگاه را به‌گونه‌ای می‌پوشاند که فرد به‌دشواری

1 . Kiang- Shih

۲. نام دیگری است برای «ییین گیائو»

3. Phédre
4. Thèsèe
5. Hyppolite

بتواند آنها را وارد زندگی خود کند (یونگ، ۱۳۹۳). سرکوب سایه نیز خلاقیت، احساسات پرشور و هیجان، فراست و بینش ژرف و عملکردهای سریع و فی‌البداهه را سرکوب می‌کند (هال و نوردبای، ۱۳۷۵). ازاین‌رو، اگر سایه دربردارنده نیروی مثبت باشد باید آنها را با زندگی فعال درآمیخت نه اینکه سرکوب کرد. یونگ بر این باور است که «کهن‌الگوی من، همواره با سایه در ستیز است. این ستیز در کشمکش انسان بدوی برای دست‌یافتن به خودآگاهی به‌صورت نبرد میان قهرمان کهن‌الگویی با قدرت‌های شرور آسمانی که به هیئت اژدها و دیگر اهریمنان نمود پیدا می‌کند، بیان شده است» (یونگ، ۱۳۹۳).

در داستان سیاوش، شخصیت‌های افراسیاب، گرسیوز، سودابه و کیکاووس، کهن‌الگوی سایه هستند؛ سیاوش نمود بارز کهن‌الگوی قهرمان است. عشق ممنوع سودابه، نامادری سیاوش، به ناپسری‌اش، ابراز می‌شود و در قالبی از تمامیت و کلیت از محدودیت‌های روان‌فری فرارفته و در ابعاد همگانی، ساختاری جهانی یافته است و با داستان‌هایی از عشق ممنوع در دیگر ملل شباهت نزدیک یافته است. (واشقانی‌فراهانی و حسنوند، ۱۳۹۳) از موارد مشابه دیگر می‌توان به داستان یوسف و زلیخا و فدر و هیپولیت اشاره کرد. تربیت یافتن سیاوش به‌دست رستم، تبلور کهن‌الگوی پیر دانا- پدر و آزمایش قهرمان- است. رستم، پهلوان نامی و خردمند شاهنامه، از کاووس می‌خواهد پرورش و آموزش سیاوش را به او بسپارد. رستم می‌خواهد شیوه زندگی درست و انسانی، سواری و تیروکمان و کمند، نشستن‌گه مجلس، دادوبیداد، آیین تخت و تاج و شیوه سخن گفتن رزم و بزم را به او بیاموزد (فردوسی، ۱۳۸۸، ۲۰۷/۲).

۴-۱. عشق ممنوع سودابه؛ آنیمای منفی

سودابه، شاهدخت و ملکه‌ای است که به‌جای آنکه تجلی زایندگی آنیما باشد آنیموسی سخت فعال دارد که آنیمای او را از مسیر باروری و سازندگی خارج کرده است. (واشقانی و حسنوند، ۱۳۹۳) کنش سودابه، سلب آرامش و آسایش است. عشق ممنوع و گناه‌آلود او به سیاوش و پافشاری بر آن آنیمایی است که یونگ روش و منش او را آنیمای مخوفی جلوه می‌دهد که قهرمان با آن روبه‌رو شده است (یونگ، ۱۳۹۳). رفتارهای سودابه، نشان‌دهنده سایه وجودی اوست که آنیمای منفی او را نشان می‌دهد. سیاوش که مهر غیرالهی و نامادرانه او را شناخته با خردمندی تلاش می‌کند خود را از کان و کانون گناه دور کند.

سیاوش چو از پیش پرده برفت — فرود آمد از تخت، سودابه تفت
بیامد خرامان و بردش نمـــــاز — به‌بر درگرفتش زمـــــانی دراز
سیاوش بدانست کان مهر چیست — چنان دوستی نز ره ایـــزدیست

(فردوسی، ۱۳۹۱)

زنان شاهنامه در کنار جنبه‌های عاشقانه، جنبه روانی پنهان، مثبت و منفی نیز در درون دارند و می‌توانند باعث تعالی و رشد یا تنزل روانی مردان باشند. همان‌گونه که نژادگی مادر سیاوش در نهاد فرزند تأثیر نهاده، همسویی کاووس با سودابه نه‌تنها به خود زیان زده، بلکه شاهزاده را نیز به آوارگی در رفتن به نزد دشمن و کشته شدن کشاند. تأمل در این موضوع، نقش مهم زنان و مردان را در سازندگی جامعه بیان می‌کند؛ همان کاری که سیاوش در این ماجرا انجام داد. (فردوسی، ۱۳۹۱) در شاهنامه، خویشکاری زایندگی، آفرینندگی و هدایتگری آنیما در وجود زنانی مانند فرانک، مادر خردمند فریدون، فرنگیس، همسر باوفای سیاوش و مادر کیخسرو، رودابه همسر زال و مادر رستم، سیندخت، مادر رودابه و امثال آنها نمایان شده و پلیدی و ویرانگری آن در وجود زنانی مانند سودابه و زنان هفت‌خان نمود پیدا کرده است. این صورت‌های دوگانه تجلی نمادین کهن‌الگوی آنیما در شاهنامه هستند (خسروی و طغیانی، ۱۳۸۹).

۴-۲. نهاد، من و فرامن در داستان سودابه و سیاوش

از بین شخصیت‌های داستان، سودابه در شاهنامه، افراسیاب و گرسیوز نماد نهاد، رستم و سیاوش، مظهر فرامن و کیکاووس نمود و نماد من هستند:

سودابه (نهاد): سودابه پلیدترین و منفورترین شخصیت شاهنامه، از سویی زنی زیبا، مصمم، بااراده و باهوش و ازسوی‌دیگر، خودخواه و خودرأی، بی‌پروا و هنجارشکن، هوس‌باز و خیانت‌کار، دروغ‌گو و دسیسه‌چین، فرصت‌طلب و جاه‌طلب است که آن چند ویژگی مثبتش هم در سایه نقاط منفی و تاریک درون او بی‌رنگ شده‌اند. عامل اصلی این کنش‌ها متأثر از شخصیت قدرت‌طلب اوست. (فردوسی، ۱۳۸۸؛ سرامی، ۱۳۷۳) از نگاه فروید، نهاد براساس اصل لذت عمل می‌کند و ساختاری خودخواه، لذت‌جو، غیراخلاقی و لجوج دارد. نهاد ذاتی سودابه از سویی و سرکوب میل جنسی او یعنی، لیبیدو ازسوی سیاوش، در کردار و گفتار سودابه بازتاب می‌یابد. فروید، نهاد را غیرقابل کنترل می‌داند و آن را اصل لذت می‌نامد (فروید، ۱۳۸۳).

سیاوش (فرامن): در روان آدمی در کنار نهاد (نفس اماره به بدی) و من (نفس لوامه) نیرویی نیز وجود دارد که به انسان آرامش می‌بخشد (نفس مطمئنه) و به تعالی فرامی‌خواند. این بخش از ساختار شخصیت که تعریفی هم‌راستا با وجدان[1] دارد و در جست‌وجوی خود آرمانی[2] از ستیز بی‌وقفه با غرایز باکی ندارد را فرامن نامیده‌اند. (علوی مقدم و صادقی‌منش، ۱۳۹۴) سیاوش در این داستان نماینده فرامن است و آدمی را به‌سوی آرمان‌گرایی و معنویت سوق می‌دهد.

کیکاووس (من): کیکاووس در شاهنامه، شخصیتی دمدمی‌مزاج دارد و بی‌درایتی و تلون مزاجش باعث شده که در این داستان نتواند شخصیت آرمانی داشته باشد، اما هرگز مانند سودابه منفی و منفور نیست. او تاحدی منطقی و واقع‌گراست و بر رتق و فتق امور و آشتی بین سودابه و سیاوش تلاش می‌کند، اگرچه شیفتگی او به سودابه نتوانست داوری درستی داشته باشد با اینکه بر پاکی سیاوش و تربیت رستم باور داشت.

تو را پاک‌یزدان چنان آفرید　　که مهر آورد بر تو هرکس بدید

(فردوسی، ۱۳۹۱)

نتیجه‌گیری

داستان سیاوش و سودابه از جهات گوناگون قابل بررسی است. یک‌جنبه، نگاه اسطوره‌ای را بررسی می‌کند؛ ازاین‌رو، شخصیت‌های داستان به سمبل و نمادهایی از نیکی و بدی تبدیل می‌شوند. تأثیر اسطوره بر فرهنگ و باورهای ملل ریشه‌دار است و از این نگاه در شکل‌گیری و بالندگی فرهنگی و اخلاقی ملل نقش بسزایی دارد. ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی قهرمان اصلی داستان یعنی، سیاوش از دیرباز در باورها و آداب و رسوم فرهنگ ایرانی تأثیر گذاشته است. همچنین بازنمایی و بازشناسی او همانند یادکرد داستان یوسف علیه‌السلام در بهسازی اخلاق و فرهنگ جامعه، به‌ویژه نسل جوان تأثیری ژرف و شگرف دارد. سودابه نیز درمقابل او نمادی از پلشتی و بداخلاقی است که معرفی درست او می‌تواند زنان جامعه را از کام‌خواهی گناه‌آلود بازدارد و به‌سوی پاکی و طهارت نفس رهنمون شود.

بررسی تطبیقی داستان نیز جنبه دیگر پژوهش حاضر است که نه‌تنها در ایران، بلکه در جهان نمونه‌هایی مشابه از داستان یافت می‌شود و بر تأثیرگذاری و پیام جهانی آن تأکید می‌کند. نمونه شناخته‌شده آن در متون دینی، داستان یوسف و زلیخاست. در میان ملل دیگر نیز داستان راما و همسرش سیتا (میکی و داس، ۱۳۷۹). که بر مظاهر فرهنگی، ذوقی و هنری مردم هند تأثیر فراوانی نهاده است قابل بررسی و سنجش با داستان سیاوش و سودابه است. راما نیز مانند سیاوش

1. Conscience
2. Ego - ideal

برای مردم هندوستان نماد فرمانروایی دادگستر و رزم‌آوری دادخواه از سویی و شوهری مهربان و فداکار ازسوی‌دیگر است. سیتا نیز برخلاف سودابه، همسری پاکدامن، شوهردوست و فرزندپرور است (میکی و داس، ۱۳۷۹). داستان جو-وانگ و سو-دا-گی چینی با سیاوش و سودابه همانندی دارد (کویاجی، ۱۳۵۳). همان‌گونه که منش و کردار جووانگ و کاووس در دو حماسه چینی و ایرانی همانندی کامل دارد زندگی همسران این‌دو شاهنشاه یعنی، سو داگی و سودابه نیز بسیار شبیه یکدیگر است. همانندی داستان سیاوش و سودابه با فدر و هیپولیت یونانی نیز از موارد مشابه دیگر است و در بسیاری موارد با داستان سودابه و سیاوش همانندی دارد (اسلامی ندوشن، ۱۳۴۶).

جنبه دیگر داستان سیاوش و سودابه در شاهنامه فردوسی و پژوهش‌های مرتبط با آن، بررسی شخصیت‌های داستان از نگاه روانکاوانه است. شخصیت‌های اصلی داستان قابلیت انطباق با سه بخش روان را دارند: سودابه مظهر نهاد (نفس اماره) و نماد لذت‌جویی مطلق و لجام‌گسیخته است. ازاین‌رو، پیوسته به‌سوی بدی و گناه گام برمی‌دارد. برخلاف او، سیاوش نماد فرامن (نفس مطمئنه) و آرمان‌گراست و پیوسته رو سوی نیکی دارد. کاووس در میانه این‌دو، نماینده من (نفس اماره) است و به ایجاد تعادل و میانجی‌گری کوشش می‌کند (علوی مقدم و صادقی‌منش، ۱۳۹۴). ازاین‌رو، نیروهای روانی موجود در آدمی که در وجود همه انسان‌ها نهفته است در وجود این سه شخصیت تجلی می‌یابد. اگر شخصیت‌هایی که نماد من هستند به‌درستی عمل کنند مانع لذت‌جویی و کام‌یابی مطلق می‌شوند و زمینه تعالی شخصیت‌هایی که نماد فرامن هستند را فراهم می‌کنند.

نتیجه آنکه تعلیم و تربیت و وجود مربیان و پیران رهدان مانند رستم که کهن‌الگوی پیر داناست در پرورش اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و افراد بسیار تأثیرگذار است و سیاوش در سایه تربیت او به این جایگاه رسیده است. از آنجا که هم در مباحث و کتب عرفانی آمده و هم در شاهنامه نمود یافته است، پیوسته در تربیت اخلاقی و عرفانی بر لزوم داشتن راهنما و نیز بایستگی اطاعت از خداوند، برای رهرو و سالک تأکید شده است تا رهرو راه کمال، از گمراهی و کژراهه‌رفتن بپرهیزد و به سلامت به سر منزل مقصود برسد؛ همان‌گونه که حافظ شیرازی گفته است:

طی این مرحله بی همرهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی

(حافظ شیرازی،۱۳۹۹)

در این داستان نیز سیاوش از کودکی، همه اصول و فنون رزم و بزم و بویژه اصول اخلاقی، رفتاری و فرمانروایی نیکو را از رستم آموخته و در بزرگسالی نیز همان شیوه را به‌کار می‌بندد و از کهن الگوی پیر دانا بهره‌مند می‌شود. این داستان و همانندهای آن برای جوانان فرهیخته می‌تواند الگوی مناسبی باشد که با راهنمایی مربی و پیر رازدان، راه درست را بپیمایند.

پیشنهادها: با توجه به جایگاه مهم اسطوره‌های ملی، دینی و مذهبی در الگوپذیری جوانان، پیشنهاد می‌شود که بر اساس متون حماسی معتبر مانند *شاهنامه فردوسی* و منظومه‌های اخلاقی و عرفانی مانند *مثنوی معنوی*، *منطق‌الطیر عطار* نیشابوری، *مخزن الاسرار نظامی* و دیگر آثار، الگوهای مناسب شناسایی، بررسی و تحلیل شود و اگر نمونه و مشابه بین المللی نیز دارند، بررسی تطبیقی انجام شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان تأکید می‌کنند که کلیه اصول اخلاقی در انجام و انتشار این پژوهش رعایت شده است. این موضوع توسط تمامی نویسندگان تأیید شده است.

عدم سوءرفتار علمی

مواردی مانند جعل داده‌ها، تحریف نتایج، سرقت ادبی (پلجیاریسم) و هرگونه رفتار غیراخلاقی دیگر در این پژوهش به‌طور جدی پرهیز شده است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان به‌صورت مساوی در طراحی پژوهش، نگارش مقاله، و ویرایش نسخه‌های نهایی مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

نویسندگان عدم وجود تعارض منافع (Conflict of Interest) را در ارتباط با این پژوهش اعلام می‌کنند. به عبارت دیگر، هیچگونه منافع مالی یا شخصی که بر نتایج تحقیق تأثیرگذار باشد، وجود نداشته است.

حامی مالی

این پژوهش بدون دریافت هرگونه حمایت مالی از سازمان‌های دولتی، تجاری یا غیرانتفاعی انجام شده است.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله از همه پژوهشگران عرصه شعر حماسی، اسطوره‌ای و ادبیات تطبیقی که زمینه و راه پژوهش در این موضوع را فراهم و هموار کردند، سپاسگزاری میکنند. همچنین از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم در تدوین رساله دکتری خانم عاطفه سلطان مرادی که این پژوهش با حمایت علمی ایشان انجام شد، تقدیر و تشکر می‌نمایند.

منابع

قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

ابن‌اثیر، عزالدین (۱۳۷۴). *تاریخ کامل*. مترجم: روحانی، سید محمدحسین. تهران: اساطیر.

اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۴۶). *جام جهان‌بین*. تهران: کتابخانه ایرانمهر.

اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۶). *زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه*. تهران: نشر آثار.

اقبالی، ابراهیم.، قمری گیوی، حسین.، و مرادی، محمد (۱۳۸۶). تحلیل داستان سیاوش برپایه نظریات یونگ. *نشریه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۵(۸)، ۶۹- ۸۵.

آیندلو، سجاد (۱۳۸۴). فرضیه‌ای درباره مادر سیاوش. *نشریه نامه فرهنگستان*، ۳(۷)، ۲۷- ۴۶.

بازیگر، نسرین (۱۳۹۴). دو فرضیه درباره داستان سیاوش (باتوجه به نظر شاهنامه‌پژوهان ایرانی، تاجیک، روس و اروپایی). *نشریه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*، ۱۱(۳۹)، ۱۱- ۴۸.

بگلی، فیل (۱۳۸۵). چگونه *مذاکره کنیم*. مترجم: افتخاری، رضا.، و انورخواه، شهرزاد. مشهد: بامشاد.

بهار، مهرداد (۱۳۶۲). *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: توس.

بهار، مهرداد (۱۳۷۶). *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: چشمه.

بیرانوند، یوسفعلی.، صحرایی، قاسم.، حیدری، علی.، و حسنی جلیلیان، محمدرضا (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی شخصیت‌ها و کارکردهای آنها در داستان‌های سیاوش و رامایانا. *نشریه زبان و ادب فارسی* (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)، ۶۹(۲۳۴)، ۱- ۱۵.

پانی‌پتی، ملامسیح (۲۰۰۹). *رامایانا* (نسخه منظوم). مصحح: ضیایی، سید عبدالحمید.، و جعفری، سیدمحمد یونس. دهلی نو: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.

جواری، محمدحسین (۱۳۸۳). *اسطوره و ادبیات* (مجموعه مقالات). تهران: سمت.

حافظ شیرازی، شمسالدین محمد (۱۳۹۹). *دیوان اشعار*. مصحح: قزوینی، محمد.، و غنی، قاسم. تهران: اساطیر.

حمیدیان، سعید (۱۳۷۲). *درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی*. تهران: مرکز.

خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۶). *سخن‌های دیرینه*. به‌کوشش: دهباشی، علی. تهران: افکار.

خسروی، اشرف.، و طغیانی، اسحاق (۱۳۸۹). تحلیل روان‌کاوانه شخصیت سودابه و رودابه (یگانه‌های دوسویه شاهنامه). *نشریه کاوش‌نامه*، ۲۱(۱۱)، ۹- ۳۷.

داراشکوه، محمد (۱۳۴۰). *سراکبر* (اوپانیشاد). مصحح: تاراچند. مترجم: جلالی‌نایینی، سیدمحمدرضا. تهران: تابان.

دورانت، ویل (۱۳۸۴). *تاریخ تمدن*. مترجم: آرام، احمد. تهران: علمی و فرهنگی.
روزبه، محمدرضا.، و ایازی، فریبا (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی الگوهای عشق ممنوع. *نشریه کاوش نامه*، ۱۴(۲۶)، ۱۷۵- ۲۰۲.
سرامی، قدمعلی (۱۳۷۳). *از رنگ گل تا رنج خار*. تهران: علمی فرهنگی.
سرکاراتی، بهمن (۱۳۹۳). *سایه های شکار شده*. تهران: طهوری.
سنچولی، احمد (۱۳۹۴). بررسی ساختار غنایی-حماسی زال و رودابه. *نشریه پژوهش‌نامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، ۲(۱۳)، ۱۸۹- ۲۱۰.
شاتوک، سیبل (۱۳۸۸). *آیین هندو*. مترجم: بدیعی، محمدرضا. تهران: امیرکبیر.
شهباز، حسن (۱۳۸۸). *سیری در بزرگ‌ترین کتاب‌های جهان*. تهران: علمی و فرهنگی.
شیخ‌حسینی، زینب.، و خلیلی جهان‌تیغ، مریم (۱۳۹۳). تحلیل ساختار داستان سیاوش و دو داستان رام چندر و سدنوا در هند. *نشریه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان*، ۲۱(۶)، ۷۹- ۹۸.
طالشی، یدالله (۱۳۹۵). *زمینه های تطبیقی در حماسه های بزرگ جهان*. تهران: ماه باران.
علوی‌مقدم، مهیار.، و صادقی‌منش، علی (۱۳۹۴). گذار فرامن قوم ایرانی از احکام غریزه‌محور شاه در داستان سیاوش (بررسی داستان سیاوش باتکیه بر دیدگاه ادبی-روان‌کاوانه فروید). *نشریه شعرپژوهی*، ۴(۷)، ۹۷- ۱۱۶.
غنیمی هلال، محمد (۱۳۷۳). *ادبیات تطبیقی*. مترجم: آیت اللهزاده شیرازی، سید مرتضی. تهران: امیرکبیر.
فاضلی، فیروز.، و کنعانی، سیاوش (۱۳۸۹). شخصیتی آیینی و رازناک در شاهنامه. *نشریه پژوهش‌نامه زبان وادب فارسی* (گوهر گویا)، ۱(۴)، ۹۳- ۱۰۸.
فتاحی دولت‌آبادی، نیلوفر (۱۳۹۰). *سیاوش در اسطوره و ادبیات*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه کاشان.
فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *شاهنامه*. به‌کوشش: خالقی‌مطلق، جلال. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۱). *شاهنامه (براساس نسخه مسکو)*. قم: عطش.
فروید، زیگموند (۱۳۸۳). شرحی کوتاه درباره روان‌کاوی. مترجم: پاینده، حسین. *فصلنامه ارغنون*، ۱(۲۱).
فروید، زیگموند (۱۳۸۷). *موسی و یکتاپرستی*. مترجم: رهبری، هورا. تهران: فرهنگ صبا.
قبادی فومشی، الهه (۱۳۹۱). *مقایسه تطبیقی حماسه رامایانا و داستان سیاوش از شاهنامه فردوسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۶۶). سهراب و سیاوش: (گومیچشن) و (ویچارشن)؛ گزارشی از داستان‌های شاهنامه بر بنیاد روان‌شناسی اسطوره. *نشریه چیستا*، ۶(۴۵ و ۴۶)، ۴۶۳- ۴۷۱.
کویاجی کوورجی، جهانگیر (۱۳۵۳). *آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان*. مترجم: دوست‌خواه، جلیل. تهران: فرانکلین.
کویاجی کوورجی، جهانگیر (۱۳۸۰). *بن‌یادهای اسطوره و حماسه ایران*. مترجم: دوست‌خواه، جلیل. تهران: آگه.
مافی‌تبار، آمنه (۱۳۸۹). *بررسی تطبیقی آیین‌های اساطیری داوری ایزدی در ایران و هند*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هنر.
محبتی، مهدی (۱۳۷۹). *سیمرغ در جستجوی قاف*. تهران: سخن.
محمودیان راوی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۲). *بررسی تطبیقی عناصر روایی قصه حضرت یوسف* ﷺ *در قرآن و سیاوش در شاهنامه*. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
مسکوب، شاهرخ (۱۳۵۱). *سوگ سیاوش*. تهران: خوارزمی.
میکی، وال. داس. تلسی (۱۳۷۹). *رامایانا، کهن‌ترین متن حماسی عاشقانه هند*. مترجمان: امر سنکهه، امر پرکاش. تهران: الست فردا.
نحوی، اکبر.، و امینی، علی (۱۳۹۲). سیاوش و سودابه؛ بررسی تطبیقی موارد مشابه در اساطیر و ادبیات ملل. *نشریه شعرپژوهی* (بوستان ادب)، ۱(۵)، ۱۳۹- ۱۶۶.
واشقانی فراهانی، ابراهیم.، و حسنوند، اشرف (۱۳۹۳). *بررسی تطبیقی داستان سیاوش براساس روان‌شناسی یونگ*. دومین همایش ملی ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی. تهران.
هال، کالوین اس.، و نوردبای، ورنون جی (۱۳۷۵). *مبانی روان‌شناسی تحلیلی یونگ*. مترجم: مقبل، محمدحسین. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
الیاده، میرچا (۱۳۶۲). *چشم‌اندازهای اسطوره*. مترجم: ستاری، جلال. تهران: توس.
یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۳). *روان‌شناسی ضمیر ناخودآگاه*. مترجم: امیری، محمدعلی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
یونگ، کارل گوستاو (۱۳۹۳). *انسان و سمبل‌هایش*. مترجم: سلطانیه، محمود. تهران: جامی.

The Islamic Journal of Women and the Family
Quarterly Journal
13st Year / no.39 / Summer 2025
ISSN: 4085-2538
EISSN: 6190-2717
Proprietor: Al-Mustafa International University
Published: BintulHoda Higher Education Complex
Chief Director: Seyed Amirreza Tahaee
Editor-in-Chief: Ali Naqi Faqihi

Members ofthe Editorial Board (in alphabetical order)
Hamid Parsania / Associate Professor of Philosophy, Faculty Member of University of Qom
Masoud Janbozorgi, Professor of Psychology, Faculty Member of Research Institute of Hawzah and University
Farah Ramin / Professor of Philosophy and Islamic Theology, Faculty Member of University of Qom
Adel Sarikhani, Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty Member of University of Qom
Mohammad Mahdi Safouraei Parizi, Associate Professor of Educational Psychology, Faculty Member of Al-Mustafa International University
Jamileh Alamolhoda, Associate Professor of Educational Sciences and Psychology, Faculty Member of Shahid Beheshti University
Mohammad Faker Meibodi, Professor of Quranic Interpretation and Sciences, Faculty Member of Al-Mustafa International University
Ali Naghi Faghihi, Associate Professor of Educational Psychology, Faculty Member of University of Qom
Hussein Ghamari Givi, Professor of Counseling, Faculty Member of University of Mohaghegh Ardabili
Mohammad Mahdi Gorjian Arabi, Professor of Islamic Mysticism and Quranic Sciences, Faculty Member of Baqir al-Olum University
Mohsen Malek Afzali, Professor of Jurisprudence and Principles of Law, Faculty Member of Al-Mustafa International University
Mohammad Narimani, Professor of Psychology, Faculty Member of University of Mohaghegh Ardabili

---

Director Editor: Sara Shafe'i
Editor: Zahra Shafe'i
Journal expert: Atiyeh Moradi
Translators of Abstracts: Kamal BarzegarBafroie
Technical Advisor & Layout: Sahar Printing & Graphic House
"The Islamic Journal of Women and the Family" is accessible online on the following websites:

1. Islamic World Science Citation Center(ISC)	www.isc.gov.ir
2. Noor Journals Website	www.noormags.ir
3. Iran Magazine Data Bank	www.magiran.com
4. Scintific Information Database	www.SID.ir
The Journal Webpage	http://pzk.journals.miu.ac.ir

Email: iswf.mags@miu.ac.ir

Address: Bent al-Hoda University, The Beginning of Imamat Boulevard, Pardisan, Qom
Office Telephone: 00982537183184 Postal code: 64462-37166